
تفسیر قرآن مهر
نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران
ویژه جوانان
جلد ۱۸

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ –عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳– مشخصات ظاهری : ج. شابک : ۴۸۰۰۰ ریال ج.۱۸ یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم، ۱۳۸۸. یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج.۱۸. سوره‌های زمر، غافر، فصلت، شوری و زخرف عنوان روی جلد : تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیةاللّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حجج‌اسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیةاللّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷ بسم اللّه الرحمن الرحیم وصلی اللّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند. درآمد: قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده

است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸ قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه نـدارد، «۱» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۲» ولی با گـذشت چهارده قرن، هنوز کسـی نتوانسـته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصـاحت و بلاـغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌هـا پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصـصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شـرایطی اسـت و با رشـد خرد انسانی و پیشـرفت دانش‌های بشـری، در هر عصـر توضیـح‌ها و تفسـیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتوانـد پیام مناسب خویش را دریابـد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصـر خود تطبق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۳» نوشتاری که در پیش رو داریـد می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصـر ما بتواننـد از آن بهتر بهره ببرنـد. تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۹ این کتـاب هم‌چون تفاسـیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خـدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السـلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السـلام و مورد اسـتفاده‌ی جـامعه‌ی اسـلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوسـتان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسـیر ما را از ارشادهـای خـود بهره‌منـد سازنـد، تـا اشـکالات آن برطرف و بـه کمـال نزدیـک‌تر گردد. در پایـان لاـزم اسـت از همه‌ی اسـتادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردنـد تشـکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسـر سترگ حضـرت آیـهٔ اللَّه محمـدهادی معرفت رحمه الله که مشوق مـا و نـاظرعلمی این اثر بودنـد و مرحوم اسـتاد شـهید غلاـمعلی همائی که یار فـداکار ما در این تفسـیر و ترجمه بودنـد و نیز فضـلای محترم، حجـج اسـلام حسـین شـیرافکن، محمد امینی، محسن اسـماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمـدرضا احمدی، نصـرت اللَّه نیکزاد و محمد جواد شـریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشـی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰ قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوسـتان نهاد مقام معظم رهبری در دانشـگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسـلام والمسـلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمـد رضـایی، اکبر جعفری و یـداللَّه رضانژاد سـپاس گزاریـم. خداونـد قرآن به آنان جزای نیک عطا فرمایـد. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۳۰/ ۱۰/ ۱۳۸۷ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱

بخش اول: سوره‌ی زُمَر

اشاره

خداباوری دادگاه عدل الهی در رسـتاخیز تأثیر نیرومند قرآن بر قلب انسان شب زنده‌داری و عبادت تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳

اول: سیمای سوره‌ی زمر

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

شمارگان

سوره‌ی زُمر که در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده است، دارای ۷۵ آیه و ۱۱۹۲ واژه و ۴۷۰۸ حرف است.

نزول

زُمَر پنجاه و هشتمین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی سبأ و قبل از سوره‌ی مؤمن) و در دوران اخیر زندگی مسلمانان در مکه، یعنی پس از معراج و قبل از هجرت فرود آمده اما در چینش کنونی قرآن سی و نهمین سوره است.

نام ها

نام‌های این سوره عبارت‌انداز: «زُمَر» و «غُرَف». سبب نام‌گذاری این سوره به «زمر» (فوج و گروه) تکرار این واژه در آیات ۷۱ و ۷۳ است و از آن رو «غُرَف» (اتاق و کاخ) نامیده شده که این واژه در آیه‌ی ۲۰ این سوره تکرار شده است. در مورد فضیلت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که هرکس سوره‌ی زُمَر را قرائت کند، خدا امیدش را از رحمت خود قطع نخواهد کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴ تذکر: روشن است که آثار سوره‌های قرآن بستگی به قرائت و تدبّر و تفکّر در آنها و عمل به محتوای آنها دارد.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. دعوت به توحید؛ ۲. یادآوری رستاخیز و خصوصیات آن.

مطالب

مطالب مهمی که در این سوره به چشم می‌خورد عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. سفارش به توحید در همه‌ی ابعاد و اقسامش، مثل توحید افعالی، توحید عبادی و نفی شرک (در آیات ۳- ۴ و ۳۸)؛ ۲. یادآوری معاد یا دادگاه بزرگ عدالت خدا و تذکر ثواب وجزاء و بهشت و دوزخ (در آیه‌ی ۲۰). ب) اخلاق: ۱. ترغیب به شب‌زنده‌داری با عبادت (در آیه‌ی ۹)؛ ۲. دعوت به خودنگه‌داری و پارسایی (در آیه‌ی ۱۰). ج) احکام: دستور به پیامبر در مورد پرستش خدا با اخلاص (در آیه‌ی ۱۱). د) داستان‌ها: در این سوره به سرنوشت کافران پیشین اشاره شده است (در آیات ۲۵- ۲۶). ه) مطالب فرعی سوره عبارت‌اند از: ۱. آشکار شدن نتایج اعمال در قیامت و ترس از آن؛ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۵ ۲. سیاه شدن دروغ‌گویان و کسانی که برخدا افترا بستند (در آیه‌ی ۶۰)؛ ۳. بیان اهمیت قرآن و تأثیر نیرومند آن در قلب‌ها (در آیات ۱- ۲ و ۲۳)؛ ۴. یادآوری توبه و بازگشت به سوی خدا (در آیات ۱۷ و ۵۳)؛ ۵. یادآوری آفرینش انسان‌ها از یک نفس (در آیه‌ی ۶)؛ ۶. بیان شرح صدر (در آیه‌ی ۳۲)؛ ۷. بشارت به کسانی که سخنان را می‌شنوند و بهترین آنها را تبعیت می‌کنند (در آیه‌ی ۱۸)؛ ۸. خبر از فوت حتمی پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۳۱)؛ ۹. بیان این که خواب نوعی مرگ است و روح در آن حالت گرفته می‌شود (در آیه‌ی ۴۲)؛ ۱۰. سخن از دو نفخ صور (در آیه‌ی ۶۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۷

دوم: محتوای سوره‌ی زمر

قرآن جلوه‌ای از عزت و حکمت الهی

خداونـد متعال در آیات اول و دوم سوره‌ی زُمر با معرفی قرآن، به عبادت خالصانه فرا می‌خوانـد و می‌فرمایـد: ۱ و ۲. تَنْزِیلُ الْکِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ* إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَیْکَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّینَ فروفرستادن کتاب (قرآن)، از جانب خدای شکست‌ناپذیر فرزانه است. در حقیقت، ما این کتاب را به حق به سوی تو فروفرستادیم؛ پس خدا را در حالی که دین خود را برای او خالص کرده‌ای، پرستش کن. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات نویسنده و نازل کننده و مؤلف قرآن معرفی شده است که همان خدای نیرومند و فرزانه است؛ یعنی این آیات سخنان غیر خدا نیست بلکه از خدای حکیم و توانا است که سخنانش والا و حکیمانه است. ۲. در این آیات بیان شده که محتوای قرآن حق است؛ یعنی مطالب آن مطابق واقعیت هستی و حقیقت فطرت انسان است و براساس حکمت فرو فرستاده شده است؛ از این رو تشنه‌کامان وادی حقیقت به دنبال آن هستند. ۳. نزول کتاب حقِّ قرآن از طرف خدایی توانا و فرزانه، مستلزم پرستش خالصانه‌ی خدا و خالص کردن دین برای اوست؛ چون این کتاب حق است و دین خالص را به انسان هدیه می‌کند. ۴. مقصود از «دین» در این آیه، یا مجموعه‌ی حیات معنوی و مادی انسان است؛ یعنی تمام شئون زندگی خود را برای خداخالص کن و برای او تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۸ سخن بگو و عمل کن و در راه رضای او گام بردار، که در این صورت مفاهیمی هم‌چون توحید، عبادت و اطاعت از مصادیق دین در این آیه است. «۱» و یا مقصود از دین مجموعه‌ی احکام، اخلاق و عقاید دینی است که باید خالص و برای خدا باشد. ۵. هر چند این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است و به او دستور عبادت خالصانه می‌دهد، اما در حقیقت همه‌ی انسان‌ها مقصود آیه هستند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی است که فرو فرستنده‌ای فرزانه و محتوایی حق دارد. ۲. خدا را با دینی خالص پرستش کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی زمر با معرفی دین خالص، به انگیزه‌ی پرستش غیر خدا اشاره می‌کند و با هشدار به دروغ‌گویان ناسپاس می‌فرماید: ۳. أَلَا لِلَّهِ الدِّینُ الْخَالِصُ وَالَّذِینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِیُقَرِّبُونَا إِلَی اللَّهِ زُلْفَی إِنَّ اللَّهَ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ فِی مَا هُمْ فِیهِ یَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی مَنْ هُوَ کَاذِبٌ کَفَّارٌ آگاه باشید که دین خالص فقط از آن خداست، و کسانی که جز او سرپرستانی برمی‌گزینند، (و می‌گویند:) «آنان را نمی‌پرستیم مگر به خاطر این‌که ما را به خدا کاملًا نزدیک سازند.»، در حقیقت، خدا بین آنان در مورد آنچه در باره‌ی آن اختلاف می‌کنند داوری می‌کند؛ در واقع، خدا کسی را که وی دروغ‌گو و بسیار ناسپاس است راه‌نمایی نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد این جمله که می‌فرماید: «دین خالص فقط از آن خداست.» دو تفسیر شده است: نخست آن که خدا تنها دین خالص و تسلیم مطلق شدن در برابر او را می‌پذیرد و هرگونه شرک و ریا واختلاط مردود است. دوم آن که دین خالص را تنها باید از خداگرفت و هر آیینی که غیر خدا ارائه کند نارساست. «۱» البته مانعی ندارد که هردو معنا مقصود آیه باشد. ۲. در احادیث اسلامی بر اخلاص در کارها تأکید شده است و حتی روایت شده که خدا فقط کار خالصانه را می‌پذیرد. «۲» ۳. در این آیه به یکی از عوامل و سرچشمه‌های شرک و بت‌پرستی اشاره شده است؛ یعنی برخی افراد خدا را بالاتر از آن می‌دانند که مستقیماً مورد پرستش قرار گیرد و از این رو معبودان واسطه‌ای هم‌چون فرشتگان و جنیان را می‌پرستند تا این معبودان آنان را به خدا نزدیک سازند. این‌گونه افراد کم کم برای معبودان خود سمبل و مجسمه‌هایی می‌سازند که بعداً به عنوان بت مورد پرستش قرار می‌گیرند و معبودان، اربابان و شریکان خدا می‌شوند. ۴. قرآن کریم برتوحید و دین خالص تأکید می‌کند وانسان می‌تواند مستقیماً با خدا راز و نیاز کند و نیازی به پرستش واسطه‌ای ندارد و هرگونه پرستش غیر خدا شرک است و حتی مسأله‌ی شفاعت و توسّل به اولیای الهی باید براساس رخصت الهی باشد نه به معنای پرستش آنها. ۵. خدا افراد دروغ‌گو و ناسپاس را هدایت نمی‌کند، چراکه این‌گونه افراد با دروغ‌گویی و ناسپاسی زمینه‌های هدایت را در خود از بین برده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰ آری نور هدایت الهی بر همه‌ی انسان‌ها می‌تابد اما برخی افراد دریچه‌ی قلب خود را به روی آن نور می‌بندند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دین خالص خدا را با شرک آلوده نسازید. ۲. برخی مشرکان، به دروغ انگیزه‌ی شرک خود را نزدیکی به خدا مطرح می‌کنند. ۳. مشرکان منتظر داوری خدا باشند. ۴. دروغ‌گویی و ناسپاسی زمینه‌های هدایت انسان را از بین می‌برد. *** قرآن

کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی زمر به بی‌نیازی خدا از فرزند داشتن اشاره می کند و می‌فرماید: ۴. لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ یَتَّخِذَ وَلَداً لَاصْطَفَی مِمَّا یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الوَاحِدُ القَهَّارُ اگر (بر فرض) خدا می‌خواست فرزندی برگزیند، حتماً از آنچه می‌آفریند، آنچه را می‌خواست برمی‌گزید؛ او منزّه است (از این‌که فرزندی داشته باشد)! او خدای یگانه‌ی چیره است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرزند داشتن یا برای یاری گرفتن از او در کارها و یا برای ادامه‌ی نسل و یا برای انس روحی با اوست، ولی خدا توانا و ازلی و ابدی است و احساس تنهایی نمی‌کند تا نیازی به یاری کسی یا ادامه‌ی نسل و یا انس با دیگران داشته باشد، پس او فرزندی نیاز ندارد. ۲. اگر برفرض محال خدا می‌خواست «۱» فرزندی برگزیند، از میان تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱ مخلوقات شریف خود کسی را برمی‌گزید که این هدف را تأمین کند، ولی او پاک و منزّه است و عیب و نقص و کمبودی ندارد تا نیازمند فرزندی باشد؛ پس فرزندی نخواهد گزید و این مطالبی که مشرکان به خدا نسبت می‌دهند و فرشتگان یا عیسی علیه السلام را فرزندان خدا می‌پندارند، خرافه‌ای بیش نیست. ۳. فرزند داشتن خدا مستلزم جسم بودن و تجزیه‌پذیری اوست که فرزند از بدن او جداگردد و لازمه‌ی فرزند داشتن، شبیه و نظیر داشتن و نیازمندی به همسر است و خدا از همه‌ی این امور پاک است؛ چراکه او یگانه و چیره بر همه چیز است که با این نیازها ناسازگار است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دست خدا در انتخاب فرزند باز است اما او نیازی به فرزند ندارد. ۲. فرزند داشتن خدا با توحید و حاکمیت خدا بر همه چیز ناسازگار است. ۳. خدا را از هر عیب و نقص و نیاز به فرزند پاک بدانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی زمر به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان و زمین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵. خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ بِالحَقِّ یُکَوِّرُ اللَّیْلَ عَلَی النَّهَارِ وَیُکَوِّرُ النَّهَارَ عَلَی اللَّیْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لأَجَلٍ مُسَمّیً ألا هُوَ العَزِیزُ الغَفَّارُ آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؛ شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب می‌پیچد؛ و خورشید و ماه را مسخّر کرد، که هرکدام تا سرآمد معیّنی روان‌اند؛ آگاه باشید که او شکست‌ناپذیر بسیار آمرزنده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «حق» به معنای مطابقت و موافقت است و گاهی به چیزی که تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۲ مطابق حکمت آفریده شده، یا اندازه و خصوصیات آن صحیح است، حق گفته می‌شود؛ «۱» از این رو آسمان‌ها و زمین حق‌اند، چون اندازه و ویژگی‌های آنها صحیح و براساس حکمت است. ۲. اگر کسی از دور به کره‌ی زمین نگاه کند، می‌بیند که در اثر گردش وضعی زمین به دور خود، هر طرفش به نوبت در معرض نورخورشید قرار می‌گیرد و شب و روز همچون دو نوار سیاه و سفید هستند که به طور منظم از یک طرف نوار سیاه شب بر روشنایی روز می‌پیچد و نوار سفید روز برتاریکی شب می‌پیچد. البته با توجه به این که «یُکَوِّرُ» به معنای پیچیدن، همچون پیچش دورانی دستار به دورسر است و با توجه به حرکت دورانی زمین به دور خود، در این جا این واژه معنای جالبی پیدا می‌کند. «۲» ۳. مقصود از تسخیر ماه و خورشید آن است که یا آنها تابع قوانین آفرینش هستند و یا این که منافع آنها در خدمت بشر است. البته مانعی ندارد که هردو معنا مقصود آیه باشد. ۴. خورشید و ماه برای مدت معینی در مسیر خود شناورند و به حرکت ادامه می‌دهند؛ یعنی سرآمد معینی دارند و جاویدان نیستند. آری؛ خورشید ذخایر انرژی‌اش روزی به پایان می‌رسد و خاموش می‌شود و سیارات (همچون زمین) و قمرهای آنها (همچون ماه) که به دور همدیگر می‌چرخند، از حرکت معمولی خود بازمی‌مانند. ۵. در این آیه به دو صفت خدا، یعنی نیرومند شکست‌ناپذیر و بسیار آمرزنده بودن خدا اشاره شده است. آری؛ از طرفی، به خاطر قدرت و عزّت خدا، هیچ گناهکاری نمی‌تواند از دست مجازات او فرار کند و از طرف دیگر، به خاطر آمرزشگری او گناهکاران تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳ امید آن دارند که مورد لطف وی قرارگیرند و گناهانشان آمرزیده شود. «۱» توجه به این دو صفت خدا انسان را در بین امید و ترس نگه می‌دارد و او را به تعادل می‌رساند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در نظام آفرینش جهان و حرکت شب و روز و خورشید و ماه، خدا را بهتر بشناسید. ۲. آسمان‌ها و زمین به حق و براساس حکمت آفریده شده‌اند. ۳. عمر خورشید و ماه روزی به سرخواهد آمد و حرکت آنها جاویدان نیست. ۴. به قدرت شکست ناپذیر خدا توجه کنید و به آمرزشگری او امید داشته باشید. ***

همه‌ی شما را از یک تن آفرید

قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی زمر به نشانه‌های خدا در مراحل آفرینش انسان و تنوّع دام‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ امَّهَاتِكُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلاثٍ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لا إِلَهَ إِلَّاهُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ شما را از یک شخص آفرید، سپس از او همسرش را آفرید و برای شما هشت زوج از دام‌ها (پدید آورد و) فرو فرستاد. شما را در شکم‌های مادرانتان آفرید؛ آفرینشی بعد از آفرینش، در میان تاریکی‌های (لایه‌های) سه گانه. این خدا، پروردگار شماست؛ فرمان‌روایی تنها از آن اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه (از حق) روی گردانیده می‌شوید؟! تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد آفرینش انسان‌ها از «نَفْس واحدهٔ» دو احتمال مطرح است: الف) آفرینش انسان از واحدِ نوعی، یعنی جنس مذکر مراد باشد. ب) آفرینش انسان از فرد شخصی، یعنی پدر انسان‌های امروزی مقصود باشد که از او با نام «آدم» یاد می‌کنیم. مفسران قرآن با توجه به ظاهر آیه احتمال اول را بعید می‌دانند. «۱» ۲. در مورد آفرینش «حواء» از آدم، نیز دو احتمال مطرح شده است: الف) همسر آدم از جنس او، یعنی جنس بشر آفریده شده است و این مطلبی است که از برخی آیات دیگر قرآن نیز قابل برداشت است که می‌فرماید: «خدا همسران شما را از (جنس) شما قرار داد. «۲»» ب) همسر آدم از بدن او، یعنی از یکی از دنده‌های چپ آدم آفریده شده است؛ این مطلبی است که در تورات آمده «۳» و در برخی از روایات غیرمعتبر نیز بدان اشاره شده «۴» ولی در احادیثی از امام باقر وامام صادق علیهما السلام این مطلب شدیداً تکذیب شده است. «۵» ۳. مقصود از هشت زوج، از دام‌ها در این آیه، همان نر و ماده‌ی گوسفند، بز، شتر، و گاو هستند و واژه‌ی زوج به هریک از دو جنس نر و ماده‌ی حیوانات گفته می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵ ۴. درباره‌ی «انزال» و فروفرستادن چهارپایان چند تفسیر شده است: الف) مقصود فرستادن از مکان بالا به پایین نیست، بلکه منظور نزول مقامی است؛ یعنی نعمتی از مقام برتر به مقام پایین‌تر داده شده است. ب) مقصود همان «نُزُل» یعنی نخستین چیزی است که به وسیله‌ی آن از مهمان پذیرایی می‌کنند. ج) مقصود آن است که مقدمات پرورش حیوانات از آب باران و نور خورشید فراهم شده که از بالا به زمین می‌آید. د) و برخی دیگر از مفسران گفته‌اند که منظور آن است که موجودات، نخست در خزانه‌ی علم و قدرت پروردگار در عالم غیب بوده‌اند، سپس به مقام شهود و ظهور رسیده‌اند. ه) در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که مقصود از انزال چهارپایان، همان آفرینش آنهاست. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی معانی مقصود آیه باشد. «۲» ۵. چهارپایان نقش مهمی در زندگی انسان دارند. از گوشت و شیر آنها تغذیه، و از پشم و پوست آنها لباس و انواع وسایل را تهیه می‌کنیم و گاهی از آنان برای حمل بار استفاده می‌کنیم. ۶. در این آیه به مراحل آفرینش‌های مکرر انسان در رحم مادر و به صورت مستمر اشاره شده است که چهره‌های متفاوت جنین و تحوّلات عجیب آن، علم جنین‌شناسی را تشکیل می‌دهد که مطالعه در آنها خداشناسی انسان را کامل می‌کند. ۷. مقصود از ظلمت‌ها و تاریکی‌های سه گانه، چیست؟ مفسران در این مورد چند احتمال داده‌اند: تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶ الف) منظور ظلمت شکم مادر، رحم و مشیمه (یعنی کیسه‌ی مخصوص جنین) است. این مطلب از امام باقر علیه السلام و ابن عباس روایت شده است. «۱» ب) منظور از ظلمت‌های سه‌گانه، گوشت و پوست و خون باشد که امام حسین علیه السلام در دعای عرفه به این مطلب اشاره کرده است. «۲» ج) منظور همان سه پرده‌ی آمینون، کورین و کیسه‌ی زرد است که جنین در داخل آنهاست. «۳» د) مقصود ظلمت بیضه، تخمدان و رحم است. «۴» ه) مقصود ظلمت پشت پدر، رحم و مشیمه است. «۵» و) مقصود تاریکی شب، رحم و شکم باشد. «۶» البته سه احتمال اخیر دلیلی ندارد و مخالف ظاهر آیه است؛ چرا که آیه از ظلمت‌های درون شکم سخن می‌گوید و احتمال سوم نیز قرینه‌ی قطعی ندارد. پس احتمال اول و دوم مناسب‌تر است و شاید قابل جمع نیز باشد. «۷» ۸. در این آیه به خالقیت، پروردگاری و فرمان‌روایی و توحید خدا اشاره شده است و با بیان این سه مطلب به منحرفان

هشـدار می‌دهد که اگر آفریدگار، پروردگار، حاکم وخدای یگانه‌ی شـما، اللَّه است، پس شـما چگونه غافل شده و به کجا منحرف می‌شوید و به دنبال شـرک می‌روید؟ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی انسان‌ها از یک نژاد هستند (پس خـالق خود را بشناسـید و نژادپرسـتی نکنیـد). ۲. بـا مطـالعه در مراحـل آفرینش خود و دام‌ها خداشـناس‌تر شویـد. ۳. بـا وجود نشانه‌های خـدا و معرفی صـفات او، دیگر جای انحراف نیست. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی زُمر به موضع گیری خدا در مورد سـپاس گزاری و ناسپاسـی انسان‌ها و مسئولیت هرکس در برابر اعمال خویش اشاره می کند و می‌فرماید: ۷. إنْ تَكْفُرُوا فَإنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الكُفْرَ وَإنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اخْرَى ثُمَّ إلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ اگر ناسپاسی کنید، پس در واقع خدا از شـما بی‌نیاز است و ناسپاسـی را برای بندگانش نمی پسـندد؛ و اگر سپاس گزاری کنید، آن را برای شما می پسندد. و هیچ بار برداری بار سنگین (گناه) دیگری را برنمی‌دارد؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی پروردگارتان است و شـما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر می‌سازد؛ [چرا] که او به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بیان شده که سـپاس گزاری و ناسپاسـی انسان‌ها به خدا زیان نمی‌زند؛ چون او توانگری بی‌نیاز است و محتاج سپـاس گزاری انسان‌ها نیست. پس سـپاس گزاری انسان موجب رشـد نعمت‌ها و کمال، و ناسپاسـی او نیز موجب سـقوط خود او و از دست دادن نعمت‌ها می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۸ ۲. این آیه پاسخی به طرف‌داران مکتب جبر است. در این آیه بیان شده که خدا کفر و ناسپاسـی انسان‌ها را نمی‌پسندد و این مطلب را از طریق پیامبران و فطرت و اعطای عقل روشن ساخته است، ولی انسان‌ها با اراده و اختیار خود کژراهه را انتخاب می کننـد و کسـی آنان را مجبور نمی کنـد. ۳. مسئولیت هرکس در برابر اعمال خویش از اصول مسلّم ادیان آسمانی است و عقل هم آن را تأیید می کند. البته گاهی ممکن است کسی شریک جرم دیگری باشد، مثلًا در مقدمات یا اصل عمل دخالت داشـته باشد، یا روش و سنّت غلطی را پایه‌گذاری کند که دیگران بدان عمل کنند که در این صورت گناه عمل برای هر دو است. «۱» ۴. سپاس گزاری مراتب و مراحلی دارد، که شامل سپاس گزاری لفظی و عملی می‌شود، ولی حقیقت سـپاس گزاری آن است که انسـان هر نعمـتی را در جـای خود و به انـدازه مصـرف کنـد. ۵. «ذاتُ الصُّـدور» به معنـای درون سینه‌هاست و کنایه از اسرار درون ذهن و دل انسان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سپاس گزاری و ناسپاسی شما برای خدا سود و زیانی ندارد (بلکه نتیجه‌ی آن به خود شـما می‌رسد). ۲. سـپاس گزاری کنید که خدا روحیه‌ی سـپاس گزاری را دوست دارد (چون موجب سعـادت انسان می‌شود). ۳. هرکس مسـئول اعمـال خویش است (پس مراقب کردار خود باشـید). ۴. رسـتاخیز روز افشاگری اعمال است (پس برای آن روز آماده شوید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹ قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی زُمر به تغییر حالات انسان در مشـکلات و خوشـی‌ها اشاره می کنـد و با هشدار به او می‌فرماید: ۸. وَإذَا مَسَّ الإنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيباً إلَيْهِ ثُمَّ إذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أ نْدَاداً لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إنَّكَ مِنْ أصْحَابِ النَّارِ و هنگامی که انسان را زیان (و رنـج) ی رسد، پروردگارش را می‌خواند، در حالی که بازگشت کننده به سوی اوست؛ سـپس هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آنچه را به خاطر آن قبلًا (خدا را) می‌خواند، فراموش می کند و برای خدا همانندهایی (معبودگونه) قرار می‌دهـد تا (مردم را) از راه او گمراه سازد؛ بگو: «انـدکی از کفر خویش بهره‌منـد باش، که در حقیقت، تو از همراهان آتشـی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از انسان در این آیه، انسان‌های تربیت نایافته در مکتب پیامبران هستند که در برابر حوادث رنگ عوض می کننـد، ولی انسان‌های الهی در کام‌یابی‌ها و ناکامی‌ها، همواره به یاد خدا هسـتند و دست از دامن لطف او بر نمی‌دارند. ۲. برخی افراد در هنگام ناراحتی‌های جسـمی یا روحی پرده‌های غرور و غفلتشان کنار می‌رود و به درگاه خـدا روی می‌آورنـد، یعنی به طور فطری به طرف مبدأ هستی می‌روند که جایگاه اصلی آنان است. «۱» آری؛ این آیه بار دیگر رویکرد فطری انسان در مشکلات را به تصویر کشـیده است. ۳. انسان‌هـای کم‌ظرفیت هنگـامی که نعمتی به آنان عطا می‌شود و یا تفسـیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۴۰ بدان مفتخر می گردند، «۱» مشـکلات و دعاهای خود را فراموش می کنند «۲» و بار دیگر به سوی شـرک می‌روند و راه ناسپاسی در

پیش می‌گیرند. ۴. «انداد» به معنای مثل ومانند، درحقیقت گوهر چیزی است؛ یعنی مشرکان همتایانی برای خدا قرار می‌دهند و آنها را می‌پرستند و می‌پندارند که گوهر آنها همانند خداست، در حالی که این‌ها خیالات آنهاست که به جای واقعیت قرار داده‌اند. «۳» ۵. در این آیه بیان شده که مشرکان غافل، نه تنها خود گمراه‌اند، بلکه تلاش می‌کنند دیگران را نیز به گمراهی بکشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پروردگارتان را در هنگام سختی‌ها بشناسید (که پرده‌های غرور و غفلت از آیینه‌ی فطرت کنار می‌رود). ۲. انسان (تربیت نایافته) نسبت به پروردگارش بسی ناسپاس و فراموشکار است. ۳. پس از حلّ مشکلات خدا را فراموش نکنید. ۴. فراموشی نعمت‌های الهی، زمینه‌ساز شرک و گمراهی است. ۵. فرجام کافران ناسپاس، بهره‌ای اندک از دنیا و عذابی آتشین است. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی زمر، به مقایسه‌ی پرستشگران و دانشوران با گروه مقابل آنها می‌پردازد و می‌فرماید: ۹. أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آ نَاءَ اللَّيْلِ سَاجِداً وَقَائِماً يَحْذَرُ الآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اوْلُوا الأ لْبَابِ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۴۱ آیا (چنین کسی با ارزش است)، یا کسی که او شبانگاهان سجده‌کنان و ایستاده فرمانبرداری فروتن است؛ [و] از آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟! فقط خردمندان متذکّر می‌شوند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن گاهی سرنوشت دو گروه از انسان‌ها را به تصویر می‌کشد و با هم‌دیگر مقایسه می‌کند تا شنوندگان با شنیدن و مطالعه‌ی آن، راهِ صحیح را برگزینند و این یکی از روش‌های تربیتی قرآن است. ۲. در این آیه حالات انسان‌های مشرک، فراموشکار و گمراه کننده با انسان‌های پرستشگر و باصفا مقایسه شده است، انسان‌هایی که در دل شب بیدار می‌شوند و به راز و نیاز با خدای خویش می‌پردازند؛ آیا این دو گروه با هم برابرند؟! ۳. در این آیه بیان شده که انسان‌های پرستشگر، در حالت تعادل، یعنی بین بیم و امید هستند؛ از طرفی از عذاب آخرت هراس دارند و از طرف دیگر به رحمت الهی امیدوارند؛ نه در هنگام نعمت خود را از عذاب در امان می‌بینند و نه در هنگام مشکلات و بلاها ناامید می‌شوند و همین حالت بیم و امید آنان را متعادل و معتدل نگاه می‌دارد. ۴. تکیه برساعات شب برای عبادت «۱» به خاطر آن است که درآن ساعات حضور قلب بیش‌تری پیدا می‌شود و انسان از ریاکاری به دور است. ۵. در این آیه بیان شده که مردان الهی اطاعتی همراه با فروتنی دارند و در حال سجده و ایستاده در دل شب به عبادت می‌پردازند. شاید از آن جا که سجده مرحله‌ی بالاتری از عبادت است قبل از قیام آورده شده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۴۲ ۶. در برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام این آیه به نماز شب تفسیر شده است. «۱» البته این‌گونه احادیث مصداق روشن آیه را بیان می‌کند، و گرنه عبادت دردل شب محدود به نماز شب نمی‌شود. ۷. در این آیه به یک شعار اساسی اسلام اشاره شده است و آن این که: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟» روشن است که این دوگروه نه در نزد خدا و نه در نزد مردم و نه در دنیا و نه در آخرت و نه در ظاهر و نه در باطن برابر نیستند. ۸. تفاوت مراتب جاهلان و عالمان را انسان‌های خردمند و عالم متوجه می‌شوند؛ چراکه جاهلان ارزش علم را نمی‌دانند و در حقیقت هرمرحله از علم مقدمه‌ی مرحله‌ی دیگری است. ۹. در این آیه مطلق دانایان با نادانان مقایسه شده‌اند؛ پس مقصود آیه مطلق دانش است که شامل علوم رسمی و معرفت الهی می‌شود. البتّه علم حقیقی آن است که انسان را از خواب غفلت و غرور بیدار سازد و بر معرفت انسان نسبت به جهان و مبدأ هستی بیفزاید. «۲» ۱۰. اسلام و قرآن به علم و عالم اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و مقام دانشمندان را گرامی می‌دارند و در احادیث اسلامی نیز بر این مسئله تأکید شده است. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که زندگی جز برای دوکس فایده ندارد: دانشمندی که نظریات او اجرا تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۴۳ گردد و دانش‌جویی که گوش (به سخنان دانشمندان) می‌دهد. «۱» ۱۱. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که ما (اهل‌بیت) کسانی هستیم که می‌دانند و دشمنان ما کسانی هستند که نمی‌دانند و شیعیان ما خردمندان هستند (که متوجه این مطلب شوند.) «۲» البته این حدیث مصادیق آیه‌ی فوق را بیان می‌کند و عمومیت آیه را نفی نمی‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در دل شب، با بیم و امید، پرستشگر خدا باشید. ۲. پرستشگران متعادل را با مشرکان فراموشکار مقایسه کنید و

راه صحیح را انتخاب کنید. ۳. دانشمندان و جاهلان را با هم‌دیگر مقایسه کنید تا به ارزش علم و عالم پی ببرید. ۴. اهل علم، ارزش دانشمندان را متوجه می‌شوند. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۴۴

دانش و دانشمندان در قرآن و حدیث

الف) مقام دانش و دانشمندان: ۱. خدا به انسان خواندن و نوشتن آموخت (علق، ۱- ۵). ۲. خدا مقام دانشمندان را با درجاتی بالا برده است (مجادله، ۱۱). ۳. مقام دانشمندان با افرادی که نمی‌دانند برابر نیست (زمر، ۹). ۴. برتری آدم بر فرشتگان به خاطر علم او بود (بقره، ۳۱- ۳۲). ۵. «علم حیات (و زندگی بخش) است.» (امیرالمؤمنین علی علیه السلام). «۱» ۶. «دانشمندان وارثان پیامبران هستند.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ۷. «در رستاخیز، مرکب دانشمندان بر خون شهیدان ترجیح دارد. (امام صادق علیه السلام) «۳» ۸. «علم از عبادت برتر است.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۴» ۹. «نگاه کردن به صورت دانشمند عبادت است.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۵» ۱۰. «دانش بجوی اگر چه در چین باشد که دانش‌جویی بر هر مسلمانی واجب است.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) «۶». ب) کاربردهای دانش: ۱. بدون علم در مورد خدا سخن نگویید. (حج، ۳ و ۸ و لقمان، ۲۰). ۲. از چیزی که بدان علم نداری پیروی مکن (اسراء، ۳۶). ۳. علم و قدرت از لوازم رهبری است. (بقره، ۲). تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۴۵ ۴. به دنبال دانشمندان و معلّمان هدایتگر بروید (کهف، ۶۶). ۵. علم موجب (شناخت خدا و) ترس از او می‌شود (فاطر، ۲۸). ۶. علم قدرت فوق‌العاده می‌آورد (نمل، ۴۰). ۷. آموزش کتاب و حکمت (علوم نقلی و عقلی) به مردم (بقره، ۱۵۱ و ...). ۸. علم به قدرت الهی (و شناخت خدا و صفاتش) هدف آفرینش است (طلاق، ۱۲). ۹. «علم را برای مباهات به دانشمندان و بحث با نادانان و ریاکاری در مجالس و جلب نظر مردم نیاموزید.» (امیرالمؤمنین علی علیه السلام) «۱». تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۴۶ قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی زمر به سه برنامه‌ی اساسی بندگان خدا و پاداش شکیبایی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا ا تَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ بگو: «ای بندگان [من که ایمان آورده‌اید! خودتان را از [عذاب پروردگارتان حفظ کنید؛ برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند نیکی است؛ و زمین خدا وسیع است، فقط شکیبایان پاداششان را بی‌شمار [و بدون محاسبه به طور کامل دریافت می‌کنند.» شأن نزول: برخی مفسران برآن‌اند که این آیه در مورد نخستین هجرت مسلمانان به سرپرستی جعفر بن أبی‌طالب، به حبشه نازل شده است «۱» که با سختی‌ها و شکیبایی و پاداش فراوان همراه شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه خطوط اصلی برنامه‌ی بندگان خدا را تصویر کرده است که عبارت‌اند از: تقوا، نیکوکاری، هجرت و صبر ۲. تقوا همان خویشتن‌داری و حفظ خود از زیان روحی و جسمی است و کسی که با تقواست، دستورات خدا را رعایت و خود را از مجازات پروردگار حفظ می‌کند. ۳. در این آیه به نیکوکاری به طور مطلق اشاره شده که طرز تفکر، گفتار و عمل را شامل می‌شود. این نیکی‌ها عامل حرکت و کمال انسان‌اند و نتیجه‌ای جز نیکی ندارند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۴۷ ۴. در این آیه بیان شده که زمین خدا گسترده است و محدود به مکه نیست، پس کسی نمی‌تواند با بهانه‌ی سلطه‌ی مشرکان بر مکه، وظایف الهی خود را ترك کند، بلکه اگر کسی احساس کرد که در سرزمینی خفقان و کفر و ظلم وجود دارد و نمی‌تواند افکار و اعمال صحیح خود را حفظ کند، باید به سرزمین آزاد دیگری هجرت نماید. ۵. هجرت از طرفی عامل نجات مؤمنان از خفقان و جامعه‌ی آلوده و از طرف دیگر، عامل گسترش اسلام در سرزمین‌های جدید است. «۱» ۶. از آن جا که هجرت از شهر و دیار همراه با مشکلات فراوان است و نیاز به شکیبایی دارد، در این آیه بیان شده است که خدا پاداش این افراد شکیبا را به طور کامل و بی‌شمار می‌دهد. «۲» منشین تُرش از گردش ایام که صبر تلخ است و لیکن بَر شیرین دارد (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تقوا، نیکوکاری، هجرت و شکیبایی را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهید. ۲. مشکلات محیط زندگی را بهانه نکنید؛ چون زمین خدا (برای هجرت و انجام وظیفه) وسیع است. ۳. شکیبایان مورد لطف

ویژه‌ی خدا قرار می گیرند. ۴. انجام برنامه‌های الهی لازمه‌ی بندگی خدا و ایمان است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۴۸

اخلاص در دین

قرآن کریم در آیات یازدهم تا چهاردم سوره‌ی زمر به وظایف اساسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱- ۱۴. قُلْ إِنِّی اِمِرْتُ أنْ أعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّینَ* وَامِرْتُ لِأنْ أکُونَ أوَّلَ المُسْلِمِینَ* قُلْ إنِّی أخَافُ إنْ عَصَیْتُ رَبِّی عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ* قُلْ اللَّهَ أعْبُدُ مُخْلِصاً لَهُ دِینِی بگو: «در واقع من فرمان داده شده‌ام که خدا را پرستش کنم، در حالی که دین (خود) را برای او خالص کرده باشم. و فرمان داده شده‌ام که نخستین مسلمان باشم.» بگو: «در حقیقت، اگر من پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم!» بگو: «فقط خدا را می‌پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می‌کنم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بیان شده که پیامبر صلی الله علیه و آله اولین مسلمان است؛ یعنی او در تمام جهات ایمان، اخلاص، عمل، جهاد، مقاومت و فداکاری پیش گام است؛ چرا که هر رهبر الهی باید در اعتقاد و عمل الگوی جامعه باشد. ۲. در این آیات به توحید خالص پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است؛ او دین خود را برای خدا خالص کرده است و انگیزه‌ی دیگری در پرستش خدا ندارد. ۳. در این آیات روشن شده که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بنده‌ی خداست که در صورت مخالفت با فرمان خدا، از عذاب او بیمناک است؛ یعنی او رهبری است که در صف مردم ایستاده است و مدعی مقام برتر و مافوق بشری نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی باید با اخلاص و نیز پیشگام در عمل به مکتب باشند. ۲. خدا دین خالص می‌خواهد و می‌پذیرد. ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز (هم‌چون بقیه‌ی مردم) از نافرمانی خدا هراس داشت. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۴۹ قرآن کریم در آیات پانزدهم و شانزدهم سوره‌ی زمر با هشدار به مشرکان، زیانکاران واقعی و فرجام عذاب‌آلودِ آنان را معرفی می کند و می‌فرماید: ۱۵ و ۱۶. فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إنَّ الخَاسِرِینَ الَّذِینَ خَسِرُوا أنْفُسَهُمْ وَأهْلِیهِمْ یَوْمَ القِیَامَةِ ألا ذَلِکَ هُوَ الخُسْرَانُ المُبِینُ* لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِکَ یُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ یَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ و (شما) جز او هرچه را می‌خواهید بپرستید.» بگو: «در واقع، زیانکاران کسانی هستند که به خودشان و خانواده‌هایشان، در روز رستاخیز، زیان رسانده‌اند؛ آگاه باشید که این فقط زیان آشکار است!» برای آنان از فرازشان سایبان‌هایی از آتش است، و (نیز) از زیر (پای)- شان سایبان‌های (آتش) است؛ این (چیزی است) که خدا با آن بندگانش را می‌ترساند. ای بندگان [من ! پس خودتان را [از عذاب من نگه دارید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «خُسران» در اصل به معنای از دست دادن سرمایه و کمبود آن است. این زیانکاری گاهی در سرمایه‌های مادی، مثل ثروت و مقام است و گاهی در سرمایه‌های معنوی هم‌چون عقل و ایمان و ثواب. «۱» نوع دوم زیانکاری آشکاری است که در آیه‌ی فوق بدان اشاره شده است. ۲. زیانکاری مشرکان، زیانی آشکار است؛ چراکه: اولًا، آنان سرمایه‌ی عقل و عمر خویش را از دست داده‌اند، بی‌آن که چیزی در برابر آن به دست آورند. ثانیاً، در برابر این کار عذاب الهی را خریداری کرده‌اند. ثالثاً، زیانکاری مشرکان در رستاخیز جبران‌ناپذیر نیست. ۳. از آن جا که دوزخیان در طبقات دوزخ گرفتارند، پرده‌ها و لایه‌های آتشین از بالا و پایین آنان را احاطه کرده است. البته این آتش، تجسّمی از حالات دنیوی آنان است که جهل و ظلم و کفر تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۰ تمام وجودشان را احاطه کرده بود. «۱» ۴. تعبیر «بندگان» که در این آیه مکرر آمده است، اشاره به آن است که خدا مردم را بندگان خود می‌داند و تهدید آنان به عذاب هم به خاطر لطف او است که می‌خواهد آنان گرفتار آتش نشوند. «۲» ۵. این آیه مشرکان را تهدید کرده، می‌فرماید: «هرچه را می‌خواهید بپرستید.» به خاطر آن‌که اندرزها و دلایل منطقی بر مشرکان تأثیر نداشت. ۶. مقصود از «اهل» در این آیات، یا بستگان هستند؛ یعنی مشرکان در رستاخیز نزدیکان خود را نیز از دست می‌دهند و یا پیروان مشرکان هستند که پیرو مکتب آنان قرار دارند. البته معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک عامل زیانکاری است. ۲. زیان آشکار، زیان در سرمایه‌ی وجودی خویشتن و خویشاوندان در رستاخیز است. ۳. زیانکاران به وسیله‌ی آتش رستاخیز احاطه

می‌شوند. ۴. بندگان خدا از آتش فراگیر بیمناک باشند. ***

منطق آزاد اندیشی اسلام

قرآن کریم در آیات هفدهم و هجدهم سوره‌ی زمر به دوری کنندگان از طاغوت‌ها و خردمندان پیرو سخن نیکو مژده می‌دهد و می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَ نَا بُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ اوْلَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَاوْلَئِكَ هُمْ اوْلُوا الأَ لْبَابِ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۱ و کسانی که از پرستش آن طغیان‌گر دوری کردند و به سوی خدا بازگشتند، تنها برای آنان مژده است؛ پس بندگان [من را مژده بده؛ (همان) کسانی که به سخن (ها) گوش فرامی‌دهند و از نیکوترین آن پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا راه‌نمایی‌شان کرده و فقط آنان خردمندان‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «طاغوت» در اصل به معنای تجاوز از حدّ است و به هر متجاوز، سرکش و معبود غیر خدا، همانند شیطان‌ها و جبّاران گفته می‌شود؛ پس دوری از طاغوت شامل دوری از هرگونه شرک، هواپرستی، اطاعت از شیطان و تسلیم در برابر سلطه‌گران ستمکار می‌شود. ۲. مقصود از بشارت در این جا هر گونه بشارت به نعمت‌های مادی و معنوی است که شامل دو گروه دوری‌کنندگان از طاغوت‌ها و گروه خردمندان آزاداندیش می‌شود. ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس از زمام‌دار ستمگری اطاعت کند، او را پرستش کرده است. «۱» بنابراین، عبادت برای طاغوت‌ها فقط سجده و رکوع در برابر آنان نیست، بلکه هرگونه اطاعت از آنان را شامل می‌شود. ۴. در این آیات منطق آزاداندیشی اسلامی به خوبی آشکار شده است؛ یعنی خدا از بندگان خود انتظار دارد که سخنان دیگران را به خوبی بشنوند و تفکر کنند و بدون تعصب و لجاجت بهترین آنها را برگزینند. ۵. «قُول» در این جا شامل هر گونه سخن شنیدنی می‌شود که قرآن و دستورات الهی از مصادیق آن است. ۶. در این آیه بیان شده که بندگان خدا از میان سخنان دیگران نه تنها تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۲ سخنان نیکو بلکه نیکوترین آنها را برمی‌گزینند. «۱» ۷. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که گفتار حکمت‌آمیز گم‌شده‌ی مؤمن است، پس حکمت را بگیر هر چند از اهل نفاق صادر شود. «۲» ۸. هدایت‌یافتگان واقعی و خردمندان همین افراد آزاداندیش هستند که جویای حق‌اند و سخنان دیگران را با صبر و حوصله می‌شنوند و بهترین آنها را برمی‌گزینند. ۹. برخی مکاتب و مذاهب پیروان خود را از شنیدن سخنان مخالفان منع می‌کنند؛ چرا که منطق قوی ندارند و می‌ترسند که منطق دیگران بر پیروانشان غلبه کند، اما اسلام در این مورد به سیاست درهای باز و آزاداندیشی روی آورده است و به مسلمانان گوش‌زد می‌کند که از شنیدن سخنان دیگران وحشت نداشته باشند، ولی آنها را چشم بسته نپذیرند، بلکه تفکر کنند و بهترین سخنان را انتخاب کنند. ۱۰. چرا در اسلام خرید و فروش کتاب‌های گمراه‌کننده برای غیر از دانشمندان و اهل تحقیق حرام شده است؟ این در صورتی است که گمراه کننده بودن کتاب یا فیلم و مانند آن ثابت شود؛ زیرا هم‌چون سمّی است که داروخانه به هر کسی نمی‌فروشد و فقط طبق تشخیص پزشک در اختیار افرادی می‌گذارد که آن سمّ را می‌شناسند و پادزهر آن را در اختیار دارند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۳ پس این به معنای ممنوعیت شنیدن و خواندن سخنان دیگران نیست. «۱» ۱۱. چرا اسلام دادن قرآن به کافران را حرام کرده و آنان را از مطالعه‌ی در قرآن محروم می‌سازد؟ اگر دادن قرآن به کافران موجب هتک حرمت آن شود، جایز نیست، اما اگر کافری قصد تحقیق داشته باشد، نه تنها می‌توان قرآن را در اختیار او گذاشت بلکه شاید این کار برای هدایت او واجب باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از طاغوت‌ها روی‌گردان شوید و به سوی خدا بیایید. ۲. سخنان مختلف را بشنوید و پس از تفکر بهترین آنها را انتخاب کنید. ۳. خردمندان هدایت‌یافته و آزاداندیش هستند. ۴. شنونده‌ای انتخاب‌گر باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۴

صفات و نشانه‌های خردمندان

۱. نشانه‌های خدا را در صحنه‌ی آسمان و زمین درمی‌یابند (آل‌عمران، ۱۹۰). ۲. در آفرینش جهان تفکر می‌کنند و آن را بیهوده نمی‌دانند (آل‌عمران، ۱۹۱). ۳. اسرار و فلسفه و حکمت قوانین الهی را بهتر درک می‌کنند (بقره، ۱۷۹). ۴. عبرت‌های داستان‌های قرآن را بهتر درک می‌کنند (یوسف، ۱۱۱). ۵. یکی از اهداف قرآن تدبّر در آیات آن و متذّکر شدن خردمندان است (ص، ۲۹). ۶. ارزش دانش و حکمت را درک می‌کننـد (زمر، ۹ و بقره، ۲۶۹). ۷. به سخنان دیگران گوش می‌دهند و بهترین آنها را انتخاب می‌کنند (زمر، ۱۸). ۸. به ندای منادی حق لبیک می‌گویند و ایمان می‌آورند (آل‌عمران، ۱۹۳). ۹. در حال ایستاده، نشسته و خوابیده ذکر خدا می‌گویند (آل‌عمران، ۱۹۱). ۱۰. اهل مناجات با پروردگار هستند و تقاضای آمرزش می‌کنند (آل‌عمران، ۱۹۲– ۱۹۳). ۱۱. دعاهای خردمندان مستجاب می‌شود (آل‌عمران، ۱۹۵) . ۱۲. اهل هدایت هستند (زمر، ۱۸) . ۱۳. اهل خودنگه‌داری و تقوا و رستگاری‌اند (مائده، ۱۰۰ و بقره، ۱۹۷). ۱۴. مرگ (نیک) همراه نیکان می‌طلبند (آل‌عمران، ۱۹۳). ۱۵. از آتش دوزخ و رسوایی رستاخیز به خدا پناه می‌برند (آل عمران، ۱۹۱– ۱۹۴). تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۵ قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیستم سوره‌ی زمر فرجام دوزخیان و پارسایان را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَ نْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ* لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الأ نْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ لا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ و آیا کسی که سخن (و وعده‌ی) عذاب بر او محقق می‌شود (قابل نجات است،) و آیا تو کسی را که در آتش است نجات می‌دهی؟! ولی کسانی که خودشان را از [عذاب پروردگارشان نگه‌داری کردند، برای آنان جایگاه‌های (بلند بهشتی) است که بر فراز آنها جایگاه‌هایی ساخته شده است، درحالی که از زیر آنها نهرها روان است؛ (این) وعده‌ی خداست؛ خدا از وعده‌ی (خود) تخلّف نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از گروهی که فرمان عذاب بر آنان حتمی و مقرر شده است، افرادی هم‌چون شیطان و پیروان او هستند. البته حتمی شدن عذاب جنبه‌ی اجباری ندارد، بلکه این امر به خاطر کارهایی است که مرتکب شده‌اند و بر آنها اصرار می‌ورزند. ۲. در این آیات اشاره شده که گروهی از مردم آن‌قدر ارتباط خود را با خدا قطع کرده و اهل فساد شده‌اند که گویی هم اکنون در دل آتش‌اند و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله که مایه‌ی رحمت است نمی‌تواند آنان را نجات دهد. ۳. «غُرَف» در این جا به معنای قسمت‌های فوقانی ساختمان و طبقات بالای آن است. از این آیات استفاده می‌شود که ساختمان‌های بهشتی چند طبقه است و آب از زیر آنها روان است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرنوشت دوزخیان و بهشتیان را ببینید (و عبرت آموزید و راه صحیح را انتخاب کنید). ۲. اگر دوزخ برای کسی حتمی شد، دیگر راه نجات ندارد. ۳. وعده‌ی خدا در مورد بهشتی شدن پارسایان حتمی است. ۴. تقوا زمینه‌ساز بهشت است (پس پارسایی پیشه سازید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی زمر به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی طبیعت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. أ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أ نْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الأ رْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أ لْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرّاً ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَاماً إنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِاوْلِي الأ لْبَابِ آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و آن را به چشمه‌هایی که در زمین است وارد نمود، سپس به وسیله‌ی آن زراعتی را با رنگ‌های متفاوتش بیرون می‌آورد؛ سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می‌بینی؛ سپس آن را درهم شکسته می‌گرداند؟! قطعاً، در این (مطلب) تذکّری برای خردمندان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به نزول قطره‌های حیات‌بخش باران از آسمان اشاره کرده که به قشر نفوذپذیر زمین می‌روند و تا لایه‌ی نفوذ ناپذیر زمین پایین می‌روند و در آن جا متوقف و ذخیره می‌شوند. ۲. اگر این ذخیره‌سازی آب در زمین نبود، چاه‌ها و کاریزها آبی نداشت و در نتیجه، گیاهان تشنه می‌ماندند، یا از زمین نمی‌روییدند. ۳. در این آیه به رنگ‌های متفاوت گیاهان اشاره شده که برخی سبز، تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۷ برخی هم‌چون گل‌های رنگارنگ و نیز دارای انواع گوناگون هستند و همگی از آب بی‌رنگ سیراب شده‌اند. آری؛ این صحنه‌ی رنگارنگ طبیعت نشانه‌ای از علم و قدرت خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. چرخه‌ی آب در طبیعت نشانه‌ای از علم و قدرت خداست. ۲. مراحل رویش تا مرگ گیاهان نشانه‌هایی (از علم و قدرت خدا) را برای خردمندان به نمایش می‌گذارد. ۳. اهل خرد نشانه‌های بیدارگر خدا را در

صحنه‌ی طبیعت درک می‌کنند. ۴. بـا مطالعه در طبیعت خداشـناس‌تر شویـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی زمر به مقایسه‌ی دو گروه سنگ‌دلان و فراخ سینگان اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۲۲. أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلإِسْلامِ فَهُوَ عَلَی نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَیْلٌ لِلْقَاسِیَهِٔ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِکْرِ اللَّهِ اوْلَئِکَ فِی ضَلالٍ مُبِینٍ و آیا کسـی که خـدا سـینه‌اش را برای (پـذیرش) اسـلام گشاده است و او برفراز نوری از جانب پروردگارش است (همانند سخت دلان است؟!)؛ پس وای بر آنان که در برابر یاد خدا سخت دل‌اند! آنان در گمراهی آشکاری هستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «شَرح صَدر» به معنای گشادگی سینه و کنایه از پرظرفیت بودن و فراخی روح انسان است. انسانی که دلش با نور الهی روشن شـده و آمادگی پـذیرش حقایق را دارد و اندرزها و آیات الهی در روح او تأثیر می‌گذارد و گاهی یک موعظه طوفانی در روحش به پا می‌کنـد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۸ ۲. روایت شده که از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند که نشانه‌ی شرح صدر چیست؟ فرمودنـد: (نشانه‌ی آن) توجه به سرای ماندگار و جدا شدن از سرای فریبکار (دنیا) و آمادگی برای مرگ قبل از آمـدن آن است. «۱» ۳. در حدیث دیگری روایت شده که شرح صدر آیه‌ی فوق درباره‌ی علی علیه السلام نازل شده است. «۲» روشن است که این‌گونه احادیث از بـاب تطبیق یـک مفهوم کلی بر مصداق واضح آن است. ۴. مقصود از «قاسیه» خشونت و سختی و نفوذ ناپـذیری قلب است؛ یعنی دل و روحی که در برابر حق و هـدایت از خود انعطاف نشان نمی‌دهد و نرم و تسلیم نمی‌گردد. آری؛ این‌گونه افراد قَسِیُ القلب هستند. ۵. در حـدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: اشک‌های چشم خشک نمی‌شود مگر به خاطر سختی دل‌ها و دل‌ها سخت و قسّی نمی‌شود مگر به خاطر گناهان زیاد. «۳» ۶. عوامل شرح صـدر عبارت‌انـد از: مطالعات مستمر، ارتباط با دانشـمندان و علمای صالـح، خودسازی، پرهیز از گناه و به ویژه غذای حرام و یاد کردن خدا. ۷. عوامل قساوت قلب عبارت‌اند از: جهل، گناه، لجاجت، جدال، هم‌نشینی با مجرمان و فاسقان، دنیاپرستی و هواپرستی. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۵۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حالات افراد پرظرفیت و سخت‌دل را مقایسه کنید (تا راه صحیح را پیدا نمایید). ۲. شـرح صـدر هدیه و نوری الهی است. ۳. قساوت قلب و سـخت‌دلی، انسان را از یاد خـدا دور می‌سازد و گمراه می‌گرداند. ***

تاثیر عجیب قرآن بر انسان

قران کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی زمر به ویژگی قرآن و واکنش ترسایان و گمراهان در برابر آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳. اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الحَدِیثِ کِتَاباً مُتَشَابِهاً مَثَانِیَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِینَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِینُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَی ذِکْرِ اللَّهِ ذَلِکَ هُدَی اللَّهِ یَهْدِی بِهِ مَنْ یَشَاءُ وَ مَنْ یُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ خدا نیکوترین سخن را فرو فرستاده است؛ کتابی همگون (که آیاتش) مکرر اسـت. پوست‌هـای (بـدن) کسانی کـه از پروردگارشـان هراس دارنـد، از (شـنیدن آیـات) آن بـه لرزه درمی‌آیـد؛ سـپس پوست‌هایشان و دل‌هایشان به یاد خدا نرم می‌شود. این رهنمود خداست که هرکس را بخواهد (و شایسته بداند)، با آن راه‌نمایی می کنـد؛ و هر کس را خـدا (به خاطر اعمالش) در گمراهی وانهـد، پس هیچ راه‌نمایی برای او نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه، قرآن کتاب «متشابه» خوانده شده است، مقصود از متشابه کلامی است که قسمت‌های مختلف آن با یک‌دیگر هم‌رنگ و هماهنگ است و هیـچ گونه تضـاد و اختلافی درمیان آیات آن نیست برخلاف سخن انسان‌ها که معمولًا خالی از اختلاف و تناقض نیست و قسمت‌های مختلف آن از نظر زیبایی و نظم و صفات دیگر همانند هم نیستند. ۲. «مَثـانی» (مکرر) یکی از صفات قرآن است. و ممکن است اشاره به تکرار تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۶۰ مطالب و داستان‌های قرآن باشد که ملالت‌آور نیست. و یا اشاره به تکرار تلاوت قرآن و کهنه نشـدن آن با خواندن مکرر است و یا اشاره به نزول مکرر قرآن به صورت دفعی و تدریجی و یا اشاره به تکرار حقیقت و تجلّی تـازه‌ی قرآن در هر زمـان. ۳. در این آیه به نفوذ قرآن در دل‌هـا و تـأثیرات روانشـناختی آن بر افراد مؤمن اشاره شـده است که در برابر پروردگارشـان، فروتن و ترسـان هسـتند. آنان از شـنیدن آیات الهی در مرحله‌ی نخست مو بر بـدنشان

راست می گردد و لرزه براندامشان می‌افتد؛ یعنی آیات الهی موجب بیداری و حرکت آنان می‌شود. سپس در مرحله‌ی دوم، با یاد خدا آرام می گیرند و دلشان برای پذیرش حق نرم می‌شود. برخی مفسران گفته‌اند که این مراحل اشاره به منازل سلوک به سوی خداست که در مرحله‌ی اول باشنیدن آیات هشدارگر، دل‌ها به لرزه درمی‌آید و با شنیدن آیات رحمت دل‌ها آرام می گیرد. «۱» ۴. حکایت شده که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که قرآن برآنان تلاوت می‌شد، چشمانشان اشکبار می‌شد و لرزه بر اندامشان می‌افتاد. «۲» ۵. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هرگاه بدن بنده‌ای از هراس خدا لرزان شود (و یا موی بر بدنش راست گردد) گناهانش فرو می‌ریزد، همان گونه که برگ خشک از درختان فرو می‌ریزد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۶۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن بهترین سخن است (پس از آن پیروی کنید). ۲. قرآن کتابی هماهنگ است، که مایه‌ی هدایت شماست. ۳. مؤمنان خاشع کسانی هستند که در برابر شنیدن آیات قرآن، واکنش روانی مثبت نشان می‌دهند. ۴. (هشدارهای) قرآن لرزه بر اندام می‌اندازد و (آیات رحمتش) دل‌ها را نرم می‌سازد. *** قرآن کریم در آیات بیست و چهارم تا بیست و ششم سوره‌ی زمر به فرجام ستمکاران تکذیب‌گر در دنیا و آخرت اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۴- ۲۶. أَفَمَنْ یَتَّقِی بِوَجْهِهِ سُوءَ العَذَابِ یَوْمَ القِیَامَةِ وَقِیلَ لِلظَّالِمِینَ ذُوقُوا مَا کُنْتُمْ تَکْسِبُونَ* کَذَّبَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَ تَاهُمُ العَذَابُ مِنْ حَیْثُ لا یَشْعُرُونَ* فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الخِزْیَ فِی الحَیَاةِ الدُّ نْیا وَلَعَذَابُ الآخِرَةِ أَکْبَرُ لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ و آیا کسی که از عذاب بد روز رستاخیز، با صورتش خود را حفظ می کند، (همانند کسی است که آتش دوزخ به او نمی رسد)؟! و به ستمکاران گفته می‌شود: «بچشید آنچه را کسب می کردید!» کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی را) دروغ انگاشتند و عذاب از جایی که (با درک حسّی) متوجه نمی‌شدند به سراغشان آمد. پس خدا رسوایی را در زندگی دنیا به آنان چشانید و حتماً عذاب آخرت بزرگ‌تر است، اگر (برفرض) می‌دانستند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بیان شده که «دوزخیان با صورت خویش آتش را از خود دور می‌سازند»؛ شاید به خاطر آن که دست و پای آنان در بند است و آنان ناچارند با بهترین و حساس‌ترین عضو خود، یعنی صورت، عذاب را از خود تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۶۲ دفع کنند و یا به خاطر آن است که با صورت به آتش افکنده می‌شوند و یا این تعبیرات کنایه از عدم توانایی آنان برای دفاع از خویش در برابر آتش است. البته ممکن است هر سه تفسیر مقصود آیه باشد. ۲. در این آیات بیان شده که عذاب ستمکاران نتیجه‌ی اعمال خود آنهاست؛ یعنی به تجسّم اعمال در رستاخیز اشاره می کنند. البته تذکر این مطلب به دوزخیان، خود نوعی عذاب روحی برای آنان است. ۳. در این آیات به ستمکاران اقوام پیشین، هم‌چون قوم نوح، عاد و ثمود و فرعونیان اشاره شده که هرکدام به طور ناگهانی و از جایی که انتظار نداشتند، گرفتار عذاب و در دنیا رسوا و خوار و در آخرت نیز عذاب بزرگ‌تر و شدیدتری در انتظار آنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از فرجام رسوا و عذاب‌آلود ستمکاران عبرت بگیرید. ۲. عذاب ستمکاران در آخرت عملکرد خود آنان است. ۳. ذلّت و رسوایی دنیا و عذاب بزرگ آخرت در انتظار ستمکاران است. ۴. عذاب الهی از راهی می‌آید که انتظار آن را ندارید (پس مراقب باشید). ۵. خودتان را از عذاب الهی حفظ کنید. *** خداوند متعال در آیات بیست و هفتم و بیست و هشتم سوره‌ی زمر به ویژگی‌های قرآن و تأثیرات آن اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۷ و ۲۸. وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِی هَذَا القُرْآنِ مِنْ کُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ* قُرآناً عَرَبِیّاً غَیْرَ ذِی عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ و به یقین، برای مردم در این قرآن از هر (گونه) مثالی زدیم، باشد که آنان متذکّر شوند. (قرآن را فروفرستادیم) در حالی که خواندنی عربی (: واضح و) بدون انحراف است؛ باشد که آنان خودنگه‌دار شوند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۶۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مَثَل» به معنای هر سخنی است که حقیقتی را مجسّم یا چیزی را وصف و یا چیزی را به چیز دیگر تشبیه می کند. این تعبیر همه‌ی حقایق و مطالب قرآن را در برمی گیرد؛ یعنی قرآن انواع پندها، اندرزها، اسرار خلقت، داستان‌های واقعی اقوام پیشین و قوانین عالی را برای هدایت مردم بیان کرده است و هر کس می‌تواند با ژرف‌نگری از گوهرهای آن صید کند. ۲. «قرآن» به معنای چیزی است که خوانده می‌شود؛ یعنی این کتاب الهی در خلوت و آشکار، در نماز و غیر آن و در تمام اعصار خوانده می‌شود و نور هدایت آن می‌درخشد. ۳. «عربی» به معنای فصیح و

گویـاست. این تعبیر اشاره به فصاحت و شـیرینی و جـذّابیّت قرآن است. ۴. یکی از ویژگی‌هـای قرآن آن است که از هرگـونه کژی معنوی به دور است؛ «۱» یعنی آیاتش هماهنگ و بدون تضاد و تناقض است. ۵. در این آیات به چهار ویژگی قرآن اشاره شد: الف) از هر نوع مثال هـدایت‌بخش دارد؛ ب) خوانـدنی است؛ ج) فصیح و گویاست؛ د) کژی درآن راه ندارد. ۶. از تأثیرات و پیامدهای طبیعی آیات قرآن، تـذکّر و تقوا است؛ اگر کسـی به آیات قرآن گوش فرادهـد و بـدانها عمل کند، فکرش روشن و بیدار می‌شود و خود نگه‌دار و باتقوا می‌گردد. ولی اگر کسـی زمینه‌های لازم را در خود فراهم نکنـد از آثار قرآن محروم می‌ماند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۶۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مثال‌های قرآن بیدارگر است. ۲. قرآن کتابی خوانـدنی، گویا و بدون انحراف است. ۳. بـا مطالعه‌ی قرآن زمینه‌ی تـذکّر و تقوا را برای خود فراهم سازیـد. ۴. برای تربیت از مثال‌هـای متنوع و کتاب گویا و بـدون انحراف استفاده کنیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی زمر یکی از مثال‌های جالب خود را برای هدایت مردم بیان می کند و می‌فرماید: ۲۹. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَماً لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ خدا مثلی زده است: مردی که شـریکانی ستیزه‌جو در او (شـریک) هستند، و مردی که تسلیم (یک) مرد است؛ آیا (این دو) از نظر مثال یکسان‌انـد؟! سـتایش مخصوص خـداست، بلکه بیش‌تر آنـان نمی‌داننـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بـا مثـالی زیبـا و گویا حالات کثرت‌گرایان و وحدت‌گرایان را به تصویر کشیده است: بنده‌ای که دارای چند ارباب است و هر کدام به او دسـتوری می‌دهند، که این فرمان‌های ضـد و نقیض اورا سرگردان می‌کند و در برابر بنده‌ای که یک ارباب دارد و دسـتورات هماهنگ و برنامه‌ای منظم به او می‌دهـد و از او حمـایت می‌کنـد و وی با اطمینان و آرامش گام برمی‌دارد. ۲. این مثال حالات افراد مشـرک و موحّـد را نیز بیان می‌کنـد. مشـرکان پیروان معبودان متعـدد هستند و از این رو گرفتار انواع تناقض‌ها می‌شوند ولی پیروان توحید، در گرو عشق یکی هستند و فقط فرمان خدا را اطاعت می‌کنند و درهمه حال در سایه‌ی لطف او هستند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۶۵ ۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: منم آن مردی که (در آیه می‌گوید، چون من) تسلیم پیامبر صلی الله علیه و آله بودم. «۱» البته روشن است که این‌گونه احـادیث مصـداق کامـل آیه را بیـان می‌کنـد، ولی موجب انحصـار معنای آیه نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کثرت‌گرایان و توحیدگرایان را مساوی نشـمارید. ۲. موحّد باشـید تا تابع یک فرمان گردید و از کثرت نجات یابید. ۳. بیش‌تر (مشرکان از حقایق توحید و ثمرات آن) آگاهی ندارند. *** قرآن کریم در آیات سی‌ام و سی و یکم سوره‌ی زمر به مرگ پیامبر و مردم و ستیز آنان در رسـتاخیز اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۳۰ و ۳۱. إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ* ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ القِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ مسلماً، تـو می‌میری و حتماً آنـان (نیز) می‌میرنـد؛ سپس، در حقیقت، شـما روز رسـتاخیز نزد پروردگارتـان کشمکش می کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران گفته‌اند که دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله انتظار مرگ او را می‌کشیدند و خوشـحال بودنـد که سـرانجام او خواهد مرد. آیه‌ی فوق به آنان پاسخ داده که اگر او می‌میرد شـما نیز خواهید مرد. «۲» ۲. همه‌ی انسان‌هـا خواهنـد مرد و هیـچ گونه تفاوتی در آن‌ها وجود نـدارد و راهی است که همه بایـد آن را بپیماینـد. خامه‌ی دهر بر شـکوفه نـوشت هر بهـاری ز پی خزانی داشـت (پرویـن) ۳. مقصـود از مخاصـمه در رسـتاخیز چیست؟ برخی مفسـران این بحث و مجـادله‌ی رسـتاخیز را بین مسـلمانان و کـافران دانسـته‌اند و برخی دیگر بین خود مسـلمانان. «۱» ۴. در آیـات متعـددی از قرآن گفت‌وگوها و مخاصـمه‌های دوزخیـان و بهشتیـان و نیز مخاصـمه‌ی دوزخیان با هم‌دیگر بیان شـده است که گاهی از حالات هم‌دیگر می‌پرسـند و گاهی هم‌دیگر را سـرزنش می‌کننـد و تقصـیرها را به گردن هم می‌اندازنـد. «۲» ۵. در روایتی تاریخی از ابو سـعید خـدری حکایت شده که ما در عصـر پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز فکر نمی‌کردیم میان مسلمانان مخاصمه‌ای باشد، تا این که روز صفین فرا رسید و گفـتیم: آری؛ این آیه مـا را هم شامـل می‌شود. «۳» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. دنیا را جای مانـدن نشـمارید، چرا که همه خواهنـد مُرد، حتی پیـامبران الهی (پس در انـدیشه‌ی آخرت باشـید). ۲. برخی افراد در رسـتاخیز هم دست از سـتیز و مخاصـمه برنمی‌دارنـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی سـی و دوم سوره‌ی زمر به فرجام عـذاب‌آلود تکـذیب‌گران وحی راستین اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۳۲. فَمَنْ

أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَ لَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۶۷ پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ ببندد و (وحی) راستین را، هنگامی که به سراغ او آمده، تکذیب کند؟! آیا در جهنّم جایگاهی برای کافران نیست؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه و آیات بعد رفتار و فرجام دوگروه به تصویر کشیده شده است: گروهی که وحی راستین الهی را تکذیب می‌کنند و راهی دوزخ می‌شوند و گروهی که وحی راستین را تأیید می‌کنند و به بهشت می‌روند. بیان سرنوشت و فرجام این دوگروه در کنار یک‌دیگر برای مقایسه‌ی حالات آنان و عبرت‌آموزی ماست. ۲. در این آیه از وحی الهی با عنوان «صِدْق» یاد شده است؛ وحی سخن راستی است که احتمال دروغ درآن وجود ندارد. ۳. مشرکان و کافران، ستمکاران تکذیب‌گری بودند که وحی الهی را دروغ می‌انگاشتند؛ چرا که گاهی فرشتگان را دختر خدا می‌خواندند و یا عیسی را پسر خدا می‌دانستند و یا بت‌ها را می‌پرستیدند و آیات قرآن را نمی‌پذیرفتند. ۴. تکذیب آیات راستین الهی، ستمکاری به خود و جامعه است؛ زیرا انسان با این تکذیب هم خود را از کمال محروم می‌سازد و هم دیگران را گمراه می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب‌گران آیات راستین، راهی جز دوزخ ندارند. ۲. آیات الهی را دروغ نشمارید که ستمکاری است. *** قرآن کریم در آیات سی و سوم تا سی و پنجم سوره‌ی زمر به فرجام نیکو و پاداش‌های تأییدگران وحی راستین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳- ۳۵. وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ* لَهُمْ مَا يَشَاؤُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ* لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۶۸ و کسی که (وحی) راستین را آورد و آن را تایید کرد؛ فقط آنان خودنگه‌دار هستند. تنها برای آنان، آنچه بخواهند، نزد پروردگارشان هست؛ این پاداش نیکوکاران است. تا خدا بدترین چیزی را که انجام داده‌اند از آنان بزداید، و پاداش آنان را، طبق بهترین چیزی که انجام می‌دادند، به آنان بدهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از کسی که سخنان راست می‌آورد کیست؟ برخی مفسران احتمال داده‌اند که مقصود، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد که وحی راستین را آورد. برخی دیگر از مفسران گفته‌اند که مقصود همه‌ی پیامبران الهی هستند. و برخی دیگر برآن‌اند که آیه همه‌ی مبلّغان مکتب پیامبران را شامل می‌شود. «۱» البته مانعی ندارد که آیه شامل هر سه معنا باشد، لیکن پیامبران و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مصادیق بارز آن باشند که مؤمنان پیرو آنان سخنان راستین آنها را تأیید می‌کنند. ۲. در برخی احادیث حکایت شده که مقصود از آورنده‌ی سخن راستین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و منظور از تأیید کننده‌ی آن امام علی علیه السلام است «۲» (که اولین مسلمان و مؤمن به پیامبر صلی الله علیه و آله بود). البته روشن است که این‌گونه احادیث مصداق‌های کامل و بارز آیه را مشخص می‌کنند و موجب انحصار معنا نمی‌شوند. ۳. در این آیات بیان شده که همه‌ی مواهب معنوی و نعمت‌های بهشتی- که در تصور ما نمی‌گنجد- در اختیار مؤمنان پارسا و نیکوکار است؛ البته تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۶۹ پاداش‌ها و بخشش‌های الهی و مقامات اخروی بر اساس شایستگی‌ها و کارهای افراد در دنیاست. ۴. تعبیر «نزد پروردگارشان» نهایت لطف خدا را می‌رساند؛ گویی مؤمنان پارسا و نیکوکار همیشه مهمان خدا هستند. ۵. تقوای برخی افراد باعث گردیده که آنان تأییدگران وحی راستین باشند و نیکوکاری آنان زمینه‌ساز نعمت‌های بهشتی برای آنان شده است. ۶. در این آیات بیان شده که خدا از طرفی مؤمنان را می‌آمرزد و لغزش‌های گذشته‌ی آنان را می‌پوشاند و آنان را پاک می‌سازد و از طرف دیگر بر اساس بهترین اعمالشان به آنها پاداش می‌دهد. این لطف بی‌انتهای خدا در مورد آنان است. ۷. مقصود از «بدترین اعمال»، کارهای بد و لغزش‌های برخی از مبلّغان است؛ چراکه در آیات قبل سخن از پیامبران و مبلغان بود و اگر برخی از این افراد (یعنی غیر از پیامبران) دچار لغزش شده‌اند، خدا آنان را می‌آمرزد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از نشانه‌های نیکوکاری و پارسایی، تأیید وحی راستین است. ۲. بهشت، پاداش نیکوکاران و پارسایان تأییدگرِ آیات الهی است. ۳. مبلّغان وحی راستین و پیروان آنان هر دو سعادتمندند. ۴. اگر می‌خواهید خدا درخواست‌های شما را بپذیرد، تسلیم خواست راستین خدا شوید. ۵. آیات الهی را تصدیق کنید که موجب آمرزش گناهان و پاداش برتر است. ۶. لطف خدا آن‌قدر زیاد است که بدترین‌ها را می‌بخشد و طبق بهترین‌ها پاداش می‌دهد. ***

تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۰ قرآن کریم در آیات سی و ششم و سی و هفتم سوره‌ی زمر با اشاره به تهدیدهای مشرکان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله، خدا را برای هدایت و حمایت کافی معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۳۶ و ۳۷. أَ لَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ* وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَ لَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِی ا نْتِقَامٍ آیا خدا کفایت کننده‌ی بنده‌اش نیست؟! و تو را از کسانی غیر او، می‌ترسانند؛ و هرکسی را خدا (به خاطر اعمالش) درگمراهی وانهد، پس هیچ راه‌نمایی برای او نیست. و هرکسی را خدا ره‌نمون شود، پس هیچ گمراه کننده‌ای برای او نیست؛ آیا خدا شکست‌ناپذیری صاحب انتقام نیست؟! شأن نزول: حکایت کرده‌اند که مشرکان مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله می گفتند: از بت‌ها بدگویی مکن و برخلاف آنها اقدام منما، که تو را دیوانه می‌کنند و آزار می‌رسانند. آیه‌ی فوق نازل شد و به این تهدیدها پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند شأن نزول این آیات درمورد تهدید به خشم بت‌هاست، معنای آیه وسیع است و هر نوع تهدید به غیر خدا را شامل می‌شود و به همه‌ی پویندگان راه حق که در اقلیت قرار گرفته‌اند نوید می‌دهد که خدا از آنان حمایت می‌کند. ۲. این آیات به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مؤمنان راستین دل‌گرمی می‌دهد که خدایی که از همه چیز آگاه است و قدرتش برتراست، نسبت به بندگانش لطف دارد و آنها را کفایت و حمایت می‌کند؛ پس، از تهدیدهای دشمنان تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۱ نهراسید و با گام‌های استوار راه حق را بپیمایید. ۳. چرا در این آیات گمراهی و هدایت را به خدا نسبت می‌دهد؟ آیا این موجب جبر نمی‌شود؟ پاسخ آن است که هدایت و گمراهی دوگونه است: اول، هدایت تشریعی که به معنای ارائه‌ی راه و راه‌نمایی افراد است این نوع از هدایت برای همه‌ی افراد بشر وجود دارد و هیچ قید و شرطی ندارد، ولی برخی افراد هدایت الهی را می‌پذیرند و ایمان می‌آورند و برخی راه گمراهی و کفر را برمی‌گزینند. دوم، هدایت تکوینی یا رساندن افراد به مقصد است که این هدایت شرایطی دارد؛ یعنی خدا در شرایطی، برهدایت افراد می‌افزاید که در قرآن به آنها اشاره شده است؛ از جمله کسانی که از رضا و خشنودی خدا پیروی کنند و نیز کسانی که در راه خدا تلاش کنند و توبه نمایند و یا گام‌های نخستین هدایت را بردارند، خدا به آنان کمک می‌کند و به راه‌های خودش هدایتشان می‌کند و بر هدایت آنان می‌افزاید. «۱» اما کسانی که راه کفر، ستم، نافرمانی، دروغ‌گویی، اسراف و ناسپاسی را در پیش می‌گیرند «۲» خدا آنان را در گمراهی وا می‌نهد و در اثر این اعمال توفیق هدایت از آنان سلب می‌شود. پس هدایت و گمراهی تشریعی انتخابی است و هدایت و گمراهی تکوینی نیز نتیجه‌ی اعمال خود انسان است و اجباری نیست. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۲ ۴. مقصود از «انتقام» در این آیه آن است که خدا افراد خلافکار را در برابر کارهای بدشان مجازات می‌کند؛ «۱» یعنی انتقام الهی به معنای مجازات برای فروکش کردن احساسات و کینه‌ورزی نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از غیر خدا نهراسید که خدا برای بندگانش کافی است. ۲. هدایت و گمراهی شما بر (اثر اعمال خودتان و با توفیق) خداست. ۳. قدرتی ما فوق قدرت خدا وجود ندارد، تا بخواهد با اراده‌ی او مخالفت کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی زمر با بیان اعتراف مشرکان به خالقیت خدا، به ناتوانی معبودانشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. وَلَئِنْ سَأَ لْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ و اگر از آن [مشرک ها بپرسی «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟» حتماً می گویند: «خدا»؛ بگو: «و آیا هیچ درباره‌ی آنچه غیر از خدا می‌خوانید (و می‌پرستید) نظر کردید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنان برطرف کننده‌ی زیان او هستند؟! یا (اگر) رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها بازدارنده‌ی رحمت او هستند؟!» بگو: «خدا مرا بس است؛ توکّل کنندگان فقط بر او توکّل می‌کنند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان نیز خالقیت و آفرینشگری خدا را می‌پذیرند؛ «۲» چراکه عقل و فطرت انسان به این امر گواهی می‌دهد و هیچ انسانی نمی‌پذیرد که معبودان تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۳ و بت‌های بی‌جان بتوانند جهان پهناور ما را بیافرینند. خوش‌تر آن باشد که سِرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران (مولوی) ۲. بت‌ها و معبودان مشرکان توانایی جلب منفعت و دفع زیان را ندارند، ولی خدا مالک سود و زیان انسان است. پس این

بت‌های ناتوان شایستگی پرستش را ندارند. ۳. توحید درخالقیت و مالکیت دلیل برتوحید در عبودیت است، یعنی هنگامی که ثابت شد خدا خالق جهان و مالک هرسود و زیان است و توانایی هر کاری را دارد و غیر از او این‌گونه نیستند، پس فقط او شایسته‌ی پرستش است. ۴. افراد توکّل کننده فقط برخدا توکّل می‌کنند؛ «۱» چراکه غیر از او خالق و مالک مطلق درجهان وجود ندارد، پس سزاوار نیست که مؤمنان بر غیر او تکیه کنند و از غیر او کمک بجویند و خدا برای مؤمنان متوکل بس است. ۵. معنای توکّل وکافی بودن خدا آن نیست که انسان از اسباب و وسایل مادی برای رسیدن به اهداف خود کمک نجوید، بلکه مقصود آن است که او را مؤثر حقیقی و بقیه‌ی موجودات را واسطه و وسیله بداند و تکیه گاه اصلی‌اش خدا باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خالق و مالک سود و زیان شما خداست پس فقط بر او تکیه کنید که برای شما کافی است. ۲. از غیر خدا کاری ساخته نیست، تا شایسته‌ی پرستش باشند. ۳. حتی مشرکان به خالقیت خدا اعتراف دارند (ولی بازهم لجاجت می‌کنند و از توحید روی برمی‌تابند). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۴ قرآن کریم در آیات سی و نهم و چهلم سوره‌ی زمر به تهدید مشرکان لجوج پرداخته، می‌فرماید: ۳۹ و ۴۰. قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ بگو: «ای قوم [من ! هرچه مقدور شماست انجام دهید، که من (هم) انجام می‌دهم؛ و در آینده خواهید دانست، چه کسی عذابی که رسوایش سازد او را در می‌رسد و عذابی پایدار بر او فرود می‌آید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مَکانَت» به معنای جایگاه و موضع و یا به معنای توانایی است؛ «۱» یعنی در این آیه به مشرکان لجوج می‌گوید: از موضع خود هرچه در توان دارید عمل کنید (تا نوبت عذاب شما برسد). ۲. این آیات هشداری به مشرکان است که اگر تسلیم منطق و استدلال عقلی نشدید، باید در انتظار عذاب دنیوی و اخروی باشید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان دینی به وظیفه خود عمل کنند (و کافران لجوج را به حال خود واگذارند تا عذاب آنان را فراگیرد). ۲. عذاب خوارکننده‌ی دنیوی و عذاب جاویدان اخروی در انتظار مخالفان اسلام است. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی زمر با اشاره به حقانیّت قرآن، وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله را در برابر مردم روشن می‌سازد و می‌فرماید: ۴۱. إِنَّا أَ نْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَ نْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۵ در حقیقت، ما کتاب (: قرآن) را برای مردم، به حق برتو فروفرستادیم؛ و هر کس راه یابد پس به سود خود اوست و هرکس گمراه شود، پس فقط به زیان خود گمراه می‌شود؛ و تو حمایت‌گر آنان نیستی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا برای هدایت مردم دو چیز فرستاده است: اول، قرآن که برنامه‌ای حق و هدایتگراست؛ و دوم، رهبری آگاه و دل‌سوز. ۲. در این آیه بیان شده که پذیرش هدایت و گمراهی به دست خود انسان است و سود و زیان آن نیز به خودش می‌رسد و خدا و پیامبرش نیازی به ایمان مردم ندارند. آری؛ او این برنامه را تنظیم نکرده تا سودی کند بلکه تا بر بندگان بخشش نماید. ۳. وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ آیات الهی و راه‌نمایی مردم به سوی سعادت است، ولی اگر برخی مردم لجاجت کردند و حق را نپذیرفتند، دیگر پیامبر وکیل و کارساز مردم نیست تا آنان را مجبور به ایمان آوردن کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن از طرف حضرت حق و براساس حق و برای مردم فرو فرستاده شده است. ۲. از برنامه‌ی هدایت‌آمیز قرآن استفاده کنید که به سود خود شماست. ۳. گمراهان جز به خودشان به کس دیگری زیان نمی‌رسانند. ۴. رهبران و مبلغان الهی وکیل مردم نیستند و تصمیم نهایی و انتخاب راه با خود مردم است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۶

حقیقت مرگ چیست؟

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و دوم سوره‌ی زمر به جدایی روح از بدن در حالت خواب و مرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲. اللَّهُ يَتَوَفَّى الأَ نْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الاخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُسَمّىً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ خدا جان‌ها را هنگام مرگشان و (نیز روحِ) آن‌که نمرده است را در خوابش به طور کامل می‌گیرد. پس (جان)

کسـی را کـه مرگ را بر او مقرر کرده نگـاه می‌دارد و (روح آن) دیگری را تـا سـرآمد معیّنی بازمی‌فرسـتد؛ قطعـاً، در آن [هـا] نشانه‌هـایی است برای گروهی که تفکّر می‌کننـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خواب، شـکل ضـعیفی از مرگ است چون در هر دو حالت روح از بـدن جـدا می‌شود، ولی درحالت مرگ روح دیگر به بـدن باز نمی‌گردد و در حالت خواب روح به بدن بازمی‌گردد. ۲. در حالت خواب پیونـد روح و جسم قطع نمی‌شود بلکه به حـداقل خود می‌رسـد؛ از این رو هنوز قلب و برخی فعالیت‌های اساسـی بـدن باقی است. ۳. حقیقت خواب چیست؟ در این مورد پاسخ‌های متعددی از طرف دانشمندان داده شده است: الف) برخی عامل خواب را فیزیکی می‌دانند؛ یعنی انتقال جریان عمده‌ی خون از مغز به سایر قسـمت‌های بدن. ب) برخی عامل آن را شیمیایی می‌دانند؛ یعنی در اثر خسـتگی مواد سـمّی در بدن انسان جمع می‌شود که برسلسله‌ی اعصاب اثر می‌گذارد و انسان به خواب می‌رود، تا دوباره این مواد سـمّی کـاهش یابنـد و به حـالت اول برگردنـد. ج) برخی خسـتگی و از کـار افتادن سلسـله‌ی عصبی درون مغز را عامل خواب می‌دانند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۷ د) قرآن کریم نیز جـدایی جان و روح از بدن را عامل خواب معرفی می‌کند؛ یعنی خواب را پدیـده‌ای روحانی می‌دانـد. «۱» البته مـانعی نـدارد که همه‌ی این مـوارد صـحیح باشـد؛ یعنی خواب در اثر جـدایی روح از جسـم، اتفـاق می‌افتـد ولی آثـار فیزیکی، شـیمیایی و عصـبی در بـدن دارد؛ به عبـارت دیگر دانشـمندان علـوم پزشـکی به جنبه‌هـا و نمودهـای مادی خواب در بـدن توجه کرده‌انـد و قرآن به جنبه معنوی و روحانی آن توجه کرده است. ۴. انسان دارای روح و جسم است که گاهی از هم جدا می‌شوند و همین امر و رؤیاهای صادق دلیل استقلال روح از بدن است. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که روح با بـدن سه گونه رابطه دارد: گاهی ارتباط کامل دارنـد، مثل حالت حیات و بیـداری؛ و گاهی ارتباط ناقص دارنـد، مثل حالت خواب؛ و گاهی قطع ارتباط کامل دارند، مثل حالت مرگ. ۶. توجه به این مطلب که انسان در هر شب، هنگام خواب، در آستانه‌ی جدایی روح از بدن و به نوعی مرگ موقت می‌رسد، درس عبرت و بیدارباشی برای انسان‌هاست تا در اعمال خود تجدید نظر کنند. زندگی جز نفسـی نیست، غنیمت شـمرش نیست امید که همواره نفس برگردد (پروین) ۷. در برخی آیـات قرآن گرفتن کامل روح وظیفه‌ی فرشـتگان یـا ملک الموت معرفی شـده است. «۲» و ایـن آیه خـدا را گیرنـده‌ی روح معرفی می‌کنـد، چراکه فرشـتگان الهی فرمانبرداران و مجریان دسـتورات الهی و واسطه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۸ گرفتن ارواح هستند؛ پس تضادی بین دو تعبیر نیست. ۸. در برخی احـادیث از امـام علی علیه السـلام حکـایت شـده که مسـلمان نبایـد با حالت جنابت بخوابـد و جز با حالت طهارت (و وضو) به بستر نرود و هرگاه آب نیابـد، تیمم کند؛ زیرا روح مؤمن به سوی خدای متعال بالا می‌رود و خدا او را می‌پذیرد و به او برکت می‌دهد و هرگاه پایان عمرش فرارسیده باشد، او را درخزینه‌های رحمتش قرار می‌دهد و اگر مرگش فرا نرسیده باشد، او را با فرشتگان امین به جسدش باز می‌گرداند. «۱» ۹. در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام حکایت شده که هرگاه در شب از خواب برخاستی بگو: سـتایش خدا را که روح مرا به من بازگرداند تا ستایش او گویم و او را پرستش کنم. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد حقیقت مرگ و خواب تفکر کنیـد تا نشانه‌های خـدا را ببینید. ۲. خواب برادر مرگ است؛ پس هر گاه می‌خوابیـد احتمال بدهید که روح شـما باردیگر به بدنتان بازنگردد. ۳. عامل اصـلی خواب ماورای طبیعی (یعنی جـدا سازی روح از بدن) است. ۴. در حـالت خـواب خـدا روح شـما را می‌گیرد (پس هرشب بـا روحی پـاک در محضـر خـدا حاضـر شویـد). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۷۹ قرآن کریم در آیات چهل و سوم و چهل و چهارم سوره‌ی زمر به صفات شفاعتگران و شفاعت خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۳ و ۴۴. أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لا يَمْلِكُونَ شَيْئاً وَلا يَعْقِلُونَ* قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ بلکه آیـا شـفاعتگرانی غیر از خـدا برگزیده‌انـد؟! بگو: «آیا (از آنان شـفاعت می‌طلبیـد) و گرچه هرگز مالک چیزی نیستند و خردورزی نمی‌کنند؟!» بگو: «تمام شـفاعت فقط از آنِ خداست، که فرمان‌روایی آسمان‌ها و زمین تنها از آن اوست؛ سپس فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از بهانه‌های مشرکان آن بود که می‌گفتند: ما بت‌ها و معبودانمان را می‌پرستیم تا نزد خدا برای ما شفاعت کنند، و قرآن در این آیه به این بهانه‌ی آنان پاسخ داده است که چگونه

موجودی که مالک هیچ چیزنیست و تفکر نمی کند، می‌تواند شفاعتگر شما باشد. ۲. در این آیه به دو ویژگی شفاعتگران اشاره شده است: الف) شفاعت کننده باید مالک و مسلّط بر چیزی باشد. ب) شفاعتگر باید درک و شعور داشته باشد تا بتواند تفکر کند. و بت سنگی و چوبی که مالک و قادر و متفکر نیست، نمی‌تواند چیزی را بفهمد تا در مورد آن شفاعت کند و اگر هم (برخی معبودان، مثل جنیان و فرشتگان، درک و شعور داشته باشند) بدون اجازه‌ی خدا مالک چیزی نیستند تا بتوانند شفاعت کسی را بکنند. «۱» ۳. در این آیات بیان شده که همه‌ی شفاعت‌ها فقط از آن خداست؛ چراکه حقیقت شفاعت همان توسّل به نام‌های نیک خدا و صفات او همچون رحمانیت و غفاریت اوست؛ بنابراین هرگونه شفاعت به ذات پاک او باز می‌گردد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۰ ۴. این آیات به معنای نفی شفاعت معبودان دروغین مشرکان است، اما اصل شفاعت و شفاعتگران را نفی نمی‌کند؛ چون برخی افراد همچون پیامبران و اولیای الهی می‌توانند با رخصت الهی شفاعت کنند، همان طور که در برخی آیات بدین مطلب اشاره شده است. «۱» ۵. در این آیات به دو علت برای انحصار شفاعت در خدا اشاره شده است: اول آن که او مالک و فرمان‌روای آسمان‌ها و زمین است؛ پس می‌تواند در مورد مخلوقات خود شفاعت کند و دوم آن که همه‌ی انسان‌ها به سوی خدا بازمی‌گردند؛ پس فقط او می‌تواند در مورد شفاعت آنان تصمیم بگیرد. ۶. جمله‌ی اخیر آیات در مورد بازگشت همگان به سوی خدا، می‌تواند اشاره به دلیل دوم شفاعت خدا باشد، یا اشاره به شفاعت در آخرت و یا تهدیدی برای مشرکان که در آخرت نتیجه‌ی اعمال خود را می‌بینند. البته مانعی ندارد که هرسه معنا مقصود آیه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دنبال شفاعتگرانی بروید که مالک و متفکر باشند. ۲. تصمیم‌گیرنهایی در مورد شفاعت، خداست. ۳. از بت‌ها و معبودان بی‌خرد، انتظار شفاعت نداشته باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم و چهل و ششم سوره‌ی زمر به واکنش منفی کافران در برابر نام خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵ و ۴۶. وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لاـ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ* قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ عَالِمَ الغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أ نْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۱ و هنگامی که خدا به یگانگی یاد می‌شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند متنفّر می‌شود؛ و چون کسانی که غیر از او هستند یاد شوند، ناگهان آنان شادی می‌کنند (و مژده می‌دهند). بگو: «خدایا! [ای شکافنده (و آفریننده) ی آسمان‌ها و زمین! دانای نهان و آشکار! تو در بین بندگانت در مورد آنچه در باره‌ی آن اختلاف می‌کردند داوری می‌کنی.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به برخوردهای دوگانه‌ی مشرکان با نام خدا وغیر خدا اشاره شده است. انسان گاهی چنان با زشتی‌ها خو می‌گیرد و از پاکی‌ها بیگانه می‌گردد که از شنیدن نام حق ناراحت می‌شود و از شنیدن نام باطل مسرور. آری؛ حالت افراد متعصب، جاهل و لجوج در طول تاریخ چنین است. ۲. سرچشمه‌ی بدبختی مشرکان دو چیز است: الف) از نام خدا روی گردانده‌اند؛ ب) به آخرت ایمان ندارند. ۳. در برخی احادیث این آیه را به کسانی تفسیر کرده‌اند که از شنیدن فضایل اهل‌بیت علیهم السلام یا از پیروی مکتب آنان ناراحت می‌شوند. «۱» البته روشن است که یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ما را به یاد خدا می‌اندازد و روی‌گردانی از آنان ما را از خدا دور می‌سازد؛ بنابراین این روایات اشاره به مقدمات یاد خداست. ۴. در این آیات به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که روی به درگاه خدا آور و او را با نام‌های نیکو، همچون فاطر، عالم و حاکم بخوان. این مطلب آموزه‌ای برای همه‌ی مؤمنان است که برخلاف مشرکان، خدا را با عشق و ایمان عمیق بخوانند و نام‌های او را بر زبان جاری کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۲ ۵. در این آیات به نوعی به مشرکان هشدار داده شده که داور نهایی در رستاخیز خدای متعال است؛ او که خالق همه چیز و آگاه از اسرار مردم است درباره‌ی اختلافات آنان داوری خواهد کرد و در آن جاست که مشرکان به اشتباهات خود پی می‌برند و محکوم می‌شوند و راهی دوزخ می‌گردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از نشانه‌های افراد بی‌ایمان، آن است که از یاد خدا بیزار، ولی از یاد غیر خدا مسرورند. ۲. اگر معادباورید، در برابر نام و یاد خدا واکنش مثبت نشان دهید. ۳. با خدا مناجات کنید و نام‌های مقدّس او را بر زبان جاری سازید. ۴. آفرینشگر آگاه جهان، داور مردم نیزهست. *** قرآن کریم در

آیات چهل و هفتم و چهل و هشتم سوره‌ی زمر به سرنوشت ستمکاران در رستاخیز و آشکار شدن حقایق در آن صحنه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷ و ۴۸. وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا مَا فِی الأَرْضِ جَمِیعاً وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ العَذَابِ یَوْمَ القِیَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ یَکُونُوا یَحْتَسِبُونَ* وَبَدَا لَهُمْ سَیِّئَاتُ مَا کَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُونَ و اگر (برفرض) برای کسانی که ستم کردند، تمام آنچه در زمین است، و همانندش با آن باشد، حتماً آن را (برای نجات خود) از عذابِ بدِ روز رستاخیز تاوان می‌دهند! و از [جانب خدا برای آنان آنچه را هرگز نمی پنداشتند آشکار شود. و بدی‌های آنچه کسب کردند برایشان آشکار می‌شود و آنچه آن را ریشخند می‌کردند آنان را فرو می‌گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ظُلم» معنای وسیعی دارد که شامل ظلم به دیگران و به خویشتن (همچون شرک) می‌شود. ۲. در این آیات اشاره شده که در رستاخیز معامله‌ای صورت نخواهد گرفت؛ ستمکاران حاضرند که دو برابر آنچه در زمین است بدهند تا از آتش دوزخ نجات یابند، ولی مجازات رستاخیز خریدنی نیست. ۳. ستمکاران در رستاخیز عذاب‌هایی را می‌بینند که هرگز به فکرشان خطور نمی‌کرد و در آن جاست که از خواب غفلت و غرور بیدار می‌شوند. ۴. اعمال ستمکاران در رستاخیز تجسّم می‌یابد و کارهای بدشان در برابر چشم آنها ظاهر می‌شود و عذاب‌هایی را که شوخی می‌پنداشتند به واقعیت می‌پیوندد و درهای نجات به روی آنان بسته می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز معامله و فدا دادن نیست. ۲. در رستاخیز ستمکاران هیچ راه فراری ندارند. ۳. در رستاخیز اعمال ستمکاران دامن آنها را خواهد گرفت. ۴. عذاب الهی را شوخی نگیرید، که در قیامت تحقق خواهد یافت. *** قرآن کریم در آیات چهل و نهم تا پنجاه و یکم سوره‌ی زمر به آزمایشگری خدا به وسیله‌ی نعمت‌ها و غفلت بدکاران و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۹- ۵۱. فَإِذَا مَسَّ الإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا اوتِیتُهُ عَلَی عِلْمٍ بَلْ هِیَ فِتْنَةٌ وَلَکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ* قَدْ قَالَهَا الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَی عَنْهُمْ مَا کَانُوا یَکْسِبُونَ* فَأَصَابَهُمْ سَیِّئَاتُ مَا کَسَبُوا وَالَّذِینَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَیُصِیبُهُمْ سَیِّئَاتُ مَا کَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِینَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۴ و هنگامی که انسان را زیان (و رنج) ی برسد، ما را می‌خواند، سپس هنگامی که نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم، می‌گوید: «آن (نعمت) فقط بر اساس دانشی (که داشته‌ام) به من داده شد.»؛ بلکه آن آزمایشی است و لیکن بیش‌ترشان نمی‌دانند. به یقین، کسانی که پیش از آنان بودند (نیز) آن را گفتند، و [لی آنچه کسب می‌کردند، (عذاب الهی را) از آنان دفع نکرد. و بدی‌های آنچه کسب کردند به آنان در رسید؛ و کسانی از آن (کافر) ها که ستم کردند، به زودی بدی‌های آنچه کسب کردند به آنان در می‌رسد؛ در حالی که آنان عاجز کننده (ی خدا) نیستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه حالات «انسان» های تربیت نایافته بیان شده است؛ انسان‌های بدکاری که گرفتار شرک شده، و به خود و دیگران ستم می‌کنند. «۱» ۲. انسان‌ها براساس فطرت خدا شناس خود، هنگامی که گرفتار مشکلات می‌شوند، به درگاه الهی روی می‌آورند و از خدا کمک می‌خواهند، ولی هنگامی که خدا به آنان نعمت می‌دهد، گرفتار غفلت و غرور می‌شوند و سپاس نعمت‌های الهی را نمی‌گزارند «۲» و خود را در به دست آوردن نعمت مستقل می‌بینند و آن را نتیجه‌ی علم خود می‌شمارند. «۳» ۳. نعمت‌های الهی به واسطه‌ی اسبابی همچون علم، مهارت و قدرت بدنی به انسان‌ها می‌رسد، ولی خود این اسباب نیز نعمت‌های الهی است و انسان مالک مستقل هیچ‌کدام نیست و باید برای هرکدام شکر خدا را به جا آورد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۵ ۴. برخی از افراد و اقوام پیشین نیز گرفتار غفلت و غرور شدند و نعمت‌های خدا را به خود نسبت دادند. این مطلب شاید اشاره به سخنان قارون باشد که در آیه‌ی ۷۸ سوره‌ی قصص گذشت. او نیز می‌گفت این ثروت بر اساس علم خودم به من داده شده است. ۵. نعمت‌ها و اموالی که خدا به انسان‌ها عطا می‌کند برای آزمایش آنان است، ولی بیش‌تر مردم از این حقیقت آگاهی ندارند و از این رو گرفتار غفلت و غرور و ناسپاسی می‌شوند. ۶. سخنان قارون‌ها و انسان‌های ناسپاس نتوانست جلوی عذاب الهی را بگیرد و بدکاران ستمکار در گذشته گرفتار عذاب الهی در دنیا شدند و مخالفان اسلام نیز منتظر چنین سرنوشت عذاب‌آلودی باشند. ۷. عذاب الهی نتیجه و عکس العمل کارهای انسان‌هاست و بدکاری و ستمکاری افراد باعث نزول بلا و عذاب برآنان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همان طور که

در مشکلات به یاد خدا هستید، در هنگام نعمت و راحتی نیز به یاد او باشید. ۲. نعمت‌ها را مستقلًا از خود ندانید (بلکه آنها را نعمت‌های الهی بدانید و سپاس آنها را به جا آورید). ۳. نعمت‌های الهی مایه‌ی آزمایش شماست (که ببینید کدام‌یک از شما سپاس گزار خواهید بود). ۴. اکثریت انسان‌های ناسپاس از حقایق بی‌اطلاع‌اند. ۵. ناسپاسی انسان‌های ثروتمند و صاحب نعمت پیشینه‌ای تاریخی و بی‌ثمر دارد. ۶. ستمکاران نا سپاس نتیجه‌ی اعمال بد خود را خواهند دید، همان طور که گذشتگان دیدند. ۷. تلاش‌ها و سخنان ستمکاران و بدکاران نمی‌تواند جلوی عذاب الهی را بگیرد. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۶ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی زمر به نشانه‌های حکمت خدا در مورد تقسیم رزق و تفاوت انسان‌ها در زمینه‌ی اقتصادی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۲. أوَ لَمْ يَعْلَمُوا أنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ و آیا ندانستند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد (و شایسته بداند) گسترده می‌سازد و تنگ می‌گرداند؟! قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین بیان شد که وقتی خدا به انسان‌های غافل و ناسپاس نعمت می‌دهد، آن را از خود می‌دانند و در این آیه به آنان هشدار می‌دهد که کم و زیاد شدن نعمت‌ها و رزق‌ها به دست خداست، پس چگونه آن را مستقلًا از خود می‌دانید؟! ۲. مشابه این آیه در سوره‌های متعدد قرآن کریم آمده است «۱» و به انسان‌ها گوشزد می‌کند که رزق به دست خداست و اوست که براساس مصلحت آن را کم و زیاد می‌کند و این نشانه‌ای از قدرت و حکمت خداست. ۳. تفاوت‌های مردم در زمینه‌ی اقتصادی (در قلمروی که مربوط به ستم، استعمار و استثمار نمی‌شود) به خواست خداست و ممکن است چند حکمت و فلسفه داشته باشد: الف) این تفاوت‌ها نوعی امتحان ثروتمندان و فقراست که به وسیله‌ی آن روح گذشت و استقامت در آنان پرورش می‌یابد. ب) عدم گسترش رزق مصلحت برخی از مردم است؛ اگر برخی از مردم تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۷ بی‌نیاز شوند، راه سرکشی در پیش می‌گیرند. ج) این گسترش و تنگی رزق‌ها بر اساس حکمت خداست؛ یعنی حکمت خدا اقتضا می‌کند که هر کس تلاش بیش‌تری کند، روزی‌اش زیاد شود و هر کس کوشش کم‌تری کند درآمد کم‌تری داشته باشد. «۱» ۴. مضمون این آیه جبر نیست، بلکه بیان حکمت تفاوت‌هاست؛ یعنی حکمت الهی اقتضا می‌کند که بر اساس تلاش‌ها و استعدادهای متفاوت، رزق‌ها را گسترش دهد یا تنگ کند، ولی کسی را مجبور نمی‌سازد که تلاش کم‌تر یا بیش‌تر بنماید. ۵. «رزق» معنای وسیعی دارد که شامل هرگونه رزق مادی و معنوی می‌گردد هر چند ممکن است در این آیه با توجه به سیاق آیات قبل، رزق مادی مقصود باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نشانه‌های (حکمت و آزمایش) خدا را در تفاوت رزق مردم ببینید. ۲. به نعمت‌های خود مغرور نشوید که رزق به دست خداست. ***

امید بخش ترین آیه قرآن

قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم تا پنجاه و پنجم سوره‌ی زمر به گناهکاران امید می‌دهد و آنان را به سوی سه برنامه‌ی سازنده فرامی‌خواند و می‌فرماید: ۵۳- ۵۵. قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ أسْرَفُوا عَلَى أنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إنَّهُ هُوَ الغَفُورُ الرَّحِيمُ* وَأنِيبُوا إلَى رَبِّكُمْ وَأسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أنْ يَأتِيَكُمُ العَذَابُ ثُمَّ لا تُنْصَرُونَ* وَاتَّبِعُوا أحْسَنَ مَا ا نْزِلَ إلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أنْ يَأتِيَكُمُ العَذَابُ بَغْتَةً وَأ نْتُمْ لا تَشْعُرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۸ بگو: «ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده‌اید! از رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که خدا تمام آثار (گناهان) را می آمرزد؛ که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. و به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم او شوید، پیش از آن‌که عذاب به سراغ شما آید؛ سپس یاری نخواهید شد. و از نیکوترین چیزی که از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده پیروی کنید، پیش از آن‌که ناگهان عذاب به سراغ شما آید، در حالی که شما (با درک حسی) متوجه نمی‌شوید!» شأن نزول: حکایت کرده‌اند که آیه‌ی فوق در مورد اهل مکه نازل شده که می‌گفتند: محمد صلی الله علیه و آله فکر می‌کند هرکس بت بپرستد یا قتل انجام دهد، هرگز بخشیده نمی‌شود ولی در همان

حال به ما می‌گوید مسلمان شوید، در حالی که ما بت پرستیده و قتل انجام داده‌ایم. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و راه توبه‌ی آنان را باز کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی زمر را امید بخش‌ترین آیه‌ی قرآن برای گناهکاران دانسته‌اند؛ چرا که وعده‌ی آمرزش همه‌ی گناهان را می‌دهد. «۲» آری: «نومید کی توان بود از لطف لایزالی» (حافظ) ۲. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که در قرآن آیه‌ای وسیع‌تر از آیه‌ی فوق نیست. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۸۹ ۳. این آیه بیانی محبت‌آمیز دارد و با تعبیر «بندگان من» گناهکاران را مورد خطاب قرار داده، همه را به بازگشت به سوی «پروردگارشان» دعوت می‌کند که خود لطفی دیگراست. صفت غفور و رحیم خدا نیز اشاره‌ی محبت آمیز دیگری است. ۴. در این آیه از «گناهکاران» با عنوان کسانی که در مورد خودشان اسراف کرده‌اند یاد می‌کند، چراکه گناه و ستم، نوعی اسراف و اتلاف سرمایه‌ی عمر و استعدادها است. ۵. در این آیه تأکید شده است که از رحمت الهی مأیوس نشوید؛ «۱» چراکه رحمت الهی همه‌ی جهان و موجودات را فراگرفته و او خودش شما را به سوی خود فرا می‌خواند و وعده‌ی آمرزش همه‌ی گناهانتان را می‌دهد. طمع ز فیض کرامت مَبُر که خُلق کریم گُنه ببخشد و بر عاشقان ببخشاید (حافظ) ۶. در این آیه، وعده‌ی آمرزش همه‌ی گناهان را با دو تأکید داده است؛ یعنی به وسیله‌ی توبه، تمام گناهان، حتی شرک بخشیده می‌شود. البته در برخی آیات قرآن اشاره شده که اگر کسی مشرک باشد (و با همان حال و بدون توبه از دنیا برود) بخشیده نمی‌شود. «۲» ۷. وعده‌ی بخشش گناهان دو شرط دارد: الف) انسان توبه کند و به سوی خدا بازگردد (و دیگر به سوی گناه باز نگردد)؛ ب) تسلیم دستورات الهی شود (و در عمل صداقت خود را نشان دهد و به جبران گذشته بپردازد). تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۹۰ ۸. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که توبه کننده از گناه همانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است. «۱» ۹. مقصود از بهترین چیزی که از طرف پروردگار برای ما فرود آمده است، چیست؟ بهترین چیز قرآن کریم است که در آیه‌ی ۲۳ همین سوره از آن با عنوان بهترین سخن یاد شده است. برخی از مفسران نیز احتمال داده‌اند که مقصود دستورات الهی باشد که بهترین آنها واجبات و مستحبات است که بر امور جایز ومباح برتری دارد. «۲» البته این دو تفسیر باهم منافاتی ندارند؛ چون قرآن نیز شامل دستورات الهی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ناامیدی در دین راه ندارد. ۲. گناه نوعی زیاده‌روی در سرمایه‌های وجود خویش است. ۳. لطف خدا شامل همه‌ی گناهکاران می‌شود. ۴. توبه، تسلیم و پیروی از وحی (قرآن) سه برنامه‌ی سازنده است که زمینه‌ساز بخشش و رحمت الهی است. ۵. عذاب ناگهانی الهی در راه است، پس قبل از فرارسیدن آن فکری به حال خود بکنید. ۶. هر چند همه‌ی دستورات الهی نیکو است، با توجه به کمبود فرصت، در بین دستورات الهی، نیکوترین آنها را انتخاب کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۹۱ قرآن کریم در آیات پنجاه و ششم تا پنجاه و نهم سوره‌ی زمر به پشیمانی‌های رستاخیز و راه جلوگیری از آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶ - ۵۹. أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ* أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ* أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ* بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (این‌ها به خاطر آن است) که مبادا شخصی (در روز رستاخیز) بگوید: «ای افسوس بر من که در جانب (دستورات) خدا کوتاهی کردم، و در واقع، (من) از ریشخندکنندگان بودم!» یا بگوید: «اگر (برفرض) خدا مرا راه‌نمایی می‌کرد، حتماً از خودنگه‌داران می‌بودم.» یا هنگامی که عذاب را می‌بیند، بگوید: «کاش برای من بازگشتی [به دنیا] بود، تا از نیکوکاران می‌شدم!» آری، به یقین، نشانه‌های من به سراغ تو آمد، و [لی آنها را دروغ انگاشتی و تکبّر ورزیدی و از کافران بودی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین به گناهکاران امید بخشش و رحمت داد شده و برای نجات آنان سه برنامه‌ی سازنده‌ی توبه، تسلیم و پیروی از وحی (قرآن) پیشنهاد شده است، تا در رستاخیز گرفتار پشیمانی نشوند و درخواست بازگشت به دنیا را نکنند. آری؛ قرآن صحنه‌های پشیمانی رستاخیز و سخنان و درخواست‌های مردم در آن روز را هم اکنون به تصویر می‌کشد تا ما بتوانیم انتخاب آگاهانه و صحیحی داشته باشیم. ۲. «حَسرَت» در اصل به معنای برهنه کردن و کنار زدن لباس است و از آن تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم،

ص: ۹۲ جا که در هنگام پشیمانی پرده‌های جهل کنار می‌رود، «۱» به آن حسرت گویند که در این آیات اشاره به افسوس و حسرت بزرگ رستاخیز است. ۳. «جَنْب» در اصل به معنای پهلو و کنار است و در این جا مقصود هرچیزی است که در ناحیه و جانب خدا قرار می گیرد، هم‌چون دستورات و کتاب‌های آسمانی او. آری؛ در رستاخیز گناهکاران پشیمان می‌شوند که چرا در مورد دستورات الهی کوتاهی کردند. ۴. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که مقصود از «جَنْبُ اللَّه» امام علی علیه السلام و امامان بعد از او هستند. «۲» البته این گونه احادیث مصداق‌های روشن آیه را بیان می کنند؛ زیرا مکتب و دستورات ائمه علیهم السلام همان دستورات الهی است و مخالفت با آنها مخالفت با خداست. ۵. در این آیات تأکید شده که گناهکاران در دنیا دستورات الهی و کتاب‌های آسمانی را شوخی می‌پنداشتند، و همین مطلب موجب غفلت، جهل و انحراف آنان شد. ۶. کافران با مشاهده‌ی عذاب الهی تقاضای باز گشت به دنیا را برای انجام کارهای نیک مطرح می کنند، ولی به آنان گوش‌زد می‌شود که قبلًا آیات الهی به سراغ شما آمد ولی تکبّر ورزیدید و تکذیب کردید و کافر شدید. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۹۳ آری؛ تکبّر آنان ریشه‌ی تکذیب گری و تکذیب عامل کفر آنان شد. ۷. در آیات متعدد قرآن تقاضای بازگشت کافران از رستاخیز به دنیا مطرح شده است، «۱» ولی این درخواست رد می‌شود؛ زیرا هدف از آمدن در دنیا اطلاع از آیات الهی و عمل به آنها و یا اتمام حجّت برآنهاست که همه‌ی این‌ها در دنیا انجام شده است و از آن جا که کافران لجوج هستند، اگر بار دیگر به دنیا بازگردند، بازهم همان کارها را تکرار می کنند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قبل از آن که پشیمانی روز رستاخیز فرارسد (به سوی خدا بازگردید و) از هدایت و دستورات الهی استفاده کنید و نیکو کار شوید. ۲. پشیمانی رستاخیز در انتظار ریشخند کنندگان و کوتاهی کنندگان در مورد دستورات الهی و دوری گزینان از هدایت و نیکوکاری است. ۳. هم اکنون کار خیر انجام دهید که روزی، آرزوی بازگشت به دنیا و انجام کار نیک می کنید، ولی دیگر سودی نخواهد داشت. ۴. به تکذیب‌گران مستکبر، فرصت دوباره داده نمی‌شود. *** قرآن کریم در آیات شصتم و شصت و یکم سوره‌ی زمر به فرجام مستکبران و پارسایان در رستاخیز اشاره می کند و می‌فرماید: ۶۰- ۶۱. وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَ لَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوىً لِلْمُتَكَبِّرِينَ* وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوا بِمَفَازَتِهِمْ لا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ و روز رستاخیز کسانی را که برخدا دروغ بستند می‌بینی، در حالی که چهره‌هایشان سیاه است؛ آیا در جهنّم جایگاهی برای متکبران نیست؟! و خدا کسانی را که خود نگه‌داری می کنند، با کام‌یابی‌شان نجات می‌دهد؛ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۹۴ در حالی که نه بدی به آنان می‌رسد و نه آنان اندوهگین می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت گروه‌های نیک و بد را در برابر هم به تصویر می کشد، تا مخاطبان قرآن بتوانند آگاهانه راه خود را برگزینند؛ و در این آیات فرجام عذاب‌آلود متکبران دروغ‌ساز و فرجام نیک پارسایان بیان شده است. ۲. مقصود از دروغ بستن برخدا، معنای گسترده‌ی آن، یعنی شریک قرار دادن و ادعای فرزند داشتن خدا یا هر دروغ دیگر است. ۳. «مستکبر» به هرانسان خودبرتربین اطلاق می‌شود، ولی در این جا بیش‌تر مقصود کسانی هستند که در برابر پیامبران و آیات الهی تکبّر ورزیده، از پذیرش حق سرباز زدند. ۴. سیاه شدن روی دروغ‌سازان در رستاخیز، تعبیری کنایی است؛ یعنی سیه‌رویی آنان نشانه‌ی خواری و رسوایی آنان است. آری؛ در قیامت اسرار نهان و قلب تاریک دروغ گویان آشکار می‌شود و آنان را سیه‌روی می‌سازد. ۵. در برخی از احادیث اهل‌بیت علیهم السلام حکایت شده که مقصود از دروغ‌سازان سیاه‌روی در آیه‌ی فوق کسانی هستند که ادعای امامت می کنند، در حالی که امام نیستند، هر چند از نسل علی و فاطمه علیهما السلام باشند. «۱» البته ادعای دروغین امامت نوعی نسبت دروغ به خداست؛ چون امام را خدا معین می کند. ۶. در برخی احادیث، ذیل این آیه از امام صادق علیه السلام روایت شده که هرکس حدیثی از ما حکایت کند، روز رستاخیز از او پرسش می کنیم اگر راست گفته باشد، (سخن حقّی را) به راستی به خدا و پیامبرش نسبت داده است و اگر برما دروغ بسته باشد، برخدا و پیامبرش دروغ بسته است؛ چون ما وقتی حدیثی می گوییم، از کسی نقل نمی کنیم جز خدا و پیامبرش. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۹۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دروغ‌سازان، در رستاخیز،

سیاه‌روی می‌شوند (شما از آنها نباشید). ۲. تکبّر و دروغ‌سازی عامل عذاب است (پس از آنها دوری گزینید). ۳. پارسایی عامل نجات و رستگاری است (پس شما نیز پارسا باشید). ۴. تقوا، بدی‌ها و غم‌ها را از انسان دورمی‌سازد. ۵. با مقایسه‌ی سرنوشت متکبران و پارسایان راه خود را انتخاب کنید. *** قرآن کریم در آیات شصت و دوم و شصت و سوم سوره‌ی زمر به برخی صفات خدا و اقسام توحید و زیانکاری کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲ و ۶۳. اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ* لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ اوْلَئِكَ هُمُ الخَاسِرُونَ خدا آفریننده‌ی همه چیز است و او بر هرچیزی کارساز است. کلیدهای آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ اوست؛ و کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند، تنها آنان زیانکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به سه قسم توحید، یعنی توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت و توحید در مالکیت اشاره شده است. ۲. مشرکان توحید در خالقیت را قبول داشتند و آفریننده‌ی جهان را اللَّه می‌دانستند، اما در مورد توحید در ربوبیّت گرفتار انحراف شده بودند و گاهی بت‌ها را حافظ و مدبّر کارها می‌دانستند و در مشکلات به آنها پناه می‌بردند. ولی قرآن با بیان آیه‌ی فوق اشاره دارد که تدبیر و حفظ جهان به دست کسی است که آن را آفریده است و توحید در ربوبیّت در راستای تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۹۶ توحید در خالقیت است. ۳. «وکیل» به معنای کفیل، حافظ و مدبّر می‌آید «۱» که در مورد خدا می‌توان با عنوان «کارساز» به آن اشاره کرد. ۴. مقصود از این که خدا همه چیز را آفریده است، آن است که جهان و انسان و حتی اعمال ما مخلوق خداست، ولی این به معنای جبر نیست؛ زیرا از طرفی قدرت، عقل و ابزار کار و آزادی اراده را خدا به ما داده است، پس کارهای ما منسوب به خدا و مخلوق اوست. و از طرف دیگر، ما در اعمال خود آزاد هستیم و با اراده‌ی خویش کار انجام می‌دهیم پس کارهای ما منسوب به ماست و ما در برابر آنها مسئولیم و به اصطلاح، اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خدا است، نه در عرض آن. ۵. «مَقالید» به معنای «کلیدها» ست و تعبیر کلیدهای آسمان‌ها و زمین، کنایه از مالکیت و سلطه‌ی خداست. و این تعبیر اشاره به توحید در مالکیت و حاکمیت یا توحید در تدبیر و ربوبیت است. «۲» کلید فتح اقالیم در خز این اوست کسی به قوّت بازوی خویش نگشادست (سعدی) ۶. مقصود از زیانکاری کافران چیست؟ زیان‌کاری کافران از آن جهت است که آنان خدای واحد را که سرچشمه‌ی همه‌ی برکات است و کلیدهای تدبیر جهان به دست اوست رها کرده، به سراغ معبودهای ناتوان رفته و مشرک شده‌اند. آری؛ کسانی که همه‌ی سرمایه‌های وجودی و استعدادهای انسانی خود تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۹۷ را در راه کفر از دست می‌دهند، گرفتار زیان می‌گردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با شناخت صفات و افعال خدا، خداشناس‌تر شوید. ۲. آفرینشگری، وکالت و حاکمیت جهان به دست خداست (پس فقط او را بپرستید). ۳. کلیدهای تدبیر جهان به دست خداست (پس به سراغ غیر او نروید که زیانکاری است). ۴. انکار و کفر نسبت به آیات الهی زیانکاری در پی دارد. *** قرآن کریم در آیات شصت و چهارم تا شصت و ششم سوره‌ی زمر به نقش شرک در نابودی اعمال و زیانکاری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۴- ۶۶. قُلْ أ فَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أ يُّهَا الجَاهِلُونَ* وَلَقَدْ اوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الخَاسِرِينَ* بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ بگو: «ای نادانان! پس آیا به من فرمان می‌دهید که غیر خدا را بپرستم؟!» و به یقین، به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند، وحی شد که اگر شرک بورزی، قطعاً عملت تباه می‌شود و حتماً از زیانکاران خواهی بود. بلکه فقط خدا را بپرست و از سپاس‌گزاران باش. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مشرکان و کافران گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله را به پرستش و احترام معبودان خود فرا می‌خواندند و یا از او می‌خواستند که از انتقاد نسبت به بت‌ها بپرهیزد اما این آیات به طور صریح به آنان پاسخ منفی می‌دهند و دعوت به شرک را کاری جاهلانه معرفی می‌کنند. ۲. شرک و دعوت به آن، کاری جاهلانه است؛ چراکه اگر کسی خدا و صفات او را بشناسد و جایگاه واقعی و والای انسان را دریابد، در برابر بت تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۹۸ کرنش نمی‌کند و شرک نمی‌ورزد؛ پس شرک ریشه در جهل بشر دارد. ۳. در این آیات بیان شده که شرک دو پیامد خطرناک دارد: الف) موجب نابودی اعمال نیک انسان می‌شود. ب) انسان را گرفتار زیانکاری می‌کند؛ چون سرمایه‌های وجودی،

استعدادهای انسانی و خِرد آدمی را از کار می‌اندازد و به تباهی می‌کشد. ۴. مقصود از «حَبْط اعمال» چیست؟ منظور از «حَبْط» نابودی اعمال است؛ یعنی برخی گناهان، هم‌چون شرک، مثل آتش سوزانی تمام محصول زندگی انسان را به آتش می‌کشند. به عبارت دیگر، شرط قبولی اعمال نیک انسان، ایمان به توحید است؛ پس اگر کسی مشرک شود، همه‌ی اعمالش تباه می‌شود و مورد قبول خدا قرار نمی‌گیرد. «۱» ۵. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که خدا (کارهای) همه‌ی بندگان را محاسبه می‌کند، مگر کسی که به خدا شرک ورزد، که او بدون محاسبه به سوی آتش روانه می‌شود. «۲» ۶. چرا این آیه پیامبران الهی را در مورد شرک تهدید کرده است؟ آیا ممکن است پیامبران مشرک شوند؟ پیامبران معصوم هستند و از این رو مشرک نمی‌شوند؛ چون هم‌چون پزشکی هستند که خطر سمّ را درک می‌کند و آن را نمی‌خورد (پس اختیار دارند، اما این کار را نمی‌کنند). اما تهدید پیامبران در مورد شرک به منظور گوشزد کردن خطر شرک به دیگران است تا همه‌ی مردم تکلیف خود را بدانند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۹۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دستور به شرک ندهید که کاری جاهلانه است. ۲. شرک دو پیامد منفی دارد: اول، نابودی اعمال نیک و دوم، زیانکاری. ۳. مشرکان (سرمایه‌های وجودی خود را ازدست می‌دهند بدون آن که چیزی در برابر آن به دست آورند، پس) زیانکارند. ۴. خدا در مورد مجازات مشرکان، حتی پیامبرانش را نیز استثنا نکرده است. ۵. یگانه‌پرست باشید و سپاس‌گزاری کنید (تا سعادتمند شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی زمر به عدم شناخت کامل خدا و قدرت خدا در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۷. وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ القِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ و خدا را به حقیقت معرفتش نشناختند، و در روز رستاخیز تمام زمین در قبضه‌ی (قدرت) اوست؛ و آسمان‌ها با دست راست (: قدرت) او درهم پیچیده شده است. او منزّه و برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرچشمه‌ی شرک، عدم معرفت خداست؛ یعنی اگر کسی بداند که خدا موجودی نامحدود و خالق همه چیزاست و تدبیر هستی به دست اوست، متوجه می‌شود که رقیب و همتایی برای خدا نیست و دوگانگی برای او محال است و به سوی غیر او رونمی‌آورد. ۲. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که ما تو را آن‌چنان که حق معرفت توست نشناختیم. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۰۰ البته معرفت خدا دارای مراحلی است که مرحله‌ی بالای آن پی بردن به ذات خداست که ممکن نیست و حدیث فوق به همین مرحله اشاره دارد، اما مراحل پایین‌ترِ معرفت، مثل شناخت اجمالی صفات و افعال خدا برای انسان‌ها ممکن است، که مشرکان از همین مرحله نیز وامانده‌اند. ۳. این آیه برای بیان قدرت خدا تعبیرات کنایی به کار برده است؛ یعنی از تسلّط خدا با جمله‌ی «زمین در قبضه‌ی اوست» یاد کرده است. واژه‌ی قبضه به معنای چیزی است که در مشت می‌گیرند و کنایه از قدرت مطلق وسلطه‌ی کامل بر همه چیز است. و نیز فرموده است: «آسمان‌ها دردست راست او درهم پیچیده شده است.» که این تعبیر نیز کنایه از سلطه‌ی مطلق خداست و تعبیر دست راست به خاطر آن است که غالباً افراد کارهای مهم را با دست راست و با قدرت بیش‌تری انجام می‌دهند. البته خدا جسم نیست و نه دست راست دارد و نه چپ و نه مشت؛ پس همه‌ی این تعبیرات کنایه از قدرت او در روز رستاخیز است. ۴. مقصود از درهم پیچیدن آسمان‌ها و زمین، به هم خوردن شکل کنونی جهان است که ذیل آیه‌ی صد و چهارم سوره‌ی انبیاء توضیح دادیم. ۵. در دنیا و آخرت، همه چیز در قبض قدرت خداست، ولی در این آیه فقط به آخرت اشاره شده است؛ چراکه در آن روز همه چیز ظاهر می‌شود و همه‌ی افراد تسلّط خدا را به روشنی درمی‌یابند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دنبال شناخت خدا و صفات او باشید. ۲ مشرکان معرفت کامل به خدا ندارند (و از این روست که به انحراف شرک در افتاده‌اند). ۳. در رستاخیز قدرت حقیقی خدا آشکار می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۰۱ ۴. آسمان‌ها و زمین در دست قدرت خداست. ۵. خدا از هرگونه شریک مبرّا و برتر است. ***

نفخ صور چیست؟

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی زمر به شیپور مرگ‌آفرین و شیپور حیات‌بخش در آستانه‌ی رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۸. وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الأَرْضِ إِلَّامَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ اخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ و در شیپور دمیده می‌شود، پس کسانی که در آسمان‌ها و کسانی که در زمین‌اند مدهوش می‌شوند (و می‌میرند)، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس [بار] دیگر در آن (شیپور) دمیده می‌شود و ناگهان آنان ایستاده‌اند، در حالی که منتظر (حساب) هستند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «صُور» در اصل به معنای شیپور یا شاخ میان تهی است که برای اعلام حرکت وتوقف قافله‌ها دمیده می‌شود. «۱» و در این آیه از دو صدای شیپور یاد شده که یکی اعلام مرگ همه‌ی موجودات در آستانه‌ی رستاخیز و دیگری اعلام حیات و زنده شدن همه در صحنه‌ی رستاخیز است. ۲. در قرآن کریم با تعبیرات متفاوتی از این فریاد عظیم مرگ آفرین و حیات بخش یاد شده است؛ گاهی با عنوان ناقُورا، «۲» (شیپور) و قارعه، «۳» (کوبنده‌ی شدید) و صیحه، «۴» (صدای عظیم)، از آن یاد شده است. ۳. حقیقت این صدای عظیم مرگ‌آفرین برای ما روشن نیست، اما در احادیث از آن با عنوان «شاخی از نور یاد شده که سوراخ‌هایی به تعداد ارواح بندگان دارد و یا شیپوری که یک طرف آن به زمین و طرف دیگر آن به آسمان است.» «۵» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۰۲ البته این گونه تعبیرات به خاطر آن است که الفاظ ما گویای حقایق ماورای طبیعی نیست و در احادیث تلاش شده که با الفاظ معمولی ما مطلب را توضیح دهند و معنای گسترده‌ی آیه را بیان کنند. از تعبیرات این روایات استفاده می‌شود که این فریاد عظیم از سنخ امواج صوتی معمولی نیست، بلکه امواجی هم‌چون نور است که گاهی مرگ‌آفرین و گاهی حیات‌بخش است. «۱» البته ما شبیه این امواج و نمونه‌ی کوچک آن را امروزه در شکسته شدن امواج صوتی و ویرانگری آن و نیز ایجاد شوک‌های صوتی می‌بینیم؛ پس جای تعجب نخواهد بود که قوی‌تر از آنها به فرمان خدا نیز در صحنه‌ی رستاخیز و بر اثر انفجارها و حوادث عظیم آن به وجود آید. «۲» ۴. در این آیه به کسانی اشاره‌شده که به خواست خدا، به صورت استثنایی، در رستاخیز زنده می‌مانند. در احادیث و سخنان مفسران اشاره شده که این گروه جمعی از فرشتگان بزرگ، هم‌چون جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و نیز حاملان عرش و ارواح شهدا هستند که سرانجام این گروه نیز می‌میرند (یعنی به طور موقت از فعالیت باز می‌مانند). «۳» ۵. هر دو حادثه و صدای عظیم رستاخیز، ناگهانی است «۴» و فاصله‌ی آنها زیاد است. در برخی احادیث فاصله‌ی آن دو را چهل سال مشخص کرده‌اند، اما معلوم نیست که معیار آن چه نوع سالی است. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۰۳ به هر حال، هر لحظه باید آماده‌ی دیدن رستاخیز باشیم و برای حضور در آن صحنه‌ی عظیم به اصلاح خود و کارهایمان بپردازیم، همان طور که حکایت شده امام سجاد علیه السلام در هنگام سخن گفتن از نفخ صور شدیداً گریه می‌کرد (و از این مسأله نگران بود). «۱» ۶. برخی مفسران تعداد نفخه‌ی صور را سه یا چهار بار دانسته‌اند و بار اول را نفخه‌ی فَزَع «۲» و دوم را نفخه‌ی مرگ و سوم را نفخه‌ی قیام و چهارم را نفخه‌ی جمع و حضور می‌دانند. «۳» اما به نظر می‌رسد که نفخه‌ی فَزَع یا وحشت، مقدمه‌ی مرگ و نفخه‌ی حضور، پیامد قیام است و دو نفخه بیش‌تر نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان به طرف مرگ همگانی و حیات مجدد پیش می‌رود. ۲. برخی موجودات از مرگ همگانی استثنا هستند. ۳. هنگام برپایی رستاخیز همگان آماده و منتظر (حساب) می‌شوند (پس برای آن روز آماده شوید). ۴. معادشناس شوید. *** قرآن کریم در آیات شصت و نهم و هفتادم سوره‌ی زمر به شش ویژگی رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۹ و ۷۰. وَأَشْرَقَتِ الأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالحَقِّ وَهُمْ لا يُظْلَمُونَ* وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۰۴ و (در رستاخیز) زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و نامه (اعمال) نهاده می‌شود و پیامبران و گواهان آورده می‌شوند و بینشان به حق داوری می‌شود، در حالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. و به هر شخص آنچه انجام داده است به طور کامل داده می‌شود؛ و او نسبت به آنچه انجام دهند داناتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از روشن شدن زمین با نور پروردگار چیست؟ مفسران قرآن در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) منظور از نور پروردگار، همان حق و عدالت است که در رستاخیز همه جا را پر می‌کند. ب) نوری غیر از نور

خورشید است که خدا در رستاخیز می‌آفریند. ج) مقصود کنار رفتن حجاب‌ها و ظاهر شدن حقایق امور است. البته این تفسیرها با هم منافاتی ندارند و ممکن است همه‌ی آنها مقصود آیه باشد. ۲. هر چند نور الهی همه‌ی جهان را فرا می‌گیرد، ولی در این آیه به زمین اشاره شده است؛ زیرا هدف اصلی بیان حال مردم روی زمین است. ۳. در برخی احادیث این آیه را به قیام امام عصر (عج) تفسیر کرده‌اند «۱» که نوعی تطبیق و تشبیه است؛ زیرا قیام امام مهدی علیه السلام نمونه‌ای از صحنه‌ی رستاخیز است که عدالت درهمه جاگسترده می‌شود و نور الهی امامت همه جا را روشن می‌کند. ۴. برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از گواهان رستاخیز، نیکان، پاکان عادل همه‌ی امت‌ها و شهیدان و امامان معصوم و فرشتگان و اعضای بدن و حتی مکان و زمان هستند، که شاهد اعمال انسان‌هایند و در محضر خدا گواهی می‌دهند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۰۵ ۵. هر چند خدا از همه‌ی اعمال بندگان آگاه است، اما با این حال گواهانی را در رستاخیز می‌آورد تا تأکیدی به عدالت او باشد و این نوعی لطف و اتمام حجّت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز نورانی شدن جهان است. ۲. در دادگاه رستاخیز، پرونده‌ی اعمال و گواهان و قاضی عادل و حق‌طلب، آماده (ی رسیدگی به اعمال شما) است. ۳. در رستاخیز هرکس نتیجه‌ی اعمال خود را (به صورت پاداش یا کیفر) دریافت می‌کند. ۴. رستاخیز داوری عادل و آگاه دارد (پس مراقب اعمال خود باشید). *** قرآن کریم در آیات هفتاد و یکم و هفتاد و دوم سوره‌ی زمر به ورود سرزنش‌آمیز کافران متکبّر به دوزخ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۱ و ۷۲. وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَراً حَتَّى إِذَا جَاؤُوهَا فُتِحَتْ أَ بْوَا بُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَ لَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَـٰذَا قَالُوا بَلَى وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ العَذَابِ عَلَى الكَافِرِينَ* قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى المُتَكَبِّرِينَ و کسانی که کفر ورزیدند، گروه گروه به سوی جهنّم رانده می‌شوند؛ تا هنگامی که نزد آن می‌آیند درهایش گشوده می‌شود و نگهبانان آن (دوزخ) به ایشان می‌گویند: «آیا فرستادگانی از شما به سراغتان نیامدند درحالی که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند [و پیروی کنند] و شما را از ملاقات این روزتان هشدار دهند؟!» (کافران) می‌گویند: «آری؛ (آمدند و ما مخالفت کردیم) و لیکن سخن (و وعده‌ی) عذاب بر کافران به حقیقت پیوست.» (به کافران) گفته می‌شود: «از درهای جهنّم وارد شوید، تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۰۶ در حالی که در آن‌جا ماندگارید؛ و جایگاه متکبّران چه بد است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «زُمَر» به معنای گروه اندک است. از این تعبیر استفاده می‌شود که کافران در گروه‌های کوچک و پراکنده به سوی دوزخ رانده می‌شوند. ۲. در این آیات بیان شده که کافران را به سوی دوزخ می‌رانند. مقصود آن است که فرشتگان عذاب مأمورند که کافران را تا مقابل درهای دوزخ ببرند. ۳. درهای دوزخ همچون زندان بسته است و هنگامی که دوزخیان را به کنار دوزخ می‌آورند درها گشوده می‌شود و این وحشت و عذاب بیش‌تری برای دوزخیان ایجاد می‌کند. ۴. مأموران دوزخ کافران را سرزنش می‌کنند که خود نوعی عذاب روحی برای آنان است. ۵. مقصود از «کلمهٔ عذاب» که در این آیات آمده است، ممکن است همان سخن و وعده‌ی خدا در هنگام هبوط آدم باشد که فرمود: کسانی که کافر شوند و آیات الهی را تکذیب کنند آنان اهل آتش‌اند. «۱» و یا وعده‌ی خدا به شیطان باشد که فرمود: مسلماً دوزخ را از گناهکاران از جنیان و انسان‌ها پر می‌کنم. «۲» و یا مقصود آن باشد که خدا فرمود: فرمان (عذاب) برآنان محقق شده است؛ چراکه آنان ایمان نمی‌آورند. «۳» ۶. حتمی شدن فرمان عذاب بر کافران به معنای اجباری بودن آن نیست، بلکه هر کس بر اثر اعمال خویش گرفتار عذاب می‌شود. ۷. برخی مفسران احتمال داده‌اند که درهای دوزخ براساس اعمال انسان‌ها تنظیم شده است و هر کس را به تناسب عملش، از راهی وارد دوزخ می‌کنند. «۴» ۸. در این آیات بر تکبّر کافران تأکید شده است. این تعبیر شاید اشاره به آن باشد که سرچشمه‌ی اصلی کفر و انحراف، کبر و غرور است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۰۷ و در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس ذره‌ای از تکبر در قلبش باشد، وارد بهشت نمی‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران در رستاخیز گرفتار آتش و سرزنش می‌شوند. ۲. به هشدارهای پیامبران و آیات الهی توجه کنید که بی‌توجهی به آنها عامل گرفتاری و عذاب است. ۳. کفر و تکبّر، عامل گرفتاری در عذاب رستاخیز است. ۴. در رستاخیز کافران به اعمال ناپسند

خود واقف می‌شونـد (پس چه بهتر که هم اکنون بیدار شوند). *** قرآن کریم در آیات هفتاد و سوم و هفتاد و چهارم سوره‌ی زمر به ورود محترمانه‌ی پارسایان به بهشت و سپاس گزاری آنان اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۷۳ و ۷۴. وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الجَنَّةِ زُمَراً حَتَّى إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَا بُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ* وَقَالُوا الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ العَامِلِينَ و کسانی که از (مخالفت) پروردگارشان خودنگه‌داری کردنـد، گروه گروه به سوی بهشت رانـده می‌شونـد؛ تا هنگامی که نزد آن می‌آینـد در حالی که درهایش گشوده می‌شود و نگهبانان آن (بهشت) به آنـان می‌گوینـد: «سلام بر شـما بـاد! خوش باشـید، پس به آن (بهشت) وارد شویـد در حـالی که ماندگاریـد.» و (خودنگه‌داران) می‌گوینـد: «سـتایش مخصوص خـدایی است که وعده‌اش را درباره‌ی ما راست گردانید و [سـر] زمین (بهشت) را به ما ارث داد، در حالی که در هر کجایی از بهشت که بخواهیم جای می‌گیریم؛ و پاداش اهل عمل چه نیکوست!» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۰۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن روش مقایسه و مقابله است؛ از این رو در آیات پیشین، سرنوشت و ورود سرزنش‌آمیز کـافران به دوزخ را بیـان کرد و اینـک در این آیات ورود محترمانه‌ی پارسایان به بهشت را به تصویر می‌کشـد، تا افراد بتوانند راه صحیح را انتخاب کنند. ۲. مقصود از رانـده شدن و بردن پارسایان به سوی بهشت چیست؟ گفته شده منظور آن است که انتظار دوستان در بهشت این افراد را به طرف بهشت می‌کشد و یا شوق ملاقات پروردگار، پارسایان را مجذوب خدا کرده به طوری که به بهشت هم نمی‌پردازنـد؛ از این رو آنـان را به طرف بهشت می‌برنـد و یـا اشـاره به شوق بهشت به بهشتیـان است که آنان را به سوی خود می‌کشد. آری، بهشت به دیدار پارسایان مشتاق‌تر است؛ از این رو فرشتگان رحمت بهشتیان را به سرعت به سوی بهشت می‌برند. «۱» ۳. در آیـات قبلی آمـده بود، هنگـامی که دوزخیان به کنار دوزخ می‌آینـد، درها گشوده می‌شود. ولی در این جا گفته شـده، هنگـامی که بهشتیـان کنـار بهشت می‌آینـد درهـا از قبـل گشوده شـده است و این نشـانه‌ی احـترام و اکرام بهشتیـان است که صاحب‌خـانه قبـل از ورود میهمـان درها را گشوده است. ۴. در این آیـات به ورود محترمـانه‌ی بهشتیـان اشاره شـده است که: الف) درهـای بهشت برای آنـان گشوده شـده است؛ ب) مـأموران بهشت به آنـان سـلام می‌گوینـد؛ ج) مأموران بهشت به آنان خوش‌آمد می‌گویند. ۵. مقصود از تعبیر «طِبتُم» آن است که خوش و خرم باشـید و نعمت‌های بهشت برشـما گوارا باد و یا آن که شـما بهشتیان از گناهـان و آلودگی‌ها پاك شده‌ایـد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۱۰۹ ۶. مقصـود از «زمین» در این آیـات سـرزمین بهشـت اسـت و منظـور از ارث، یـا آن است که بهشت بـا کم‌ترین زحمت، هم‌چـون ارث، به بهشتیـان داده شـده است؛ یعنی اعمـال انسان‌هـا در برابر نعمت‌هـای بهشتی بسیار نـاچیز است. و یـا آن که هر انسـانی مکـانی در بهشت دارد و هنگـامی که فردی دوزخی می‌شـود، جـای او را به افراد بهشـتی ارث می‌دهنـد. ۷. از ایـن آیـه و آیـات دیگر قرآن اسـتفاده می‌شـود کـه بهشت دارای باغ‌هـا و منزلگاه‌هـای متعـددی است و بهشتیان آزادنـد هر کجا خواسـتند منزل گزیننـد. البته بهشت دارای مراتب معنوی است که هرکس در مرتبه‌ی خـود آزاد است. ۸. این جمله که فرمود: «پاداش عمل کننـدگان (به دسـتورات پروردگار) چه نیکوست!»، نشان می‌دهـد که بهشت را در برابر کارهای پارسایان به آنان می‌دهند و این جمله یا دنباله‌ی سـخنان بهشتیان است و یا سـخن پروردگار. البته احتمال اول با ظاهر آیه هماهنگ‌تر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پاداش پارسایی و عمل (نیک)، بهشت است. ۲. پارسا باشید که بهشت آماده و مشـتاق پارسایـان است. ۳. از پارسایـان بهشـتی بـا احترام اسـتقبال می‌شود (شـما نیز بکوشـید از آنـان باشـید). ۴. بهشتیـان افرادی سپاس‌گزارند که وعده‌های الهی را فراموش نمی‌کنند (شما نیز این‌گونه باشید). ۵. بهشت را به بها می‌دهند (نه به بهانه). *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی زمر به تسبیح فرشـتگان و داوری حق رسـتاخیز و سـپاس پایانی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۵. وَتَرَى المَلائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ العَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالحَقِّ وَقِيلَ الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ العَالَمِينَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۱۰ و (در رسـتاخیز) فرشـتگان را می‌بینی در حالی که برگرد تخت (جهان‌داری و تـدبیر هستی خـدا) حلقه زده‌اند؛ با سـتایش پروردگارشـان تسبیـح می‌گوینـد و بینشـان به حق داوری می‌شود؛ و گفته می‌شود: «سـتایش مخصوص خـدایی است که پروردگـار

جهانیـان است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گرد آمـدن فرشـتگان در نزد عرش پروردگـار، اشاره به آمادگی آنان برای اجرای دسـتورات الهی و یا اشاره به شهود باطنی است که برای مقرّبان درگاه الهی به وجود آید. ۲. گوینده‌ی ستایش پایانی آیه، فرشتگان یا بهشتیان پارسا هستند؛ البته مانعی ندارد که هر دو گروه به ستایش پروردگار جهانیان مشغول باشند. ۳. «عرش» در اصل به معنای چیزی است که دارای سـقف باشـد وگـاهی به خـود سـقف و تخت‌هـای بلنـد، هم‌چون تخت پادشاهـان نیز گفته می‌شود. عرش خـدا به معنـای مجموعه‌ی جهـان هستی است که هم‌چون تخت حکومت پروردگار است و کنایه از تسـلّط و تـدبیر خـدا در جهان هستی است نه به معنـای داشـتن جسم و تخت مـادی. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. رسـتاخیز، روز داوری حق اسـت. ۲. رسـتاخیز روز سـتایش و تسبیح موجودات است. ۳. رسـتاخیز روز مشاهـده‌ی امـور مـاورای طبیعی، هم‌چون فرشـتگان تسبیـح‌گر است. ۴. بـه حق داوری کنیـد و سپاس‌گزار باشید. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۱۱

بخش دوم: سوره‌ی غافر

اشاره

نشانه‌های توحیـد و دلایل بطلان شـرک عذاب رسـتاخیز و گفت‌وگوهای دوزخیان نام‌های نیکوی الهی و پیام امیدبخش او داسـتان برخی پیامبران و ماجرای مؤمن آل فرعون تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۱۳

اول: سیمای سوره‌ی غافر

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی «غافر» یا «مؤمن» در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده، و دارای ۸۵ آیه، ۱۱۹۹ واژه و ۴۹۶۰ حرف است.

نزول

سوره‌ی غافر، پنجاه و نهمین سوره در ترتیب نزول است (بعـد از سوره‌ی زُمَر و قبل از سوره‌ی سـجده) و انـدکی قبل از هجرت فرود آمـده و چهلمین سـوره در چینش کنونی قرآن است. نام‌هـا: نام‌هـای این سوره عبارت‌انـداز: «غـافر»، «مؤمن»، «الطّوْل» و «حم اولی». سبب نام‌گذاری این سوره به «غافر» آیه‌ی سوم آن است که از خدا با صفت «غافر» (بخشنده‌ی گناه و خطاپوش) یاد شده است؛ و به مناسبت آیه‌ی ۲۸ آن که داسـتان مؤمن آل فرعون در آن آمده، «مؤمن» نامیده شده است و به مناسـبت آیه‌ی سوم که در آن واژه‌ی «الطّول» (فضـل و رحمت فراوان) آمـده است به این نام خوانـده شـده و از آن جا که اولین سوره‌ای است که با حروف «حم» شـروع می‌شود «حم اولی خوانده می‌شود.

فضایل

در مـورد فضـیلت سـوره‌ی غـافر از امـام صـادق علیـه السـلام روایـت شـده که تفسـیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۱۱۴ سوره‌های (هفت‌گانه‌ی) «حم» گل قرآن است و خـدا پیروی کننـده‌ی و قرائت کننـده‌ی این‌سوره‌ها را مورد رحمت قرار می‌دهـد. «۱» ویژگی:

سوره‌ی غافر و ۶ سوره‌ی بعد با حروف مقطعه‌ی «حم» شروع شده‌اند.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌انداز: ۱. یادآوری توحید و اسمای حسنای الهی (یعنی نام‌های نیکوی خدا)؛ ۲. یادآوری رستاخیز.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که در سوره‌ی غافر به چشم می‌خورند عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان نشانه‌های توحید و دلایل بطلان شرک (در آیات ۱۳، ۶۱، ۶۵، ۷۹ و ۸۱)؛ ۲. بیان اسم‌های نیکوی خدا که خوف و امید را در دل برمی‌انگیزد (در آیات ۳ و ۱۶)؛ ۳. تصویر عذاب‌های قیامت و تهدید کافران (در آیات ۱۸- ۲۰، ۴۶- ۴۹ و ۷۲). ب) اخلاق: ۱. دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به صبر و شکیبایی (در آیه‌ی ۵۴)؛ ۲. دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به استغفار و تسبیح در صبح و شام (در آیه‌ی ۵۴). ج) داستان‌ها: ۱. گزارش از داستان موسی و فرعون و درگیری آنان (در آیات ۲۳، ۳۰- ۳۵ و ۵۴). تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۱۵ ۲. شرح مجاهدت‌های مؤمن آل فرعون (در آیات ۲۷ و ۵۵)؛ ۳. اشاره‌ای به داستان نوح (در آیات ۳۱- ۵۷)؛ ۴. اشاره‌ای به داستان عاد و ثمود (در آیه‌ی ۳۱)؛ ۵. اشاره‌ای به داستان یوسف علیه السلام (در آیه‌ی ۳۴). د) مطالب فرعی: ۱. بیان اسرار سرنگونی قدرت‌های باطل و ستمگر؛ ۲. دعوت به سیر و سیاحت در زمین (در آیات ۲۱ و ۸۲)؛ ۳. گفت‌وگوهای دوزخیان با حافظان جهنّم (در آیات ۴۹ و ۵۰)؛ ۴. پیام روح‌بخش و امیدآفرین الهی که «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را.» (در آیه‌ی ۶۰). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۱۷

دوم: محتوای سوره‌ی غافر

نام‌های امید بخش خدا

قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی غافر با اشاره به حروف مقطعه و نزول قرآن، هشت صفت خدا را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۳. حم* تَنزِیلُ الْکِتَبِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ* غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِیدِ الْعِقَابِ ذِی الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَیْهِ الْمَصِیرُ حا، میم. فرو فرستادن کتاب (: قرآن) از جانب خدای شکست‌ناپذیر داناست. (همان) آمرزنده‌ی پیامد (گناه) و پذیرنده‌ی توبه، سخت کیفر، سرمایه‌دار، هیچ معبودی جز او نیست؛ فرجام (همه) فقط به سوی اوست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد حروف مقطعه‌ی قرآن در آغاز سوره‌های بقره، آل عمران و ... بیان کردیم که این حروف نشان دهنده‌ی آن است که قرآن از این حروف معمولی ساخته شده است و با این حال کسی نمی‌تواند مانند آن را بیاورد و معجزه است و یا این که این حروف، اسراری بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و یا اشاراتی به نام‌های خداست؛ همان طور که از امام صادق علیه السلام در مورد «حم» حکایت شده که «حاء» اشاره به حمید و «میم» اشاره به مجید است «۱» که دو نام از نام‌های نیکوی خداست. ۲. در این آیات به نزول قرآن از طرف خدای عزیز و دانا اشاره شده است. این دو صفت خدا با قرآن ارتباط دارد؛ چرا که عزّت خدا موجب شده قرآنی بفرستد که شکست‌ناپذیر است و علم خدا محتوای قرآن را به کمال علمی رسانده است؛ به عبارت دیگر، قرآن جلوه‌ای از عزّت و علم خداست. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۱۸ ۳. در این آیات مجموعاً از هشت نام و صفت خدا یاد شده که برخی صفات ذات و برخی صفات فعل هستند: اللَّه، عزیز، علیم، غافر (آمرزنده‌ی گناهان)، توبه‌پذیر، مجازات کننده‌ی شدید، دارای نعمت فراوان و درازمدت، یکتایی و توحید در

پرستش. ۴. ممکن است بگوییم همه‌ی این صفات الهی با نزول قرآن ارتباط دارد؛ چرا که قرآن جلوه‌ای از آمرزش و نوید دهنده‌ی توبه‌پذیری خدا و هشدارگر مجازات شدید اوست، همان طور که نعمت‌های فراوان خدا و یگانگی او و معاد را مکرر گوش‌زد می‌کند. ۵. نکته‌ی جالب این است که در این آیات از یک صفت غضب خدا، یعنی «مجازات‌گری» او یاد شده ولی قبل و بعد آن از چند صفت امیدآفرین یاد شده است. این نشان دهنده‌ی آن است که لطف و رحمت خدا بر غضب او پیشی گرفته بلکه غضب او در میان رحمت و نعمتش قرار دارد. ۶. در این آیات اشاره شده که بازگشت همه‌ی انسان‌ها، بلکه همه‌ی امور فقط به سوی خداست و همه چیز در رستاخیر به سوی او بازمی‌گردد. ۷. یکی از صفات خدا «غافر» (بخشنده و آمرزنده‌ی گناهان) است و در قرآن کریم راه‌های متعددی برای آمرزش معرفی شده است؛ هم‌چون توبه،» ایمان و عمل صالح، «۲» تقوا و پارسایی، «۳» هجرت و جهاد و شهادت، «۴» انفاق و بخشش مخفی، «۵» قرض نیکو به خدا دادن (یعنی کمک مالی به مردم کردن) «۶» و پرهیز از گناهان بزرگ «۷». تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۱۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده است (پس اگر می‌توانید همانند آن را بیاورید). ۲. قرآن فرو فرستاده‌ی خدا و (جلوه‌ای از) صفات عالی اوست. ۳. اگر چه خدا مجازات می‌کند، ولی رحمت او مقدم است. ۴. به آمرزشگری و توبه پذیری خدا امیدوار باشید، ولی از مجازات او غافل نشوید. ۵. به یاد توحید و معاد و نعمت‌های دراز مدت خدا باشید (و فقط او را بپرستید). *** قرآن کریم در آیات چهارم تا ششم سوره‌ی غافر با اشاره به سوابق اقوام سرکش و فرجام عذاب‌آلود آنان در مورد فریبکاری کافران هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴- ۶. مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ* كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِن بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ* وَكَذلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ در آیات خدا جز کسانی که کفر ورزیدند مجادله نمی‌کنند؛ پس رفت و آمد آنان در شهرها تو را نفریبد! پیش از آن (کافر) ها قوم نوح و حزب‌هایی که بعد از ایشان بودند (پیامبران را) تکذیب کردند؛ و هر امّتی نسبت به فرستاده‌شان (سوء) قصد کردند، تا او را بگیرند؛ و به (سخنان) باطل مجادله کردند تا با آن حق را بلغزانند، و (لی) آنان را گرفتار (مجازات) کردم؛ پس کیفر (من) چگونه بود؟! و این‌گونه سخن پروردگارت بر کسانی که کفر تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۲۰ ورزیدند، به حقیقت پیوست، که آنان اهل آتش‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جَدَل وجدال» در اصل به معنای تابیدن طناب و محکم کردن آن است و به کار کسانی که در برابر هم می‌ایستند و مناظره می‌کنند و هر کدام می‌خواهند پایه‌های سخن خود را محکم کنند و بر دیگری غلبه نمایند «مجادله» می‌گویند. البته مجادله گاهی به مناظره‌های روشن‌گر و منطقی گفته می‌شود و گاهی به بحث‌های ستیزجویانه و برتری‌طلبانه که همراه با دلایل واهی و جهل و تعصب و غرور است. و در قرآن به هر دو قسم از مجادله اشاره شده است «۱» که آیه‌ی فوق به قسم دوم اشاره دارد. ۲. در برخی احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: از مجادله و ستیر در گفت‌وگو بپرهیزید که این‌ها دل‌های برادران دینی را نسبت به هم‌دیگر بیمار می‌کند و بذر نفاق را پرورش می‌دهد. «۲» ۳. «تقلّب» به معنای دگرگون کردن است و در این آیه به تسلّط و تصرف کافران بر مناطق و شهرهای مختلف و رفت و آمد در آنها اشاره می‌کند که همراه با نوعی قدرت نمایی است؛ یعنی مشرکان ثروتمند عصر پیامبر صلی الله علیه و آله با رفت و آمد و مانورِ قدرت و ثروت، مردم را فریفته‌ی خود می‌کردند و گاهی برخی افراد همین قدرت سیاسی، اجتماعی و مالی را دلیل بر حقّانیت و قدرت واقعی آنان می‌دانستند، که آیه‌ی فوق هشدار داد که این‌گونه نیست، بلکه این افرادِ به ظاهر ثروتمند و قدرتمند، در برابر قدرت و عذاب الهی بسیار ناتوان هستند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۲۱ ۴. در جهان امروز نیز کافران از همین روش قدرت‌نمایی و تأثیرات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن بهره می‌برند و مردم جهان را می‌فریبند؛ یعنی به وسیله‌ی سلسله‌ای از تبلیغات، همایش‌ها، دید و بازدیدهای سیاسی، مانورهای نظامی و پیمان‌های سیاسی، نظامی و منطقه‌ای مردم را مرعوب و اهداف شوم خود را پیاده می‌کنند و به استعمار و استثمار ملت‌ها می‌پردازند. ۵. در این آیات به سرنوشت عبرت‌آموز اقوام سرکش گذشته، هم‌چون قوم نوح، عاد،

ثمود، فرعون و لوط اشاره شده که به تکذیب پیامبرانشان پرداختند و حتی برخی از آنان همّت خویش را صرف آزار پیامبران کردند و در این راه از مجادلات باطل هم استفاده کردند ولی فرجام آنان عذاب‌آلود بود و همگی هلاک شدند. ۶. کافران سرکش در طول تاریخ از سه وسیله استفاده می‌کردند: اول، تکذیب و انکار پیامبران؛ دوم، توطئه برای آزار و نابودی مردان حق؛ و سوم، تبلیغات و مجادلات مستمر برای گمراه کردن مردم. البته کافران و مستکبران عصر حاضر نیز از همین روش‌ها برای مبارزه با رهبران الهی استفاده می‌کنند؛ همان طور که در بیست سال اخیر در برابر انقلاب شکوهمند اسلامی از این روش‌ها استفاده کردند. ۷. در آیه‌ی اخیر به این سنّت و روش الهی در مورد کافران اشاره شده است که فرجام کافران عذاب‌آلود خواهد بود. البته مسلم شدن عذاب الهی برای کافرانی است که در گناه و سرکشی لجاجت می‌کنند و در حقیقت این عذاب نتیجه‌ی اعمال خود آنان است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۲۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریب مانورها و قدرت نمایی‌های کافران را نخورید. ۲. روش کافران، مجادله و ستیزه‌جویی با آیات الهی است (شما این‌گونه نباشید). ۳. همّت کافران در طول تاریخ، مبارزه با پیامبران و مجادلات باطل بوده است (پس مراقب توطئه‌های آنان باشید). ۴. تلاش‌های کافران در برابر حق، در طول تاریخ نافرجام مانده و آنان را گرفتار عذاب الهی کرده است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی غافر به فرشتگان عرش الهی و دعاهای آنان برای مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیُؤْمِنُونَ بِهِ وَیَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً وَعِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِیلَکَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِیمِ کسانی که تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) را بر دوش می‌کشند و کسانی که اطراف آن هستند، با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان می‌آورند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند طلب آمرزش می‌کنند (و می‌گویند: ای) پروردگار ما! رحمت و علم تو بر همه چیز گسترده است؛ پس کسانی را که توبه کردند و راه تو را پیروی کردند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه چند نکته را به مردم گوش‌زد می‌کند: الف) به آنان گوش‌زد می‌کند که تنها شما نیستید که خدا را عبادت می‌کنید، بلکه فرشتگان عرش الهی نیز به تسبیح و حمد او مشغول‌اند. ب) به مؤمنان یادآوری می‌کند که فرشتگان عرش الهی حامی و دعاگوی تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۲۳ شمایند پس احساس تنهایی نکنید. ج) به مؤمنان توبه‌کار وعده‌ی آمرزش و دوری از عذاب می‌دهد. ۲. فرشتگان در دعای خود نخست آمرزش مؤمنان و پاک شدن آنان را می‌طلبند؛ در مرحله‌ی دوم تقاضای دوری آنان از عذاب می‌کنند تا مؤمنان آرامش یابند؛ در آیات بعد در مرحله‌ی سوم، تقاضای بهشت برای مؤمنان می‌کنند و در مرحله‌ی چهارم تقاضای دور شدن بدی‌ها را دارند تا در نتیجه مشمول رحمت الهی و رستگاری بزرگ شوند. ۳. «عرش» در اصل به معنای سقف یا تخت پایه‌بلند است و مقصود از عرش الهی، یا مالکیت و حاکمیت خداست و یا علم بی پایان او و یا صفات کمال و جمال او که در این جا معنای اول مناسب‌تر است. و منظور از فرشتگان حامل عرش، همان مأمورانی هستند که دستورات خدا را در جهان اجرا می‌کنند و به فرمان خدا، پایه‌های تدبیر جهان به دوش آنهاست. «۱» ۴. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام واژه‌ی عرش به معنای علمی که پیامبران را از آن مطّلع کرده است، آمده است. «۲» و نیز در برخی احادیث آمده است که: «قلب مؤمن، عرش رحمان است». «۳» پس واژه‌ی «عرش» در معنای مختلفی در قرآن و احادیث به کار رفته است و کنایه از حکومت و مالکیت و تدبیر جهان هستی یا به معنای عالم بالا یا مجموعه‌ی جهان هستی است و از آن جا که ذات پاک خدا از علم او جدا نیست، به معنای علم خدا نیز استعمال شده و از آن جا که قلب و روح مؤمن جایگاه معرفت خداست، بدان عرش گفته شده است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۲۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا برای تدبیر جهان هستی از مأمورانی پاک و اهل ذکر و خیرخواه استفاده می‌کند. ۲. فرشتگان (و فرشته صفتان) اهل ذکر و دعا برای دیگران هستند. ۳. فرشتگان (و فرشته‌صفتان) دعاگوی مؤمنان توبه‌کار هستند. ۴. اگر مؤمن و اهل توبه باشید و در راه خدا گام بردارید، مشمول دعای خیر فرشتگان می‌شوید. ۵. دعا را با نام پروردگار و یادآوری صفات نیکوی او آغاز کنید. *** قرآن کریم در آیات هشتم و نهم سوره‌ی غافر به دعاهای فرشتگان در مورد مؤمنان و بستگان آنان اشاره

می کنـد و می‌فرماید: ۸ و ۹. رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدتَّهُمْ وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَن تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ای پروردگار ما! آنان را در بوستان‌های (ویژه‌ی بهشتِ) مانـدگاری که به آنان وعـده داده‌ای، وارد کن؛ (و نیز) کسانی از پـدرانشان و همسـرانشان و نسل آنان که شایسـته‌اند (را به بهشت وارد کن)؛ [چرا] که تنها تو شـکست‌ناپذیر [و] فرزانه‌ای. و آنان را از بدی‌ها نگاه دار؛ در آن روز (رستاخیز)، هر کس را که از بـدی‌ها نگـاه داری، پس بـه یقیـن، بر او رحمت آورده‌ای؛ و تنهـا آن کام‌یـابیِ بزرگ است. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. در این آیـات فرشـتگان الهی، بهشت را نه تنها برای مؤمنان بلکه برای پـدران، همسـران و نسل آنان نیز درخواست می کننـد؛ البته به شـرط آن که افراد صالح و شایسـته‌ای باشـند و در خط مؤمنان قرار داشـته باشند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۲۵ ۲. از این آیات می‌توان آداب دعا کردن و مراحل آن را از فرشـتگان آموخت: الف) دعا را با نام «پروردگار» آغاز کنیم. ب) صـفات نیکوی خـدا، هم‌چون رحمت و علمش را یادآور شویم و او را با این صـفات سـتایش کنیم. ج) با تقاضای آمرزش، زمینه‌ی استجابت دعا را فراهم سازیم. د) دعا را با یاد صـفات خدا پایان دهیم. ۳. در پایان این سلسله دعاهای فرشـتگان، به صـفت عزّت و حکمت خدا اشاره شده است؛ یعنی خـدا توانمند و شـکست‌ناپذیر است و اگر بخواهد، می‌تواند دعا را مسـتجاب کند، اما خدا حکیم و فرزانه نیز هست و کارها را بر اساس حکمت و مصـلحت انجام می‌دهـد و از این رو گاهی اسـتجابت دعا را به تأخیر می‌اندازد. ۴. در دعاها معمولًا واژه‌ی «ربّنا» در صدر دعاهای فرشـتگان و پیامبران قرار داشـته و قرآن آنها را حکایت کرده است. از این تعبیرات اسـتفاده می‌شود که بهتر اسـت دعـا با نام ربّ و یاد ربوبیّت او آغاز شود تا لطف و پرورش او شامل حال انسان گردد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهشت برای مؤمنان توبه‌کار و بستگان شایسته‌ی آنان است (شما هم این‌گونه باشید). ۲. با مؤمنان خویشاوند باشید تا مشمول دعای فرشتگان گردید. ۳. از بـدی‌ها دوری کنید تا زمینه‌ساز نزول رحمت الهی شوید و به رسـتگاری بزرگ برسـید. *** تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۲۶ قرآن کریم در آیـات دهم تا دوازدهم سوره‌ی غافر به سـرزنش‌ها و اعترافات کافران در رسـتاخیز و پاسـخ منفی به درخواسـت آنـان اشاره می کنـد و می‌فرمایـد: ۱۰ – ۱۲. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِن مَقْتِكُمْ أَنفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ* قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِن سَبِيلٍ* ذلِكُم بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِن يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ در حقیقت، کسانی که کفر ورزیدند (در روز رسـتاخیز) ندا داده می‌شوند که حتماً خشـم خـدا از کینه‌ی شـما نسبت به خودتـان بزرگ‌تر است؛ هنگـامی که به سوی ایمان فراخوانـده شدیـد و [لی کفر ورزیدیـد. (کافران) گوینـد: « [ای پروردگار ما! ما را دو بار میراندی و ما را دو بار زنده کردی؛ و به گناهانمان اعتراف کردیم؛ پس آیا هیچ راهی برای خارج شـدن (از دوزخ) وجود دارد؟» این به خاطر آن است که وقتی خـدا به یگانگی خوانده می‌شد کفر می‌ورزیدید و اگر برای او شریک قرار داده می‌شـد (به آن شـریک) ایمان می‌آوردید؛ پس داوری برای خدای بلند مرتبه‌ی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در روز رستاخیز، کافران مورد ملامت قرار می‌گیرند؛ یعنی فرشتگان الهی آنان را سرزنش می‌کنند و یا برخی کافران برخی دیگر را ملامت می‌نمایند «۱» که چرا ایمان نیاوردنـد و کفر ورزیدنـد. ۲. کافران نسبت به خودشان دشمنی دارند «۲» و دشـمنی آنان به دو صورت است: تفسـیر قرآن مهر جلـد هجدهم، ص: ۱۲۷ الف) در دنیـا از هـدایت و توحیـد پیروی نکردنـد و به دنبال هوای نفس و شرک رفتنـد و با سـرمایه‌ی وجود خویش دشـمنی ورزیدند. ب) در رسـتاخیز هنگامی که نتیجه‌ی شوم کار خود را دیدند، دست به دندان گزیدند. «۱» البته معنـای اول برای آیه مناسب‌تر است. ۳. مقصود از دو بار مرگ و دو بار زنـده شـدن که در این آیات بدان اشاره شـده چیست؟ منظور از دو بار مردن، مرگ در پایان زنـدگی دنیا و حیات برزخی است و مقصود از دو بار زنـده شـدن، زنده شدن در برزخ و رستاخیز است. «۲» ۴. این آیه به معنای تناسـخ نیست؛ چون مرگ و حیات را در دو مورد معرفی می‌کند، در حالی که طرف‌داران عقیـده‌ی تناسـخ از مرگ و حیات‌های متعـدد و انتقال روح به افراد متعـدد یاد می‌کنند. ۵. کافران تقاضای خروج از دوزخ و بـازگشت به دنیـا می‌کننـد، ولی به آنـان پاسـخ منفی داده می‌شود؛ چرا که این درخواست آنـان از روی اضـطرار و ناچاری

است و اگر به دنیا بازگردند باز هم بر کفر خود پافشاری می‌کنند. «۳» علاوه بر آن که روند تکاملی جهان، بازگشت و ارتجاع ندارد و همان طور که کودک پس از تولد به شکم مادر بازنمی‌گردد انسان هم از قیامت به دنیا باز نمی‌گردد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کفر نورزید که کفر، عامل خشم خداست. ۲. کافران بر خودشان رحم نمی‌کنند و با خویشتن دشمنی می‌ورزند. ۳. اعتراف به گناه در روز رستاخیز سودی ندارد (تا دیر نشده اعتراف و توبه کنید). ۴. کافران، توحیدگریز و شرک‌پذیرند (شما این‌گونه نباشید). ۵. داور و حاکم رستاخیز خدای برتر و بزرگ است (پس به دنبال جلب رضایت او باشید). ۶. حالات کافران را در رستاخیز مطالعه کنید (و عبرت بگیرید). *** قرآن کریم در آیات سیزدهم و چهاردهم سوره‌ی غافر به نمایش آیات خدا و پرستش با اخلاص خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳ و ۱۴. هُوَ الَّذِی یُرِیکُمْ آیَاتِهِ وَیُنَزِّلُ لَکُم مِنَ السَّماءِ رِزْقاً وَمَا یَتَذَکَّرُ إِلَّا مَن یُنِیبُ* فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ او کسی است که نشانه‌هایش را به شما می‌نماید و از آسمان برای شما روزی فرو می‌فرستد؛ و متذکّر نمی‌شود جز کسی که (به سوی خدا) باز می‌گردد. پس خدا را در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اید، بخوانید؛ و گرچه کافران ناخشنود باشند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به نشانه‌های تکوینی خدا در صحنه‌ی هستی اشاره شده است. «۱» این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار ۲. مقصود از نزول رزق از آسمان، اموری همانند بارانِ حیات‌بخش و نور تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۲۹ آفتاب و هواست که مایه‌ی حیات گیاهان و حیوانات، و هر کدام نشانه‌ای از علم و قدرت خداست. ۳. این آیه در میان نشانه‌ها و نعمت‌های خدا از رزق سخن گفت تا نشان دهد که رزق به دست خداست و برای به دست آوردن روزی نباید دست به دامن غیر او شد و شرک ورزید. ۴. هدف شما خداپرستی خالصانه باشد و خشنودی و ناخشنودی کافران معیار شما نباشد و تأثیری در هدف و کار شما نداشته باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نشانه‌های او را در صحنه‌ی طبیعت بنگرید و خداشناس شوید. ۲. توبه‌کاران که دل خود را شست‌وشو داده‌اند، نشانه‌های خدا را بهتر درک می‌کنند. ۳. خشنودی یا ناخشنودی کافران، معیار ارزش‌گذاری کارها نباشد. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم تا هفدهم سوره‌ی غافر به برخی صفات خدا و صفات قیامت اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۵- ۱۷. رَفِیعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ یُلْقِی الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَی مَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِیُنذِرَ یَوْمَ التَّلَاقِ* یَوْمَ هُم بَارِزُونَ لَا یَخْفَی عَلَی اللَّهِ مِنْهُمْ شَیْءٌ لِمَنِ الْمُلْکُ الْیَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ* الْیَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْیَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الْحِسَابِ (خدا) بالا برنده‌ی رتبه‌های (مردم و) صاحب تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) است. روح (: وحی) را از فرمان خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد القا می‌کند، تا (مردم را) نسبت به روز ملاقات (رستاخیز) هشدار دهد. (همان) روزی که آنان آشکار می‌شوند [و] هیچ چیز از آنان بر خدا پنهان نخواهد ماند؛ (و گفته می‌شود:) امروز فرمان‌روایی فقط از آن کیست؟ (و پاسخ آید که) تنها از آنِ خدای یگانه‌ی چیره است. امروز هر شخصی در برابر آنچه کسب کرده است پاداش داده می‌شود؛ امروز هیچ ظلمی نیست؛ که خدا حساب‌رسی سریع است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «رَفِیعُ الدرجات» آن است که خدا درجات انسان‌های با ایمان و دانشمندان و پیامبران را بالا می‌برد یا آن که خدا دارای صفات عالی و بلند مرتبه است و یا هر دو معنا مراد است؛ چرا که «رفیع» هم به معنای بالابرنده و هم به معنای والا آمده است. «۱» ۲. «عرش» به معنای تخت پایه بلند و کنایه از تسلّط و تدبیر هستی است که در آیه‌ی هفتم این سوره درباره‌ی آن توضیح دادیم. ۳. مقصود از «روح» در این آیات چیست؟ برخی از مفسران روح را به معنای وحی و قرآن و برخی دیگر به معنای مقام نبوّت دانسته‌اند؛ البته از آن جا که وحی و قرآن به وسیله‌ی پیامبران بیان می‌شود و مایه‌ی حیات دل‌ها و روح بخش است، همه‌ی موارد فوق می‌تواند مصداق‌های آیه باشد، اما واژه‌ی روح در موارد مشابه به معنای وحی و قرآن است. «۲» ۴. وحی و قرآن، با رخصت الهی، به سوی هر کس که خدا بخواهد القا می‌شود؛ البته این خواست خدا بدون حکمت و مصلحت نیست بلکه او افراد شایسته را برای این کار انتخاب می‌کند. ۵. در این آیات از رستاخیز با عنوان روز ملاقات یاد شده است؛ زیرا در آن روز مردم از طریق شهود باطنی با خدا ملاقات می‌کنند. و نیز گذشتگان با آیندگان و پیشوایان با

پیروان و ستمکاران با مظلومان و انسان‌ها با فرشتگان و نیز انسان‌ها با اعمال خود ملاقات می‌کنند. ۶. روز رستاخیز روز ظاهر شدن است؛ چون پرده‌ها کنار می‌رود و همه‌ی اسرار آشکار می‌گردد و نامه‌ی اعمال گسترده می‌شود و شاهدان رستاخیز تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۱ گواهی می‌دهند و هیچ چیز مردم برای خودشان و برای خدا مخفی نمی‌ماند. ۷. در روز رستاخیز فریاد بر می‌آورند که امروز حکومت و مالکیت از آن کیست؟ و پاسخ داده می‌شود: فقط برای خدای یکتای چیره است. در مورد گوینده و پاسخ دهنده‌ی این سخنان مفسران قرآن پاسخ‌های متعدد داده‌اند؛ از جمله این که پرسش از ناحیه‌ی خدا و پاسخ از طرف مردم است، یا پاسخ و پرسش هر دو از طرف خداست و یا پرسش و پاسخ هر دو از طرف مأموران الهی است. این احتمال نیز وجود دارد که این پرسش و پاسخ همگانی باشد و تمام افراد و ذرات عالم در رستاخیز این مطالب را بگویند و اعتراف کنند؛ «۱» زیرا مالکیت و حکومت او در همه جا و بر همه‌ی افراد روشن شده است و دیگر هیچ طاغوت و حاکمی وجود ندارد. ۸. در این آیات بیان شده که در رستاخیز هیچ ستمی به کسی نمی‌شود و پاداش هر کس به او داده می‌شود. چرا که ستم یا به خاطر جهل است و یا به خاطر عجز و نداشتن قدرت، اما خدا بر همه چیز احاطه‌ی علمی دارد و از کارهای افراد با خبر است و قدرت پاداش دادن همه را دارد، پس هیچ ستمی به کسی نخواهد کرد و بر اساس عدالت پاداش خواهد داد. ۹. یکی از ویژگی‌های حساب رستاخیز آن است که خدا به سرعت به حساب‌ها رسیدگی می‌کند و اصولًا با توجه به تجسّم اعمال، نیاز چندانی به حساب نیست و مجرمان سریعاً به کیفر اعمال خود می‌رسند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا بلندمرتبه‌ای است که رفعت می‌بخشد. ۲. یکی از اهداف نزول وحی و نبوّت، هشدار در مورد رستاخیز است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۲ ۳. رستاخیز روزی است که همه به هم می‌رسند (برای آن ملاقات‌ها آماده شوید). ۴. در رستاخیز نمی‌توانید چیزی را مخفی (و از حساب، فرار) کنید. ۵. در رستاخیز حکومت و مالکیتی برای غیر خدا نیست (تا به آنها پناه ببرید). ۶. در دادگاهِ رستاخیز کسی معطّل نمی‌شود (برای آن روز آماده شوید). ۷. حساب‌رسی رستاخیز بر اساس عدالت، و پاداش افراد بر اساس عمل‌کرد آنان است. *** قرآن کریم در آیات هجدهم تا بیستم سوره‌ی غافر به ویژگی‌های دیگر رستاخیز و حالات ستمکاران و مشرکان در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸- ۲۰. وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ* يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ* وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ و آنان را نسبت به روز نزدیک (رستاخیز) هشدار بده، هنگامی که دل‌ها (و جان‌ها) نزد گلوگاه‌ها (رسد.) در حالی که فروبرندگان خشم (خویش) اند؛ برای ستمکاران هیچ (دوست) گرم نزدیک و شفاعتگری که (سخنش) اطاعت شود، نیست. (خدا) چشم‌های خیانتکار و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند. و خدا به حق داوری می‌کند، و جز او، کسانی (از معبودان) را که می‌خوانند در مورد هیچ چیزی داوری نمی‌کنند؛ (چرا) که تنها خدا شنوا [و] بینای (حقیقی) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نام‌های قیامت «روز نزدیک» است و اشاره به آن دارد که مردم نپندارند رستاخیز دور است، بلکه دنیا هم‌چون لحظه‌ای بیش نیست و به زودی رستاخیز برپا می‌شود؛ پس، از آن غافل نباشید. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۳ ۲. تعبیر «رسیدن دل‌ها به گلوگاه» کنایه از آن است که در رستاخیز بر اثر شدت هول و ترس، جان‌ها به لب می‌رسد. ۳. «کاظِم» در اصل به معنای بستن دهان مشک پر از آب است؛ سپس به کسانی که وجودشان پر از خشم شده ولی نمی‌توانند اظهار کنند، کاظم گفته می‌شود؛ یعنی در رستاخیز افراد خشم‌آلود و اندوهناک هستند، اما نمی‌توانند خشم خود را اظهار کنند. ۴. یکی از ویژگی‌های رستاخیز آن است که دوستان همه از گرد انسان دور می‌شوند و دوستِ غم‌خواری برای انسان نمی‌ماند؛ چون هر کس گرفتار اعمال و حساب خویش است. ۵. در رستاخیز شفاعت و شفاعت‌گرانی هم‌چون پیامبران و امامان وجود دارند، اما بدون اجازه‌ی خدا شفاعت کسی را نمی‌کنند و شفاعت بت‌ها و معبودان دروغین نیز پذیرفته نیست؛ پس هیچ شفاعتگری برای مشرکان نخواهد بود. ۶. خدا از حرکات مخفی چشم‌ها و نگاه‌های خیانت‌آمیز و اسرار درون سینه‌ها آگاه است و بر اساس این علمِ خود داوری می‌کند و این هشداری به گناهکاران مخفی‌کار است. ۷. خیانت چشمان انسان شکل‌های مختلفی

دارد: گاهی به صورت نگاه دزدانه «۱» و گاهی به صورت نگاه به نامحرمان و گاهی به صورت اشارات چشم برای تحقیر و عیب‌جویی است که مقدمه‌ی توطئه‌های شیطانی است. ۸. در این آیات به داوری حقّ خدا در رستاخیز اشاره شده است. آری؛ داوری خدا به حق است، چرا که او عادل و از همه چیز آگاه است و بر کیفر و پاداش افراد تواناست. پس طبق حق داوری می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۴ ۹. شنوا و بینا بودن خدا به معنای چشم و گوش داشتن او نیست، بلکه بدین معناست که او به همه‌ی شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها علم دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روز رستاخیز نزدیک‌تر است (پس خود را آماده‌ی حساب‌رسی کنید). ۲. رستاخیز روز سختی است که جان انسان به لب می‌رسد، ولی نمی‌تواند فریاد بزند (پس برای آن روز آماده شوید). ۳. رستاخیز روز رفیق‌بازی و پارتی‌بازی نیست (پس به فکر این کارها نباشید). ۴. از مخفی‌کاری و نگاه‌های خیانت‌آمیز بپرهیزید که خدا همه‌ی آنها را می‌داند. ۵. رستاخیز روز داوری حقِّ خدای آگاه است. ۶. رستاخیز جولانگاه داوران باطل نیست. ***

گردشگری هدفمند و عبرت آموز

قرآن کریم در آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی غافر با اشاره به عوامل مجازات اقوام سرکش، مردم را به جهان‌گردی هدف‌دار و عبرت‌آموز فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. أَوَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَاراً فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ* ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَت تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ و آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند، چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟ که از آنان از نظر نیرو و آثار در زمین برتر بودند. پس خدا به [سزای پیامدهای (گناهان) شان (گریبان) آنان را گرفت و برای آنان در برابر (عذاب) خدا هیچ نگه‌دارنده‌ای نبود! این به خاطر آن بود که آنان، فرستادگانشان با دلیل‌های روشن به سراغشان می‌آمدند، و [لی کفر ورزیدند؛ پس خدا (گریبان) آنان را گرفت، که او نیرومندی سخت‌کیفر است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در آیات متعدد مردم را به گردشگری و جهان‌گردی هدف‌دار دعوت می‌کند «۱» تا با مشاهده‌ی آثار باستانی و هلاکت اقوام سرکش درس عبرت بیاموزند و راه آنان را ادامه ندهند. ۲. آثار باستانی گذشتگان آیینه‌ی پیروزی‌ها و شکست‌ها و تاریخ گویای آنان است که با صدها زبان با ما سخن می‌گوید و به ما هشدار می‌دهد که چگونه تمدن‌های بزرگ و مردان قدرتمند در اثر سرکشی در برابر خدا و گناه و انکار پیامبران نابود شدند. ۳. در این آیات به اقوامی هم‌چون فرعونیان اشاره شده که از نظر قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی و کشاورزی و ساختمان‌سازی از مشرکان مکه نیرومندتر بودند و آثار باستانی بزرگی هم‌چون اهرام مصر را از خود باقی گذاشتند، ولی در اثر سرکشی نابود شدند. ۴. در این آیات به دو عامل هلاکت اقوام و تمدن‌ها اشاره شده است: الف) گناهکاری آن مردم؛ ب) انکار معجزات و پیامبران الهی. آری؛ گناه، ملت‌ها را به انحراف و سقوط می‌کشاند و انکار پیامبران، چراغ هدایت و نجات را از دست آنان می‌گیرد و چنین ملتی جز هلاکت راهی ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان‌گردیِ هدفمند داشته باشید. ۲. به آثار باستانی و فرجام اقوام قدرتمند بنگرید (و درس عبرت بیاموزید). ۳. گناه و انکار پیامبران از عوامل سقوط تمدن‌ها و عذاب سرکشان تاریخ است. ۴. عذاب خدا شدید است و هیچ سپر حفاظتی در برابر آن وجود ندارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۶

ماجرای موسی و فرعون

قرآن کریم در آیات بیست و سوم تا بیست و پنجم سوره‌ی غافر به سرگذشت موسی علیه السلام و مبارزات او با سران زر و زور و تزویر و نسل‌کشی فرعونیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳- ۲۵. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ* إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ* فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ و

به یقین، موسی را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان و دلیلی آشکار فرستادیم، به سوی فرعون و هامان و قارون؛ و [لی گفتند: « (او) ساحر بسیار دروغ‌گویی است.» و هنگامی که حق را از نزد ما برای آنان آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با او (: موسی) ایمان آورده‌اند بکشید و زنانشان را زنده نگه دارید». و نیرنگ کافران جز در گمراهی (و تباهی) نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ماجرای موسی علیه السلام و مبارزات او با فرعونیان در سوره‌های متعدد قرآن آمده است. این تکرار و تأکید نشان دهنده‌ی اهمیت این ماجرا و عبرت‌آموز بودن آن است. البته در هر سوره‌ای از زاویه‌ای خاص به ماجرا نظر شده است. در این جا نیز از دیدگاه ماجرای مؤمن آل فرعون و نقش او در سرگذشت موسی به این داستان توجه شده است که در آیات بعد خواهد آمد. ۲. مقصود از «سُلطان» دلیل روشن و محکمی است که موجب تسلّط آشکار بر طرف مقابل می‌شود و در این جا اشاره به منطق نیرومند و دلایل قوی موسی علیه السلام در برابر فرعونیان است، همان طور که «آیات» اشاره به معجزات موسی است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۷ ۳. در این آیات به سه نفر از مخالفان موسی اشاره شده که هر کدام مظهر و سمبل چیزی هستند: الف) فرعون، سمبل سرکشی و حاکم ستمگر؛ ب) هامان، وزیر شیّاد او، مظهر شیطنت و طرح‌های شیطانی؛ «۱» ج) قارون، مظهر سرمایه‌داران استثمارگر. «۲» که موسی با هر سه نفر مبارزه کرد. ۴. از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود که فرعون قبل از تولد موسی علیه السلام، فرزندان پسر بنی اسراییل را می‌کشت تا مبادا موسی علیه السلام متولد شود. «۳» و از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که فرعون بعد از تولد موسی علیه السلام یعنی در دوران مبارزات او نیز یک بار دیگر اقدام به کشتن فرزندان پسر بنی اسرائیل کرد و این نسل‌کشی برای آن بود که نیروی کارآمد و جنگ‌آور بنی اسراییل را نابود کنند و زنان را برای خدمت‌گزاری و بهره‌کشی زنده نگه دارند. «۴» ۵. فرعونیان دو تهمت به موسی علیه السلام زدند: او را جادوگر خواندند تا تأثیر معجزات او را از بین ببرند و دروغ‌گو خواندند تا مردم به آیات و سخنان او توجه نکنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبلغان دینی و رهبران الهی با دلیل و منطق با مخالفان مبارزه کنند. ۲. هم‌چون موسی با مظاهر زور و زر و تزویر مبارزه کنید. ۳. رهبران الهی آماج تهمت‌های مخالفان می‌شوند (پس برای آن شرایط آماده باشند). تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۸ ۴. حکومت‌های سرکش در برابر حق می‌ایستند و نیرنگ می‌بازند (ولی کید آنان تأثیری نخواهد داشت). ۵. مستکبران جهان برای جلوگیری از قیام مستضعفان اقدام به نسل‌کشی می‌کنند (پس مراقب باشید). ۶. نقشه‌ی کافران، نقش بر آب است. *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم و بیست و هفتم سوره‌ی غافر به تهدیدها و ترفندهای تبلیغاتی فرعون و پاسخ قوی موسی علیه السلام به آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶ و ۲۷. وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِی أَقْتُلْ مُوسَی وَلْیَدْعُ رَبَّهُ إِنِّی أَخَافُ أَن یُبَدِّلَ دِینَکُمْ أَوْ أَن یُظْهِرَ فِی الْأَرْضِ الْفَسَادَ* وَقَالَ مُوسَی إِنِّی عُذْتُ بِرَبِّی وَرَبِّکُم مِن کُلِّ مُتَکَبِّرٍ لَا یُؤْمِنُ بِیَوْمِ الْحِسَابِ و فرعون گفت: «مرا واگذارید تا موسی را بکُشم، و پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! [چرا] که من می‌ترسم که دین شما را تغییر دهد، یا این‌که در [این سرزمین تباهی را آشکار سازد!» و موسی گفت: «در واقع، من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می‌برم از هر متکبّری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرعون می‌خواست موسی را بکشد و برای این کار دل‌سوزی برای دین و دنیا را بهانه کرده، به ترفندهای تبلیغاتی روی آورده بود، در حالی که هدف اصلی او حفظ حکومت و قدرت خویش و نابودی دین و دنیای مردم بود و موسی را خار راه خود می‌دید. صحبت گل، رنجه دارد خار را خیرگی بین، خار ناهموار را (پروین) تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۳۹ ۲. اطرافیان و مشاوران فرعون او را از کشتن موسی علیه السلام برحذر داشتند؛ از این رو فرعون از آنها می‌خواست که بگذارند کار موسی علیه السلام را تمام کند. ۳. روشن نیست که چرا اطرافیان فرعون مانع قتل موسی علیه السلام می‌شدند، ولی احتمالاً برخی از آنان بعد از دیدن معجزات موسی علیه السلام در باطن از نزول عذاب خدا می‌ترسیدند. و برخی دیگر احتمال می‌دادند که اگر موسی کشته شود به یک شهید و قهرمان و جریان انقلابی در جامعه تبدیل گردد و راه او ادامه یابد. و یا این که برخی از اطرافیان فرعون که دل خوشی از او نداشتند، می‌خواستند موسی به عنوان یک مخالف زنده بماند و فکر فرعون را مشغول کند تا آنان به سوء استفاده و ستمکاری خود ادامه دهند. «۱» ۴. فرعون از ترفندهای

تبلیغاتی برای فریب اطرافیان خود استفاده می‌کرد. گاهی برای دین مردم دل سوزی می‌کرد و گاهی از فساد در زمین اظهار نگرانی می‌کرد؛ در حالی که خود فرعون عامل فساد در زمین و مانع دین الهی بود. آری؛ در جهان کنونی نیز مستکبران جهان از واژه‌های زیبایی هم‌چون حقوق بشر و آزادی و مبارزه با تروریسم برای سرکوبی مبارزات و مجاهدان استفاده می‌کنند. ۵. مقصود فرعون از «دین»، همان آیین شرک بود که مردم را به بت‌پرستی یا پرستش فرعون فرا می‌خواند و وسیله‌ای برای فریب مردم بود و مقصود او از فساد، همان انقلاب ضد استکباری موسی علیه السلام بود که مردم را علیه فرعونیان می‌شوراند و به آزادی و توحید می‌رساند. ۶. موسی علیه السلام در برابر تهدیدهای فرعون به سختی ایستاد و به خدا پناه برد و فرعون را متکبّری بی‌ایمان خواند. آری؛ این قاطعیت موسی نتیجه‌ی ایمان و توکّل او بر خدا بود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۴۰ ۷. در این آیه به دو ویژگی فرعون، یعنی تکبّر و بی‌ایمانی به رستاخیز اشاره شده است؛ فرعون و فرعون‌صفتان در اثر تکبّری که دارند جز خود را نمی‌بینند و اصلاح‌گران و پیامبران را فسادگر می‌خوانند و از آن جا که به روز رستاخیز ایمان ندارند، به جنگ پیامبران الهی می‌روند و از قتل و خون‌ریزی باکی ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان رهبران الهی افرادی خشونت‌طلب و خون‌ریزند. ۲. مستکبران از ترفندهای تبلیغاتی برای ضربه زدن به رهبران الهی استفاده می‌کنند (پس فریب آنان را نخورید). ۳. فسادگران ضد دین، خود را دل‌سوز دین و ضد فساد معرفی می‌کنند تا مردم را بفریبند (پس مراقب باشید). ۴. رهبران و مبلغان دینی در برابر تهدیدات دشمنان به خدا پناه ببرند. ۵. تکبّر و ناباوری معاد، از عوامل سرکشی و دگرآزاری است (پس این‌گونه نباشید). ۶. فروتنی و معادباوری زمینه‌ساز نجات است (پس این‌گونه باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی غافر به سخنان منطقی مؤمن آل فرعون و دفاع او از موسی علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُم بِالْبَيِّنَاتِ مِن رَبِّكُمْ وَإِن يَكُ كَاذِباً فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِن يَكُ صَادِقاً يُصِبْكُم بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّاب و مرد مؤمنی از خاندان فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت، گفت: «آیا مردی را می‌کشید به خاطر این‌که می‌گوید: پروردگار من خداست، در حالی که به یقین دلیل‌های روشن (معجزه آسا) از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟! و اگر دروغ‌گو باشد، پس (پیامد) دروغش فقط بر اوست؛ و اگر راست‌گو باشد، برخی (عذاب‌هایی) که به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید؛ در حقیقت، خدا کسی را که او اسرافکاری بسیار دروغ‌گوست، ره‌نمون نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۴۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پس از مشاهده‌ی معجزات موسی علیه السلام برخی افراد خاندان فرعون مخفیانه به خدا و موسی علیه السلام ایمان آوردند. از جمله‌ی این افراد، همسر فرعون و مؤمن آل فرعون بود که گوشه‌ای از سرگذشت او در این آیات بیان شده است. ۲. در مورد مؤمن آل فرعون اطلاعات زیادی در دست نیست؛ همین اندازه می‌دانیم که او فردی با ایمان، هوشیار، وقت‌شناس و منطقی بود که ایمان خود را مخفی می‌کرد و تقیّه می‌نمود و در لحظات حسّاس به یاری موسی علیه السلام می‌شتافت و او را از مرگ نجات می‌داد. در برخی احادیث و سخنان مفسران آمده است که او پسر عمو یا پسر خاله‌ی فرعون بود و برخی دیگر او را پیامبری به نام «حَزبیل» یا «حَزقیل» دانسته‌اند و نیز او را خزانه‌دار فرعون معرفی کرده‌اند. «۱» ۳. تقیّه و مخفی کردن ایمان در شرایط سخت مبارزه با دشمنی که بر جامعه مسلّط است در اقوام و مؤمنان پیشین نیز وجود داشته است. در اسلام نیز این تقیّه پذیرفته شده و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در چند سال اول بعثت، دعوت خود را مخفیانه انجام می‌داد و ابوطالب، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از این روش استفاده می‌کرد. تقیه وسیله‌ی محافظت نیروهای مجاهد در برابر دشمن مسلّط است، تا بتوانند در شرایط مساعد قیام کنند. آری؛ مؤمن مبارز باید رازدار باشد و سخن دل خود را هر کجا و برای هر کس فاش نکند. جواهر به گنجینه داران سپار ولی راز را خویشتن پاس‌دار سخن نانگویی بر او دست هست چو گفته شود یابد او بر تو دست (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۴۲ ۴. در این آیه مؤمن آل فرعون دو دلیل برای جلوگیری از قتل موسی آورد: اول آن که او مردی خداپرست است که دلایل معجزه‌آسا دارد؛ پس نباید با او شدید برخورد شود. دوم آن که اگر او دروغ بگوید به زودی رسوا و مجازات

می‌شود و ضرری به ما نمی‌زند و اگر راست بگوید (و ما او را جاهلانه بکشیم) آن گاه این احتمال هست که وعده‌ی عذاب دنیوی او در مورد ما تحقق یابد و ما زیان کنیم، پس بهتر است احتیاط کنیم و در مجازات موسی علیه السلام عجله نکنیم. یعنی او از دلیل دفع احتمال ضرر برای دفاع از موسی علیه السلام استفاده کرد. ۵. مؤمن آل فرعون جمله‌ای دو پهلو گفت که: «هر کس اسرافکار و دروغ‌گو باشد خدا او را راه‌نمایی نمی‌کند.»؛ یعنی اگر موسی یا فرعون دروغ‌گو و اسرافکار باشند، خدا او را هدایت نمی‌کند و نیاز به اقدام شدید شما علیه موسی نیست. ۶. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که (نخستین) افراد صدیق سه نفر بودند: حبیب نجّار و مؤمن آل فرعون و علی بن ابی طالب که او از همه برتر است.» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در شرایط سخت مبارزه، می‌توانید از روش تقیّه استفاده کنید. ۲. تقیّه کاران در هنگام لزوم از رهبران الهی دفاع کنند. ۳. در مورد احتمال ضرر، احتیاط کنید و در تصمیم‌گیری عجله نکنید. ۴. اسرافکاری و دروغ‌گویی، مانع هدایت انسان است. ۵. با توحیدگرایانی که دلیل دارند با خشونت رفتار نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۴۳ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی غافر به ادامه‌ی سخنان منطقی مؤمن آل فرعون و لجاجت فرعون در برابر او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. يَاقَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِن بَأْسِ اللَّهِ إِن جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ای قوم [من ! امروز، فرمان‌روایی فقط از آن شماست در حالی که در (این) سرزمین پیروزید؛ اگر سختی (مجازات) خدا به سراغ ما آید، پس چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟!» فرعون گفت: «جز آنچه را به نظرم می‌رسد به شما ارائه نمی‌دهم، و شما را جز به راه هدایت، راه‌نمایی نمی‌کنم». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مؤمن آل فرعون با سخنانی منطقی و خیرخواهانه فرعونیان را اندرز داد و نخست قدرت مطلق آنان در سرزمین مصر را یادآور شد و اشاره کرد که با تصمیم عجولانه در مورد موسی علیه السلام و کشتن او این حکومت را به خطر نیندازید و پیامدهای احتمالی را در نظر بگیرید؛ چون اگر عذاب الهی به سراغ شما بیاید، حکومت خویش را از دست می‌دهید و هیچ انسانی نمی‌تواند شما را یاری کند. ۲. فرعون فردی متکبّر و خودپسند و خودرأی بود که حتی به سخنان مشاوران و اطرافیان خود گوش نمی‌داد و خود را عقل کل می‌پنداشت و بر رأی و نظر خود لجاجت می‌کرد و در مورد کشتن موسی علیه السلام پافشاری می‌نمود. ۳. فرعون باز هم ترفند تبلیغاتی به کار برد تا اطرافیان خود را بفریبد و به آنان گفت که من شما را جز به راه، هدایت نمی‌کنم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام قدرتمندی مغرور نشوید وبه دیگران ستم نکنید، بلکه به فکر عاقبت کار و مجازات الهی باشید. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۴۴ ۲. مستکبران افرادی خودرأی و لجوج هستند که همیشه نظر خود را می‌پسندند. ۳. مستکبران با ترفندهای تبلیغاتی، نظریات خود را هدایت‌آمیز معرفی می‌کنند (پس فریب آنان را نخورید). *** قرآن کریم در آیات سی‌ام تا سی و سوم سوره‌ی غافر به سرنوشت اقوام سرکش و اخطار شدید مؤمن آل فرعون به فرعونیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰- ۳۳. وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَاقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُم مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ* مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْماً لِلْعِبَادِ* وَيَاقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ* يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُم مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ و کسی که ایمان آورده بود، گفت: «ای قوم [من ! در حقیقت، من بر شما از (روزی) همانند روز (عذاب) حزب‌ها می‌ترسم. هم‌چون شیوه‌ی قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند؛ و خدا هیچ ستمی را برای بندگان نمی‌خواهد. و ای قوم [من ! در حقیقت، من بر شما از روز فریادخواهی (رستاخیز) می‌ترسم. (همان) روزی که پشت کرده روی بر می‌تابید؛ در حالی که هیچ نگه‌دارنده‌ای از جانب خدا برای شما نیست؛ و خدا هر کس را (به خاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس هیچ راه‌نمایی نخواهد داشت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین بیان شد که مؤمن آل فرعون مردی بود که به موسی ایمان آورد، ولی ایمانش را پنهان می‌کرد. او برای نجات موسی علیه السلام از قتل، در برابر فرعونیان ایستاد و استدلال کرد، ولی فرعون برکشتن موسی لجاجت و پافشاری نمود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۴۵ مؤمن آل فرعون دست از سخنان خود برنداشت و با یادآوری تاریخ پیشینان و عذاب اقوام سرکش به فرعونیان هشدار داد که با کشتن موسی علیه السلام راه آنان را نپیمایند که هلاک

خواهند شد. ۲. در این آیات به سرگذشت قوم نوح و عاد و ثمود و اقوام دیگر اشاره شده که روش آنان کفر و شرک و سرکشی بود و در نهایت گروهی با سیلاب و گروهی با تندباد و برخی با صاعقه‌ها و زمین لرزه‌ها نابود شدند. ۳. خدا به بندگانش ستم روا نمی‌دارد؛ چون آنان را به لطف خود آفریده و به آنان نعمت داده و پیامبران را برای هدایت آنها فرستاده است؛ پس اگر کسی را مجازات می‌کند، در اثر اعمال ناپسند و لجاجت و کفر و سرکشی خود آنان است. ۴. «تناد» از ماده‌ی «نِدا» به معنای صدا زدن است و مشهور آن است که این واژه یکی از نام‌های رستاخیز است. ۵. مفسران در مورد سبب نام‌گذاری رستاخیز به «یوم التناد» چند احتمال داده‌اند: الف) این نام‌گذاری به خاطر آن است که در آن روز دوزخیان با بهشتیان گفت‌وگو می‌کنند. ب) چون مردم هم‌دیگر را صدا می‌زنند و از هم کمک می‌طلبند. ج) زیرا فرشتگان و منادیان محشر مردم را برای حساب فرا می‌خوانند. د) به خاطر آن که مردم از شوق یا ترس دیدن نامه‌ی اعمال خویش فریاد می‌زنند. و برخی مفسران هم احتمال داده‌اند که این واژه شامل نداها و فریادهای مردم در دنیا در برابر عذاب الهی نیز می‌شود؛ «۱» همان روزی که همه از حوادث سخت فرار می‌کنند و فریاد زنان کمک می‌طلبند ولی پناهگاهی وجود ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۴۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان رهبران الهی از سرنوشت عذاب‌آلود اقوام سرکش پیشین عبرت بیاموزند و دست از مخالفت بردارند. ۲. مردان خدا دل‌سوز و نگران سرنوشت مردم هستند. ۳. مجازات اقوام سرکش، ستمکاری بر آنان نیست، بلکه نتیجه‌ی روش و کار آنان است. ۴. از روزی بیمناک باشید که فریاد کمک سرمی‌دهید و فرار می‌کنید، ولی فریادرس نخواهد بود. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی غافر به سخنان مؤمن آل فرعون در مورد برخورد منفی مصریان با یوسف و سنت الهی در مورد اسرافکاران شبهه‌انگیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴. وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُم بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِن بَعْدِهِ رَسُولًا كَذلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ و به طور قطع، پیش از این، یوسف دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای شما آورد، و پیوسته در مورد آنچه آن را برای شما آورد در شک بودید؛ تا هنگامی که مُرد، گفتید: «خدا بعد از او هیچ فرستاده‌ای برنمی‌انگیزد!» این گونه خدا هر کسی را که او اسرافکار [و] تردید کننده‌ی بدگمان است، گمراه می‌سازد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مؤمن آل فرعون، یعنی مردی که از میان فرعونیان به موسی ایمان آورده بود، در ادامه‌ی تلاش‌هایش برای نجات موسی از قتل، تاریخ مصر و برخورد مردم با یوسف را به آنان یادآوری می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۴۷ ۲. یوسف که از سرزمین فلسطین به مصر آورده شد، «۱» در نهایت، نبوّت خود را با دلایل آشکار برای مردم ظاهر کرد، ولی مصریان با دیده‌ی تردید در مورد او نگریستند و حتی بعد از مرگ او گفتند: «دیگر خدا پیامبری به سوی ما نمی‌فرستد.» تا خود را از هر گونه مسئولیت و تعهد رها سازند و به سرکشی و هوس‌رانی ادامه دهند. ۳. بعد از یوسف، فرزندان بنی اسرائیل در مصر ماندند و اینک یکی از نوادگان آنان به نام موسی علیه السلام با دلایل معجزه‌آسا، قیام و ادعای نبوّت کرده است. مؤمن آل فرعون به فرعونیان یادآور شد که هم‌چون یوسف با موسی برخورد منفی نکنید و گرنه گمراه خواهید بود. ۴. در این آیه به سنت و قانون الهی در مورد گمراه کردن اسرافکارانِ تردید کننده و شبهه‌انگیز اشاره شده است؛ یعنی اگر کسی راه اسراف و تجاوز از حدّ را در پیش گیرد و در همه چیز شک و تردید و وسوسه کند، خدا او را در گمراهی وا می‌نهد و لطف و هدایتش را از او برمی‌تابد و او ره به جایی نخواهد برد. ۵. مقصود از تردید و شک در این آیه، شک افراد محقق در موضوعات علمی نیست؛ چرا که تردیدهای علمی و نیز شک افرادی که در حال تحقیق در مورد دین هستند مفید، سازنده و حرکت‌آفرین است؛ پس مقصود از شک در این جا وسوسه‌ها و شبهه‌افکنی‌های بدون دلیل است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یادآوری تاریخ یکی از راه‌های هدایت مردم است. ۲. مستکبران گمراه، با شک و تردید به رهبران الهی می‌نگرند (پس آماده باشید). ۳. مستکبران پس از درگذشت رهبران الهی شایعه می‌کنند که بعد از او تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۴۸ رهبر الهی دیگری نخواهد بود (پس مراقب باشید). ۴. اسرافکاری و شبهه‌انگیزی نکنید که این‌ها از عوامل گمراهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی غافر به مجادله‌ی بی‌دلیل در آیات الهی و گناه بزرگ آن و سنت

خـدا در مورد متکبّران زورگو اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۵. الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتاً عِندَ اللَّهِ وَعِندَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (همان) کسانی که در باره‌ی آیات خدا، بدون دلیلی که برایشان آمده باشد، مجادله می کننـد؛ خشم (این کار) نزد خـدا و نزد کسانی که ایمان آوردهانـد بزرگ است؛ این گونه، خدا بر هر دل متکبّر زورگویی مُهر می‌نهـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیـه‌ی قبـل، از انسان‌هـای اسـرافکار کـه از حـدّ خـود تجـاوز می کننـد و بـه وسوسه گری و شبهه‌انگیزی و تردیـدآفرینی می‌پردازنـد یـاد شـد و در این آیه یـادآور شـده است که تردیـد و شـک آن است که افراد بـدون دلیل روشن (عقلی یـا نقلی) در مورد آیـات الهی مجـادله کننـد و در برابر آنهـا بر سـتیز و شـبهه‌افکنی بپردازنـد. ۲. مجادله‌ی بـدون دلیل دربـاره‌ی آیـات الهی موجب خشم خـدا و مؤمنـان می‌شود؛ زیرا این مجادلات موجب گمراهی مجادله گران و نیز سـرگردانی مردم می‌شود و نور حق را کم‌فروغ و پایه‌هـای باطل را محکم می‌سازد. ۳. شاید از این آیه بتوان اسـتفاده کرد که تفسیر آیات کتاب‌های آسمانی بدون علم و دلیل روشن جایز نیست و این آیه به نفی تفسیر به رأی در آیات الهی نیز اشاره دارد؛ چون آن هم سخن گفتن در آیـات الهی بـدون علم است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۱۴۹ ۴. مقصود از مُهر نهـادن بر قلب‌هـا چیست؟ گـاهی انسان‌ها بر اثر لجاجت و گناه پرده‌ای تاریک بر فکرشان می‌افتـد و حس تشـخیص و درک آنان کور می‌شود و روح و دل و قلبشان هم‌چون ظرفی دربسته و مُهر شـده می‌شود که نه محتوای فاسـد آن بیرون می‌رود و نه مطالب حق و روح‌بخش در آن نفوذ می کند. چنین روح و دلی مهر شده است. ۵. آری؛ مهر نهادن خـدا بر دل افراد به معنای جبر نیست، بلکه تکبّر و زورگویی این افراد موجب آن شده که پرده بر دل و فکر آنان بیفتد و قلب‌شان مُهر شود و از آن جا که آفریننده‌ی همه‌ی اسباب و عوامل خداست، این امور را به خدا نسبت می‌دهند. ۶. سـخنان مـؤمن آل فرعون چنـد بخش داشت: در بخش اول سـخنانی محتاطـانه گفت و به آنـان در مورد احتمال ضـرر در قتل موسـی هشدار داد. در بخش دوم، فرعونیان را به مطالعات تاریخی فراخواند تا از گذشـتگان عبرت بیاموزند. و در بخش سوم، با لحنی تندتر در مورد گمراهی آنان و خشم خدا و مؤمنان سخن گفت و به فرعونیان هشدار داد و در نهایت سخنان این مرد با ایمان در فرعون تأثیر کرد و قتل موسـی را به تأخیر انداخت و سـرانجام جان خود را فدا کرد، ولی جان موسی پیامبر الهی را نجات داد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از گفت‌وگوی بـدون دلیلِ روشن، در مورد آیات الهی بپرهیزید. ۲. مؤمنان نسبت به آیات الهی غیرتمندند و از سخنان بدون دلیل در مورد آنها به خشم می‌آیند. ۳. تکبّر و زورگویی از عوامل مهر شدن دل (و عدم درک صحیح حقـایق) اسـت. *** تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۱۵۰ قرآن کریـم در آیـات سـی و شـشم و سـی و هفتم سـوره‌ی غـافر به بُرج‌سازی فرعون و ترفنـد تبلیغاتی او برای مبارزه با موسـی اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۶ و ۳۷. وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحاً لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ* أَسْبَابَ السَّماوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِباً وَكَذلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ فرعون گفت: «ای هامـان! برای من قصـری بلنـد بنـاکن، تا شایـد من به وسایلی دست یابم؛ (همان) وسایل (صـعود به) آسـمان‌ها، تا از معبود موسـی اطلاع یابم؛ و در حقیقت، من گمان می کنم که او دروغ‌گوست.» و این گونه، برای فرعون بدی کردارش آراسـته شده بود، و از راه (راست) بازداشـته شد؛ و نیرنگ فرعون جز در زیان و هلاکت (او) نبود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از سـیاق این آیات اسـتفاده می‌شود که سـخنان مؤمن آل فرعون تأثیر کرد و فرعون را از قتل موسی بازداشت و او راضی شد که در باره‌ی خـدای موسـی تحقیق کنـد، ولی در همان حال فرعون به سرکشـی و فریبکاری خود ادامه داد و نقشه‌ی دیگری کشـید. ۲. فرعون با یک ترفنـد تبلیغاتی تصـمیم گرفت که بُرج‌سازی کنـد و قصـری بلند و نمایان بسازد و اعلام کند که می‌خواهم بر آن برج بلنـد بروم و در مورد خـدای موسـی تحقیق کنم و هنگامی که خـدای جسـمانی و مادی یافت نشد، بگوید: موسی دروغ‌گوست. ۳. ممکن است هـدف فرعون از ساختن برج و قصـر بلند چند چیز بوده است: الف) فکر مردم را به این کار مشغول کند و ذهن‌ها را از مسأله‌ی نبوّت موسـی علیه السـلام منصرف سازد. ب) با ساختن یک ساختمان بزرگ، تعداد زیادی کارگر و بنّا مشغول کار شوند و نوعی کمـک اقتصـادی از خزینه‌ی حکومت به مردم شود تـا مقـداری از سـتم‌های حکومت را فراموش کننـد. تفسیر قرآن مهر جلد

هجدهم، ص: ۱۵۱ ج) پس از پایان کار برج‌سازی بر بلنـدای آن برود و اعلام کنـد که خدایی در کار نیست و با این ترفند تبلیغاتی موسی علیه السلام را شکست دهد. «۱» ۴. مغالطه‌ی فرعون در این بود که خدای یکتا را جسـمانی و مادی فرض کرد که در آسمان قرار دارد و برای دست‌رسـی به او نیاز به برج‌سازی است، در حالی که خـدای متعال نامحـدود و غیرمادی است و در همه جا حضور دارد؛ در ضمن او خدای موسی علیه السلام را مشکوک فرض کرد که باید در مورد اثبات او دلیل آورده شود. ۵. فرعون قبل از آن که در باره‌ی خـدای موسـی علیه السـلام تحقیق کنـد، اقدام به پیش‌داوری کرد و گفت: من گمان می‌کنم که موسـی دروغ‌گوست؛ یعنی با این کار ذهن‌های مردم را برای اعلام دروغ‌گویی موسی علیه السلام فراهم کرد. ۶. در نهایت نقشه‌های فرعون نقش برآب و نیرنگ او نابود و به زیان خودش تمام شد و در برخی احادیث نیز روایت شده که برج بلند فرعون در اثر تندبادی سهمگین واژگون شد و سرانجام نیز فرعون شکست خورد و موسـی و پیروانش پیروز شدند. ۷. عامـل اصـلی انحراف فرعون آن بود که بر اثر کـبر و غرور و گناه، کارهای زشت خود را زیبا می‌دیـد، تا آن جا که از پیمودن راه حق بازماند؛ یعنی او تصویر صـحیحی از اعمال خویش نـداشت و ارزیابی و ارزش‌گذاری‌اش غلط بود. ۸. هامان یکی از وزیران نزدیک فرعون و از فرماندهان لشـکر و فردی شـیّاد بود که فرعـون در کارهـایش از او کمـک می‌گرفت. «۲» تفسیر قرآن مهر جلـد هجدهم، ص: ۱۵۲ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. مستکبران، برای مبارزه با رهبران و مبلغان دینی، دست به ترفنـدهای تبلیغاتی می‌زنند (پس مراقب باشـید). ۲. بُرج‌سازی و قصـرسازی یکی از وسایل تبلیغاتی مسـتکبران است. ۳. ترفنـدهای تبلیغاتی مسـتکبران را بشناسـید (وفریب آنها را نخورید). ۴. کافران، خـدا را موجودی مادّی معرفی می‌کنند (از این رو در آسـمان به دنبال او می‌گردند). ۵. مسـتکبران گرفتار دگرگونی ارزش‌ها هستند و کارهای بد را خوب ارزیابی می‌کنند. ۶. دگرگونی ارزش‌ها و مبارزه با پیامبران انسان را از راه (خدا) بازمی‌دارد. ۷. نیرنگ و نقشه‌ی مستکبران نقش بر آب است. *** قرآن کریم در آیات سی و هشتم تا چهلم سوره‌ی غافر به سخنان هدایتگرانه‌ی مؤمن آل فرعون در مورد ناپایداری دنیا و پاداش و کیفر رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۸- ۴۰. وَقَالَ الَّذِی آمَنَ یَاقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِیلَ الرَّشَادِ* یَا قَوْمِ إِنَّمَا هذهِ الْحَیَاةُ الـدُّنْیَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِیَ دَارُ الْقَرَارِ* مَنْ عَمِلَ سَیِّئَةً فَلَا یُجْزَی إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ یُرْزَقُونَ فِیهَا بغَیْرِ حِسَابٍ و کسـی که ایمان آورده بود، گفت: «ای قوم [من، مرا] پیروی کنیـد تا شـما را به راه هدایت ره‌نمون شوم. ای قوم [من ! این زنـدگی دنیا، تنها کالایی است؛ و در حقیقت، فقط آخرت سـرای پایـدار است. هر کس (کار) بدی انجام دهد، پس جز همانند آن کیفر نخواهد شد؛ و هر کس از مرد یا زن، (کار) شایسته‌ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس آنـان داخـل بهشت می‌شونـد، در حالی که در آن‌جا بی‌شـمار روزی داده می‌شونـد. تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۱۵۳ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در آیـات پیشـین خوانـدیم که فرعـون می‌گفت: من شـما را جز به راه هـدایت ره‌نمون نمی‌شوم «۱» و در این آیات می‌بینیم که مؤمن آل فرعون به طور غیرمسـتقیم در برابر او موضع می‌گیرد و به مردم اعلام می‌کند که از من پیروی کنید تا به هدایت برسید. ۲. پیروی از مؤمن آل فرعون هـدایت‌آفرین بود؛ چرا که او خود پیرو موسـی پیـامبر خـدا بود و مردم را به راه موسـی دعوت می‌کرد که راه خـدا و هدایت بود. ۳. در این آیات مؤمن آل فرعون بیان کرد که دنیا سـرای ناپایـدار و جهان آخرت سـرای پایـدار است. این مطلب اشـاره به آن بود که اگر بر فرض، شـما در این دنیا با خون‌ریزی و سـتمکاری بر مردم حکومت کنیـد، چند روزی بیش نیست، و در قیـامت بایـد پاسخ‌گوی اعمـال خود باشـید، ولی اگر ایمـان آوریـد و در راه خـدا گام برداریـد، به بهشـت می‌رسـید که سرای جاویدان است. جمیله‌ای است عروس جهان ولی هُش‌دار که این مخدرّه در عقد کس نمی‌آید (حافظ) ۴. مؤمن آل فرعون به چند مطلب رستاخیز اشاره کرد: اول، به عدالت خدا و این که کسی را جز همانند جرمش کیفر نمی‌دهد. دوم، به فضل و بخشش خدا که او در برابر کارهای نیکوی اندک مردم، پاداش بی‌شمار و بی‌حساب می‌دهد. ۵. در این آیات به تساوی زن و مرد در ارزش‌هـای انسـانی و پاداش‌هـای الهی اشاره شـده است؛ یعنی ایمان زن و مرد در پیشـگاه خـدا تفاوتی نـدارد و هر دو را پاداش بهشت می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۵۴ زن و مرد تفاوت‌های جسمی، روحی و روانی دارند و بر این اساس در دنیا

دارای وظایف و حقوق متفاوتی هستند، ولی از نظر ارزش‌های انسانی و پاداش اخروی هیچ تفاوتی با هم‌دیگر ندارند و هر دو می‌توانند درجات ایمان و سعادت و بهشت را بپیمایند. ۶. در این آیه بر همراهی ایمان با عمل صالح تأکید شده است؛ چون ایمان است که به کارها جهت و ارزش می‌بخشد. ۷. تعبیر «مِثل» در این آیات اشاره به همانندی کیفر اعمال انسان و جرمی است که مرتکب شده است. این همانندی، یا در مقدار و کمیت است و یا در نوع و کیفیت مجازات؛ یعنی مجازات‌های آخرت شباهتی کامل با کارهای انجام شده در دنیا دارد. «۱» ۸. تعبیر «بغیر حساب» اشاره به لطف خداست که عطایای او به مؤمنان شایسته‌کردار بی‌حساب و بی‌شمار است؛ چون کسانی که خزاین محدود دارند، از تمام شدن آن می‌ترسند و در بخشش کم‌تر می‌دهند اما خدا این‌گونه نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به سوی زندگی پایدار آخرت جهت‌گیری کنید که راه هدایت است. ۲. زندگی دنیا کالایی زودگذر است، اما زندگی آخرت جاودانی است (پس ببینید که سرمایه‌گذاری در کدام یک برای شما پرسودتر است). ۳. از مردان الهی پیروی کنید که شما را به هدایت می‌رساند. ۴. رستاخیز تجلیگاه عدل و فضل خداست؛ او با دشمنان با عدالت و با دوستان با بخشش برخورد می‌کند. ۵. مرد و زن در ارزش‌های انسانی و الهی و در نیل به بهشت یکسان‌اند. ۶. حساب خدا دقیق و عادلانه، اما بخشش او بی‌شمار است. ۷. همراهی عمل شایسته با ایمان، ثمربخش است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۵۵ قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و چهارم سوره‌ی غافر به آشکار کردن ایمان مؤمن آل فرعون و مقایسه‌ی راه نجات و عذاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱- ۴۴. وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ* تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ* لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ* فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ای قوم [من ! مرا چه شده که شما را به سوی نجات فرا می‌خوانم، و (شما) مرا به سوی آتش فرا می‌خوانید؟! مرا فرا می‌خوانید تا به خدا کفر و رزم و چیزی را که به او هیچ دانشی ندارم همتای او قرار دهم، در حالی که من شما را به سوی شکست‌ناپذیر بسیار آمرزنده فرا می‌خوانم! قطعاً، آنچه مرا به سوی آن می‌خوانید، هیچ فراخوانی در دنیا و آخرت ندارد؛ و حتماً، بازگشت ما به سوی خداست؛ و مسلماً، اسرافکاران فقط اهل آتش‌اند. و به زودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد؛ و کارم را به خدا وا می‌گذارم، که خدا نسبت به بندگانش بیناست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پس از سخنان مؤمن آل فرعون در مورد حمایت از موسی و راه توحید، اطرافیان فرعون نیز با او سخن گفتند و وی را به شرك و بت‌پرستی دعوت کردند؛ از این رو مؤمن آل فرعون برآشفت و ایمان خود را آشکار ساخت و راه خدا را راه نجات و راه شرك را راه آتش خواند. ۲. مصریان علاوه بر پرستش فرعون، بت‌پرست نیز بودند و معبودان دیگری را شریك خدا می‌دانستند. «۱» ۳. در این آیات مؤمن آل فرعون دو دلیل برای بطلان شرك آورد: تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۵۶ اول آن که هیچ علمی به وجود شریك برای خدا نیست (چرا که اصلًا چنین شریکی وجود ندارد تا کسی بدان علم داشته باشد). و دوم آن که معبودان دروغین، هیچ پیامبری در دنیا نفرستادند تا مردم را هدایت کند و در آخرت نیز کاری از آنان ساخته نیست و کسی که هیچ کاری از او ساخته نیست شایسته‌ی پرستش نیست. ۴. مؤمن آل فرعون با واگذاری کارش به خدا به طور مؤدبانه از خدا پناه و حمایت در برابر فرعونیان زورگو را درخواست کرد. ۵. مقصود از واگذرای کار بر خدا و ردّ کردن امور به سوی او، آن نیست که انسان دست از تلاش بکشد و وحشت کند، بلکه کار خود را به خدا واگذار کند و با عزم راسخ به جهاد و تلاش ادامه دهد و از موانع سخت نهراسد. البته تفویض مرحله‌ای بالاتر از توکّل است چون واگذاریِ کلّیِ کار به خداست. ۶. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که کسی که کار خود را به خدا واگذار کند، در راحت ابدی و زندگی جاودانی پربرکت است و کسی که حقیقتاً کار خود را به خدا واگذار کند برتر از آن است که به غیر او بیندیشد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه توحید، راه سعادت و نجات است و راه شرك راه آتش. ۲. شرك نورزید چون (باطل و) بدون دلیل است. ۳. راه مردان خدا، راه علم و نجات است. ۴. شرك نورزید؛ چرا که معبودان دروغین با مردم ارتباطی ندارند. ۵. فرجام اسراف و تجاوز از حدود الهی،

آتش است. ۶. مردان خدا تلاش خود را بکنند و کار را به خدا واگذار کنند و منتظر نتیجه باشند. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۵۷ قرآن کریم در آیات چهل و پنجم و چهل و ششم سوره‌ی غافر به فرجام مؤمن آل فرعون و عذاب فرعونیان در برزخ و قیامت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵ و ۴۶. فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ* النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوّاً وَعَشِيّاً وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ و خدا او را از بدی‌های فریبکاری‌شان حفظ کرد و بدیِ عذاب، خاندان فرعون را فرو گرفت. (همان) آتشی که بامدادان و عصرگاهان بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که ساعت (: رستاخیز) برپا شود (ندا آید که:) «فرعونیان را در شدیدترین عذاب وارد کنید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هنگامی که مؤمن آل فرعون ایمان خود را آشکار کرد، فرعونیان کوشیدند که او را از دین موسی بازگردانند و در این راه انواع شکنجه‌ها و مجازات‌ها و از جمله مجازات اعدام را در نظر گرفتند. «۱» اما بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام لطف الهی شامل حال او شد و ایمان او را حفظ کرد و او در نهایت شهید شد. «۲» ۲. در این آیات از اطرافیان فرعون با عنوان «آل فرعون» یاد شده است که گرفتار بدترین مجازات‌ها شدند. وقتی اطرافیان فرعون گرفتار این عذاب‌ها شوند وضعیت خود فرعون روشن است. ۳. در این آیه به دو مرحله‌ی عذاب فرعونیان اشاره شده است: مرحله اول، که هر صبح و عصر عذاب بر آنان عرضه می‌شود. و مرحله دوم، که در روز رستاخیز به شدیدترین عذاب‌ها گرفتار می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۵۸ مقصود از مرحله‌ی اول همان برزخ است «۱» که فاصله‌ی بین مرگ تا رستاخیز است و صبح و عصر به بدکاران عذاب عرضه می‌شود و نیکوکاران در این مرحله از روزی‌های الهی می‌خورند. ۴. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که وقتی کسی از شما می‌میرد، جایگاه او را هر صبح و شام به او نشان می‌دهند، اگر بهشتی باشد جایگاهش در بهشت و اگر دوزخی باشد جایگاهش در دوزخ به او نمایانده می‌شود و به او می‌گویند: این جایگاه تو در روز رستاخیز است که برانگیخته می‌شوی. «۲» البته روشن است که همان عرضه‌ی عذاب در برزخ، خود عامل عذاب روحی افراد می‌شود. ۵. مقصود از صبح و عصر در این آیات، یا همان اول و آخر روز است که در برزخ نیز وجود دارد و یا کنایه از استمرار عذاب است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از مردان الهی در برابر توطئه‌های دشمنان محافظت و حمایت می‌کند. ۲. فرجام مشرکان سرکش، عذاب در برزخ و رستاخیز است. ۳. طاغوتیان در برزخ به وسیله‌ی عرضه‌ی مرتب عذاب، شکنجه می‌شوند. ۴. با طاغوت‌ها همراهی نکنید که اطرافیان آنان گرفتار شدیدترین عذاب‌ها می‌شوند. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۵۹ قرآن کریم در آیات چهل و هفتم و چهل و هشتم سوره‌ی غافر به گفت‌وگوی مستکبران و مستضعفان در دوزخ و ناتوانی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷ و ۴۸. وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعاً فَهَلْ أَنْتُم مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيباً مِنَ النَّارِ* قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ و (یادکن) هنگامی را که در آتش (دوزخ) به بحث (و ستیز) می‌پردازند؛ و کم‌توانان به کسانی که تکبر ورزیدند، می‌گویند: «در واقع، ما پیروان شما بودیم، پس آیا شما سهمی از آتش را از ما دفع می‌کنید؟!» کسانی که تکبر ورزیدند می‌گویند: «در حقیقت، ما همه در آن (آتش) هستیم، که به یقین، خدا بین بندگانش (به عدالت) داوری کرده است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در آیات و سوره‌های متعددی گفت‌وگوهای دوزخیان را برای مردم بازگو می‌کند، «۱» تا به سرنوشت آنان و آینده‌ی انسان‌های گناهکار بیندیشند و عبرت بیاموزند. آیه‌ی فوق می‌تواند شامل گفت‌وگوی کافرانی هم‌چون فرعونیان و دیگران باشد و منحصر در یک گروه نیست. «۲» ۲. در این آیات از دو گروه یاد شده است؛ از سران مستکبر و سرکشی که راه کفر و عناد در پیش گرفتند و از مستضعفان فکری که چشم و گوش بسته به دنبال رهبران کفر و شرک رفتند و هر دو گروه گرفتار دوزخ شدند. ۳. هر چند مستکبران نمی‌توانند ذرّه‌ای از عذاب مستضعفان کم کنند و یا به جای آنان عذابی را تحمّل کنند، اما مستضعفان از آنان می‌پرسند که آیا تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶۰ می‌توانید سهمی از عذاب را از ما دفع کنید؟ این پرسش ممکن است برای سرزنش و استهزای مستکبران باشد؛ یعنی ناتوانی آنان را به رُخشان می‌کشند. و یا از آن جا که مستضعفان عادت کرده بودند در مشکلات به مستکبران پناه ببرند، در دوزخ نیز چنین می‌کنند. آموزه‌ها

و پیام‌ها: ۱. فرجام مستکبران با پیروان آنان همسان است و هر دو اهل آتش‌انـد (پس مراقب باشـید). ۲. به مستکبران دل نبندید که (در این دنیـا ادعا دارنـد، اما) در آخرت کاری از آنان ساخته نیست. ۳. داوری رسـتاخیز به دست خداست (پس از او پیروی کنید). ۴. کافران حتی در دوزخ هم دست از بحث و ستیز بر نمی‌دارند (ولی شـما این گونه نباشـید). *** قرآن کریم در آیات چهل و نهم و پنجـاهم سوره‌ی غـافر به گفتمـان دوزخیان با نگهبانان دوزخ و تقاضاهای بی‌ثمر آنان اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۴۹ و ۵۰. وَقَالَ الَّذِینَ فِی النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّکُمْ یُخَفِّفْ عَنَّا یَوْماً مِنَ الْعَذَابِ* قَالُوا أَوَلَمْ تَکُ تَأْتِیکُمْ رُسُلُکُم بِالْبَیِّنَاتِ قَالُوا بَلَی قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْکَافِرِینَ إِلَّا فِی ضَلَالٍ و کسانی که در آتش‌انـد، به نگهبانان جهنّم می‌گوینـد: «پروردگارتان را بخوانید که روزی از عذاب ما بکاهـد.» گوینـد: «و آیا هیـچ‌گاه فرسـتادگان (خدا به سوی) شـما با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) به سـراغتان نیامدند؟!» می‌گویند: «آری!» (نگهبانـان) می‌گوینـد: «پس دعـا کنیـد؛ و دعـای کافران جز در گمراهی نیست.» تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۱۶۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عـذاب دوزخ از دوزخیان برداشته نمی‌شود، ولی آنان از مأموران دوزخ می‌خواهنـد که برایشان دعا کنند و از پروردگار بخواهند که یک روز از عذاب آنان کاسته شود. ۲. پاسخ منفی و سرزنش‌آمیز مأموران دوزخ، برای همه‌ی کافران لجوج عبرت‌آموز است که بدانند هر کاری می‌توانند در همین دنیا انجام دهند که در آخرت سخن کافران به جایی نمی‌رسد و دعای آنان گم می‌شود و سودی ندارد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از درمانـدگی دوزخیان عبرت بگیرید (و تا زود است باز گردید، توبه کنید و دعا نماییـد) که در آخرت دعای کافران به جایی نمی‌رسـد. ۲. در رسـتاخیز، حتی یک روز از عذاب دوزخیان کاسـته نمی‌شود. ۳. عدم توجه به سخنان پیامبران و دلایل آنها، زمینه‌ساز عذاب دوزخ است. ۴. کاهش عذاب (در دنیا به دست شماست، اما) در آخرت به دست شـما نیست. *** قرآن کریم در آیـات پنجـاه و یکم و پنجاه و دوم سوره‌ی غافر قانون حمایت الهی از پیامبران و مؤمنان را بیان کرده، با اشاره به ویژگی‌های رستاخیز می‌فرماید: ۵۱ و ۵۲. إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَیَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهَادُ* یَوْمَ لَا یَنفَعُ الظَّالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ قطعاً، ما فرسـتادگانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روز (رسـتاخیز) ی که گواهان به پا می‌خیزنـد یاری می‌دهیم. (همان) روزی که عذرخواهی سـتمکاران برای آنان سودی ندارد؛ و لعنت فقط برای آنان است و بـدی سـرای (دیگر نیز) تنها برای ایشان است. تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قانون کلی الهی بر آن است که خـدا از پیامبران و مؤمنان حمایت کنـد؛ حمایتی کامل که موجب پیروزی آنان بر دشـمنان می‌شود؛ پیروزی در مکتب، پیروزی در جنگ‌ها و پیروزی در اسـتدلال و منطق و امـدادهای غیبی را در بردارد. ۲. هر چند پیامبران و مؤمنان گاهی به طور مقطعی و ظاهری در برخی صـحنه‌ها شکست می‌خورند، اما در طول تاریخ و در مجموع پیروزی نهایی از آنِ پیامبران و مؤمنان بوده و مهم‌تر از آن پیروزی مکتبی و فکری از آنِ آنان است. همان طور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در احد و امام حسین علیه السـلام در کربلا در ظاهر شـکست خوردنـد اما در مجموع، فکر و مکتب و راه آنان بر دشـمنان پیروز و مانـدگار شـد. آری؛ این پیروزی مؤمنان در دنیا و آخرت سـنت و قانون خداست. ۳. مقصود از شاهدانی که در رسـتاخیز به پا می‌خیزند، فرشتگانِ مراقب اعمال انسان‌ها و پیامبران گواه امت‌ها و مؤمنان شاهـد اعمال هسـتند «۱» که همگی در محضـر الهی حاضر می‌شوند و در آن صحنه‌ی عظیم نیز پیروزی از آنِ پیـامبران و مؤمنـان است، همان طور که رسوایی و لعنت از آن سـتمکاران است. ۴. چرا در این آیه بیـان شـده کـه عـذرخواهی کـافران در رسـتاخیز پـذیرفته نمی‌شـود، ولی در آیـات دیگر قرآن بیـان شـده که اصلًا به آنـان فرصـت عذرخواهی داده نمی‌شود؟ «۲» در رستاخیز ایستگاه‌های مختلف وجود دارد که ممکن است در برخی اجازه‌ی عذرخواهی داده شود و در برخی اجازه داده نشود، هر چنـد در هر صورت عذرخواهی کافران پذیرفته نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶۳ ۵. در این آیات به دو نام از نام‌های رسـتاخیز اشاره شد که عبارت‌اند از: «یومَ یقومُ الاشـهاد» (روز به‌پاخاستن گواهان) و «یومَ لاینفَعُ الظالمین مَعـذَرَتُهم» (روزی که عـذرخواهی سـتمکاران بی فایـده است). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قـانون الهی امـدادرسانی به پیامبران و مؤمنـان در دنیـا و آخرت است. ۲. آینـده‌ی مؤمنـان در دنیـا و آخرت امیـدبخش، روشن و پیروزمنـدانه است. ۳. رسـتاخیز روز قیام

گواهـان (و روشن شـدن حقـایق به نفع مؤمنان) است. ۴. رسـتاخیز روز درمانـدگی و بدفرجامی سـتمکاران است. ۵. قبل از رسـیدن رسـتاخیز، از سـتم‌های خود توبه کنیـد و از خـدا عذر بخواهید. ۶. سـتمکاری، زمینه‌سـاز لعنت خـداست. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم و پنجاه و چهارم سوره‌ی غافر به ویژگی‌های موسـی و تورات اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۵۳ و ۵۴. وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَی الْهُـدَی وَأَوْرَثْنَا بَنِی إِسْـرَائِیلَ الْکِتَـبَ* هُـدیً وَذِکْرَی لِأُولِی الْأَلْبَابِ و به یقین، به موسـی رهنمود دادیم، و به بنی اسـرائیل (: فرزنـدان یعقوب) کتـاب (: تورات) را ارث دادیم. در حـالی که راه‌نما و یادآوری برای خردمنـدان بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «هدایتی» که به موسـی علیه السـلام داده شد معنای گسترده‌ای دارد و شامل مقام نبوّت، وحی، کتاب تورات و حتی معجزات هدایتگر او می‌شود. ۲. تورات میراث بنی اسرائیل است؛ زیرا اولًا، آنان نسلی بعد از نسل دیگر وارث تورات شدند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶۴ و ثانیـاً، تورات هم‌چون ارثی بـدون زحمت به دست آنان رسـید. ۳. تورات هم هـدایت برای مردم بود، یعنی آنـان را در ابتـدای راه راه‌نمایی می‌کرد و هم تـذکر و یادآوری؛ زیرا در مسیر زنـدگی، آنان را به یاد مسائلی می‌انـداخت که شـنیده بودنـد و بـدان ایمان آورده بودند. ۴. خردمنـدان و صاحبـان مغز و فکر از تورات بهره می‌برنـد، نه انسان‌های نابخرد و متعصب، که از این ارث عظیم بنی اسـرائیل بهره‌ای ندارنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. موسـی شخصـی راه‌یافته و برنامه‌دار بود. ۲. خردورزی کنیـد که زمینه‌ساز اسـتفاده از هدایت و تذکرات کتاب‌های الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی غافر سه دسـتور در زمینه‌ی شکیبایی، توبه و تسبیـح به پیامبر صـلی الله علیه و آله می‌دهـد و می‌فرماید: ۵۵. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْـتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ وَسَـبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِیِّ وَالْإِبْکَارِ پس شـکیبا باش که وعده‌ی خدا حق است و برای پیامد (کارهای) خود آمرزش طلب، و به هنگام صـبح و عصر، با ستایش پروردگارت تسبیح بگو. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخاطب این سه فرمان، پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت این‌ها دستورها و برنامه‌هـایی است برای عموم مسـلمانان و عمـل به این سه برنـامه پیروزی همه‌ی مسـلمانان را تسریع می‌کنـد. ۲. مقصود از «صـبر» همان اسـتقامت و شـکیبایی در برابر دشـمنان سرسـخت و دوسـتان سـهل‌انگار و هوس‌های سرکش و خشم درونی و مانند آن است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶۵ ۳. منظور از وعده‌ی الهی، همان وعده‌ی پیروزی پیامبر صـلی الله علیه و آله و مؤمنان اسـت که در آیه‌ی ۵۱ همین سوره و آیات دیگر قرآن آمـده است. این پیروزی در سایه‌ی صبر و اسـتقامت به دست می‌آیـد. ۴. «ذنب» به معنای دُم و دنباله‌ی چیزی است و به کارهایی که پیامـد و عواقب دارنـد گفته می‌شود «۱» و ممکن است در این جـا به معنای لغوی باشد. ۵. اگر پیـامبر صـلی الله علیه و آله معصوم است و گنـاه نمی‌کنـد، چرا دسـتورِ اسـتغفار و طلب آمرزش به او داده شـده است؟ اسـتغفار هر کس بر اساس مقام و موقعیت اوست؛ یعنی ممکن است عملی شایسـته‌ی رهبر مسلمانان نباشد و ترک اولی به شمار آید و اسـتغفار برای آن لازم باشد، ولی همان عمل اگر از افراد عادی سربزند مانعی نداشته باشد؛ پس استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله برای این امـور است. «۲» ۶. مقصود از تسبیـح و سـتایش خدا در صـبحگاهان و عصـرگاهان، یا اسـتمرار عبادت است و یا خصوص عبادت در صبح و عصر که روح انسان آمادگی بیش‌تری برای آن دارد؛ به هر حال نمازهای روزانه یکی از مصادیق بارز این تسبیح است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با شـکیبایی، استغفار و تسبیح، زمینه‌ی تحقق وعده‌ی الهی را فراهم سازید. ۲. وعده‌ی (پیروزی) که خدا به شما داد حتماً تحقق می‌یابد. ۳. صـبح و عصر زمان بهتری برای عبادت است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶۶ قرآن کریم در آیه‌ی پنجـاه و شـشم سوره‌ی غـافر به رابطه‌ی تکبّر بـا مجـادله و ناکـامی متکبّران اشـاره کرده، می‌فرمایـد: ۵۶. إِنَّ الَّذِینَ یُجَادِلُونَ فِی آیَاتِ اللَّهِ بِغَیْرِ سُـلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِی صُدُورِهِمْ إِلَّا کِبْرٌ مَا هُم بِبَالِغِیهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ در حقیقت، کسانی که در باره‌ی آیات خـدا، بـدون دلیلی که برایشان آمـده باشـد، مجادله می‌کننـد، در سینه‌هایشان جز تکبّری که آنان بـدان نرسـند، نیست؛ پس به خـدا پناه ببر؛ [چرا] که فقط او شـنوای بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مجادله» به معنای بحث و ستیز در سـخن است و در سـخنان حق و باطـل، هر دو به کـار می‌رود، ولی در این جـا مقصود مجـادله به باطل و بـدون دلیل است. ۲. مقصود از «سلطان»، دلیلِ تسلّط بخش است که از راه وحی به انسان برسـد؛ و بر راه نقلی تأکیـد شـده است چرا که مطمئن‌ترین راه و بدون خطاست. ۳.

«آیات» به معنای نشانه‌هاست و در این جا مقصود معجزات و آیات قرآن است که مخالفان بدون دلیل در مورد آنها بحث و ستیز می‌کنند. ۴. در این آیه بیان شده که ریشه‌ی مجادله‌های مخالفان، همان تکبّر و غرور و خودمحوری آنان است؛ یعنی آنها دلیل ندارند، بلکه فقط خود و افکار خویش را برتر می‌بینند و به دیگران اعتنایی ندارند و با آنان مجادله می‌کنند. ۵. متکبران به هدف خود نمی‌رسند؛ چون در فخرفروشی خود ناکام می‌شوند و در مجادله‌ی نیز نمی‌توانند سخن خویش را به کرسی بنشانند. ۶. خطر متکبران مجادله‌گر آن‌قدر زیاد است که خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که از شرّ آنان به او پناه ببرد و این آموزه‌ای برای ما نیز هست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بدون دلیل در مورد آیات و نشانه‌های خدا بحث نکنید. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶۷ ۲. سرچشمه‌ی بحث‌های ستیزه‌جویانه، خودمحوری و تکبّر است. ۳. متکبران ناکام می‌مانند. ۴. از شرّ متکبّران مجادله‌گر به خدا پناه ببرید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم و پنجاه و هشتم سوره‌ی غافر با بیان برخی مقایسه‌ها، به ناآگاهی و غفلت اکثریت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷ و ۵۸. لَخَلْقُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ* وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ مسلماً، آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش مردم بزرگ‌تر است، ولیکن بیش‌تر مردم نمی‌دانند. و نابینا و بینا مساوی نیستند؛ و کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند با بدکاران (یکسان نیستند)؛ چه اندک متذکّر می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن استفاده از روش مقایسه است؛ یعنی دو گروه از مردم و یا دو چیز را در مقابل هم قرار می‌دهد و به تصویر می‌کشد تا شنونده بتواند با مقایسه‌ی آنها، خود، راه صحیح را انتخاب کند. ۲. در این آیات آفرینش آسمان‌ها با آفرینش انسان‌ها و نیز کوردلان با افراد بصیر و بینا و نیز مؤمنان شایسته‌کردار با بدکاران مقایسه شده‌اند. همه‌ی این مقایسه‌ها برای آن است که متکبّران مجادله‌گر و مشرک را از مرکب غرور و غفلت به زیر کشد، تا حقایق را متوجه شوند و بیدار گردند و دست از تکبّر و جهل و بدکاری بردارند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶۸ ۳. واژه‌ی «ناس» در قرآن معمولًا به معنای مردم تربیت نایافته در پرتو تعالیم پیامبران است و در این آیات نیز بیان شده که بیش‌تر مردم نا آگاه‌اند و اندکی از آنان متذکّر و بیدار می‌شوند. مقصود همین انسان‌های تربیت نایافته هستند که در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به تکبّر و مجادله می‌پرداختند. ۴. مقصود از نابینا و بینا در آیات فوق، بینایی و نابینایی جسمانی نیست؛ منظور از نابینایان انسان‌های کوردلی هستند که پرده‌ی کبر و غرور و جهل بر چشمانشان افتاده است و افراد بینا کسانی هستند که با نور علم و استدلال و حق روشن شده‌اند. ۵. در این آیات اعمال مؤمنان شایسته‌کردار با بدکاران مقایسه شده است. مؤمنانی که با نور ایمان و علم بینا شده و ارزیابی صحیحی از خود و جهان اطراف دارند و از این رو گرفتار غرور و غفلت نشده‌اند و به سراغ کردار شایسته می‌روند و بدکاری نمی‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به عظمت آفرینش آسمان‌ها بنگرید تا به کوچکی آفرینش خود پی ببرید (و گرفتار تکبر نشوید). ۲. با مقایسه‌ی افراد کوردل و روشن ضمیر و مؤمنان شایسته کردار با بدکاران، راه صحیح را پیدا کنید. ۳. اکثر مردم (تربیت نایافته) ناآگاه و در غفلت هستند. ۴. توجه به عظمت خلقت آسمان‌ها، انسان‌های روشن‌ضمیر و مؤمنان شایسته‌کردار، از عوامل آگاهی‌بخش و بیدار کننده است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی غافر به قطعی بودن رستاخیز و بی ایمانی اکثریت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۹. إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ قطعاً، ساعت (رستاخیز) آمدنی است، در حالی که هیچ تردیدی در آن نیست؛ و لیکن بیش‌تر مردم ایمان نمی‌آورند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۶۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه، بر آمدن رستاخیز چند بار تأکید شده است. «۱» ۲. «ساعت» در اصل به معنای جزئی از زمان است و در این جا یکی از نام‌های رستاخیز است و شاید از آن جهت بدان ساعت می‌گویند که حساب مردم در آن جا به سرعت در ساعتی انجام می‌شود و یا این که رستاخیز به طور ناگهانی در ساعتی به‌پا می‌شود. ۳. مقصود از بی ایمانی اکثریت مردم آن است که بیش‌تر مخالفان اسلام که انسان‌های تربیت‌نایافته و مشرک‌اند، به دنبال هوس‌رانی خویش هستند و از این رو به انکار معاد می‌پردازند، تا در گناه‌کاری آزاد باشند؛ و گرنه دلایل معاد مخفی نیست. ۴. در

این آیه و آیات قبلی سه بار اشاره شده است که اکثریت مردم، ناآگاه و غافل و بی‌ایمان هستند؛ بنابراین اکثریت نمی‌تواند معیار حقانیّت باشد. البته روشن است که مقصود از اکثریت در این موارد، اکثریت ناآگاه و غافل، یعنی انسان‌های تربیت نایافته هستند، وگرنه اگر اکثریت مردم افرادی با ایمان و آگاه باشند، نظر مشورتی آنان در اسلام محترم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شک نکنید که رستاخیز حتماً می‌آید. ۲. (اکثریت معیار حقانیّت نیست، و گرنه) اکثریت مردمِ (تربیت نایافته) به معاد ایمان ندارند. ***

مرا بخوانید تا (شما را) اجابت کنم

قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی غافر به پیام محبت‌آمیز خدا در مورد دعا و اجابت آن و فرجام عذاب‌آلود مستکبران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۰. وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷۰ و پروردگار شما گفت: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! در واقع، کسانی که نسبت به پرستش من تکبر می‌ورزند، به زودی با خواری وارد جهنّم می‌شوند!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «دُعا» در اصل به معنای خواندن است، که گاهی به معنای تقاضا از خدا، یعنی همان دعای اصطلاحی است و گاهی به معنای پرستش. البته معنای اول دعا با آیه‌ی فوق سازگارتر است، ولی برخی مفسران هم‌چون ابن عباس، شاگرد تفسیری امام علی علیه السلام، دعا را در این جا به معنای عبادت و توحید دانسته‌اند. «۱» ولی مانعی ندارد که هر دو معنای دعا مقصود آیه باشد. ۲. در این آیه پروردگار از بندگانش می‌خواهد که او را بخوانند و دعا کنند. نکته‌ی جالب آن است که از میان نام‌های خدا، نام «رب» (پروردگار) را آورده است که اشاره به ربوبیت و تربیت و پرورش است و از این جا روشن می‌شود که نام «ربّ» با دعا و استجابت آن ارتباط دارد. ۳. در این آیه، خدا وعده‌ی استجابت و پاسخ گویی به دعا را داده است و این از لطف بی‌انتهای خداست که برای ما پیام می‌دهد که مرا بخوانید و باز پیام می‌دهد که اگر از من بخواهید، به شما می‌دهم و دعایتان را اجابت می‌نمایم. یعنی رابطه‌ی مستقیم با من برقرار کنید و رابطه‌ی شما با من، رابطه‌ی من و تو و رابطه‌ای صمیمی باشد. ۴. اگر خدا وعده‌ی استجابت داده، چرا گاهی دعاها مستجاب نمی‌شود؟ پاسخ آن است که اولًا، بسیاری از دعاها مستجاب می‌شوند ولی ممکن است برخی دیرتر مستجاب شوند چون مصلحت دعاکننده در این است. ثانیاً، گاهی اصلًا مصلحت دعاکننده در آن دعا نیست و ممکن است به ضرر او باشد؛ در این مواقع استجابت دعا به آن است که خدا در عوض به او چیزی دیگر و یا ثواب می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷۱ و ثالثاً، خود دعا ارتباط با خدای تعالی، عبادت و موجب تکامل روح است که این خود نوعی اجابت و پاسخ به دعاکننده است. گفت آن اللَّه تو لبیک ماست آن نیاز و سوز و دردت پیک ماست ۵. در حدیثی روایت شده که از امام صادق علیه السلام در مورد عدم استجابت برخی دعاها پرسیدند و حضرت فرمودند: هیچ کس او را نمی‌خواند، مگر آن که اجابت می‌کند، اما دعای ستمکاران قبول نمی‌شود تا این که توبه کنند؛ وصاحب حق وقتی دعا کند اجابت می‌شود وبلاـ از جایی که نمی‌داند از او برطرف می‌گردد یا این که (دعای او) به صورت ثواب فراوان برای روز نیازش ذخیره گردد. و اگر چیزی را که بنده می‌خواهد خیر او در آن نباشد، از دادن آن خودداری می‌کند. «۱» ۶. در برخی احادیث آمده است که دعای چهار دسته مستجاب نمی‌شود: الف) کسی که در خانه بنشیند و طلب رزق کند؛ ب) کسی که به همسرش نفرین کند؛ ج) کسی که اموالش را تباه سازد و طلب رزق کند؛ د) کسی که مالش را بدون شاهد قرض دهد (و به او باز نگردانند). «۲» البته روشن است که این‌گونه روایات برخی از مصادیق کسانی را بیان می‌کنند که دعایشان مستجاب نمی‌شود، و گرنه موانع استجابت دعا زیاد است و مصادیق دیگری نیز دارد. و به طور کلی هر کس دست از تلاش بردارد، یا در انجام کاری کوتاهی کند و برای آن کار دعا کند دعای او مستجاب نمی‌شود. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷۲ ۷. دعا عبادتی است که هر کس در مورد آن تکبر ورزد، وارد دوزخ می‌شود. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که «دعا عبادت است». «۱» و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده که کثرت دعا را بر کثرت نماز ترجیح می‌دادند و آن را عبادت بزرگ

می‌خواندند. «۲» ۸. دعا شما را از ظلمت‌کده بیرون می‌سازد و سبکبار می‌کند: امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: آن که سبکبار کند انسان را و از این ظلمت‌کده می‌کشد او را بیرون و نفس را از آن گرفتاری‌ها و سرگشتگی‌هایی که دارد خارج می‌کند، این ادعیه‌ای است که از ائمه علیهم السلام ما وارد شده‌اند ... این ادعیه مهیا می‌کنند این نفوس را برای این که این علایقی که انسان دارد و بیچاره کرده انسان را این علایق، این گرفتاری‌هایی که انسان در این عالم طبیعت دارد و انسان را سرگشته کرده است، متحیّر کرده است نجاتش بدهند و آن راهی که راه انسان است ببرند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا دوست دارد شما بخواهید و او عطا کند. ۲. هر دعایی بکنید (به نوعی) پاسخ داده می‌شود. ۳. یکی از عوامل عذاب، تکبّر در برابر دعا و عبادت خداست. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷۳ ۴. رابطه‌ی شما با خدا، رابطه‌ی صمیمی و بی‌واسطه (من و تو) باشد. *** الهی‌نامه الهی! همه گویند بده، حسن گوید بگیر. الهی! آن خواهم که هیچ نخواهم. الهی! اگر تقسیم شود به من بیش از این که دادی نمی‌رسد، «فَلَك الحمد!» الهی! همه سر آسوده خواهند و حسن دل آسوده. الهی! همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد. الهی! همه آرامش خواهند و حسن بی‌تابی، همه سامان خواهند و حسن بی‌سامانی. الهی! اگر چه درویشم، ولی داراتر از من کیست که تو دارایِ منی. الهی! دندان دادی، نان دادی، جان دادی، جانان بده! الهی! سرمایه‌ی کسبم دادی، توفیق کسبم ده! الهی! به سوی تو آمدم، به حقِّ خودت مرا به من برمگردان! الهی! یک شوریده جهانی را می‌شوراند، این شوخ‌دیده را شوریده‌تر کن! الهی! شکرت که فهمیدم که نفهمیدم. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷۴ قرآن کریم در آیات شصت و یکم تا شصت وسوم سوره‌ی غافر به نشانه‌های خدا در آفرینش شبانه روز و ناسپاسی اکثریت و انکار نشانه‌های خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱- ۶۳. اللَّهُ الَّذِی جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِراً إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ* ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ* كَذلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ خدا کسی است که شب را برای شما (تاریک) قرار داد تا در آن آرام بگیرید، و روز را روشنی‌بخش (قرار داد، چرا) که قطعاً، خدا نسبت به مردم دارای بخشش است؛ ولیکن بیش‌تر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند. این خدا پروردگار شماست! که آفریدگار هر چیزی است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوید؟! این‌چنین کسانی که نشانه‌های خدا را انکار می‌کردند (از حق) بازگردانده می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات نشانه‌های خدا را در آفرینش شب و روز معرفی کرده‌اند؛ از طرفی شب با تاریکی خود موجب تعطیلی کارها وآرامش انسان می‌شود و اعصاب و روان او را استراحت می‌دهد. و از طرف دیگر، روز با نور و روشنایی به زندگی حرکت می‌دهد و زمینه‌ساز کار وفعالیت انسان است. آری؛ آفریدگاری حکیم و آگاه به نیازهای انسان شب و روز را این‌گونه قرار داده تا مصالح انسان را تأمین سازد. ۲. نعمت‌های الهی در نظام شبانه روز و دیگر آفریده‌ها فراوان است اما انسان‌های سپاس‌گزار کم هستند. مقصود از «مردمی» که اکثریت آنان ناسپاس‌اند، همان افرادی هستند که از تربیت دینی دور افتاده و نعمت‌بخشِ خود را به خوبی نشناخته و با وظیفه‌ی سپاس‌گزاری خود آشنا نشده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷۵ ۳. در این آیات به چند صفت خدا اشاره شده که هر کدام می‌تواند دلیل بر دیگری باشد: نشانه‌های خدا و نعمت‌های او دلیل بر ربوبیّت او و ربوبیت و پرورش او دلیل خالقیت او و خالق همه چیز بودن دلیل بر یگانگی اوست. «۱» ۴. در این آیات با سرزنش انسان‌هایی که از راه حق و خدا روی می‌گردانند و به راه شرک و کفر می‌روند، به عامل اساسی این روی‌گردانی اشاره کرده است که همان انکار لجوجانه‌ی نشانه‌های خداست. یعنی، این انکار زمینه‌ساز آن می‌شود که دیگران شما را از راه منحرف سازند. ۵. این آیات، روگردانی منحرفان مشرک را با فعل مجهول آورده و فرموده است «شما روی گردانیده می‌شوید.»، یعنی گویا تقصیر آنان نبوده و به خواست و اراده‌ی شخصی از حق روی برنتافته‌اند. این تعبیر هم سرزنش‌آمیز است و هم زمینه‌ی بازگشت و توبه‌ی آنان را فراهم می‌سازد. ۶. «یجحدون» در اصل به معنای انکار چیزی است که در دل وجود دارد؛ یعنی انسان چیزی را که به آن معتقد است انکار می‌کند. آری؛ مشرکان با آن که نشانه‌های خدا را می‌دیدند و در دل به آنها اعتقاد داشتند، از سر لجاجت آنها را انکار می‌کردند.» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در

فوایـد وآثار شبانه‌روز، خداشـناس‌تر شوید. ۲. (تـا می‌توانیـد) شـب را برای اسـتراحت و روز را برای فعـالیت قرار دهیـد. ۳. سپاس نعمت‌های الهی را به جا آورید و به دنبال اکثریت ناسپاس نروید. ۴. از خدای یکتا که پروردگار و خالق شـماست روی برمتابید. ۵. انکـار نشانه‌ها و آیات الهی زمینه‌ساز انحراف است. *** تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۱۷۶ قرآن کریم در آیات شـصت و چهـارم و شـصت و پنجم سوره‌ی غـافر بـا اشـاره به نشانه‌هـای خـدا در زمین و آسـمان و چهره‌پردازی انسان‌ها، مردم را به عبادت و ستایش او فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۶۴ و ۶۵. اللَّهُ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ قَرَاراً وَالسَّماءَ بِنَاءً وَصَوَّرَکُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَکُمْ وَرَزَقَکُم مِنَ الطَّیِّبَاتِ ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ فَتَبَارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ* هُوَ الْحَیُّ لَاإِلهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ خدا کسی است که زمین را برای شـما قرارگاهی و آسـمان را بنایی قرار داد و شـما را صورت گری کرد و صورت‌های شما را نیکو گردانید و از (خوراکی‌هـای) پاکیزه‌هـا به شـما روزی داد؛ این خـدا پروردگـار شـماست؛ پس خجسـته (و پایـدار) است خـدایی که پروردگار جهانیـان است. او زنـده است؛ هیـچ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانیـد (وبپرستیـد) در حالی که دین (خود) را برای او خالص کرده‌ایـد. سـتایش مخصوص خـدایی است که پروردگـار جهانیان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات به قرارگـاه ثابت کره‌ی زمین اشاره شده است که در همان حالی که با سـرعت زیاد به دور خود و به دور خورشـید می‌چرخد، آرام و برای سـکونت مطمئن است. ۲. «بِنـاء» در لغت عرب به معنـای خانه‌های عربی اعراب بادیه نشین، هم‌چون خیمه‌ها و سایبان‌هاست «۱» و واژه‌ی «سماء» در قرآن و لغت به معانی جهت بالا، جوّ اطراف زمین، کرات آسـمانی و جایگاه آنها و آسـمان معنوی به کار می‌رود «۲» که در این جا معنای جوّ اطراف زمین مناسب‌تر است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷۷ بنابراین، آیه‌ی فوق اشاره دارد که آسمان (وهوای اطراف) هم‌چون خیمه‌ای زمین را احاطه کرده است که زمین را از اشعه‌های زیان‌آور و خطرهای دیگر حفظ می‌کند. «۱» ۳. در این آیات به چهره‌پردازی انسان به عنوان نشانه‌ی خدا اشاره شده است. آری؛ ساختمان وجودی انسان کاملًا موزون، مستحکم و دل‌پذیر و نسبت به حیوان و موجودات دیگر خوش‌روتر و خوش‌اندام‌تر است؛ البته انسان همان طور که صورتی زیبا دارد، سیرتی پر استعداد و زیبا دارد. «۲» ۴. «طیبات» به معنی چیزهای پاک و پاکیزه، هم‌چون غذا، همسر، خانه و روزی‌های معنوی، هم‌چون علم می‌شود که خدا به انسان ارزانی داشته است. ۵. «حی» یکی از صـفات خـداست؛ یعنی خدا موجودی زنده است و علم و اراده دارد؛ البته حیات خـدا ذاتی و همیشـگی است، بر خلاف حیات انسان‌ها که محدود و موقت و از غیر است. ۶. در این آیه دو آموزه برای ما بیان شـده است یکی آن که خـدا را بـا اخلاص بخوانیـد و دین خود را فقط برای او خالص سازیـد و دوم آن که فقط سـتایش او را بگوییـد و حمـد او را به جا آوریـد؛ چرا که او یکتا و زنده‌ای است که همه‌ی این نعمت‌ها را به شـما داده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در آسـمان‌ها و زمین خداشناس شوید. ۲. با مطالعه در چهره‌ی زیبای انسان خداشـناس شوید. ۳. با غذاشناسی به خداشناسی برسید. ۴. موجود یکتای زنـده، شایسته‌ی پرسـتش خالصانه و سـتایش است. *** تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷۸ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و ششم سوره‌ی غافر به دستورات الهی در مورد نفی شرک و لزوم تسلیم در برابر پروردگار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۶. قُلْ إِنِّی نُهِیتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِیَ الْبَیِّنَاتُ مِن رَبِّی وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِینَ بگو: «به راستی من منع شـده‌ام که کسانی را که غیر از خـدا می‌خوانیـد بپرسـتم! آن‌گاه که دلیل‌های روشن از جانب پروردگارم برای من آمـد و فرمان داده شـدم که تسلیم پروردگـار جهانیـان باشم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ایـن آیـه خطـاب به پیـامبر صـلی الله علیه و آله است، ولی در حقیقت وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان را بیان می‌کند که راه شرک را نروند و فقط تسلیم دستورهای خدا باشند. ۲. در این آیه بت‌پرستی و شرک با دو دلیل عقلی و نقلی منع شده است؛ دلیل نقلی آن است که خدا این کار را ممنوع کرده است و دلیل عقلی همان دلایل روشن و معجزه‌آساست که به اثبات توحید و نفی شـرک می‌پردازد. ۳. این آیه دسـتور می‌دهد که تسلیم پروردگار باشید و در این راسـتا صـفت «ربّ العالمین» آورده است که این خود دلیلی است برای لزوم تسـلیم بودن در برابر او؛ یعنی بایـد در برابر دسـتورهای کسی که پرورش دهنده‌ی همگان است تسلیم باشیم، تا رشد کنیم. ۴. تعبیرات آیه‌ی فوق که در برابر مخالفان سرسخت اسلام آمده

است، بسیار نرم و مؤدبانه است تـا حسّ لجـاجت مشـرکان تحریـک نشـود؛ یعنی پیـامبر صـلی الله علیه و آله به مشـرکان مسـتقیماً نمی‌گوید: «دست از شرک بردارید و تسلیم خدا شوید.»، بلکه به طور غیر مستقیم می‌گوید «به من این‌گونه دستور داده شده است (حال شما وظیفه‌ی خودتان را تشخیص دهید و عمل کنید)». تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۷۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از شرک دوری کنید و تسلیم خدا باشید. ۲. با مخالفان به صورت نرم، مؤدبانه و غیر مستقیم سـخن بگوییـد تا لجاجت نکنند. ۳. نفی شرک دلیل نقلی و عقلی دارد. ***

مراحل آفرینش انسان

قرآن کریم در آیات شـصت و هفتم و شـصت و هشـتم سوره‌ی غافر به نشانه‌های خـدا در مراحل آفرینش و زندگی انسان و اراده‌ی مطلق خـدا اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۶۷ و ۶۸. هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ یُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ ثُمَّ لِتَکُونُوا شُیُوخاً وَمِنکُم مَن یُتَوَفَّی مِن قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمّیً وَلَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ* هُوَ الَّذِی یُحْیِی وَیُمِیتُ فَإِذَا قَضَی أَمْراً فَإِنَّمَا یَقُولُ لَهُ کُن فَیَکُونُ او کسـی است که شما را از خاک آفرید؛ سپس از آب اندک سیّال، سپس از (خون بسته) آویزان؛ سپس شما را به صورت کودکی بیرون می‌آورد؛ سپس (زنـدگی می‌کنیـد) تا به حـدّ رشـدتان برسـید؛ سپس (ادامه می‌دهیـد) تا پیرانی شوید؛ و برخی از شـما کسانی هسـتند که پیش از (آن مرحله، جانش) به طور کامل گرفته می‌شود؛ و تا به سـرآمد معین (مرگ) می‌رسید؛ و باشـد که شـما خرد ورزی کنیـد. او کسـی است که زنـده می‌کنـد و می‌میرانـد؛ و هنگـامی که چیزی را اراده کنـد، پس فقط به آن می‌گوید: «باش!» پس (فوراً موجود) می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان از «خاک» آفریده شده است. اگر مقصود از خاک در این جا، همان خاکی باشد که آدم علیه السلام از آن آفریده شد، پس منظور آیه آن است که شما را با واسطه‌ی آدم از خاک آفریدیم. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۰ و اگر مقصود از خاک در این آیه، آفرینش همه‌ی انسان‌ها از خاک باشـد، پس منظور آیه آن است که تمـام مواد غـذایی که نطفه‌ی انسـان از آن تشـکیل می‌شود، از خاک است؛ یعنی انسان به وسـیله‌ی تغـذیه از گیاهان و حیونات، مواد اصـلی خود را از خاک می‌گیرد و سـپس به نطفه تبدیل می‌کند. البته ظاهر این آیه با تفسـیر دوم سازگارتر است. «۱» ۲. «نُطفه» در لغت به معنای سـیلان ضـعیف چیزی است و به معنای آب صاف نیز آمـده است. این واژه در اصـطلاح به ماده‌ای گفته می‌شـود که از مردان یـا زنـان در هنگـام لقـاح خـارج می‌شود که در مورد مردان به آن «منی» گوینـد که از میلیون‌هـا اسپرمـاتوزئید تشـکیل شـده است و در مورد زنان به آن «تُخمک» یا «اوول» می‌گوینـد که در هر ماه تعدادی از آنها از هر زن خارج می‌شود. البته واژه‌ی «نطفه» به معنای «نطفه‌ی مخلوط» مرد و زن نیز آمده است، «۲» اما در قرآن معمولًا به منی مرد گفته می‌شود. «۳» ۳. «عَلَقه» در اصـل به معنـای «چیزی است که به چیز بالاـتر آویزان می‌شود.» و گـاهی به معنـای خون بسته یـا زالو نیز می‌آیـد؛ زیرا این‌ها به چیز دیگری آویزان می‌شونـد. «۴» این واژه در این آیه به معنـای عامـل تولیـد مثـل زن و مرد است که بـا هم‌دیگر مخلـوط می‌شـود و به صورت یک توت به دیواره‌ی رحم می‌چسبد و آویزان می‌شود؛ البته شکل عَلَقه شبیه زالو است و هر دو نیز از خون تغذیه می‌کنند. «۵» ۴. «مُضـغَه» در اصل به معنای غـذای جویده شده و گوشت جویده است؛ یعنی جنین انسان پس از مرحله‌ی علقه، به‌صورت قطعه گوشتی شبیه گوشت جویده شده در می‌آید. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۱ این تعبیر اشاره به مرحله‌ای از جنین انسان است که هنوز اعضای مختلف آن مشـخص نشده است. ۵. «مُخَلَّقَه» برای مبـالغه در خلق به کار می‌رود؛ یعنی ایجاد چیزی با کیفیت مخصوص. «۱» این تعبیر به مرحله‌ای اشـاره دارد که در جنین انسـان تغییراتی پیـدا می‌شود و اعضـای بـدن کم کم ظاهر می‌شود. ۶. جـالب توجه آن است که، در این آیه، تـا مرحله‌ی چهـارم، تعبیر می‌کنـد که شـما را آفریـد و خارج ساخت، ولی در مورد مرحله‌ی بلوغ و پیری می‌فرمایـد: تا شـما به بلوغ برسـید و تا شـما پیر شویـد؛ این تعبیرات اشاره به اسـتقلال انسان بعـد از تولـد و تأثیر اراده‌ی انسان در مراحل رشد و پیری است. «۲» ۷. در این آیه به مدّت معیّن عمر انسان «۳» و نیز به مرگ او اشاره شده و از مرگ با عنوان

«توفّی یـاد شـده است که به معنای فنا و نابودی نیست، بلکه به معنای دریافت کامل (روح انسان) است. ۸. در این آیه مراحل خلقت بـا واژه‌ی «ثمّ» عطـف شـده که نشـانه‌ی فاصـله‌ی زمـانی بین مراحـل است، ولی مرگ را بـا «واو» عطف آورده است؛ چرا که مرگ همیشه بعـد از پیری نیست و ممکن است جلو یا عقب‌تر برود و انسان بعد از هر کدام از مراحل آفرینش بمیرد. ۹. در این آیات بیان شـده که مرگ و حیـات انسان‌هـا و حیوانـات و گیاهـان بلکه همه‌ی موجـودات به دست خـداست؛ یعنی چهره‌هـای متنوع حیـات از موجودات تک سلولی تا پرندگان و حیوانات غول‌پیکر همه می‌میرند و حیات تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۲ و مرگ آنها به دست خـداست و این نشـانه‌ای دیگر از خـداست. ۱۰. خـدا صـاحب اراده‌ی مطلق است و هیـچ چیز مـانع او نیست و برای تحقق بخشیـدن به اراده‌ی خود نیازمنـد چیزی نیست. وقتی او اراده کنـد، بلافاصـله هر چیز به وجود می‌آیـد و حتی نیـازی به لفظ نیست و کلمـه‌ی «بـاش» برای بیـان این اراده است. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. بـا مطالعه در مراحل زنـدگی خودتان، خداشـناس شویـد. ۲. با مطالعات رویان‌شناسـی، به خداشناسی برسید. ۳. هـدف از طیّ مراحل زندگی تا مرگ، خردورزی شـماست. ۴. بـا مطالعه در مورد مرگ و حیات خداشناس شوید. ۵. اراده‌ی خدا مطلق است و بلافاصـله تحقق می‌یابد. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۳ مراحـل آفرینش انسـان در قرآن کریم به پـانزده مرحله‌ی آفرینش تا مرگ انسان اشاره شـده است؛ که برخی دانشـمندان چینش این مراحل را شـگفت‌آور و اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند: «۱» ۱. آفرینش از خاک (غافر، ۶۷؛ حج، ۵؛ مؤمنون، ۱۲ و ...)؛ ۲. آفرینش از آب (انبیاء، ۳۰؛ نور، ۴۵؛ فرقان، ۵۴ و ...)؛ ۳. آفرینش از منی (واقعـه، ۵۸- ۵۹؛ نجم، ۴۵- ۴۶ و قیامت، ۳۷)؛ ۴. آفرینش از نطفه (نحل، ۲۴؛ حج، ۵؛ مؤمنون، ۱۳- ۱۴ و ...)؛ ۵. آفرینش از علـق (علق، ۱- ۲؛ حج، ۵؛ مؤمنون، ۱۴؛ غافر، ۶۷ و ...)؛ ۶. آفرینش از مضغه (قطعه گوشت) (مؤمنون، ۱۴؛ حج، ۵ و ...)؛ ۷. تصویر و تسویه انسان (سجده، ۹؛ کهف، ۳۷؛ قیامت، ۳۸ و ...)؛ ۸. شکل‌گیری استخوان‌ها (مؤمنون، ۱۴)؛ ۹. پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها (مؤمنون، ۱۴)؛ ۱۰. آفرینش جنس جنین (مذکر یا مونث) (قیامت، ۳۸- ۳۹؛ نجم، ۴۵- ۴۶ و شوری، ۴۹- ۵۰)؛ ۱۱. آفرینش روح (دمیدن جان در جنین) (سـجده، ۹ و مؤمنون، ۱۴)؛ ۱۲. تولد طفل (غافر، ۶۷؛ حج، ۵ و نحل، ۷۸)؛ ۱۳. بلوغ (غافر، ۶۷ و حج، ۵)؛ ۱۴. کهن‌سالی (غافر، ۶۷؛ حج، ۵؛ روم، ۵۴ و یس، ۶۸ ...)؛ ۱۵. مرگ (یا تولدی دیگر) (غافر، ۶۷؛ حج، ۵ و ...). «۲» تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۴ قرآن کریم در آیات شـصت و نهم تا هفتاد و دوم سوره‌ی غافر به فرجام عـذاب‌آلود مجادله‌گران و تکـذیب کننـدگان آیات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۹- ۷۲. أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصْرَفُونَ* الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ* إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ* فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ آیا نظر نکرده‌ای به کسانی که در آیات خـدا مجادله می‌کننـد، که چگونه (از حق) روی گردانیده می‌شوند؟! (همان) کسانی که کتاب (الهی) و آنچه فرسـتادگانمان را بدان فرسـتاده‌ایم دروغ انگاشـتند؛ پس در آینـده خواهنـد دانست؛ هنگـامی که غُل‌هـا و زنجیرهـا در گردن‌هـای آنـان قرار گرفته، در حـالی که آنـان در آب سـوزان کشـیده می‌شوند؛ سپس در آتش، شعله‌ور می‌شوند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به «مجادله»، یعنی گفت‌وگوهای باطل و بدون دلیل کـافران اشـاره شـده است؛ همـان کسـانی که بـا لجـاجت و تعصب به بحث و ستیز در مورد نشانه‌هـای خـدا و کتاب‌های آسـمانی و معجزات پیامبران می‌پردازند و به دنبال حق‌جویی نیستند، بلکه در پی تکذیب آنها هستند و از حق باز می‌مانند. ۲. کافران مجادله‌گر و تکـذیب‌گر، گرفتار انواع عذاب‌های دوزخ می‌شوند، که متناسب با اعمال آنها در دنیاست. - با غل و زنجیر بسـته می‌شوند، همان طور که در دنیـا در زنجیرهـای تقلیـد و تعصب بودنـد. - به جانب آب سوزان کشـیده می‌شونـد، همان طور که آیات الهی را انکار می‌کردند. - در شـعله‌های آتش افکنده می‌شوند و خود آتش‌گیره‌ی دوزخ می‌شوند و شـعله‌ها را فروزان‌تر می‌کنند، «۱» همان طور که در دنیا با تکذیب پیامبران و معجزات الهی، آتش بر می‌افروختند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به سـرنوشت مجادله گران تکـذیب‌گر بنگریـد و درس عبرت گیرید. ۲. مجـادله دربـاره‌ی آیات و نشانه‌های خـدا زمینه‌ساز انحراف است. ۳. فرجـام عـذاب‌آلودی در انتظـار مجـادله‌گران و تکذیب‌کننـدگان آیـات الهی است. ۴. عـذاب‌های دوزخ متنـوع است. ۵.

سرنوشت مجادله گران در آیات الهی و تکذیب کننـدگان کتاب‌های آسمانی یک‌نواخت است. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و سوم و هفتاد و چهارم سوره‌ی غافر به بی‌ثمر بودن معبودان مشرکان در رستاخیز و انکار آنان اشاره می کنـد و می‌فرماید: ۷۳ و ۷۴. ثُمَّ قِیلَ لَهُمْ أَیْنَ مَا کُنتُمْ تُشْرِکُونَ* مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَمْ نَکُن نَدْعُوا مِن قَبْلُ شَیْئاً کَذَلِکَ یُضِلُّ اللَّهُ الْکَافِرِینَ سپس به آنان گفته می‌شود: «کجاینـد آنچه را جز خـدا، شریک (او) قرار می‌دادیـد؟!» می گویند: « (آنان) از (نظر) ما گم شدند؛ بلکه هر گز پیش از این چیزی را پرستش نمی کردیم!» این گونه خدا کافران را در گمراهی وا می‌نهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پرسش‌هایی که خدا یا فرشتگان یا بهشتیان از دوزخیان می کنند و آنها را به یاد گذشته و بی‌یاوری خود می‌اندازند و سرزنش‌هایی که به آنان می‌نمایند، نـوعی عـذاب روحی و روانی برای دوزخیـان است. ۲. به مشـرکان گفته می‌شود: معبودانی که می‌پرستیـد کجاینـد، تا به یاری شـما بشـتابند و شـما را از آتش نجات دهند یا شـفاعت شـما را بکنند، آن گونه که آنها را شفیعان خود می‌پنداشتید. ۳. مفسران قرآن در مورد پاسخ انکارآمیز مشـرکان دو تفسـیر کرده‌اند: تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۶ الف) مقصود مشـرکان آن است که این معبودان، خیالی و سراب بودند و گویا ما اصلًا کسی را پرستش نکرده‌ایم. ب) منظور مشرکان انکار واقعی شرک خود است که البته این دروغی بزرگ است که برای نجات از رسوایی می گویند. «۱» ۴. مقصود از گمراه کردن کافران آن است که آنان در اثر اعمال و عقاید باطلشان منحرف می‌شوند و پرده‌ای بر قلب و فکر آنها قرار می گیرد، به طوری که از راه حق باز می‌مانند و در آخرت نیز با انکار شـرک خود، این گمراهی را آشـکار می‌سازنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشـرکان در دوزخ نیز مورد بازجویی سـرزنش‌آمیز قرار می گیرند (و عذاب روحی می‌شوند). ۲. قبل از آن که در رستاخیز مورد بازپرسی قرار گیرید، فکر کنید که کاری از دست معبودان دروغین سـاخته نیست. ۳. مشـرکان در رسـتاخیز شـرک خود را انکـار و گمراهی خود را آشـکارتر می‌سازنـد. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و پنجم و هفتاد و شـشم سوره‌ی غافر به عوامل عـذاب کافران و جایگاه بد آنان در دوزخ اشاره می کند و می‌فرماید: ۷۵ و ۷۶. ذلِکُم بِمَا کُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَبِمَا کُنتُمْ تَمْرَحُونَ* ادْخُلُوا ابْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِینَ فِیهَا فَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرِینَ آن (عذاب) به خاطر آن است که به‌ناحق در زمین شادمانی می کردید و پیوسته سرمستی و تکبر می‌ورزیدید. (به کافران گفته می‌شود:) از درهای جهنّم وارد شویـد در حالی که در آن‌جا ماندگاریـد؛ و جایگاه متکبران چه بـد است! تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۷ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. شـادی و خوشـحالی دو گونه است: الف) شـادی به خـاطر پیروزی حق که این نوع شـادی نیکوست. ب) شادی به خاطر امور باطل و بی اساس (هم‌چون قانون‌شـکنی‌ها و ثروت‌انـدوزی‌ها و انجام گناهان) که این نوع شادی مذموم است و در این آیه به این نوع شـادی اشـاره شـده است که انسان را به سوی عـذاب الهی می کشانـد. ۲. «تمرحون» به معنای شادی شدیـد و گسترده و یـا خوشـحالی از مطالب بی اسـاس و یـا شـادی همراه با سـرمستی و باطل گرایی است. البته ممکن است همه‌ی این معانی مقصود آیه باشـد؛ یعنی شـادی زیاد همراه با غرور و غفلت که انسان را از درک حقایق بازمی‌دارد. این نوع شادی انسان را به سوی باطل و عـذاب الهی می کشاند. «۱» ۳. شادی و غم انسان بایـد حالت تعادل داشـته باشد و یکی از عوامل انحراف و عذاب آن اسـت که انسان فقط به شادی و سـرمستی مسـتمر بپردازد تا کم کم گرفتار غفلت و غرور و امور باطل و عـذاب شود. ۴. مقصود از درهای جهنّم چیست؟ پاسـخ این پرسـش را مفسـران دو گـونه داده‌انـد: الـف) دوزخ دارای طبقـات مختلـف است که هر طبقه دری دارد و گـاهی یـک گروه از درهای متعـدد و تو در تو وارد دوزخ می‌شونـد. در این مورد حـدیثی نیز از امام علی علیه السلام روایت شـده است. «۲» ب) مقصود آن است که راه‌های ورود به دوزخ در دنیا متعدد است و هر کس با انجام گناهی خاص دوزخی می‌شود. «۳» البته مانعی نـدارد که هر دو تفسـیر مراد آیه باشد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۸ ۵. در این آیـات به تکبر دوزخیان اشاره شده است؛ یعنی یکی از عوامل عذاب آنان تکبّر آنها در دنیاست که آنان را گرفتار کفر و شرک و مجازات کرده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شـادی زیـاد و به ناحق، انسان را به سوی عـذاب الهی سوق می‌دهـد. ۲. تکبّر نورزیـد که یکی از عوامل عـذاب است. ۳. راه‌های رسیدن به دوزخ متعدد است (پس مراقب عاقبت راه خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هفتم سوره‌ی غافر رهبر

اسلام را به شکیبایی فرا می‌خواند و به دشمنان اسلام هشدار داده، می‌فرماید: ۷۷. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّکَ بَعْضَ الَّذِی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّکَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ پس شکیبا باش که وعده‌ی خدا حق است؛ و اگر پاره‌ای از آنچه (از مجازات‌ها) که به آنان وعده می‌دهیم، به تو بنمایانیم، یا (قبل از عذاب آنان، جان) تو را کامل بگیریم، پس فقط به سوی ما، بازگردانده می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از وعده‌ی خدا، همان وعده‌ی پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان بر کافران و یا مجازات‌هایی است که به کافران لجوج وعده داده شده است که هر دو تحقق خواهد یافت. ۲. این آیه نوعی دلداری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و اشاره می‌کند که تو وظیفه‌ی خود را انجام بده و بدان که وعده‌ی خدا حق است و مجازات کافران تحقق خواهد یافت؛ البته بخشی از مجازات آنها در دنیا و بخشی در رستاخیز تحقق می‌یابد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۸۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبلغان و رهبران الهی با امید به تحقق وعده‌های خدا، (در راه انجام وظیفه) شکیبا باشند. ۲. کافران اگر برخی از مجازات‌های آنان در دنیا واقع نشد، مغرور نشوند که در رستاخیز تحقق خواهد یافت؛ چون بازگشت همه به سوی خداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هشتم سوره‌ی غافر با اشاره به سرگذشت پیامبران پیشین، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلداری و به مخالفان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۷۸. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِن قَبْلِکَ مِنْهُم مَن قَصَصْنَا عَلَيْکَ وَمِنْهُم مَن لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْکَ وَمَا کَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِکَ الْمُبْطِلُونَ و به یقین، بیش از تو فرستادگانی را فرستادیم؛ برخی از آنان کسانی هستند که (سرگذشت آنان را) بر تو حکایت کردیم و برخی از آنان کسانی هستند که (سرگذشتشان را) بر تو حکایت نکردیم، و برای هیچ فرستاده‌ای سزاوار نیست (و حق ندارد) که نشانه (معجزه آسایی) را جز به رخصت خدا بیاورد؛ و هنگامی که فرمان خدا برسد، به حق داوری می‌شود، و در آن‌جا باطل‌گرایان زیان می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قرآن، به نام و سرگذشت بیست و شش نفر از پیامبران به طور صریح «۱» و به سرگذشت برخی از آنان نیز به طور ضمنی اشاره شده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۹۰ ۲. در احادیث متعدد حکایت شده که پیامبران الهی ۱۲۴۰۰۰ نفر بوده‌اند، «۱» و در برخی احادیث بیان شده که ۳۱۳ نفر آنان رسول و بقیه پیامبر بوده‌اند و از میان آنان ۵ پیامبر بزرگ و الوالعزم بوده‌اند، یعنی نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و محمد صلی الله علیه و آله. «۲» ۳. سرگذشت و نام همه‌ی پیامبران در قرآن نیامده است؛ پس قرآن همه‌ی مسائل تاریخ را بیان نکرده، بلکه در مورد پیامبرانی که سرگذشت آنان را بیان کرده، به مواردی از زندگی آنان اشاره کرده که فایده‌ی معرفتی یا تربیتی داشته و عبرت‌آموز بوده است. ۴. آوردن نشانه (معجزه) بدون رخصت الهی برای پیامبران ممکن نیست؛ چرا که معجزه برای هدایت مردم و روشن کردن حق است نه بازیچه‌ی هوس‌های افراد بهانه جو؛ و علاوه بر آن، معجزه‌ی قرآن برای اتمام حجّت کافی بود، ولی باز هم مخالفان بهانه‌جویی می‌کردند. ۵. در این آیه به مجازات الهی برای باطل‌گرایان اشاره شده که در آن هنگام راه توبه بسته می‌شود و راه گریز نخواهد بود و آنان زیانکار و مجازات می‌شوند. ۶. مقصود از مجازات، در این آیه، همان مجازات رستاخیز و یا مجازات‌های الهی در دنیاست که کافران با شتاب خواستار آن بودند، ولی مانعی نیست که هر دو نوع مجازات مقصود آیه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن قصه‌های پندآموز برخی پیامبران را بیان کرده، اما کتاب تاریخ پیامبران نیست. ۲. اختیار معجزات پیامبران به دست خداست، نه به دلخواه مردم. ۳. باطل‌گرایی نکنید که زیان آن در هنگام نزول عذاب یا رستاخیز ظاهر می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۹۱ قرآن کریم در آیات هفتاد و نهم تا هشتاد و یکم سوره‌ی غافر به نشانه‌های خدا در جهان حیوانات و در صحنه‌ی دریاها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۹- ۸۱. اللَّهُ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْکَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْکُلُونَ* وَلَکُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِی صُدُورِکُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْکِ تُحْمَلُونَ* وَيُرِيکُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنکِرُونَ خدا کسی است که دام‌ها را برای شما قرار داد تا (بر برخی) از آنها سوار شوید، و از (گوشت) آنها می‌خورید؛ و برای شما در آنها سودهاست، و تا (با سوار شدن) بر آنها به خواسته‌ای که در سینه‌های شماست برسید؛ و بر آنها و بر کشتی‌ها حمل می‌شوید. و نشانه‌هایش را به شما می‌نمایاند؛ پس کدام‌یک از نشانه‌های خدا را انکار می‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به نشانه‌های

خـدا در جهـان حیوانـات و صـحنه‌ی دریاهـا اشاره و نعمت‌های الهی را در این زمینه‌ها یادآوری نموده‌انـد، تا نخست انسان را به یاد خدا اندازد و سـپس حسّ سپاس‌گزاری او را برانگیزد. ۲. «انعام» از کلمه‌ی نعمت گرفته شـده و به شتر و چهارپایان دیگر انعام گفته می‌شـود؛ چرا که از نعمت‌هـای بزرگ خـدا و موجـوداتی مفیدنـد که انسـان از شـیر، گوشت، پوست و پشم آنهـا اسـتفاده و گـاهی بارهای خود را با آنان حمل می‌کنـد و یا بر آنان سوار می‌شود و سـفر می‌کند. ۳. خـدا نشانه‌های خود را در درون و بیرون از وجود انسان به وی می‌نمایانـد؛ گاهی از مراحل آفرینش انسان و خلقت جنین می‌گوید و گاهی از چهارپایان و گاهی از کشتی‌ها و گاهی از آسمان‌ها. آیا می‌توان این آیات و نشانه‌ها را انکار کرد؟ به صحرا بنگرم صحرا ته وینم به دریا بنگرم دریا ته وینم به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشـان از قـامت رعنـا ته وینم باباطـاهر تفسـیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۱۹۲ ۴. انکـار نشانه‌هـا و آیات الهی، انگیزه‌هـای روان‌شـناختی و جامعه‌شـناختی مختلـف دارد: گـاهی بـه خـاطر تقلیـد و پیروی کورکـورانه از دیگران؛ گـاهی بـه خـاطر هواپرستی و قـدرت‌پرستی و میـل به بی بنـد و بـاری؛ گـاهی به خـاطر پیش داوری‌هـا و پنـدارهای غلط؛ و گاهی به خاطر لجاجت و تعصب. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. به حیوانات و فوایـد آنها بنگرید و خداشـناس شوید. ۲. در وسایل طبیعی سـفرهای دریایی و خشکی، نشانه‌های (علم و قـدرت) خـدا را ببینید. ۳. جهان نمایشـگاه نشانه‌های خـداست، پس واقعیت‌ها را انکار نکنیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتاد و دوم سوره‌ی غافر مردم را به جهانگردی هدفمنـد فرا می‌خواند و با اشاره به فرجام قدرتمندان گذشـته می‌فرماید: ۸۲. أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِى الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَاراً فِى الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ و آیا در زمین گردش نکردنـد تا بنگرند چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟ که بیش‌تر از آنان بودند و از نظر نیرو و آثـار در زمیـن، برتر بودنـد؛ و آنچـه را کسب می‌کردنـد، (عـذاب الهی را) از آنـان دفع نکرد. نکته‌هـا و اشاره‌هـا و آموزه‌ها و پیام‌ها: آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی غافر مشابه این آیه است و نکته‌ها و اشاره‌ها و پیام‌های آن بیان شـد. تکرار این گونه آیات برای یادآوری و تأکیـد بر اهمیت موضوع آنهاست. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۹۳ قرآن کریم در سه آیه‌ی آخر سـوره‌ی غافر به واکنش منفی کافران در برابر پیامبران و ایمان بیهوده‌ی آنان به هنگام عـذاب الهی و قانون الهی در این مورد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۳- ۸۵. فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ* فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ* فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِى قَدْ خَلَتْ فِى عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ و هنگامی که فرسـتادگانشان با دلیل‌های روشنِ (معجزه آسا) به سراغ آنان آمدند، به آنچه از دانش نزد آنان بود، شادمان شدند؛ و آنچه آن را مسخره می‌کردند، آنان را فرو گرفت. و هنگامی که سختیِ (عذابِ) ما را دیدند، گفتند: «به خدای یگانه ایمان آوردیم و آنچه (از معبودان) را که شـریک او قرار می‌دادیم انکار کردیم.» و [لی هنگامی که سختیِ (عذابِ) ما را دیدند، ایمانشان هرگز برای آنـان سودی نـداشت؛ (این، قانون و) روش خـداست که در مورد بنـدگانش (جاری) بوده است؛ و در آنجا کافران زیان کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی هشـتاد و سوم سوره‌ی غافر را دو گونه تفسـیر کرده‌انـد: الف) هنگامی که پیامبران الهی با دلایل روشن به سـراغ کافران می‌رفتنـد، آنان علوم پیامبران را به ریشـخند می‌گرفتنـد، ولی همین علوم (که حاوی هشـدار در مورد عـذاب الهی بود) تحقق یـافت و عـذاب آنان را احاطه کرد. «۱» ب) وقتی پیـامبران الهی با دلایل روشن به سـراغ کافران آمدنـد، کافران به معلومات ناقص خویش دل خوش کردند و مغرور شدند و از پیامبران روی تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۹۴ گرداندند و در نتیجه، عـذاب الهی بر آنان فرود آمد. «۱» البته مانعی نـدارد که هر دو معنا مقصود آیه باشـد؛ یعنی کافران هم به علوم خود مغرور و دل‌خوش بودنـد و هم علوم پیامبران را ریشـخند می‌کردند. ۳. در این آیه به غرور علمی بشـر در برابر پیـامبران الهی در طول تـاریخ اشاره شـده است. انسان‌های بی‌ظرفیت هر گاه به مختصـری از دانش بی‌کران جهان دست یابنـد، گرفتار غرور می‌شونـد و دین را به حاشـیه می‌راننـد و حتی ادعای بی‌نیازی نسبت به معنویات می‌کنند. اما هنگامی که علم بدون ایمان انسانیّت را به پرتگاه جنگ‌های جهانی و نابودی کلی سوق می‌دهـد و مفاسد اخلاقی و اجتماعی را دامن می‌زند و هنگامی که انسان به معماهای علمی بر می‌خورد

و خود را در برابر آنهـا نـاتوان می‌بینـد، بار دیگر به سوی دین بازمی گردد و راه حل این بیماری‌ها را از پیام‌آوران خـدا می‌خواهـد. همان طور که در قرن بیستم این مراحل بر بشـر گذشت و در اوایل قرن، بشر به پیشرفت‌های علمی مغرور شد و از خدا و دین فاصله گرفـت، ولی در اواخر قرن، بـه دین و معنـویت بـازگشت. دعـوی مکن که برترم از دیگران به علم چـون کـبر کردی از همه دونـان فروتری (سعدی) ۴. در این آیات بار دیگر به بی‌فایـده بودن ایمان افراد در هنگام نزول عـذاب الهی اشاره شده است؛ در آن هنگام درهای توبه بسـته می‌شود؛ زیرا ایمان آوردن بعد از مشاهده‌ی عذاب از سـر ناچاری و اضـطرار و بی ارزش است. ایمانی مفید است که از سـر اختیار و انتخاب و در شـرایط عادی باشـد. تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۹۵ ۵. سـنت و قانون خدا آن است که با کـافران لجوج برخورد کنـد وآنان در هنگام دیـدن عـذاب ایمان آورنـد و ایمان آنان را نپـذیرد. این روش الهی در برخورد با مردم پیشین، می‌تواند آموزه و درس عبرتی برای ما باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غرور علمی در برابر پیامبران، عامل عذاب الهی است. ۲. تا دیر نشـده ایمان بیاوریـد که ایمان اضـطراری در هنگام دیـدن عـذاب الهی، بی‌فایـده است. ۳. برخورد بـا کافران و نپـذیرفتن ایمان اضـطراری آنان، قانون الهی است که در طول تاریـخ اجرا شده است. ۴. در نهایت، کافران زیان می‌بیننـد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۹۷

بخش سوم: سوره‌ی فصّلت

اشاره

آیات آفاقی وانفسـی پروردگار رسـتاخیز، دلایل و هشـدارها قرآن معجزه‌ای جاویـدان مراحل آفرینش جهان گذشت برخی پیامبران تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۱۹۹

اول: سیمای سوره‌ی فصّلت

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی «فُصّلت» که در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده، دارای ۵۴ آیه و ۷۹۶ واژه و ۳۳۵۰ حرف است.

نزول

سوره‌ی فصّ‌لت هفتاد و چهارمین سوره در ترتیب نزول است (پس از سوره‌ی «مؤمنون» «۱» و قبل از سوره‌ی «طور») و بعـد از معراج اندکی قبل از هجرت نازل شده و در چینش کنونی قرآن چهل و یکمین سوره است. نام‌ها: نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «فُصّلت»، «مصابیح»، «حم سَجده». سبب نام‌گذاری این سوره به فصّلت آیه‌ی سوم این سوره است که تعبیر «فُصّلت» (تبیین و فصل فصل شدن) در آن آمده است.

فضایل

در مورد فضـیلت تلاوت این سوره از امام صادق علیه السـلام روایت شـده که هرکس سوره‌ی فصّ‌لت را تلاوت کنـد، این سوره در

قیامت نوری می‌شود در برابر او. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰۰ تذکر: روشن است که این آثار برای کسانی است که این سوره را بخوانند و در آن تدبّر و از آن پیروی نمایند که در آن صورت دستورات و آیات این سوره همانند نوری فرا راه آنان قرار می گیرد. ویژگی: این سوره با حروف مقطعه‌ی «حم» شروع می‌شود و درهنگام تلاوت یا شنیدن آیه‌ی ۳۷ آن یک سجده واجب می‌شود.

اهداف

هدف‌های اساسی سوره‌ی فصلت عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید و ایمان به خدا؛ ۲. یادآوری رستاخیز و دلایل آن؛ ۳. مسأله‌ی وحی و رسالت.

مطالب

مهم‌ترین مطالب سوره‌ی فُصّلت عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان آیات آفاقی و انفسی پروردگار (در آیات ۳۷، ۳۹ و ۵۲)؛ ۲. بیان صحنه‌های تکان‌دهنده‌ی قیامت و هشدار به مشرکان و کافران (در آیات ۲۱- ۲۳ و ۲۷- ۲۹)؛ ۳. تأکید براهمیت قرآن و وحی به عنوان معجزه‌ی جاویدان پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیات ۳- ط). ب) اخلاق: ۱. مواعظ واندرز در مورد مقابله به نیکی (در آیه‌ی ۳۴)؛ ۲. دعوت به شکیبایی و صبر و استقامت (در آیه‌ی ۳۰). تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰۱ ج) احکام: ۱. وجوب سجده در هنگام قرائت یا شنیدن قرآن (در آیه‌ی ۳۷)؛ ۲. اشاره به زکات (یا انفاق مستحبی) (در آیه‌ی ۷). د) داستان‌ها: ۱. اشاره‌ای به سرگذشت قوم عاد (در آیات ۱۵- ۱۶)؛ ۲. اشاره‌ای به سرگذشت قوم ثمود (در آیات ۱۷- ۱۸)؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت قوم موسی (در آیه‌ی ۴۵). ه) مطالب فرعی: ۱. اهمیت قرآن و برتری آن در تمام اعصار (در آیات ۲- ۳ و ۴۱- ۴۲)؛ ۲. تحریف‌ناپذیری قرآن در طول تاریخ (در آیه‌ی ۴۱- ۴۲)؛ ۳. بیان موضع‌گیری‌های سرسختانه‌ی دشمنان در برابر قرآن (در آیات ۲۶ و ۴۴)؛ ۴. مراحل پیدایش کره‌ی زمین وکوه‌ها و گیاهان و حیوانات (در آیات ۹- ۱۲)؛ ۵. ستاره‌ها هم‌چون چراغ‌های آسمان (در آیه‌ی ۱۲)؛ ۶. گواهی دادن اعضا و پوست بدن انسان در قیامت (در آیات ۲۰- ۲۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰۳

دوم: محتوای سوره‌ی فصّلت

اشاره

خداوند متعال در آیات اول تا چهارم سوره‌ی فُصلت به صفات و اهداف قرآن و واکنش منفی مشرکان در برابر آن اشاره می کند و می‌فرماید: ۱- ۴. حم* تَنزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآناً عَرَبِيّاً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ* بَشِيراً وَنَذِيراً فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لا يَسْمَعُونَ حا، میم. (این قرآن) فروفرستاده از طرف (خدای) گسترده‌مهر مهرورز است. (همان) کتابی که آیاتش تشریح شده است؛ در حالی که خواندنی عربی (: واضح)؛ برای گروهی که می‌دانند. [و] بشارتگر و هشدارگر [است ؛ و [لی بیش‌ترشان روی‌گردان شدند و آنان گوش شنوا ندارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد حروف مقطعه‌ی قرآن مطالبی ذیل آیه‌ی اول سوره‌ی بقره و آل عمران و سوره‌های دیگر بیان شد که این حروف اسراری بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، یا اشاره به نام‌های خدا، هم‌چون حمید و مجید و یا اشاره به آن است که قرآن معجزه‌آسا با همین حروف معمولی ساخته شده است، ولی مخالفان نمی‌توانند مثل آن را بیاورند. ۲. واژه‌های «رحمان» و «رحیم» هر دو از ریشه‌ی «رحمت» (مهر) اند و مشهور آن است که صفت رحمان اشاره به رحمت عام خدا دارد و شامل دوست و دشمن و مؤمن و کافر می‌شود که همگی از مواهب او بهره می‌برند؛ چراکه صیغه‌ی رحمان دلالت

بر وفور و کثرت رحمت و فراگیری آن دارد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰۴ اما واژه‌ی «رحیم» اشاره به رحمت خاص خدا نسبت به بندگان شایسته و باایمان دارد؛ چرا که این صیغه دلالت بردوام و ثبات رحمت دارد. «۱» ۳. در این آیات چند ویژگی برای قرآن برشمرده شده است: الف) سرچشمه‌ی نزول قرآن رحمت الهی است. ب) مسائل هدایتی مورد نیاز بشر در قرآن شرح و تفصیل داده شده است و هر کس به اندازه‌ی نیاز و توان فکری خود از آن بهره می‌جوید. ج) کتابی است خواندنی که مجموعه‌ای از معارف در آن گردآوری شده است. «۲» د) کتابی است گویا و رسا که حقایق را به طور صریح و دقیق و زیبا و جذاب بیان می‌کند. «۳» ه) مژده‌دهنده است و به مؤمنان در مورد سعادت و بهشت مژده می‌دهد. و) هشداردهنده است و به کافران و خلافکاران در مورد فرجام بد و عذاب الهی هشدار می‌دهد. ۴. در این آیات بیان شده که قرآن برای گروهی است که می‌دانند؛ یعنی افرادی که از حقایق اطلاع دارند و یا آگاه و روشن‌ضمیر هستند؛ از قرآن بیش‌تر استفاده می‌کنند و این بدان معنا نیست که افراد ناآگاه از قرآن استفاده نمی‌کنند؛ زیرا قرآن نور و هدایت و آگاهی‌بخش همه‌ی افراد است، ولی مقدار استفاده‌ی افراد از آن، بستگی به علم، تقوا و نیکوکاری آنان دارد. و چه بسا افرادی به خاطر جهل و تعصب، به آیات قرآن بی‌توجهی کنند و از آن هیچ استفاده‌ای نبرند؛ چرا که زمینه‌ی استفاده را در وجود خود از بین برده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن پرتوی از مهر الهی است. ۲. قرآن کتابی خواندنی، روشن و توضیح داده شده است (تا همگان بتوانند از آن به خوبی استفاده کنند). ۳. قرآن امیدبخش و هشداردهنده‌ی شماست (تا در حالت تعادل زندگی کنید). ۴. آگاه شوید تا بتوانید از قرآن بهتر استفاده کنید که قرآن کتاب آگاهان است. *** قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره‌ی فصلت به سخنان تهدیدآمیز مشرکان و پاسخ پندآمیز پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ* قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ و گفتند: «دل‌های ما نسبت به آنچه ما را به سوی آن فرا می خوانی در پرده‌هایی است و در گوش‌های ما سنگینی است و در بین ما و بین تو مانعی است؛ پس انجام ده که ما (هم) انجام می‌دهیم.» بگو: «من فقط بشری همانند شما هستم؛ به سوی من وحی می‌شود که معبودتان، معبودی یگانه است، پس به سوی او توجه کنید و از وی آمرزش بخواهید؛ و وای بر مشرکان! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و پیام آسمانی قرآن، موضع‌گیری منفی کردند: یعنی گفتند: اولًا قلب و فکر و ذهن ما را پوشش‌هایی فراگرفته است که اجازه نمی‌دهد دعوت و پیام تو وارد آن شود (پوشش جهل، تعصب، لجاجت و تقلید کورکورانه مانع درک حقایق توسط مشرکان می‌شد). ثانیاً، گوش ما سنگین است و صدای تورا نمی‌شنود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰۶ ثالثاً، پرده‌ی ضخیمی بین ما و تو کشیده شده است «۱» و سخنان تو به ما نمی‌رسد، پس چرا خودت را خسته می‌کنی! ۲. مشرکان پیامبر اسلام را تهدید می‌کردند که تو برای خودت عمل کن و ما نیز عمل کنیم، یعنی هر کاری از دستت ساخته است انجام ده. این نهایت لجاجت آنان را نشان می‌دهد. «۲» ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور خدا به مشرکان پاسخ می‌دهد و اشتباهات و توهّمات آنان را دفع می‌کند؛ یعنی اشاره می‌کند که من نه مدعی خدایی هستم، نه خود را فرشته یا فرزند خدا و یا انسانی از نژاد برتر می‌دانم، بلکه من بشری بیش نیستم، با این تفاوت که خدا به من وحی کرده و قرآن را برای من فرستاده است که توحید را اعلام کنم. ۴. پیامبر صلی الله علیه و آله با سه جمله به مشرکان پند می‌دهد و اخطار می‌کند که اولًا، به سوی خدا آیید و به او توجه کنید و بر راه او استقامت ورزید؛ ثانیاً، از شرک خود توبه کنید و از او طلب آمرزش نمایید؛ ثالثاً، اگر دست از شرک برنداشتید، وای بر شما باد؛ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام، گوش کم‌شنوا و دل پرحجاب دارند و از این رو قرآن را نمی‌شنوند و به آن ایمان نمی‌آورند. ۲. مشرکان خودشان اشکالات کار خود را می‌دانند ولی لجاجت و تهدید می‌کنند. ۳. هدف اساسی وحی، اعلام توحید است، پس رو به سوی او کنید. ۴. پیامبران الهی را غیر بشرندانید که آنان انسان‌هایی متصل به وحی هستند. ۵. توجه به خدا و استغفار راه نجات مشرکان است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰۷ قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم

سوره‌ی فصلت اعمال و عقاید مؤمنان و کافران را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۷ و ۸. الَّذِینَ لا یُؤْتُونَ الزَّکَاةَ وَهُمْ بِالآخِرَةِ هُمْ کَافِرُونَ* إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ (همان) کسانی که (بخشش) زکات را نمی‌پردازند؛ و آنان همان منکران آخرت‌اند.» در حقیقت، کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی بی‌پایان دارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه است؛ یعنی عقاید و اعمال وسرنوشت مؤمنان و کافران را در برابرهم به تصویر می‌کشد تا خواننده‌ی قرآن بتواند با آگاهی راه صحیح را انتخاب کند. ۲. مالیات «زکات» در سال دوّم هجری قمری در مدینه واجب شد، در حالی که آیه‌ی فوق در مکه نازل شده است؛ بنابراین واژه‌ی زکات در این آیه به معنای مالیات واجب زکات نیست، بلکه به معنای بخشش‌ها و انفاق‌های مستحبی است، که یکی از روشن‌ترین نشانه‌های عشق به خداست. «۱» ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که خدای بزرگ برای فقیران در اموال ثروتمندان چیز واجبی قرار داده است که جز باپرداخت آن ستایش نمی‌شوند و آن زکات است که به وسیله‌ی آن خون را حفظ می‌کنند و نام مسلمان بر آنان گذاشته می‌شود. «۲» ۴. انکار اصل «زکات» و ترک کامل آن، یکی از نشانه‌های کافران است؛ از تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰۸ این رو درکنار انکار معاد قرارگرفته است. ۵. «غیر مَمنُون» در اصل به معنای غیرمنقطع و غیرناقص است؛ یعنی مؤمنان شایسته‌کردار پاداشی جاویدان (هم‌چون بهشت) دارند. و برخی نیز گفته‌اند که مقصود پاداشی بدون منّت است که نصیب مؤمنان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نپرداختن زکات و انکار معاد از نشانه‌های کافران است. ۲. اگر پاداشی دایمی می‌خواهید، ایمان بیاورید و کردار شایسته داشته باشید. *** قرآن کریم در آیات نهم و دهم سوره‌ی فصّلت با بیان مراحل آفرینش زمین و موجودات، آفریدگار آنها را معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۹ و ۱۰. قُلْ أَإِنَّکُمْ لَتَکْفُرُونَ بِالَّذِی خَلَقَ الأَرْضَ فِی یَوْمَیْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَاداً ذَلِکَ رَبُّ العَالَمِینَ* وَجَعَلَ فِیهَا رَوَاسِیَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَکَ فِیهَا وَقَدَّرَ فِیهَا أَقْوَاتَهَا فِی أَرْبَعَةِ أَیَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِینَ بگو: «آیا واقعاً شما به کسی که زمین را در دو روز [و دوره آفرید کفر می‌ورزید، و برای او همانندهایی (معبود گونه) قرار می‌دهید؟! آن پروردگار جهانیان است. و در آن (زمین، کوه‌های) استوار از فرازش قرارداد و در آن برکت نهاد و خوراکی‌هایش را در آن معیّن کرد، در حالی که برای درخواست کنندگان یکسان است. (و این‌کارها) در چهار روز (و دوره) بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات با بیان مراحل آفرینش زمین و موجودات آن هم‌چون کوه‌ها و مواد غذایی و معادن پربرکت، به نشانه‌های علم و قدرت خدا اشاره می‌کند و از کافران می‌پرسد که آیا پروردگار جهانیان را با این نشانه‌ها و تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۰۹ تدبیرها رها می‌کنید و ناسپاسی می‌کنید و به او کفر می‌ورزید و به سراغ بت‌ها و معبودان ساختگی می‌روید؟! ۲. مقصود از «روزها» در این آیات همان دوره‌های آفرینش زمین و موجودات است؛ دوره‌هایی که هرکدام ممکن است میلیون‌ها یا میلیاردها سال طول بکشد. ۳. مقصود از «قراردادن برکت در زمین»، همان معادن ومنابع زمین و درختان و نهرهاست که مایه‌ی برکت و استفاده‌ی همه است. ۴. مقصود از «سائلین» (تقاضا کنندگان)، انسان‌ها یا همه‌ی موجودات، اعم از انسان و حیوان و گیاه است که نیازمند مواد غذایی هستند و خدا درست به اندازه‌ی نیازشان مواد غذایی در زمین قرار داده است. «۱» ۵. در برخی آیات قرآن مدت (دوره‌های) آفرینش جهان و موجودات را شش دوره (روز) «۲» ولی در آیات فوق و آیه‌ی بعد مدت آن را هشت روز معرفی کرده است. دو تفسیر در این باره ارائه شده است: الف) دو دوره آفرینش آسمان‌ها (و کرات) و دو دوره آفرینش زمین و دو دوره نیز آفرینش موجودات زمین است، اما از آن جا که آفرینش زمین با موجوداتش چهار دوره می‌شده، در آیه‌ی دهم از چهار روز سخن گفته شده است. ب) چهار دوره‌ی آیه‌ی دهم مربوط به فصول چهارگانه‌ی سال است که مبدأ پیدایش ارزاق مواد غذایی است؛ البته تفسیر اول با قرینه‌ی آیات دیگر قرآن (که سخن ازشش دوره می‌گوید) مناسب‌تر است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از طریق مطالعه در دوره‌های آفرینش زمین و موجودات خداشناس شوید. ۲. تدبیر آفریدگار جهان را بشناسید تا به توحید ره‌نمون شوید و از کفر و شرک دست بردارید. ۳. عرضه‌ی مواد غذایی جهان، به اندازه‌ی تقاضای موجودات است. ۴. آفرینش جهان مرحله‌بندی شده است. ***

دوره‌های آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات

قرآن کریم در آیات یازدهم و دوازدهم سوره‌ی فصلت به مراحل آفرینش آسمان‌ها اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۱ و ۱۲. ثُمَّ اسْتَوَی إِلَی السَّمَاءِ وَهِیَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلأَرْضِ ائْتِیَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَیْنَا طَائِعِینَ* فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِی یَوْمَیْنِ وَأَوْحَی فِی كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْیَا بِمَصَابِیحَ وَحِفْظاً ذَلِكَ تَقْدِیرُ العَزِیزِ العَلِیمِ سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که آن دود بود؛ و به آن (آسمان) و به زمین گفت: «خواه یا ناخواه بیایید.» گفتند: «اطاعت‌کنان آمدیم.» و (کار) آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز (و دوره) تمام کرد و در هر آسمانی کارش را وحی کرد، و آسمان (نزدیک:) دنیا را با چراغ‌ها (: ستارگان) آراستیم، (و آن را کاملًا) حفظ کردیم؛ این اندازه‌گیریِ (خدای) شکست‌ناپذیر داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «استوی در اصل به معنای اعتدال و مساوات دو چیز است و در این آیه همان قصد و اراده است؛ یعنی خدا تصمیم گرفت که آسمان‌ها را بیافریند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۱ ۲. چرا در این آیات آفرینش زمین را قبل از آسمان بیان کرده است، در حالی که آفرینش آسمان‌ها قبل از زمین بوده است؟ پاسخ آن است که در آیات ۲۷- ۳۳ نازعات نیز به آفرینش زمین بعد از آسمان‌ها اشاره شده است، اما در آیات فوق واژه‌ی «ثم» برای تأخیر در بیان است، نه تأخیر در زمان؛ یعنی مانعی ندارد که آفرینش زمین بعد از آسمان‌ها بوده اما در مقام بیان مؤخر شده باشد و این با اکتشافات کیهان شناسی و زمین‌شناسی نیز سازگارتر است. ۳. در این آیات بیان شده که آسمان در آغاز آفرینش به صورت دود بود؛ یعنی جهان در آغاز توده‌ی گاز عظیم و گسترده‌ای بود. این مطلب با برخی تحقیقات علمی نیز هماهنگ است. ۴. مقصود از این که خدا به آسمان و زمین گفت: « (به وجود) آیید.» و آنها گفتند: «از سر اطاعت آمدیم.» چیست؟ ممکن است در این فرمان و پاسخ، هیچ سخنی گفته نشده، بلکه منظور فرمان تکوینی و اراده‌ی خدا بر آفرینش آسمان و زمین باشد که آنها نیز با زبان حال اطاعت کردند و از نظر تکوینی تسلیم فرمان آفرینش شدند. ۵. مقصود از آفرینش آسمان‌ها در دو روز، همان دو دوره است که هر دوره ممکن است میلیاردها سال طول کشیده باشد تا ستارگان و سیارات به وجود آمده و مستقر شده‌اند. ۶. مقصود از هفت در تعبیر «هفت آسمان» چیست؟ ممکن است منظور از هفت عدد تکثیر باشد، یعنی خدا تعداد زیادی آسمان را آفرید و یا عدد واقعی هفت باشد، یعنی هفت آسمان را آفریده که ما از یکی از آنها اطلاع داریم و همه‌ی ستارگان و سیارات زیبایی که هم‌چون چراغ می‌بینیم در آسمان اول‌اند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۲ ۷. واژه‌ی «آسمان» در لغت به معنای جهت بالاست و در قرآن به معانی متعددی هم‌چون جو زمین، محل ستارگان و سیارات و آسمان معنوی می‌آید، «۱» که در این جا ظاهراً ستارگان و سیارات است. ۸. مقصود از این که خدا در هر آسمان فرمان خود را وحی کرد آن است که برای هرکدام نظام و تدبیر خاصی مقرر کرد؛ و وحی در این جا به معنای وحی تشریعی که به پیامبران می‌شود نیست، بلکه همان الهام قانون و نظام تکوینی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات کیهان‌شناختی، خداشناس شوید. ۲. آفرینش آسمان‌ها مرحله‌بندی و اندازه‌دار بوده است. ۳. پیدایش آسمان‌ها از توده‌ی گازی شکل شروع شد. ۴. جهان تسلیم قوانین و دستورات خداست. ۵. آسمان با همه‌ی ستارگانش، آسمان پایین است (و جهان گسترده‌تر از آن است که شما می‌بینید). *** قرآن کریم در آیات سیزدهم و چهاردهم سوره‌ی فصلت با اشاره به بهانه‌جویی قوم عاد و ثمود و فرجام عذاب‌آلود آنان به مخالفان اسلام هشدار داده، می‌فرماید: ۱۳ و ۱۴. فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ* إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّاتَعْبُدُوا إِلَّااللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلائِكَةً فَإِنَّا بِمَا ارْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ و اگر رویگردان شوند، پس بگو: «شما را به آذرخشی مثل آذرخش (قوم) عاد و ثمود هشدار می‌دهم!» هنگامی که فرستادگان در پیش روی آنان و از پشت سرشان به سراغشان آمدند (و گفتند:) که جز خدا را نپرستید، گفتند: «اگر (بر فرض) پروردگار ما می‌خواست، حتماً فرشتگانی را فرو می‌فرستاد؛ پس در حقیقت، ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید، کافریم.» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از سران مشرکان

مکه از ولید بن مغیره خواستند که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برود و تحقیق کند که سخنان او چیست و پیامبر صلی الله علیه و آله آیات آغازین سوره‌ی فصلت را برای او خواند و هنگامی که به آیه‌ی سیزدهم و مبحث صاعقه‌ی عاد و ثمود رسید، ولید تکان خورد و در وحشت فرو رفت و به منزل رفت و چند روز از خانه بیرون نیامد و در نهایت به مشرکان گفت که سخنان محمد سحر است، چون دل‌ها را می‌گیرد و با خود می‌برد. «۱» ۲. «صاعقه» گاهی به معنای هر چیزی است که انسان را هلاک می‌کند «۲» و گاهی به معنای صدای مهیبی است که در اثر برخورد ابر ایجاد می‌شود و جرقه‌ی الکتریسته‌ی بزرگی به وجود می‌آید که آتش و مرگ را به همراه دارد و به هر چه در سطح زمین برخورد کند آن را به خاکستر تبدیل می‌کند. خدا برخی اقوام پیشین را به وسیله‌ی صاعقه عذاب کرده است. (از جمله قوم عاد و ثمود) ۳. این آیات اشاره دارند که پیامبران قوم عاد و ثمود، در طی زمان به طور مستمر به سراغ آنان آمدند و ندای توحید سردادند، یا این که قبلًا پیامبرانی آمدند و هود و صالح نیز آمدند و مردم را به توحید فرا خواندند. «۳» ۴. یکی از بهانه‌جویی‌های کافران قوم عاد و ثمود، بلکه بسیاری از کافران در طول تاریخ این بود که چرا پیامبرانی از جنس بشر به سراغ ما آمدند و چرا خدا فرشتگان را نمی‌فرستد «۴» در حالی که آنان توجه نداشتند که الگو و رهبر انسان‌ها، خود باید انسان باشد، تا دردها و نیازها و مشکلات زندگی انسانی را درک کند و بتواند الگوی آنان باشد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر افرادی از توحید روی برتافتند، رهبران و مبلغان دینی باید به آنان در مورد عذاب الهی هشدار دهند. ۲. به فرجام عذاب‌آلود قوم عاد و ثمود بنگرید و عبرت بگیرید. ۳. پیام اساسی فرستادگان خدا، توحید است. ۴. مخالفان پیامبران افرادی بهانه‌جو و لجوج بودند. ۵. کافران به جای این که به سخنان پیامبران توجه کنند، به شخصیت انسانی آنها توجه می‌کردند. *** قرآن کریم در آیات پانزدهم و شانزدهم سوره‌ی فصلت به فرجام عذاب‌آلود مستکبران قوم عاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵ و ۱۶. فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الأَرْضِ بِغَيْرِ الحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ* فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً صَرْصَراً فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الخِزْيِ فِي الحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لا يُنْصَرُونَ و امّا (قوم) عاد، پس به ناحق در زمین تکبّر ورزیدند و گفتند: «چه کسی از ما نیرومندتر است؟!» و آیا اطلاع نیافته‌اند که خدایی که آنان را آفریده، خود، از آنان نیرومندتر است؟! و نشانه‌های ما را انکار می‌نمودند. پس در روزهای شومی، تندباد سردی بر آنان فرستادیم، تا عذاب رسوایی را در زندگی پست (: دنیا) به آنان بچشانیم! و حتماً عذاب آخرت رسوا کننده‌تر است، در حالی که آنان یاری نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قوم عاد در سرزمین احقاف در جنوب شبه جزیره‌ی عربستان زندگی می‌کردند و پیامبر آنان هود علیه السلام بود. آنان از نظر قدرت مادی و امکانات تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۵ کم‌نظیر بودند و قصرها و قلعه‌های محکم و مردانی جنگ‌جو داشتند کم کم قدرت ظاهری آنان را مغرور و متکبر ساخت و خود را از همگان برتر پنداشتند. در حالی که آنان در برابر قدرت خدا، قدرتی به شمار نمی‌آمدند. «۱» ۲. قرآن کریم در این آیات به چند عامل عذاب قوم عاد اشاره کرده است: الف) بهانه‌جویی آنان در برابر دعوت توحیدی پیامبران که در آیه‌ی قبل گذشت؛ ب) تکبّر ناحق آنان در زمین؛ ج) انکار آیات الهی و نشانه‌های معجزه‌آمیز. ۳. «صرصر» در اصل به معنای محکم بستن است و در این جا مقصود بادهای بسیار سرد یا پر سروصدا و یا مسموم و کشنده است. البته مانعی ندارد که تندبادی که قوم عاد را هلاک کرد هر سه ویژگی را داشته باشد؛ تندبادی که هفت شب و هشت روز وزید و تمام زندگی قوم عاد را در هم کوبید. ۴. در آیات پیشین اشاره شد که عذاب قوم عاد به وسیله‌ی صاعقه بود و در این جا آمده است که عذاب آنان به وسیله‌ی بادتند و مسموم بود. چگونه این دو مطلب با هم جمع می‌شوند؟ مفسران در پاسخ این پرسش دو مطلب بیان کرده‌اند: الف) مانعی ندارد که قوم عاد گرفتار دو گونه عذاب شده باشند، اول بادی شدید آمد، سپس صاعقه‌ای فرود آمد و همه را نابود کرد. ب) «صاعقه» گاهی به معنای هر چیز هلاک کننده است و گاهی به معنای جرقه‌ای آتشین، و اگر در این جا به معنای اول باشد، با تندباد قابل جمع است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۶ ۵. مقصود از «روزهای نحس» در این آیه چیست؟ همه‌ی روزها و شب‌ها و موجودات، مخلوق خدا هستند

و چیزی به نـام روز نحس به معنـای آن که آن روز ذاتـاً منشأ شـرور و مایه‌ی بـدبختی باشـد نـداریم بلکه نحس بودن یا نیک بودن روزهـا بسـتگی به اعمـال انسان‌هـا دارد، که روزی را نیـک یا نحس می‌گردانـد. در این آیات نیز مقصود روزهای پر گرد و غبار یا بسیار سـرد و شومی است که در اثر عمل‌کرد قوم عاد به وجود آمد. «۱» ۶. در این آیـات به خواری قوم عاد در دنیا و آخرت اشاره شـده است. این عـذاب آنان هماهنگ با عمل آنهاست چرا که آنها تکبر می‌ورزیدنـد و خدا خوارشان ساخت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از فرجام عذاب‌آلود قوم عاد عبرت بگیرید. ۲. تکبّر وانکار آیات الهی از عوامل عذاب است. ۳. ابراز تکبّر در برابر خدای قدرتمند، سزاوار نیسـت. ۴. عـذاب دنیـا برای خوار کردن مسـتکبران است وگرنه عـذاب آخرت از عـذاب دنیـا بـدتر است. ۵. رستاخیز، روز تنهایی و خواری مستکبران است. ***

ماجرای عبرت آموز قوم ثمود

قرآن کریم در آیـات هفـدهم و هجـدهم سـوره‌ی فصلت به فرجـام عـذاب‌آلود قوم ثمود و نجـات مؤمنـان پارسـا اشـاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۷ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ* وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ و امّا (قوم) ثمود، پس آنان را راه‌نمایی کردیم، و [لی کور (دل) بودن را، بر هـدایت ترجیح دادند؛ و به خاطر آنچه کسب می‌کردند، آذرخشِ عذاب خوارکننده آنان را فرو گرفت. و کسانی را که ایمان آوردنـد و خود نگه‌داری می‌کردند، نجات دادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قوم ثمود، در منطقه‌ی «وادی القری میان مـدینه و شام زندگی می‌کردند؛ سـرزمینی سرسبز و باغ‌های پرنعمت و عمرهای طولانی و اندامی نیرومند داشتند و ساختمان‌های بلند و محکم در دل کوه‌ها می‌ساختنـد. پیامبر قوم ثمود، صالـح علیه السـلام بود، ولی آنان دعوت توحیـدی او را نپذیرفتنـد و گمراهی را بر هـدایت ترجیـح دادنـد؛ از این رو گرفتار صاعقه و عذاب خوار کننده شدند. «۱» ۲. در آیات قرآن از عـذاب قوم ثمود با عنوان‌های متفاوت مانند صاعقه، زمین لرزه و صـیحه‌ی آسـمانی یاد شده است. «۲» البته این تعبیرات منافـاتی با هم ندارنـد و ممکن است اشاره به ابعاد مختلف یک حادثه و عذاب به منظور تأثیر بیش‌تر آن بر شـنونده باشـند. یعنی صاعقه، چنان صدای و حشـتناکی دارد که می‌توان از آن بـا عنوان صـیحه یاد کرد و آن عامل ویرانگری است که گاهی سـبب زمین‌لرزه می‌شود. ۳. در این آیـات به نجات یک گروه از عذاب قوم ثمود اشاره کرده که عوامل نجات آنان عبارت است از: الف) ایمان و باور به خدا و پیامبر و معجزات او؛ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۸ ب) تقوا یعنی خودنگه‌داری و پارسایی و عدم مخالفت با دسـتورهای الهی. برخی مفسـران نوشـته‌اند که از میان قوم ثمود فقط یکصـد و ده نفر نجات یافتنـد. «۱» ۴. هـدایت الهی بر دو گونه است: الف) هدایت تشـریعی: ارائه‌ی راه بر مردم. ب) هـدایت تکوینی: رسانـدن مردم به مقصـد. در این آیات به هر دو قسم هـدایت اشاره شـده است؛ یعنی خدا قوم ثمود را هدایت تشـریعی کرد و به وسـیله‌ی فرسـتادن صالـح پیـامبر راه را به آنـان نشـان داد، امـا آنـان از پیمودن راه و رسـیدن به مقصود خودداری کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از فرجام عـذاب‌آلود قوم ثمود عبرت بگیرید. ۲. عـذاب الهی نتیجه‌ی عملکرد انسان است. ۳. گمراهی کافران به انتخاب خودشان است، وگرنه خـدا وسایل هـدایت آنان را فراهم ساخته است. ۴. ایمان و تقوا، از عوامل نجات از عـذاب هسـتند. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیسـتم سوره‌ی فصـلت به فرجام عذاب‌آلود دشـمنان خدا و گواهی اعضا و جوارحشان علیه آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ* حَتَّى إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و (یـاد کـن) روزی را کـه دشــمنان خـدا بـه سـوی آتش گردآوری می‌شونـد و آنـان (از پراکندگی و بی نظمی) بازداشته می‌شوند. تا هنگامی که به آن (آتش) می‌رسند، (دستگاه) شنوائی آنان و دیدگانشان و پوست‌های (بـدن) آنان، به آنچه انجام می‌دادنـد، به زیان آنان گواهی می‌دهند! تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۱۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از گواهی اعضا و جوارح چیست؟ مفسـران به این سؤال سه گونه پاسخ داده‌اند: الف) خدا به اعضای انسان درک و شعور و

قـدرت سـخن گفتن می‌دهـد، تا به کارهای خود اقرار کنند. ب) به اعضای انسان درک و شـعور نمی‌دهد اما به آنان فرمان می‌دهد که سخن بگوینـد و کارهای گذشـته را بازگو کننـد. ج) منظور از گواهی اعضا شـهادت تکوینی است؛ یعنی آشکار شـدن آثار و اسرار انسان‌ها، که رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ درون. البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد، ولی معنای اول و سوم قوی‌تر است. «۱» ۲. مقصود از پوست‌های انسان، همان پوست‌های اعضای مختلف بـدن است و یا پوست‌های متعـددی است که در طول عمر انسان به وجود آمده و زایل شده‌اند و همگی در رستاخیز جمع می‌شوند و علیه انسان شهادت می‌دهند. ۳. هر چند اعضای مختلف انسان علیه او شهادت می‌دهند «۲» اما در این آیه به گوش و چشم و پوست اشاره شده است؛ چرا که بیش‌ترین اعمال انسان با چشم و گوش است و پوست انسان نخستین عضوی است که با دیگران تماس پیدا می‌کند. ۴. در رستاخیز، خدا، پیامبران و امامان و اعضای بدن و پوست انسان و فرشتگان و زمین و زمان علیه انسان گواهی می‌دهند و کارهای او را فاش می‌سازند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۲۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به یاد رسوایی رستاخیز و آتش دوزخ باشید (و با خدا دشمنی نورزید). ۲. دشمنی با خـدا عامل عذاب است. ۳. اعضای بدن شـما گواهان شـما هسـتند (پس مراقب اعمال خودتان باشـید). *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم تـا بیست و سوم سوره‌ی فصلت به گفت‌وگوی کـافران با پوست بـدنشان در رسـتاخیز و بـدگمانی آنان به خـدا اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۲۱ – ۲۳. وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ* وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلاـ أَبْصَارُكُمْ وَلاـ جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لاـ يَعْلَمُ كَثِيراً مِمَّا تَعْمَلُونَ* وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الخَاسِرِينَ و به پوست‌هـای (بـدن) خـود می‌گوینـد: «چرا به زیـان مـا گواهی دادید؟!» (پوست‌ها) می‌گویند: «خدایی که هر چیزی را به سـخن آورده، ما را به سخن آورده است؛ و او نخستین بار شما را آفرید و فقط به سوی او بازگردانـده می‌شویـد.» و (شـما گناهانتان را) هرگز نمی‌پوشانديـد که مبادا شـنوائی شـما و دیدگانتان و پوست‌های (بدن) شـما بر زیان شـما گواهی دهند، و لیکن گمان می‌کردید که خدا بسیاری از آنچه انجام می‌دادید، نمی‌داند. و آن گمان (بد) شما بود که به پرودگارتان گمان بردید که شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید. شأن نزول: برخی مفسران حکایت کرده‌اند که سه نفر از مشـرکان نزد کعبه آمدند و به هم‌دیگر گفتند: آهسـته سـخن بگویید که خدا سخنان ما را نشنود؛ ولی یکی از تفسیر قرآن مهر جلـد هجدهم، ص: ۲۲۱ آنها گفت: اگر خدا سـخنان ما بشـنود سـخنان آهسـته را هم می‌شـنود؛ و آیه‌ی بیست و دوم این سوره بدین مناسب فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات اشاره شـده که پس از گواهی پوست بدن کافران، آنان با ناراحتی به پوست خویش اعتراض می‌کنند که سالیان دراز ما شما را نوازش کردیم و از سرما و گرما حفظ و شما را نظافت کردیم، چرا شما به ما وفادار نبودید و علیه ما شـهادت دادید؟ پوست‌های بدن به فرمان الهی پاسخ می‌دهند که اختیار از دست ما خارج بود و خدا ما را به سـخن در آورد. ۲. چرا کافران از چشم و گوش خود پرسـش نمی‌کننـد اما به پوست خود اعتراض می‌کننـد؟ این مطلب شایـد به خاطر آن باشـد که گواهی دادن پوست از همه شـگفت انگیزتر است؛ همان پوستی که نخست طعم عذاب را می‌چشد و باید بیش‌تر بترسد. ۳. مفسـران قرآن در مورد آیه‌ی بیست و سوم دو احتمال داده‌انـد: یکی آن که ادامه‌ی سـخنان پوست‌های بدن انسان باشد و دوم آن که سخن خدا باشد که به کافران گوش‌زد می‌کند که این بدگمانی شما به خدا موجب زیانکاری شما شد. البته ظاهر آیه با تفسـیر اول سازگارتر است، هر چنـد سـخن گفتن پوست بدن نیز به تعلیم خدا بوده است. «۲» ۴. در احادیث اهل بیت علیهم السـلام سفـارش شـده که نسبت به خـدا گمـان خوب داشته باشـید و از گمان بـد بپرهیزیـد و در حـدیثی از امام جعفر صادق علیه السـلام حکایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۲۲ خدا نزد گمان بنده است؛ اگر گمان نیک ببرد نتیجه‌اش نیک است و اگر گمان بد ببرد نتیجه‌اش بد است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز، اختیار پوست بدن شما نیز به دست خودتان نیست و به فرمان خدا علیه شـما شهادت می‌دهد. ۲. خدا مبدأ و مقصد و سـخن‌آور موجودات است. ۳. چیزی از خـدا پنهان نیست (پس پنهان کردن کارها نتیجه‌ای نـدارد). ۴. در رسـتاخیز بـدکاران با پوست‌های بـدن خود نیز مشـکل دارنـد. ۵. به خـدا بـدگمان نباشـید که موجب

زیانکاری است. *** قرآن کریم در آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی فصلت به عذاب اخروی و دنیوی کافران و نقش دوستان بـد که ارزش‌هـا را در نظر انسان دگرگون می‌کننـد، اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۲۴ و ۲۵. فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوىً لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ* وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي امَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ و اگر شکیبایی کننـد، پس آتش جایگـاه آنان است؛ و اگر عـذرخواهی کننـد، پس عـذر آنان پـذیرفته نخواهـد شد. و برای آنان هم‌نشـینانی برانگیختیم، پس آنچه را در پیش رویشان وپشت سـر آنان است، برایشان آراسـتند؛ و گفتـار (: وعـده‌ی عـذاب) در میـان امت‌هـایی از جن و انسـان که پیش از آنـان بودنـد، برایشان تحقّق یافت؛ [چرا] که آنان زیانکار بودند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۲۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بیان شده که فرجام کافران و دشمنان خدا، در هر حال، دوزخ است؛ چه تسلیم عـذاب الهی شوند و صبر کنند «۱» و سـرزنش‌ها را به جان بخرنـد و تقاضای عفو و رضایت خدا کنند «۲» و چه صبر نکننـد، راه نجـاتی برای آنـان نیست، چون آنهـا در دنیـا با کفر ولجاجت خود راه بخشـش را به روی خود بسـتند. ۲. واژه‌ی «قَيَّض» یا به معنای احاطه کردن دوسـتان فاسد و یا تبدیل دوستان نیک به دوستان فاسد است؛ «۳» یعنی دوستان شیطان‌صفت کافران و دشـمنان خدا آنان را احاطه می‌کنند تا ارزش‌ها را در نظر آنان دگرگون کنند و گناهان گذشته و آینده را زیبا جلوه دهند و آنان را گمراه‌تر و زیانکارتر نمایند. ۳. مقصود از «آنچه پیش رو و پشت سرآنان است» چیست؟ مفسران در این مورد چند احتمال داده‌انـد: الـف) مقصـود احـاطه‌ی همه جـانبه‌ی دوسـتان شیطان‌صـفت است. ب) زرق و برق دنیـا و روز رسـتاخیز مقصود است. ج) شیطان‌صفتان وضع فعلی کافران و آینده‌ی فرزندانشان را در نظرشان جلوه می‌دهند تا به خاطر آنها دست به گناه و جنایت بزنند. «۴» ۴. کافران در دنیا هم گرفتار عـذاب الهی می‌شونـد، همان طور که گروه‌هایی از انسان‌ها و جنیان گرفتار و زیانکار گردیدند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۲۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای کافران، راه نجاتی از آتش نیست. ۲. دوستان بد، ارزش‌های گذشته و آینده را در نظرانسان وارونه جلوه می‌دهند. ۳. مواظب دوستان بد باشید که از عوامل عذاب وزیانکاری هستند. ۴. سرنوشت امت‌ها (ی گمراه) در طول تاریـخ یکسان است و همه گرفتار عذاب می‌شوند. ۵. کافران، در دنیا و آخرت فرجامی عذاب‌آلود دارند. *** قرآن کریم در آیـات بیست و شـشم تا بیست و هشـتم سوره‌ی فصـلت به مبارزه‌ی تبلیغاتی کافران با قرآن و فرجام عـذاب‌آلود آنان اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۲۶– ۲۸. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لا تَسْمَعُوا لِهَـٰذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ* فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَاباً شَدِيداً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ* ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآ يَاتِنَا يَجْحَدُونَ و کسانی که کفر ورزیدنـد گفتنـد: «به این قرآن گوش فرا ندهیـد؛ و در (قرائت) آن (سـخن) بیهوده سـر دهیـد، تا شاید شـما پیروز شوید.» و قطعاً، به کسانی که کفر ورزیدنـد، عـذاب شدیـدی می‌چشانیم و حتماً آنان را طبق بـدترین چیزی که انجام می‌دادند کیفر می‌دهیم! این آتش سزای دشمنان خداست، که برای آنان در آن‌جا سرای ماندگار است، به کیفر این‌که آیات ما را انکار می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی حکایات تاریخی آمده است که هرگاه پیامبر ۹ در مکه می‌خواستند صدای خود را به خواندن قرآن بلند کنند، مشـرکان مردم را از ایشان دور می‌کردند و می‌گفتند: سوت و صـفیر بکشـید و شـعر بخوانید تا سـخنان او را نشوید. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۲۵ ۲. در این آیات به مبارزه‌ی تبلیغاتی کافران با ندای پیامبر صـلی الله علیه و آله و قرآن اشاره شده است. آری؛ این روش کـافران است که صـدای منادیـان حق و عـدالت را بـا تبلیغـات خـاموش می‌سازنـد. البته تبلیغات در هر زمان شکل جدیدی به خود می‌گیرد، گاهی با جار و جنجال و سوت و کف و گاهی با داسـتان‌های خرافی و افسانه‌های عشـقی و مراکز فساد و فیلم‌هـای مبتـذل و مطبوعات بی‌محتوا و بازی‌های دروغین سیاسـی و هیجان‌های کاذب و هر چیزی که فکر مردم را از رهبران حق و آیـات الهی منحرف سازد. ۳. در این آیـات برای کافرانی که با قرآن مبارزه می‌کننـد عـذاب سـختی‌پیش بینی شـده است و آنان بر اساس بـدترین کارهایشان مجازات می‌شونـد؛ یعنی براساس انکار آیات الهی و مبارزه با قرآن و مانع شـدن مردم از شـنیدن سـخنان پیامبر صـلی الله علیه و آله که از بـدترین گناهان آنان بود که همواره انجام می‌دادنـد. ۴. در این آیات به چند صـفت مخالفان قرآن

اشاره شده است: الف) کافر هستند؛ ب) دشمنان خدا هستند؛ ج) آیات الهی را انکار می‌کنند در حالی که در دل بدان اقرار دارند. «۱» آری؛ کیفر این افراد آتش دایمی است و به سخت‌ترین مجازات می‌رسند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران برای پیروزی بر شما می‌خواهند شما را از قرآن جدا سازند (مراقب باشید). ۲. دشمنان اسلام حتی از صدای قرآن می‌ترسند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۲۶ ۳. دشمنان اسلام بر روی موج قرآن پارازیت می‌اندازند تا مردم صدای آن را نشنوند. ۴. مخالفان قرآن، کافر، دشمن خدا و منکران این آیات الهی هستند. ۵. با قرآن مخالفت نکنید که کیفر مخالفت با آن، عذاب سخت ابدی است. ۶. مخالفان قرآن در حالی آن را انکار می‌کنند که در دل به حقانیّت آن اقرار دارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی فصلت به قصد انتقام کافران از رهبران گمراه‌کننده‌ی خویش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الجِنِّ وَالإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الأَسْفَلِينَ و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: « [ای پروردگارما! کسانی از جن و انسان را که ما را گمراه کردند به ما بنمایان تا آنها را زیر گام‌های خود قرار دهیم، تا از فروترین (و خوارترین افراد) شوند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. کافران بعد از نزول عذاب الهی بیدار می‌گردند و به فکر عامل اصلی انحراف و گمراهی خویش می‌افتند و به دنبال رهبران گمراه‌کننده‌ی خود می‌گردند تا آنها را بیابند و لگدمالشان کنند و از آنها انتقام گیرند. «۱» ۲. رهبران گمراه‌کننده، همان دوستان و هم‌نشینان کافران بودند که به آنها می‌گفتند: به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن گوش ندهید و دستور تبلیغات علیه او را می‌دادند و او را ساحر می‌خواندند این رهبران گمراه‌کننده، برخی از انسان‌های شیطان صفت و برخی از جنیان هم‌چون ابلیس هستند. ۳. در رستاخیز دوزخیان به هم‌دیگر دسترسی ندارند، مگر آن که خدا اجازه دهد و آنها را به هم‌دیگر نشان دهد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۲۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران در رستاخیز از خواب غفلت بیدار می‌شوند و عاملان گمراهی خویش را می‌شناسند و تعقیب می‌کنند. ۲. دیگران را گمراه نسازید که در رستاخیز دشمن شما می‌شوند. ۳. گمراه کنندگان، برخی انسان‌های شیطان‌صفت و برخی جنیان هستند (پس مراقب هر دو گروه باشید). ***

نزول فرشتگان بر مؤمنان پراستقامت

قرآن کریم در آیات سی ام تا سی و دوم سوره‌ی فصلت به مؤمنان با استقامت و ویژگی‌های آنان در دنیا و آخرت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰- ۳۲. إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ المَلائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ* نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ* نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست.»، سپس پایداری کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می گویند) که: «نترسید و اندوهگین نباشید؛ و مژده باد بر شما، به بهشتی که (بدان) وعده داده می‌شدید! ما یاوران (ودوستان) شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم؛ و در آن‌جا آنچه خودتان میل دارید برای شما (فراهم) است، و در آن‌جا آنچه را فرا می‌خوانید برای شما (آماده) است. (این نخستین) پذیرایی از جانب (خدای) بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات سخن از مؤمنان مقاوم است کسانی که عاشق خدا هستند و در برابر شهوات، دشمنان و انحرافات ایستادگی و مقاومت تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۲۸ می‌کنند و هنگامی که منافعشان به خطر می‌افتد صحنه را ترک نمی‌کنند این مطالب در برابر آیات گذشته است که سخن از کافران لجوج بود. مقایسه‌ی انسان‌های نیک و بد یکی از روش‌های تربیتی قرآن است، تا مردم راه صحیح را تشخیص دهند. ۲. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: مردم این سخن (که پرودگار ما خداست) را گفتند ولی سپس اکثر آنان کافر شدند، پس هر کس آن را تا هنگام مرگ بگوید، از کسانی است که بر آن استقامت می‌ورزد. «۱» ۳. در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام روایت شده که در مورد تفسیر استقامت (در آیه‌ی فوق) فرمودند: به خدا سوگند آن همان چیزی است که شما بر آن هستید (یعنی روش ولایت اهل بیت علیهم السلام). «۲» البته این گونه احادیث مصادیقی از معنای آیه را

بیان می‌کننـد و مفهوم آن را محدود نمی‌سازند. ۴. در این آیات هشت ویژگی و پاداش برای مؤمنان با اسـتقامت بیان شده است که عبارت‌اند از: - فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند؛ - ترسی از آینده نخواهند داشت؛ - اندوهی برگذشته‌ی خویش ندارند؛ - به بهشت می‌روند؛ - فرشتگان الهی دوست و یاور آنان در دنیا و آخرت هستند؛ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۲۹ - در بهشت هر چیز لذت‌بخشی برای آنـان فراهـم است؛ - در بهشت هر چه دسـتور دهنـد فراهم می‌شـود؛ - پروردگـاری آمرزشگر و مهربـان، میزبـان آنهاست. ۵. فرشـتگان الهی در چه موقعی بر مؤمنان نازل می‌شوند؟ مفسـران در پاسخ گفته‌اند که نزول ملائکه در هنگام مرگ و یا به هنگـام ورود به قبر و یـا به هنگام زنـده شـدن در رسـتاخیز است. و یا این که مژده‌رسانی فرشـتگان دایمی است و الهامات معنوی آنان در جان مؤمنان طنین‌انـداز است، ولی به هنگام مرگ و رسـتاخیز این صدا روشن‌تر و رساتر است؛ «۱» البته معنای اخیر با ظاهر آیه سازگـارتر است. ۶. «نُزُل» به معنـای چیزی است که به وسـیله‌ی آن از مهمـان پـذیرایی می‌کننـد و یا نخستین پـذیرایی از مهمان است. این تعبیر اشـاره دارد که همه‌ی مؤمنـان میهمـان خـدا هسـتند و بهشت بـا همه‌ی نعمت‌هـایش نخستین پـذیرایی از آنهـاست و پـذیرایی‌های دیگری هم‌چون رضوان الهی نیز هست. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. ایمان واسـتقامت شـرط نزول فرشتگان و سعادت دنیا و آخرت انسـان است. ۲. مؤمنان نسـتوه، ترس و انـدوهی به دل راه ندهنـد. ۳. خدا به وسـیله‌ی فرشـتگانش از مؤمنان نسـتوه در دنیا و آخرت حمایت می‌کند. ۴. در بهشت همه‌ی نعمت‌هـا و لـذّت‌ها فراهم است و درخواست‌های اضافه نیز اجابت می‌شود. ۵. بهشت با همه‌ی نعمت‌هایش پذیرایی نخستین شماست. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳۰ قرآن کریم در آیات سی و سوم تا سی و شـشم سوره‌ی فصلت به نیکوترین سخن و روش تبدیل دشمن به دوست و شرایط و موانع آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳- ۳۶. وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحاً وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ* وَلا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ* وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّاالَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّاذُو حَظٍّ عَظِيمٍ* وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و چه کسـی نیکوسـخن‌تر است از کسـی که به سوی خـدا فراخوانـد و [کار] شایسـته انجام دهـد و بگوید: «در حقیقت، من از تسلیم شدگانم.!؟» و نیکی و بدی مساوی نیست؛ (بدی را) بدان (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است، دفع کن؛ پس ناگهـان، کسـی که بین تو و بین او دشـمنی است، چنـان (می‌شود) که گویی او یـاوری (و دوستی) گرم است. و جز کسانی که شکیبـایی کردنـد، آن (مقـام) را دریـافت نمی‌کننـد؛ و جز (کسـی کـه) دارای بهره‌ی بزرگ اسـت، آن را دریـافت نمی‌کنـد. و اگر وسوسه‌ای از شـیطان تو را تحریک کنـد، پس به خدا پناه ببر؛ [چرا] که تنها او شـنوا [و] داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات بهترین سـخن‌پردازان را کسانی معرفی می‌کنـد که سه ویژگی دارنـد: الف) مردم را به سوی اللَّه فرا می‌خوانند، نه به سوی شـرک و انحراف. ب) کارهای شایسته انجام می‌دهند و خود اهل عمل هسـتند. ج) در برابر حق تسـلیم هسـتند، به اسـلام اعتقاد دارند، به آن اعتراف تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳۱ می‌کنند و دستورات خدا را اطاعت می‌کنند. «۱» ۲. برخی مفسران آیات فوق را بر شخص پیـامبر صـلی الله علیه و آله یا بلال حبشـی و یا افراد اذان‌گو تطبیق کرده‌انـد که نغمه‌ی توحیـد سر می‌دهنـد. ولی معنای آیه وسیع است و شامل همه‌ی منادیان توحید، اعم از پیامبران، امامان و دانشمندان و مبلغان و اذان‌گویان می‌شود. ۳. هیچ نیکی و خوبی و برکتی بـا بـدی و انحراف و زشتی و عـذاب برابر نیست. این مطلبی است که عقل و فطرت انسان به خوبی می‌شـناسد. البته اسـلام، توحید، تقیّه و روش‌های تبلیغی نیکو و صـفات عالی انسانی از مصادیق نیکی‌ها و شرک و کفر و اعمال قبیح از مصادیق بدی‌هاست که در برخی روایات و سخنان مفسران بدانها اشاره شده است. «۲» ۴. در این آیه به یک نکته‌ی روان‌شناختی برای جذب دشمنان و تبدیل کردن آنها به دوسـتان صـمیمی اشاره شده است. نکته‌ای که روان‌شـناسان عصـر ما نیز بر آن تأکید می‌کنند این است که اگر کـار بـد دیگران را بـا کار نیک پاسـخ دهیـد، شـرمنده می‌شونـد و گرفتار عـذاب وجـدان می‌گردنـد و در نهایت، تسلیم کرامت و بزرگواری شـما می‌شوند و به طرف شـما می‌آیند و دوست شـما می‌گردند. ۵. روش تبدیل دشـمنان به دوسـتان به وسیله‌ی محبت و نیکی کردن، یـک روش غـالبی اسـت، نـه دایمی؛ یعنی ممکن است در مـوارد اسـتثنایی، تفسـیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۲۳۲

افرادی یافت شوند که از این روش سوءاستفاده کنند و یا به لجاجت خود ادامه دهند که در این مورد باید با آنان برخورد قانونی کرد. ۶. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یکی از کسانی است که از روش فوق در فتح مکه استفاده کرد و همه‌ی مشرکان را عفو کرد و بدی‌های آنان را با نیکی پاسخ داد؛ از این رو فوج فوج به اسلام گرویدند. اما همین پیامبر در فتح مکه با برخی افراد برخورد کرد و آنها را از عفو عمومی استثنا ساخت؛ چرا که لیاقت نیکی و محبت را نداشتند. ۷. در این آیات به شرایط روش جذب دشمنان و مبانی اخلاقی آن اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) صبر و شکیبایی که بتواند انسان را بر خشم خود پیروز کند. ب) داشتن بهره‌ی بزرگ از ایمان و اخلاق، یعنی داشتن روحی بزرگ و شرح صدر عظیم تا انسان بتواند بدی دیگران را فراموش کند و به آنها نیکی بنماید. ۸. هر چند این آیات خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است و ایشان را به آداب الهی آشناتر می‌سازد، ولی در حقیقت مخاطب آیات همه‌ی مسلمانان هستند که از این روش برای تبدیل دشمن به دوست استفاده کنند و مراقب خطر وسوسه‌های شیطانی و شیطان‌صفتان باشند. ۹. «نزغ» به معنای ورود به کارها به قصد فساد است و در این جا مقصود وسوسه‌های شیطان و شیطان‌صفتان است که در هنگام عفو و نیکی به دشمنان، مانع می‌شوند و می‌گویند: خون را با خون باید شست و ترحّم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسفندان. آنان افراد را تحریک و به خشونت در برابر خشونت تشویق می‌کنند، که قرآن می‌فرماید: فریب این افراد را نخورید. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سخنِ سخن‌رانانی بهتراست که با زبان به سوی خدا فرامی‌خوانند و خود شایسته کردار هستند و در اعتقاد تسلیم حق‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳۳ ۲. جهت‌گیری سخن مبلغان دینی باید خدایی، عمل آنان شایسته و اعتقادشان تسلیم در برابر حق باشد. ۳. نیکی‌ها را با بدی‌ها یکسان ندانید. ۴. پاسخ بدی‌ها را با نیکی بدهید تا دشمنی‌ها برطرف شود. ۵. با صبر و شرح صدر، با بدکاری دشمنان برخورد کنید. ۶. در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت کنید و به خدا پناه ببرید. ۷. وسوسه‌گری شیطان و شیطان‌صفتان مانع تبدیل شدن دشمنی‌ها به دوستی‌هاست. ۸. تلاش کنید با محبت، دشمن خود را به دوست تبدیل سازید و به وسوسه‌ها گوش ندهید. ***

نشانه ها

قرآن کریم در آیات سی و هفتم و سی و هشتم سوره‌ی فصلت با اشاره به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان، مردم را به خداپرستی و پرهیز از شرک فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۳۷ و ۳۸. وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالقَمَرُ لا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَهُنَّ إنْ كُنْتُمْ إيَّاهُ تَعْبُدُونَ* فَإنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لا يَسْأمُونَ و از نشانه‌های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ برای خورشید و برای ماه سجده نکنید، و برای خدایی که آنها را آفریده است سجده کنید؛ اگر تنها او را می‌پرستید. و اگر (از پرستش خدا) تکبّر ورزند، پس کسانی که نزد پروردگار تو هستند، شب و روز برای او تسبیح می‌گویند، در حالی که آنان ملول نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از روز و شب و ماه و خورشید به عنوان نشانه‌های خدا یاد شده است. آری؛ روز روشنی‌بخش زندگی و مایه‌ی حیات جان‌داران است و شب مایه‌ی آرامش انسان؛ همان طور که خورشید مایه‌ی نور و گرما و عامل رشد گیاهان و بقای جاندران است و ماه شب‌ها را از تاریکی مطلق به در تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳۴ می‌آورد و نور شاعرانه‌ی خود را بر کوه و دشت می‌افشاند. آری؛ همه‌ی این‌ها مخلوقات الهی و نشانه‌های قدرت و حکمت خدایند. ۲. برخی افراد هنگامی که عظمت و فواید ماه و خورشید را می‌دیدند، حیران شده، در برابر آنها سجده می‌کردند و مشرک می‌شدند، ولی توجه نمی‌کردند که ماه و خورشید معلول و مخلوقِ دیگری هستند و باید کسی را پرستش کرد که آفریدگار همه‌ی این‌هاست. ۳. در این آیات اشاره شده که اولًا، خدا نیازی به پرستش بندگان ندارد و اگر مردم را به پرستش فرا می‌خواند برای کمال خود آنهاست. ثانیاً، اگر مردم در برابر خدا تکبر نمایند و او را نپرستند باز هم خدا فرشتگانی دارد که همواره در حال تسبیح گویی او هستند و هیچ‌گاه هم خسته نمی‌شوند؛ چون عوارض ماده را ندارند. ۴. این دو آیه از آیات سجده‌دار

قرآن کریم است؛ یعنی هنگامی که تلاوت شد واجب است که انسان سجده کند، البته محل سجده بر اساس تعالیم اهل بیت علیهم السلام همان جمله‌ی آخر آیه‌ی سی و هفتم است. ۵. در سجده‌ی واجب قرآن، گفتن ذکر مستحب است و ذکرهای مخصوصی نیز آمده است که مستحب است، ولی هر ذکری بگویند کافی است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد شب و روز و ماه و خورشید مطالعه کنید و درس خداشناسی بیاموزید. ۲. به جای خالق هستی، مخلوقات او را نپرستید. ۳. اگر می‌خواهید خداپرست باشید، چیزی را شریک او قرار ندهید. ۴. فرشتگان تسبیح گران دایمی خدا هستند. ۵. در برابر پرستش خدا تکبّر نکنید (که او نیازی به پرستش شما ندارد). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳۵ قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی فصلت به نشانه‌های خدا در زنده کردن زمین و قدرت خدا بر زنده کردن مردگان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا المَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِی أَحْيَاهَا لَمُحْيِی المَوْتَی إِنَّهُ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ و از نشانه‌های او این است که تو زمین را فروتن (و خشک و بی جان) می‌بینی، و [لی هنگامی که آب (باران) را بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت در می‌آید و رشد می‌یابد؛ قطعاً، کسی که آن را زنده کرد، زنده کننده‌ی مردگان است؛ [چرا] که او بر هر چیز تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به دو مسأله‌ی توحید و معاد اشاره کرده و از نشانه‌های توحید برای معاد شاهد آورده است. ۲. یکی از نشانه‌های قدرت و علم خدا، زنده شدن خاک به وسیله‌ی آب باران و رویش گیاهان است؛ اوست که با چند قطره باران، به زمین مرده حیات می‌بخشد و آن را سرسبز و خرّم می‌سازد. ۳. زنده شدن زمین مرده، نمونه‌ای از رستاخیز موجودات است و همان خدایی که به زمین مرده حیات می‌دهد، می‌تواند در رستاخیز نیز مردگان دیگر را زنده کند؛ چرا که قدرت او نامحدود است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از مطالعات زیست شناسی به خداشناسی برسید. ۲. برخی نشانه‌های توحید، نشانه‌ی امکان معاد نیز هست. ۳. معاد را با قدرت نامحدود خدا بسنجید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳۶ قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی فصلت، فرجام عذاب‌آلود کژروان را با فرجام باامنیت مؤمنان مقایسه می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِی آيَاتِنَا لا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَی فِی النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِی آمِناً يَوْمَ القِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ در حقیقت، کسانی که در آیات ما به کژی می‌گرایند (و آنها را تحریف می‌کنند) بر ما مخفی نمی‌مانند. و آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که در روز رستاخیز با امنیت می‌آید؟! آنچه می‌خواهید انجام دهید، که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر ملحدان (کژروان) همه‌ی مکتب‌های الحادی عصر ما را نیز شامل می‌شود و در این جا مقصود از ملحدان کسانی هستند که در آیات و نشانه‌های خدا وسوسه می‌کنند، تا مردم را منحرف سازند. «۱» ۲. در این آیه فرجام دو گروه را مقایسه کرده است: اول، گروه ملحدان که با وسوسه گری و فساد، عقاید و ایمان مردم را به آتش می‌کشیدند که راهی آتش دوزخ می‌شوند. و دوم، مؤمنان که در سایه‌ی ایمان محیط امنی برای جامعه‌ی بشری فراهم کردند و در روز رستاخیز نیز در امنیت هستند. ۳. «امنیت» یکی از مهم‌ترین مسائل بشری است که هم در دنیا و هم در آخرت مهم است، به طوری که در این آیه امنیت را در برابر آتش دوزخ قرار داده است. ۴. نکته‌ی جالب آن است که در مورد دوزخیان تعبیر «افکندن» به کار رفته است و در مورد بهشتیان تعبیر «آمدن»؛ یعنی بهشتیان با اختیار و تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳۷ آزادی و احترام به بهشت می‌روند، به خلاف دوزخیان که اختیاری از خود ندارند و در آتش افکنده می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کژروان کارهایشان از خدا مخفی نیست پس هر کاری می‌توانند بکنند. ۲. به فرجام عذاب‌آلود کژروان و فرجام با امنیت مؤمنان بنگرید و عبرت بگیرید. ۳. مؤمنان در رستاخیز مورد احترام و از امنیت برخوردارند. ***

قرآن

قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و سوم سوره‌ی فصلت به برخورد کافران با قرآن و تحریف‌ناپذیری قرآن اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۱- ۴۳. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ* لا يَأْتِيهِ البَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ

حَمِيدٍ* مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّامَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ در حقیقت، کسانی که به آگاه کننده [: قرآن هنگامی که به سراغشان آمد، کفر ورزیدند (برما مخفی نمی‌مانند)؛ درحالی که قطعاً، آن (قرآن) کتابی شکست‌ناپذیر است. که باطل از پیش روی آن و پشت سرش به سراغ آن نمی‌آید؛ (زیرا این) فروفرستاده‌ای از جانب (خدای) فرزانه‌ی ستوده است. به تو گفته نمی‌شود، جز آنچه به فرستادگان پیش از تو گفته شد؛ قطعاً، پروردگار تو دارای آمرزش و صاحب کیفر دردناکی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از نام‌ها و صفات قرآن «ذکر» (یادآور، بیدارگر و یادمان) است و از آن جا که قرآن حقایق فطرت انسان را شرح می‌دهد و یاد آوری می‌کند به آن ذکر گفته می‌شود. ۲. قرآن کتابی شکست‌ناپذیر است؛ زیرا منطق محکم، گویا و تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳۸ استدلال‌های قوی و آیاتی معجزه‌آسا دارد که کسی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد و آن را شکست دهد. ۳. «باطل» در برابر حق است و مصادیقی هم‌چون شرک، شیطان، سحر و هر موجود فنا شونده‌ای را شامل می‌شود. ۴. مقصود از راه نیافتن باطل در قرآن چیست؟ مفسران در این مورد پاسخ‌های متعددی داده‌اند، از جمله این که: تناقضی در مفاهیم قرآن راه نمی‌یابد، کتاب‌های آسمانی و علوم جدید ضد قرآن نیست، حقایق قرآن ابطال نمی‌شود و در آینده منسوخ نمی‌گردد، در قوانین و معارف و اخبارش مطلب خلافی نیست، چیزی از قرآن کم نشده و بر آن افزوده نمی‌شود و از تحریف محفوظ است. البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشند هیچ یک از این باطل‌ها در قرآن راه ندارد. «۱» ۵. قرآن کتاب حقی است که باطل در آن راه ندارد؛ زیرا از طرف خدای حکیم و حمید نازل شده است؛ یعنی قرآن از شخصی صادر شده که دارای همه‌ی کمالات و ستوده است و قرآن جلوه‌ای از علم نامحدود و حکمت و کمالات ستوده‌ی اوست. ۶. در مورد آیه‌ی چهل و سوم دو تفسیر شده است: الف) خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: آنچه به تو گفته شده و به سوی تو وحی شده است همان سخنانی است که به پیامبران پیشین وحی شده بود. ب) خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: نسبت‌های ناروایی که به تو داده می‌شود، همان تهمت‌ها و نسبت‌هایی است که به پیامبران پیش از تو می‌دادند و آنها را ساحر و مجنون می‌خواندند. در هر حال این آیه نوعی دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۳۹ ۷. در این آیات، خدای متعال از یک طرف امید می‌دهد و خود را آمرزشگر معرفی می‌کند تا گناهکاران و مخالفان دین از توبه نا امید نشوند و از طرف دیگر، هشدار می‌دهد و مجازات دردناک خویش را یادآور می‌شود تا مخالفان لجوج، مغرور نشوند و دست از سرکشی بردارند؛ یعنی مردم را در حالت تعادل روحی و بین ترس و امید نگاه می‌دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی تحریف‌ناپذیر و (معجزه‌ای) شکست‌ناپذیر است. ۲. قرآن جلوه‌ای از حکمت و صفات ستوده‌ی خداست، پس از هیچ طرف باطل بدان راه نمی‌یابد. ۳. روش مخالفان در برخورد با پیامبران در طول تاریخ همسان است. ۴. از عذاب خدا بترسید و به لطف او امیدوار باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی فصلت به هدایت‌گری و شفا بودن قرآن و بهانه‌جویی‌های مخالفان در برابر آن و ناکامی آنان در فهم قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۴. وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآناً أَعْجَمِيّاً لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدىً وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمىً اوْلَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ و اگر (بر فرض) آن (قرآن) را خواندنی مبهم (و غیر عربی) قرار می‌دادیم، حتماً می‌گفتند: چرا آیاتش تشریح نشده است؟! آیا (کتابی) مبهم (و غیر عربی و پیامبری) عربی؟! بگو: «آن (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمان است، و [لی کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوش‌هایشان سنگینی است و آن برای آنان (مایه‌ی) کور (دل) ی است؛ آنان (گویی) از تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴۰ مکانی دور ندا داده می‌شوند.» شأن نزول: برخی مفسران حکایت کرده‌اند که کافران بهانه جو می‌گفتند: این قرآن اگر به زبان عجمی (غیر عربی) نازل شده بود (بهتر بود و کار مبارزه‌ی ما را آسان‌تر می‌کرد)، «۱» اما آیه‌ی فوق فرود آمد و به بهانه‌جویی آنان پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «عجمی» به معنای ابهام در سخن است و به غیر عرب‌ها نیز عجمی گفته می‌شود چرا که عرب‌ها زبان آنان را به خوبی نمی‌فهمند. ۲. قرآن کریم به زبان عربی نازل شد؛ چون: اولًا، هر پیامبری باید به زبان مخاطب خویش سخن بگوید تا مردم سخن او

را درک کنند. ثانیاً، لغت عرب ظرفیت‌های ویژه‌ای برای بیان معانی دارد که می‌تواند پذیرای کلام اعجازآمیزی هم‌چون قرآن باشد. ثالثاً، اگر قرآن به هر زبان دیگری نازل می‌شد، باز بهانه‌جویان همین پرسش را مطرح می‌کردند که چرا قرآن به این زبان نازل شد. ۳. مقصود از جمله‌ی «آیا عجمی و عربی» آن است که: آیا قرآنی به زبان عجمی برای مردمی عرب زبان نازل شده است و یا منظور آن است که آیا قرآنی به زبان عجمی از پیامبری عرب زبان است. و یا این که منظور آن است که: آیا در این قرآن عربی و عجمی را مخلوط کرده‌اید. یعنی مخالفان بهانه جو به هر صورت بهانه تراشی می‌کنند؛ اگر عجمی باشد تعجب می‌کنند و اگر عربی باشد می‌گویند به آن گوش ندهید و سر و صدا کنید. ۴. قرآن کتابی است که هم‌چون باران زلال بر زمین دل‌ها نازل می‌شود؛ اگر دل‌ها با ایمان و آماده باشند، از هدایت آن استفاده می‌کنند و آن را درمان دردهای خود قرار می‌دهند و اگر بی‌ایمان و گوش‌ها سنگین و چشم‌ها از درک حقیقت کور باشد، از آن استفاده‌ای نمی‌کنند، بلکه ممکن است زیان بینند. «۲» باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس ۵. قرآن شفای دردهای عقیدتی هم‌چون شرک و دردهای اخلاقی هم‌چون حسد و دردهای اجتماعی هم‌چون ظلم و دردهای روحی و روانی است؛ قرآن عامل بهداشت روانی انسان است. «۱» ۶. چرا قرآن شفای دردهای ما نمی‌شود؟ امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: اکنون درست تفکر کن! ببین صدر یا ذیل این آیه‌ی شریفه (فصلت، ۴۴) با ما تطبیق می‌کند؟ کجاست آن هدایت و شفای امراض باطنی که برای مؤمنین از قرآن شریف حاصل می‌شود؟! چه شده است که در گوش ما این آیات شریفه فرو نمی‌رود و برای ما خود، حجاب فوق حجاب می‌شود؟! این نیست جز آن که نور ایمان در قلب ما نازل نشده و علوم ما به همان حدّ علمی باقی مانده و به لوح قلب وارد نگردیده و در این باب، در قرآن شریف آیات بسیاری است که با مقایسه‌ی حال خود با آن آیات و تطبیق آن آیات با صفات خود، به خوبی حال ما معلوم خواهد شد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهانه‌جویی مخالفان در برابر قرآن، پایان‌پذیر نیست. ۲. قرآن هدایتگری شفا دهنده است. ۳. برای استفاده از قرآن دلی با ایمان و گوشی شنوا و چشمی بینا و قدرت تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴۲ فهم لازم دارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی فصلت با یادآوری سرگذشت موسی علیه السلام و برخورد منفی قوم او با تورات، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلداری می‌دهد و می‌فرماید: ۴۵. وَلَقَدْ آ تَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِیهِ وَلَوْلَا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِی شَکٍّ مِنْهُ مُرِیبٍ و به یقین، به موسی کتاب (: تورات) دادیم؛ و در آن اختلاف شد؛ و اگر نبود، سخنی (سنت گونه) که از طرف پروردگارت (در مورد مهلت دادن و اتمام حجّت بر آنان) از پیش مقرر شده بود، حتماً، در میان آنان داوری می‌شد و قطعاً، آنان در مورد آن (کتاب) در شکّی تردیدآمیز هستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلداری می‌دهد که اگر مشرکان با قرآن برخورد منفی می‌کنند، نگران مباش که این روش در امت‌های پیشین نیز بوده است و بنی اسرائیل هم در مورد تورات اختلاف کردند. ۲. در این آیه به یک سنت و قانون الهی در مورد مخالفان کتاب‌های آسمانی اشاره شده است. خدا در عذاب آنان عجله نمی‌کند، بلکه به خاطر اتمام حجّت و تربیت آنها و بیدار کردنشان، به آنها مهلت می‌دهد و این روش خدا در مورد امت‌های پیشین و امت اسلام است. ۳. «مریب» به معنای شک همراه با سوءظن و بدبینی است؛ یعنی مخالفان نه تنها در مورد کتاب‌های الهی، هم‌چون تورات و قرآن شک دارند، بلکه سوءظن دارند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان دین، در مورد کتاب‌های آسمانی شک و بدبینی دارند و از این رو اختلاف به راه می‌اندازند. ۲. قانون خدا در مورد مخالفان کتاب‌های آسمانی، مهلت دادن است. ۳. رهبران اسلام از فعالیت مخالفان در برابر قرآن ناراحت نباشند که این شیوه‌ی مخالفان دین در طول تاریخ است. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی فصلت به قانون بازگشت سود و زیان اعمال به خود انسان و ظلم نکردن حق اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶. مَنْ عَمِلَ صَالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَیْهَا وَمَا رَبُّکَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِیدِ کسی که [کار] شایسته‌ای انجام دهد، پس به سود خود اوست؛ و هر کس بدی کند، پس به زیان اوست. و پروردگارت به بندگان بیدادگر نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ظلّام» به معنای «بسیار ستم کننده» است و در این جا یا اشاره

به آن است که هر گونه ستمی از طرف خدا به مردم، ظلم بسیار بزرگی است، چون از او چنین انتظاری نیست و یا آن که اگر خدا کوچک‌ترین ستمی کند، ظلم بزرگی کرده؛ چرا که تعداد بندگان او زیاد است. ۲. این آیه به عدالت خدا در کارها و مجازات‌ها و نیز به آزادی و اختیار انسان اشاره دارد؛ اگر به کسی بدی می‌رسد یا خدا کسی را عذاب می‌کند، در اثر اعمال خود اوست، وگرنه خدا به کسی ستم روا نمی‌دارد. ۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: سوگند به خدا، هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشد مگر به واسطه‌ی گناهانی که مرتکب شدند؛ زیرا خدا هرگز به بندگانش ستم نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴۴ (سپس افزودند:) اگر مردم هنگامی که بلاها بر آنان نازل می‌شود و نعمت‌ها از آنان سلب می‌شود، با صدق نیت رو به درگاه خدا آورند و با قلب‌های آکنده از عشق خدا از او درخواست حل مشکل کنند، خدا آنچه را از دستشان رفته، به آنان باز می‌گرداند و هرگونه فسادی را برای آنان اصلاح می‌کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. «هر چه کنی به خود کنی». ۲. خدا ستمکار نیست (بلکه عادل است). ۳. آنچه به شما می‌رسد، نتیجه‌ی اعمال خودتان است، نه ستم خدا بر شما. ۴. نیکی کنید که به سود شماست و بدی نکنید که به زیان شماست. *** قرآن کریم در آیات چهل و هفتم و چهل و هشتم سوره‌ی فصلت به علم بی‌کران الهی و اختصاص علم قیامت به خدا و درماندگی مشرکان در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷ و ۴۸. إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ انثَى وَلا تَضَعُ إِلَّابِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ* وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ علم به ساعت (: قیامت) تنها به او بازگردانده می‌شود؛ هیچ (یک) از محصولات از شکوفه‌هایش خارج نمی‌شود و هیچ ماده‌ای باردار نمی‌شود و نمی‌زاید، مگر به علم خدا؛ و (یاد کن) روزی را که آن (مشرک) ها را ندا می‌دهند: «کجایند شریکان من؟!» می‌گویند: «به تو اعلام کردیم که از ما هیچ گواهی نیست.» و آنچه را پیش از (این) می‌خواندند (و می‌پرستیدند) از (نظر) ایشان گم شد ویقین کردند که هیچ راه فراری برای آنان نیست. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دو بخش از علم خدا اشاره شده است: الف) آگاهی از رستاخیز که مخصوص خداست و هیچ انسان یا فرشته‌ای از آن باخبر نیست. ب) آگاهی از امور دقیق، همچون بارداری و وضع حمل زنان و زمان رسیدن و بیرون آمدن میوه‌ها از غلاف و پوسته، «۱» که خدا از این‌ها آگاه است، اما دیگران نیز می‌توانند با دقت و استفاده از وسایل از آنها آگاه شوند. ۲. اختصاص علم زمان برپایی رستاخیز به خدا، فواید تربیتی دارد؛ یعنی وقتی افراد از زمان قیامت اطلاع نداشته باشند، هر لحظه منتظر آن هستند و کارهای خود را اصلاح می‌کنند و از گناه دوری می‌جویند. ۳. مشرکان در رستاخیز بیدار شده، پرده‌ها از جلوی چشمانشان کنار می‌رود وحقایق را می‌فهمند و خاطره‌ی بت‌ها از ذهن آنها محو می‌شود و اعلام می‌کنند که هیچ دلیلی برای شرک نداریم؛ و در آن هنگام از بی‌پناهی خود آگاه می‌شوند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امور دقیق جهان، تحت نظر خداست و از آنها آگاهی دارد (پس مراقب باشید). ۲. هیچ کس جز خدا از زمان رستاخیز آگاه نیست (تا مردم آماده‌ی حضور در آن صحنه شوند). ۳. مشرکان در رستاخیز متوجه بطلان و بی دلیلی شرک و بی پناهی خود می‌شوند (پس تا دیر نشده بیدار شوند). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴۶

انسان و مشکلات و یأس

قرآن کریم در آیات چهل و نهم تا پنجاه و یکم سوره‌ی فصلت به کم ظرفیتی انسان در برابر نعمت‌ها و مشکلات و واکنش‌های مأیوسانه و مغرورانه‌ی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۹- ۵۱. لا يَسْأَمُ الإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَؤُوسٌ قَنُوطٌ* وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ* وَإِذَا أَ نْعَمْنَا عَلَى الإِ نْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ انسان از خواستن نیکی ملول نمی‌شود؛ و اگر بدی به او رسد، پس بسیار ناامید [و] مأیوس می‌شود. و اگر پس از زیان (جسمی و روحی) که به او

رسیده، از جانب خویش رحمتی به او بچشانیم، قطعاً، می‌گوید: «این برای (شایستگی) من است و گمان نمی‌کنم ساعت (: رستاخیز) برپا گردد؛ و اگر به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، مسلماً نزد او برای من (پاداش) نیکی است.» پس قطعاً، به کسانی که کفر ورزیدند از اعمالشان خبر می‌دهیم و حتماً، از عذابی سخت به آنان می‌چشانیم! و هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم، روی می‌گرداند و خودش (متکبرانه) دور می‌شود؛ و هنگامی که بدی به او می‌رسد، پس دعایی طولانی خواهد داشت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به انسان‌های تربیت نایافته در پرتو دین اشاره کرده است؛ انسان‌هایی که از نور ایمان و احساس مسئولیت نسبت به رستاخیز به دورند و در محدوده‌ی مادیّت گرفتار شده و ارزش‌های والای انسانی را رها کرده‌اند؛ آنان به هنگام روی آوردن دنیا و ثروت مغرور می‌شوند و به هنگام روی گرداندن دنیا مأیوس می‌گردند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴۷ ۲. «یأس» به معنای ناامیدی درونی از نیکی‌ها و «قنوط» به معنای ناامیدی از رحمت است که در چهره و عمل انسان ظاهر می‌شود. «۱» البته برخی مفسران نیز یأس و قنوط را به یک معنا و برای تأکید دانسته‌اند و این مطلب با ظاهر آیات آن ناسازگار است. «۲» ۳. انسان تربیت‌نایافته هنگامی که نعمتی به او داده می‌شود، مغرور می‌گردد و آن را از ناحیه‌ی خود و برای خود می‌داند و رستاخیز را انکار می‌کند وحتی برای خود در نزد خدا در رستاخیز مقام نیکی قایل می‌شود. ۴. ناسپاسی انسان در برابر نعمت‌ها و رفع مشکلات، و بازگشت او به سوی خدا در هنگام بلا و مصیبت، مطلبی آموزنده است و این چرخشِ بازگشت و ناسپاسی در زندگی انسان‌های تربیت‌نایافته تکرار می‌شود. و به خاطر اهمیت این مطلب، قرآن چند بار در آیات فوق و آیات دیگر به آن اشاره کرده است، تا رفع غفلت شود. «۳» ۵. تعبیر چشاندن رحمت و رسیدن ناراحتی به انسان، اشاره به آن است که انسان‌های تربیت نایافته، ظرفیت کم‌ترین چیزی را ندارند و زود مغرور و ناامید می‌شوند. در حالی که مردان حق و پیروان راستینِ مکتب پیامبران، افرادی پرظرفیت، در برابر مشکلات صبور و در برابر نعمت‌ها شکور هستند و شرح صدر و وسعت روح دارند. ۶. در این آیات هم گفته شده که هر گاه به انسان شرّی برسد، مأیوس می‌شود و هم این که اگر شرّی به او برسد بسیار دعا می‌کند، در حالی که دعای فراوان نشانه‌ی امیدواری است، نه نشانه‌ی یأس و ناامیدی، این دو مطلب چگونه با هم جمع می‌شوند؟ مردم دو دسته هستند، برخی در اثر مشکلات مأیوس می‌شوند و برخی تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴۸ دعا می‌کنند و یا این که منظور آیه‌ی اول یأس از اسباب عادی است که با دعا به درگاه خدا منافات ندارد و یا این که مقصود از دعا کردن، همان جزع و فزع است، نه دعای واقعی به درگاه خدا. «۱» ۷. نه مغرور نه مأیوس: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: ای دخترم! مغرور به رحمت مباش که غفلت از دوست کنی و مأیوس مباش که خسرالدنیا و الآخره شوی. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر مشکلات و نعمت‌های الهی کم ظرفیت نباشید. ۲. اگر خدا نعمتی را به شما چشاند، مغرور نشوید و رستاخیز را منکر نگردید. ۳. نعمت دادن خدا به کسی، دلیل بر مقام نیک او نزد خدا در رستاخیز نیست (چه بسا برعکس باشد). ۴. کافران مغرور و کم‌ظرفیت منتظر عذاب شدیدی باشند. ۵. تقاضاهای انسان پایان ندارد. ۶. روز رفاه که از خدا روی برمی‌تابید، به یاد روز بلا باشید که درخواست‌های فراوان می‌کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی فصلت با اشاره به قانون دفع ضرر محتمل به کافران در مورد مخالفت با قرآن هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۵۲. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ بگو: «آیا به نظر شما، اگر (قرآن) از نزد خدا باشد، سپس بدان کفر ورزید، کیست گمراه‌تر از کسی که او در جدایی (و ستیزی) دور و دراز است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۴۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به قانون عقلی دفع ضرر محتمل اشاره شده است؛ یعنی اگر کسی از خطری بزرگ خبر دهد ولی انسان به سخن او اطمینان نداشته باشد، عقل هشدار می‌دهد که در برابر ضرر احتمالی احتیاط کن. از این رو خدا به کافران لجوج می‌گوید: اگر شما در اصل قرآن شک دارید، دست کم آن است که احتمال می‌دهید از طرف خدا باشد و خبرهای آن در مورد بهشت و جهنّم درست باشد و اگر این گونه باشد، مؤمنان سود می‌برند و شما زیان می‌کنید (پس هم اکنون جلوی ضرر احتمالی خویش را بگیرید و با قرآن مخالفت نکنید). ۲. حکایت شده که امام صادق علیه السلام به «ابن ابی العوجاء» که فردی

ملحد و مادی گرا بود، برخورد کرد و گفت: «اگر مطلب این باشد که تو می گویی (که خدا و قیامتی در کار نباشد)- که مسلماً چنین نیست- ما و شما نجات یافته‌ایم، ولی اگر مطلب این باشد که ما می گوییم- و حق نیز چنین است- ما اهل نجات خواهیم بود و تو هلاک می‌شوی.» پس از این سخن کوبنده (که محتوای قانون دفع ضرر محتمل عقلی را بیان می کند) ابن ابی‌العوجاء دردی در قلبش احساس کرد و بازگشت و زود از دنیا رفت. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حتی اگر احتمال می‌دهید که چیزی از سوی خداست، با آن مخالفت نکنید. ۲. مخالفت با قرآن، گمراهی دوری است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۵۰

نشانه های خدا در جهان بیرون و درون

قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم و پنجاه و چهارم سوره‌ی فصلت به نشانه‌های خدا در جهان و در درون انسان و احاطه‌ی علمی خدا و تردیدهای کافران اشاره می کند و می‌فرماید: ۵۳ و ۵۴. سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الآفَاقِ وَفِي أنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أنَّهُ الحَقُّ أوَ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ* ألا إنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ ألا إنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ به زودی نشانه‌های خود را در اطراف (جهان) و در خودشان به آنان می‌نمایانیم، تا این‌که برای آنان آشکار شود که او حق است؛ و آیا کافی نیست که پروردگارت بر هر چیز گواه است؟! آگاه باشید که آنان از ملاقات پروردگارشان در تردیدند؛ آگاه باشید که او به هر چیزی احاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو گونه از نشانه‌های خدا اشاره شده است: نشانه‌های او در جهان بیرون و نشانه‌های او در درون انسان. مفسران در مورد این نشانه‌ها که در آیه‌ی فوق آمده است دو تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) منظور از نشانه‌های بیرونی همان ماه و خورشید و گیاهان و حیوانات و منظور از نشانه‌های درونی همان نظم دستگاه‌های مختلف بدن، هم‌چون قلب و شگفتی‌های روح انسان است که هر یک کتابی از معرفت پروردگار است. ب) مقصود از نشانه‌های خدا در بیرون، همان معجزه‌ی پیروزی اسلام در نقاط مختلف جهان و مقصود از نشانه‌های خدا در درون، همان پیروزی اسلام در درون جزیرة العرب در جنگ بدر و فتح مکه و مانند آن است. البته مانعی ندارد که هر دو تفسیر مقصود آیه باشد، اما تفسیر اول با سیاق آیات قبل و بعد سازگارتر است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۵۱ ۲. کتاب نفس خود را بخوان و پرواز کن: امام خمینی رحمه الله می‌فرماید: پس ای عزیز! از این ستم‌آباد تاریک و خانه‌ی وحشتناک وحشت‌زا و نشئه‌ی تنگ و تاریک به در آی و بخوان و پرواز کن. تو را زکنگره‌ی عرش می‌زنند صفیر ندانمت که در این دامگه چه افتاده است؟ و حجاب طبع و طبیعت را پاره کن که تو از جهان قدس و طهارتی و از جایگاه نور و کرامت، چنانچه عارف شیرازی قدس سره می گوید: چاک خواهم زدن این دلق ریایی چه کنم روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم ای برادرِ راه حقیقت، از خواب غفلت بیدار شو و چشم دل و دیده‌ی قلب را باز کن و کتاب نفس را قرائت نما که از برای گواهی، کافی خواهد بود ... «۱» ۳. مقصود از ملاقات پروردگار که مورد تردید مشرکان بوده چیست؟ در این مورد نیز دو تفسیر ارائه شده است: الف) مقصود همان ملاقات خدا در رستاخیز است و آیه پاسخی به شبهات مشرکان در مورد معاد است و می‌فرماید: خدایی که به همه چیز احاطه دارد می‌تواند ذرّات وجود شما را در رستاخیز جمع‌آوری کند ولی شما تردید دارید. «۲» ب) منظور آیه همان حضور و شهود پروردگار است که روشن‌ترین دلیل توحید است و کافران در مورد آن تردید دارند و آن را انکار می کنند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۵۲ ۴. احاطه‌ی خدا بر همه چیز به صورت مادی نیست، بلکه احاطه‌ی حقیقی است؛ یعنی همه‌ی موجودات به او تکیه و قیام دارند و او با همه چیز است، اما قرین آنها نیست و مغایر همه چیز است، اما از آنها جدا نیست. ۵. از امام حسین علیه السلام در دعای عرفه حکایت شده که فرمودند: الهی! آیا برای موجودات دیگر ظهوری هست که برای تو نیست، تا آنها نشان دهنده‌ی تو باشند؟ کی پنهان شده‌ای تا نیاز به دلیل داشته باشی که بر وجود تو دلالت کند و کی دور شده‌ای که آثار تو در عالم هستی ما را به تو ره‌نمون گردد؟ کورباد (یا کور است) چشمی که تو را مراقب خویش نبیند و زیانکار باد تجارت بنده‌ای که از عشق تو سهمی ندارد. «۱» آری؛ خدا بر همه چیز احاطه دارد و گواه همه

چیز است و در جا حاضر است و خود دلیل خود است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در جهان برون و درون خویش، خداشناس شوید و به حقانیّت او پی ببرید. ۲. گواهی و شهود و حضور خدا در همه جا، برای شناخت او کافی است. ۳. کافران در ملاقات خدا تردید دارند (و همین مطلب عامل انحراف آنهاست). ۴. به احاطه‌ی خدا بر همه چیز توجه کنید (که تردیدهای شما را برطرف می‌کند). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۵۳ این تفسیر و ترجمه در تاریخ ۱۸ ذی الحجه ۱۴۲۰ روز عید غدیر شروع شد و در تاریخ ۸/ ۹/ ۸۱ مطابق ۲۳ رمضان ۱۴۲۳ ترجمه آن پایان یافت و نگارش اول تفسیر آن در تاریخ ۲۲/ ۱۰/ ۸۱ در آستانه تولد امام رضا علیه السلام با همکاری دوستان و اساتید آقایان: اسماعیلی، امینی، شیرافکن، ملا کاظمی، همائی و نیک‌زاد به پایان رسید والحمد للّه‌ربّ العالمین و تقبل منا باحسن قبول. الهی تو را سپاس می‌گوییم توفیق بزرگی به ما عنایت کردی و از شروع تا پایان کار همیشه همراه، امدادگر و هدایتگر ما بودی. الهی در این ترجمه و تفسیر ما تلاش، نمودیم تا از حق منحرف نشویم ولی ممکن است لغزش‌های ناخواسته داشته باشیم، آنها را بر ما ببخشای و توفیق اصلاح آنها را در بازنگری عنایت فرما. الهی ما را از خادمان قرآن و اهل بیت علیهم السلام قرارده و به این ترجمه و تفسیر برکت عنایت فرما. الهی به همه همکاران ما و کسانی که در تایپ و مقابله و نوشتن و ترجمه یار ما بودند پاداش بزرگی از نزد خودت عنایت فرما. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۵۵

بخش چهارم: سوره‌ی شوری

اشاره

نشانه‌های توحید در آفاق و انفس اقسام وحی و ارتباط با خدا دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، اجر رسالت لزوم مشورت بین مؤمنان وجود موجودات زنده در آسمان‌ها صحنه‌های رستاخیز تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۵۷

اول: سیمای سوره‌ی شوری

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی «شوری در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده و دارای ۵۳ آیه، ۸۶۶ کلمه و ۳۵۷۷ حرف است. این سوره شصت و یکمین سوره (بعد از سوره «سجده» و قبل از سوره‌ی «زخرف») در ترتیب نزول است و اندکی قبل از هجرت فرود آمده، اما در چینش کنونی قرآن کریم چهل و دومین سوره است. نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «شوری و «حم عسق». سبب نام‌گذاری این سوره به «حم عسق» حروف مقطعه‌ی اولین آیه و سبب نام‌گذاری آن به «شوری» آیه‌ی ۳۸ این سوره است که مسلمانان را به مشورت دعوت می‌کند. در مورد فضیلت تلاوت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که هر کس سوره‌ی شوری را تلاوت کند، از کسانی است که فرشتگان بر او رحمت می‌فرستند و برای او طلب آمرزش می‌کنند. «۱» تذکر: روشن است که این آثار برای کسانی است که همراه با قرائت، به تدبّر در محتوا و عمل طبق دستورات سوره‌های قرآن می‌پردازند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۵۸

ویژگی ها

این سوره سومین سوره‌ی «حم» دار است و بیش‌تر به مباحث اخلاقی توجه کرده است.

اهداف

هدف سوره‌ی شوری هم‌چون دیگر سوره‌های مکی، بیان اصول دین است، یعنی به توحید، نبوت و معاد می‌پردازد، اما در این سوره تأکید بر محور اساسی «وحی و نبوت» است.

مطالب

مهم‌ترین مطالب سوره‌ی شوری عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. اشاراتی به دلایل توحید و نشانه‌های خدا در آفاق و انفس (در آیات ۱۱، ۱۲، ۲۹ و ۳۲)؛ ۲. طرح مسألهی معاد و سرنوشت کفار در قیامت (در آیات ۴۴- ۴۶)؛ ۳. اقسام وحی و ارتباط خدا با پیامبران (در آیهی ۵۱)؛ ۴. نبوت پیامبر اسلام (در آیات ۲ و ۵۲). ب) اخلاق: ۱. دعوت به استقامت (در آیهی ۱۵)؛ ۲. دعوت به توبه (در آیهی ۲۵)؛ ۳. دعوت به دوری از گناهان کبیره و فواحش (در آیهی ۳۷)؛ ۴. فرونشاندن آتش خشم (در آیهی ۳۷)؛ ۵. نکوهش طغیان، لجاجت، دنیاپرستی و جزع در مقابل مشکلات (در آیهی ۴۸)؛ ۶. دعوت به انفاق (در آیهی ۳۸)؛ ۷. دعوت به عفو و صلح (در آیهی ۴۰). تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۵۹ د) داستان‌ها: ۱. گزارشی از زندگی نوح علیه السلام و آغاز رسالت از زمان او (در آیهی ۱۳)؛ ۲. گزارش از وصیت ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام به اقامه‌ی دین (در آیهی ۱۳). ه) مطالب فرعی: ۱. دعوت به شور و مشورت بین مؤمنان (در آیهی ۳۸)؛ ۲. نتایج اعمال انسان‌های نیک اعمال (در آیهی ۲۲)؛ ۳. راه مستقیم الهی (در آیات ۵۲- ۵۳)؛ ۴. گزارش صحنه‌های مختلفی از قیامت (در آیهی ۴۵)؛ ۵. ارائه‌ی صفات مؤمنان و اخلاق و حکمت آنها (در آیهی ۳۷)؛ ۶. گسترش رزق و تنگی آن و حکمت آنها (در آیهی ۲۷)؛ ۷. استغفار فرشتگان برای اهل زمین (در آیهی ۵)؛ ۸. نزول قرآن به زبان عربی (در آیهی ۷)؛ ۹. دوستی خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله، اجر رسالت او (در آیهی ۲۳)؛ ۱۰. مصیبت‌های انسان، حاصل اعمال خود او (در آیهی ۳۰)؛ ۱۱. وجود موجودات زنده در آسمان‌ها (در آیهی ۲۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۶۱

دوم: محتوای سوره شوری

اشاره

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی شوری به حروف مقطعه و مسأله‌ی وحی و صفات خدای متعال اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۴. حم* عسق* كَذلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* لَهُ مَا فِي السَّماوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ حا، میم. عین، سین، قاف. این چنین خدای شکست‌ناپذیر فرزانه به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند وحی می‌کند. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آنِ اوست؛ و او بلند مرتبه [و] بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حروف مقطعه، عبارت‌اند از رموزی بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله که تفسیرهای متعددی برای آنها شده است و ما در ابتدای سوره‌ی بقره، آل عمران و ... مطالبی در مورد این حروف بیان کردیم و در نهایت گفتیم که این حروف می‌تواند اشاره به آن باشد که این قرآن، به صورت معجزه‌آسا از همین حروف معمولی ساخته شده است؛ اگر می‌توانید مثل آن را بیاورید. ۲. برخی مفسران برآن‌اند که سوره‌هایی که با حروف مقطعه‌ی مشابه شروع می‌شوند، محتوای مشابه نیز دارند؛ یعنی ارتباطی بین حروف مقطعه و محتوای سوره وجود دارد، به طوری که محتوای سوره‌هایی که «الم» دارند مشابه است و محتوای سوره‌ای که «المص» دارد، جامع

محتوای سوره‌های «الم» و سوره‌ی «ص» است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۶۲ ۳. حروف «حم» در هفت سوره از قرآن آمده است؛ یعنی سوره‌های مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف. در برخی احادیث روایت شده که حاء اشاره به رحمان و میم اشاره به مجید و عین اشاره به علیم و سین اشاره به قدوس و قاف اشاره به قاهر است که از صفات و نام‌های خداست. «۱» ۴. خدا قرآن و همه‌ی کتاب‌های آسمانی را از سرچشمه‌ی قدرت و حکمت خویش نازل کرد؛ همان خدایی که مالکیت و حاکمیت مطلق آسمان‌ها و زمین را دارد و بر اساس همین مالکیت سرنوشت موجودات را مشخص می‌سازد، با حکمت خویش از طریق وحی به آنها برنامه می‌دهد. آری؛ او بلندمرتبه و بزرگ است. ۵. در این آیات به پنج صفت خدا اشاره شده است که عبارت‌اند از: «عزیز، حکیم، مالك هستی، بلندمرتبه و عظیم» که همه‌ی این صفات با نزول وحی و قرآن در ارتباطاند. ۶. «کذلك» (این چنین) اشاره به حروف مقطعه است که قرآن و کتاب‌های آسمانی دیگر با همین حروف معمولی نازل شده‌اند، یا این که اشاره به محتوای سوره و مطالب بلند آن است که همه جا سرچشمه‌ی وحی خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده است (اگر می‌توانید مثل آن را بیاورید). ۲. وحی جلوه‌ای از عزّت، حکمت، مالکیت، بلندمرتبگی و بزرگی خداست. ۳. به همه‌ی پیامبران به صورت همگون وحی می‌شده است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۶۳ ۴. وحی و صفات الهی را بشناسید (و حرکت خود را در آن راستا قرار دهید). *** قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره‌ی شوری به شرك و پیامدهای زلزله‌آسای آن و وظایف فرشتگان و پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ* وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ نزدیك است آسمان‌ها از فرازشان بشکافد؛ و فرشتگان با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند، و برای کسانی که در زمین هستند طلب آمرزش می‌کنند؛ آگاه باشید که فقط خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. و کسانی که غیر از او سرپرستانی گزیده‌اند، خدا نگهبان بر (اعمال) آنان است؛ و تو حمایتگر آنان نیستی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد متلاشی شدن آسمان‌ها دو تفسیر ارائه شده است: الف) مقصود آن است که نزدیك است آسمان‌ها در اثر شرك و بت‌پرستی مشرکان متلاشی شوند و این کنایه از بزرگی گناه شرك است. ب) منظور آن است که نزدیك است آسمان‌ها در اثر نزول قرآن متلاشی شوند که کنایه از عظمت وحی الهی است. هر دو تفسیر شاهدی در آیات دیگر قرآن دارند «۱» و در این جا هر دو تفسیر می‌تواند مورد نظر باشد «۲» اما با توجه به آیه‌ی بعد، تفسیر اول مناسب‌تر است. ۲. فرشتگان که به تسبیح و ستایش خدا مشغول‌اند برای مردم طلب آمرزش و استغفار می‌کنند؛ یعنی برخی مشرکان بیدار شده و ایمان می‌آورند و فرشتگان برای آمرزش آنان دعا می‌کنند و یا این که برخی مؤمنان «۳» لغزش‌هایی دارند که فرشتگان برای آنان استغفار می‌کنند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۶۴ ۳. در این آیات وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر مشرکان لجوج بیان شده است. او وظیفه ندارد که وکیل و کارساز مردم باشد و آنها را مجبور به ایمان کند، وظیفه‌ی پیامبران و مبلغان دینی همان تبلیغ دین و هشدار و بشارت است؛ چون خدا می‌خواهد مردم آزاد باشند و راه او را با اختیار خود پیدا کنند و بپیمایند؛ چرا که ایمان اجباری ارزشی ندارد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرشتگان موجوداتی پرستشگر و خیرخواه هستند. ۲. برخی امور (هم‌چون شرك) آن‌قدر عظیم‌اند که نزدیك است آسمان را در هم بریزند (پس بدان نزدیك نشوید). ۳. راه بازگشت به سوی لطف و آمرزش الهی باز است. ۴. خدا به حساب مشرکان خواهد رسید (پس مراقب باشند). ۵. مبلغان دینی، وکیل (و اجبار کننده‌ی) مردم نباشند. ***

اهداف نزول قرآن

قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی شوری به واضح بودن قرآن و هدف رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و دو دسته شدن مردم و فرجام ستمکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷ و ۸. وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآناً عَرَبِيّاً لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ

الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ* وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۶۵ لَهُم مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ و این چنین، خوانـدنیِ عربی (: واضـح) را به سوی تو وحی کردیم، برای این‌که (مردم) امّ‌القری (: مکه) و کسـانی را که پیرامون آن هسـتند هشـدار دهی، و نسبت به روز جمع‌آوری (مردم در قیامت) که هیـچ تردیـدی در آن نیست هشدار دهی؛ دسـته‌ای در بهشت‌اند و دسـته‌ای در شـعله‌ی فروزان (آتش) اند! و اگر (بر فرض) خدا می‌خـواست، حتمـاً آنـان را یـک امّت قرار می‌داد ولیکن هر کس را بخواهـد (و شایسـته بدانـد) در رحمت خود داخـل می‌کنـد؛ و ستمکاران هیچ سرپرست و یاوری برایشان نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «امّ القری (: اساس و مادر آبادی‌ها و شهرها) یکی از نام‌های مکه است؛ چرا که این شـهر مرکز اسـلام بود و از آن جا اسـلام به روستاها و شهرها و کشورهای دیگر راه یافت و هنوز هم مرکز و قبله‌ی مسـلمانان است. «۱» ۲. در این آیه به خوانـدنی بـودن و واضـح بودن قرآن «۲» و هـدف نزول آن اشـاره شـده است که همان هشـدار به مردم است. هر چنـد بشـارت و هشـدار هر دو از اهـداف قرآن و رسـالت است امـا از آن جـا که روی سـخن این آیات با مخالفان است، بر هشـدار تأکید شده است. ۳. اگر هـدف پیامبر صـلی الله علیه و آله جهانی است، چرا این آیه، مردم مکه را هـدف هشـدار معرفی کرده است؟ اولًا، اعلام رسالت پیامبر صـلی الله علیه و آله مراحلی داشت که از هشـدار به خویشاونـدان شـروع شـد و سپس هشـدار به قـوم او و مردم مکه و در پایـان هشـدار به همه‌ی جهانیـان مطرح شـد. «۳» پیـامبر صـلی الله علیه و آله در این راسـتا نامه‌هایی به تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۶۶ سـران ایران، مصر و روم نوشت و آنان را به اسلام دعوت کرد. ثانیاً، هشدار به مردم مکه و اطراف آن تأکیـد بر هشـدار به یـک منطقه‌ی خـاص است نه نفی هشـدار به همه‌ی مردم سـایر مناطق جهان. ۴. یکی از نام‌های رسـتاخیز «یوم الجمع» است و منظور از آن جمع شدن همه‌ی مردم در رسـتاخیز یا جمع بین ارواح و اجساد یا جمع بین انسان و اعمالش و یا اجتماع ظالمان و مظلومان است. «۱» البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد. ۵. اگر خدا می‌خواست مردم را یـک امت می‌کرد و همه را مجبور می‌سـاخت که پیرو یـک آیین و پیامبر باشـند، ولی از آن جا که ایمانِ اجباری رشـدآور نیسـت و ارزش نـدارد، این کـار را نکرد؛ سـنت الهی این است که مردم آزاد باشـند و خـود راه بهشت یـا دوزخ را انتخـاب کننـد تا حجّت بر آنـان تمام شود. ۶. در این آیات به دو گروه بهشتی و دوزخی اشاره شـده است؛ گروه دوم سـتمکارند و در رسـتاخیز تنها می‌ماننـد ولی گروه اول که مؤمنان عدالت‌پیشه‌اند «۲» مشـمول رحمت الهی می‌شوند. ۷. مقصود از «ظالمان» معنای وسیع آن است که شامل سـتم کنندگان بر دیگران و بر خویش (یعنی شرک) می‌شود، که هر دو گروه از داشتن یاور در رستاخیز محروم هستند. ۸. تفـاوت واژه‌ی «ولیّ» و «نصیر» در چیست؟ «ولیّ» به معنـای کسـی است که بـدون درخواست و بر اسـاس حکم ولایت و سـرپرستی کمک و حمایت می‌کند، اما نصیر کسی است که پس از درخواست، به کمک انسان می‌آید و ستمکاران در رستاخیز از هر دو نوع تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۶۷ حمایت محروم‌انـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی خوانـدنی و واضح است که با هدف هشـدارگری نازل شـده است. ۲. هـدف رسـالت پیـامبر صـلی الله علیه و آله هشـدار به مردم در مـورد رسـتاخیز است. ۳. مکه، شهر مرکزی اسلام است. ۴. مبلغان دینی شـهر خود را در اولویت تبلیغی قرار دهند. ۵. خدا نمی‌خواهد مردم همه یکسان باشند و یکسان بیندیشند و یکسان عمل کنند (بلکه آزادی عمل و اراده‌ی آنها مطلوب خداست). ۶. فرجام ستمکاران تنهایی است. ۷. مردم در برابر قرآن و پیامبر به دو دسـته‌ی مؤمنان عدالت‌پیشه‌ی بهشتی و سـتمکاران دوزخی تقسیم می‌شوند (شـما در کدام گروه هستید؟). *** قرآن کریم در آیات نهم و دهم سوره‌ی شوری با اشاره به صـفات سـرپرست حقیقی، به نفی شرک می‌پردازد و می‌فرماید: ۹ و ۱۰. أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ بلکه آیا غیر از او سرپرسـتانی گزیده‌انـد، و (حال آن‌که) فقط خدا سـرپرست است، و او مردگان را زنـده می‌کند، و او بر هر چیزی تواناست؟! و هر چیزی را که در آن اختلاف کردید، پس داوری آن با خداست؛ این خدا پروردگار من است؛ تنهـا بر او توکّـل کرده‌ام و تنهـا به سوی او باز می‌گردم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به خطای کافران سـتمکار اشاره

شـده که همان انتخاب سرپرسـتان (و معبودان) غیر خدا در دنیاست. آری؛ کسانی که غیر از خدا را به عنوان سـرپرست برمی گزینند در رسـتاخیز بی‌یاور و سـرپرست می‌ماننـد. تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۶۸ ۲. در این آیـات به صـفات افراد لایق ولایت و سرپرستی انسان اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) زنده کننده‌ی مردگان باشد و رستاخیز و فرجام کار انسان به دست او باشد. ب) به هر کـاری توانـا باشـد و هم‌چون بتـان نـاتوان نباشـد. ج) داور نهـاییِ اختلافـات انسان‌ها باشـد و بتوانـد حقّ مظلوم را از ظالم بازسـتاند و به اختلافـات مردم در عقایـد، احکـام، حقوق و غیر آن رسـیدگی کنـد. آری؛ کسـی که این صـفات را نـدارد، هم‌چون معبودان و سرپرسـتان کافران و سـتمکاران، شایستگی ولایت را ندارند. ۳. مقصود از «سـرپرستیِ» غیر خـدا همان پذیرش ولایت غیر خـداست که مسـتلزم نـوعی اطـاعت و عبـادت اوست. این امور فقـط سـزاوار خـداست و پـذیرش ولاـیت غیر او حرام است، مگر در مواردی مثل ولایت پیامبران و امامان و ماننـد آن که اجازه داده شـده است. ۴. در این آیه به ربوبیّت و پرورش‌دهنـدگی خدا اشاره شـده است که خود دو بعـد دارد: الف) بعـد ربوبیت تکوینی که به اداره‌ی نظام آفرینش بازمی گردد. ب) بعـد ربوبیت تشـریعی که بیانگر وضع قوانین و ارشاد مردم است. البته در بعـد اول، توکّل بر خـدا و در بعد دوم بازگشت به دسـتورات الهی لازم است. از این رو در این آیـات به توکل و بازگشت اشاره شـده است. «۱» ۵. مقصود از توکّـل همان تکیه بر خـداست؛ یعنی انسان در حین تلاش لازم، کار را به خـدا واگذار کند و از او کمک و توفیق بخواهد، این به معنای در خانه نشسـتن و تنبلی و سـستی نیست. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۶۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا تنها سرپرست حقیقی شماست، پس غیر او را به ولایت و سرپرستی برنگزینید. ۲. سـرپرست حقیقی، احیـاگر، توانـا و داورِ نهـایی اسـت. ۳. حکـم خــدا را معیـار داوری در اختلافـات قرار دهیـد. ۴. سـرپرست و پروردگار خود را بشناسـید و بر او توکّل کنید و به سوی او بازگردید. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم و دوازدهم سوره‌ی شوری به صـفات و افعال خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱ و ۱۲. فَاطِرُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجاً يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ* لَهُ مَقَالِيدُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ شکافنده (و آفریننده) ی آسـمان‌ها و زمین است؛ همسـرانی از (جنس) خودتان برای شـما قرار داد، و از دام‌ها (نیز) جفت‌هایی (قرار داد)، در حالی که شـما را بدین (وسیله) می‌آفریند؛ هیچ چیزی مثل او نیست و او شنوا [و] بینا (ی حقیقی) است. کلیدهای آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ اوست؛ روزی را برای هرکس بخواهد (و شایسته بداند)، گسترده می‌سازد و (یا) تنگ می‌گرداند؛ [چرا] که او به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به شـکافتن و آفرینش آسـمان‌ها و زمین (و آنچه در آنهاست) اشاره شده است؛ آفرینش از عـدم، کـه نشـانه‌ی قـدرت و علم خـداست. «۱» تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۲۷۰ ۲. همسـران شـما را از جنس خودتـان آفریـد، که از طرفی مـایه‌ی آرامش روح و جـان شـما و از طرف دیگر موجب تکثیر و بقـای نسل انسان شونـد. ۳. یکی از ویژگی‌های منحصـر به فرد خدا آن است «۱» که هیـچ چیز مثل و مانند او نیست، «۲» او وجودی بی‌نهایت و دارای صـفات نامحدود است اما موجودات دیگر محدود و غالباً جسـمانی‌اند، پس هیچ کس و هیچ چیز مانند خدا نیست و صـفات او قابل مقایسه با صفات موجودات دیگر نیست و اصلًا مفاهیمی که در مورد غیر خـدا به کار می‌بریم، مثل دور، نزدیک، حال، آینده، بزرگ، کوچک و ... هیچ کدام در مورد خدا معنا ندارد، ولی از آن جا که ما ناچاریم در مورد خدا صـحبت کنیم و الفاظی غیر از الفاظ و مفاهیم انسانی نداریم، این الفاظ را به کار می‌بریم. و اگر صـفات خدا را هماننـد صـفات انسان بدانیم، به نوعی تشبیه گرفتار شده‌ایم که خدا از آن منزّه است. «۳» ۴. «مقالید» (کلیدها) در این جا کنایه از تسلّط کامل بر چیزی است، همان طور که می گوییم کلید فلان کار به دست من است در این جا هم می گویـد: کلیـدهای آسـمان‌ها و زمین به دست خـداست، یعنی خزاین و ذخایر آنها در اختیار خداست و به هر کس صـلاح بداند طبق برنامه‌ی خاصـی می‌دهد. ۵. روزی انسـان گـاهی مـادی و گاهی معنوی است و کم و زیاد شـدن روزی مادی انسان‌ها براساس مصـلحت و برای آزمایش افرادست و گاهی موجب عذاب آنها می‌شود. البته این که رزق به دست خداسـت بـدان معنا نیست که انسان تلاش نکند چون خدا کارها را با اسـباب انجام می‌دهد. تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۷۱ رزق از

وی جو، مجو از زیـد و عمر مستی از وی جو، مجو از بنگ و خمر مولوی ۶. کم و زیاد شدن رزق به دست خداست، اما کم و زیاد کردن آن به خـاطر نـاتوانی و جهل نیست که کلیـد ذخایر جهان به دست اوست و او دانای به همه چیز است و طبق مصلحت‌سـنجی عمل می‌کنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همسـر هـدیه‌ای الهی است که عامـل تکثیر و گسترش نسـل انسان است. ۲. خدا و صـفات او را همانند موجودات، محدود نپندارید. ۳. صفات خدا را بشناسید (تا خداشناس‌تر شوید). ۴. رزق (مادی و معنوی) شما به دست کسی است که صـاحب اختیـار ذخـایر جهان و دانای به همه چیز است (پس اگر رزقتان را کم و زیاد کرد، بدانیـد که مصـلحتی را در نظر داشته است). ***

چرا خدا همه مردم را یک ملت قرار نداد؟

قرآن کریم در آیـات سیزدهم و چهـاردهم سوره‌ی شوری به پیـامبران اولوالعزم و اهـداف وحـدت‌آفرین آنها و مخالفت تفرقه‌انگیز مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳ و ۱۴. شَرَعَ لَکُم مِنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ نُوحاً وَالَّذِی أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ وَمَا وَصَّیْنَا بِهِ إِبْرَاهِیمَ وَمُوسَی وَعِیسَی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَن یَشَاءُ وَیَهْدِی إِلَیْهِ مَن یُنِیبُ* وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ وَلَوْلَا کَلِمَهٌ سَبَقَتْ مِن رَبِّکَ إِلَی أَجَلٍ مُسَمّیً لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِینَ أُورِثُوا الْکِتَبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِی شَکٍّ مِنْهُ مُرِیبٍ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۷۲ برای شـما مقرر کرد از دین، آنچه را که نوح را بدان سـفارش کرد و آنچه را به سـوی تـو وحی کردیم و آنچه را که ابراهیم و موسـی و عیسـی را بـدان سـفارش کردیم، که دین را برپـا داریـد و در آن تفرقه افکنی نکنیـد. بر مشـرکان گران است آنچه آنان را به سویش فرا می‌خوانیـد. خـدا هر کس را بخواهد به سوی (رسالت) خود برمی‌گزینـد و کسـی را که بازگردد، به سوی خود راه‌نمایی می‌کنـد. و پراکنـده نشدنـد مگر پس از آن‌که علم برای آنان (حاصل) آمـد؛ به خاطر سـتم (و حسدی) که در میانشان بود، و اگر نبود سـخنی (سـنت گونه) از طرف پروردگارت (در مورد مهلت دادن به مخالفان) تا سـرآمد معین که از پیش مقرر شـده است، حتماً در میان آنان داوری می‌شد؛ و قطعاً، کسانی که بعد از آنان کتاب را به ارث بردنـد، در مورد آن (کتاب) در شـکی تردیـدآمیز هسـتند؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ادیان الهی در توحیـد و اصول عقایـد و مبانی هماهنگ‌اند، هر چند بر اساس تکامل جامعه‌ی انسانی قوانین فرعی متفاوتی داشته‌اند که در دین اسلام به تکامل نهایی رسیده است. ۲. در این آیه به دو هـدف اساسـی پیامبران الهی، یعنی توحیـد و وحـدت اشاره شـده است. پیامبران برای مبارزه با شـرک و تفرقه‌ی جـامعه‌ی انسـانی آمده‌انـد، اما مخالفان آنان به دنبال خرافات، شـرک و تفرقه هسـتند و توحیـد و وحـدت برای آنان گران است. ۳. سرکشـی و سـتمکاری عامـل تفرقه افکنی مشـرکان است و گرنه آنهـا ناآگاه نیسـتند و حجّت بر آنان تمام شـده است. ۴. در برخی احـادیث از امـام صـادق علیه السـلام روایت شـده که مخاطب جمله‌ی «دین را برپا داریـد»، امام است و آن چیزی که گفته شـده در مورد آن تفرقه نکنیـد، امام علی علیه السـلام است. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلـد هجدهم، ص: ۲۷۳ البته مقصود این‌گونه احـادیث آن است که ولایت امام علی علیه السـلام از ارکان دین است که نبایـد در آن اختلاف کرد و امام بزرگ‌ترین مخاطب این آیه است که بایـد دین را به پـا دارد. ۵. «شـرع» در اصـل به معنـای راه روشن است و به ادیـان الهی نیز شـریعت گفته می‌شود؛ چرا که راه روشـن سعادت را نشان می‌دهند. ۶. در این آیات به پنج پیامبر، یعنی نوح، ابراهیم، موسـی، عیسی علیهم السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره شده است که این پیامبران اولوالعزم، یعنی صاحب دین هسـتند. آغاز گر این راه نوح پیامبر علیه السـلام است که در اول ذکر شد و بزرگ‌ترین آنها پیامبر اسلام است که مقدم بر بقیه ذکر شده است. ۷. تعبیری که برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به کـار رفته، «وحی» است، امـا تعبیری که برای پیـامبران دیگر به کـار رفته وصیت و سـفارش است. این مطلب نشـان دهنـده‌ی اهمیت اسـلام است و یا این که برخی مطالبی که در ادیان دیگر در حد سـفارش مطرح بوده، در اسـلام به صورت وحی بیان شده که حتماً اجرا شـود. ۸. گزینش پیـامبران و افراد بسـتگی به خـواست خـدا دارد، البته خواست خـدا بر اسـاس شایسـتگی افراد است. ۹. توبه و

بـازگشت زمینه‌ساز هـدایت به سوی خـداست. آری؛ اگر کسـی گامی به سوی خدا بردارد، خـدا چنـد گام به سوی او برمی‌دارد و دست او را می‌گیرد و به مراتب بالاترِ هدایت رهنمون می‌شود. ۱۰. یکی از سنت‌ها و قوانین تاریخی- اجتماعی خدا این است که به مخالفان دین و تفرقه‌افکنان تا مدّت معینی مهلت می‌دهد تا بر خلافکاری و عذاب خود بیفزایند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۷۴ و اگر خدا می‌خواست می‌توانست سریعاً به حساب ستمکاری آنان رسیدگی و آنها را مجازات کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دین اسلام، عصاره‌ی ادیان بزرگ است. ۲. هدف پیامبران، برپایی دین توحیدی و وحدت است. ۳. مشرکان با پیامبران و دین و وحدت سر ناسازگاری دارند. ۴. اگر وحـدت می‌خواهید، به سوی دین و رهبران الهی بروید و از شـرک دوری گزینید. ۵. توبه و بازگشت به سـوی خـدا زمینه‌سـاز هـدایت الهی است. ۶. سرچشـمه‌ی تفرقه افکنی‌هـا، سـتمکاری و سرکشـی است. ۷. مهلـت دادن مـوقت به مخالفـان از قـوانین حتمی الهی اسـت. ۸. از ظلـم و حسـد دوری گزینیـد کـه تفرقـه آفرین است. ۹. تردیـد و سوءظن به کتاب‌هـای آسـمانی سابقه‌ای دیرینه دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی شوری با بیان چنـد برنامه‌ی سازنده، وظیفه‌ی پیامبر صـلی الله علیه و آله را در برابر مخالفان روشن می‌سازد و می‌فرمایـد: ۱۵. فَلِذلِکَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِن کِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَیْنَکُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّکُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَکُمْ أَعْمَالُکُمْ لَا حُجَّةَ بَیْنَنَا وَبَیْنَکُمُ اللَّهُ یَجْمَعُ بَیْنَنَا وَإِلَیْهِ الْمَصِیرُ و به همین خاطر، پس (مردم را به سوی دین) فراخوان و همان‌گونه که فرمان داده شـدی پایداری کن و از هوس‌هایشان پیروی نکن و بگو: «به کتـابی که خـدا فرو فرسـتاده ایمـان آوردم و فرمـان داده شـدم تـا در میـان شـما عـدالت (پیشه) کنم؛ خـدا پروردگـار مـا و پروردگـار شـماست؛ کردارهـای مـا تنها برای ماست و کردارهای شـما تنها برای شـماست؛ هیـچ حجّت (و بحثی) بین ما و بین شـما نیست؛ خـدا بین مـا و شـما جمع می‌کنـد و فرجـامِ (همه) فقط به سوی اوست.» تفسـیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۲۷۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشـاره شـده که به خـاطر این که اصول ادیـان الهی واحـد است و یا به خاطر مخالفت‌های مشـرکان با دین و وحـدت، مردم را به سوی آیین الهی فراخوان و از تفرقه نجـات بـده. «۱» این وظیفه‌ی تمـام رهبران الهی و مبلغـان دینی است. ۲. به پیامبر صـلی الله علیه و آله دستور استقامت داده شده است؛ این یا اشاره به مرحله‌ی عالی استقامت است و یا به این که استقامت باید منطبق با برنامه‌های الهی باشـد. ۳. یکی از برنامه‌های رهبران الهی آن است که به تمایلات و منافع شخصـی مشـرکان توجه نکننـد و پیرو آنها نشوند. ۴. در این آیه به برنامه‌ی سازنـده‌ی پیامبر صـلی الله علیه و آله اشاره شـده است که الف) دعوت مردم به راه خـدا؛ ب) اسـتقامت در این راه؛ ج) رفع موانع و عـدم پیروی از هوای نفس دیگران؛ د) شـروع از خود که بگو من به کتاب‌هـای آسـمانی ایمـان آورده‌ام و ادیـان الهی دیگر را نفی نمی‌کنم؛ چرا که اصول همه‌ی آنهـا یکسـان است. ه) اصـل عـدالت اجتمـاعی را رعـایت می‌کنم، عدالت در داوری، عدالت اقتصادی و عدالت در حکومت و مانند آن. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بر خلاف تلاش مخالفان دین و وحدت، شـما مردم را به سوی خدا دعوت کنید و شـکیبا باشـید. تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۷۶ ۲. رهبران الهی و مبلغـان دینی در راه دین اسـتقامت ورزنـد و به دنبـال هوای نفس مخالفان نرونـد. ۳. ایمان، عدالت و رسـتاخیز را به یاد داشـته باشـید. ۴. با مخالفـان دین اتمـام حجّت کنیـد و کـار را به قیامت واگذاریـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی شوری به مجادله گران باطل‌گرا و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. وَالَّذِینَ یُحَاجُّونَ فِی اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا اسْتُجِیبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَعَلَیْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ و کسانی که درباره‌ی خـدا بعـد از آن‌که (دعوت) او (توسط مردم) پـذیرفته شـد، بحث (و ستیز) می‌کننـد، دلیلشان نزد پروردگارشان بی‌پایه (و باطل) است؛ و خشم (خـدا) بر آنان است و عـذاب شدیـدی برای آنان (آماده) است. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشـاره شـده که مردم پـاک‌دل و بی‌غرض، بـا الهـام از فطرت خویش و با مشاهـده‌ی قرآن و معجزات پیـامبر صـلی الله علیه و آله دعوت او را اجابت کرده، اسـلام را پذیرفته‌انـد؛ «۱» اما مشـرکان مجادله‌گر و لجوج، همواره به مخالفت و بحث و ستیز درباره‌ی خدا می‌پردازند. ۲. مقصود از مجادله و بحث و ستیز، همان سخنان مشرکان در مورد شفاعت بت‌ها و پیروی از آیین نیاکان و پافشاری بر شرک است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۷۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پس از روشن شدن

حق، از مجادله و بحث باطل بپرهیزیـد. ۲. مجادله گران باطل گرا، فرجامی عـذاب‌آلود دارنـد. *** قرآن کریم در آیات هفدهم و هجـدهم سوره‌ی شوری به معیارهای حق و باطل و دو واکنش متفاوت در مورد رسـتاخیز اشاره می کنـد و می‌فرمایـد: ۱۷ و ۱۸. اللَّهُ الَّذِی أَنزَلَ الْکِتَبَ بِالْحَقِّ وَالْمِیزَانَ وَمَا یُدْرِیکَ لَعَلَّ السَّاعَهَٔ قَرِیبٌ* یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَیَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِینَ یُمَارُونَ فِی السَّاعَهِٔ لَفِی ضَلَالٍ بَعِیدٍ خدا کسی است که کتاب را به حق فروفرستاد و (نیز) ترازو را. تو چه می‌دانی؟ شاید ساعت (: رسـتاخیز) نزدیک باشد! کسانی که به آن (رستاخیز) ایمان نمی‌آورند، بدان شتاب می‌ورزند؛ و کسانی که ایمـان آورده‌انـد از آن بیمناک‌انـد و می‌داننـد که آن (رسـتاخیز) حقّ است؛ آگـاه باشـید! قطعاً، کسـانی که در مورد سـاعت (: رسـتاخیز) مجادله می کنند، در گمراهی دوری هستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حق» به معنـای مطابقت هر چیز با واقع است و از آن جا که قرآن با عینیت خارجی و نیازهای فطری و اجتماعی انسان هماهنگ است، حق است و جنبه‌ی ذهنی و پنـداری و دروغ نـدارد. ۲. «میزان» در لغت به معنـای ترازو است ولی در این جـا مقصود هر گونه ابزار سـنجش است، که شامل قانون صـحیح، قرآن و شـخص پیـامبر صـلی الله علیه و آله و امامان راستین علیهم السـلام می‌شود که وجودشان معیار تشـخیص حق از باطل است. ۳. مردم در برابر رسـتاخیز دو گروه‌انـد: الف) کسانی که به آن ایمان دارنـد و می‌داننـد که رسـتاخیز حق است و از حساب‌رسـی آن روز می‌ترسـند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۷۸ ب) کسانی که بدان ایمان ندارند و از عظمت و حساب‌رسـی آن روز بی خبرند، از این رو در مورد آن شـتاب می‌ورزند و آن را به ریشخند می گیرند. ۴. غیر از خدا کسی از ساعت رستاخیز آگاه نیست و ممکن است بسیار نزدیک باشـد و ناگهان فرا رسـد. ۵. کسـانی که در مـورد رسـتاخیز تردیـد دارنـد، نه تنهـا راه را گم کرده، بلکه در گمراهی دوری هستند؛ چون جهان آفرینش را بی‌فرجام، بی هدف و بی‌معنا می‌پندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا معیارهای تشخیص حق و باطل را در اختیار شـما گذاشـته است (از آنها اسـتفاده کنیـد). ۲. رسـتاخیز را دور نپنداریـد (و هر لحظـه برای آمـدن آن آمـاده باشـید). ۳. معادباوران از (حساب‌رسـی) رستاخیز در هراس‌اند. ۴. شـک گرایی در مورد رسـتاخیز به گمراهی دوری منتهی می‌شود. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیسـتم سوره‌ی شوری به صـفات خدا و سرنوشت دنیاگرایان و آخرت‌طلبان اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. اللَّهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ یَرْزُقُ مَن یَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ* مَن کَانَ یُرِیدُ حَرْثَ الْآخِرَهِٔ نَزِدْ لَهُ فِی حَرْثِهِ وَمَن کَانَ یُرِیدُ حَرْثَ الدُّنْیَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِی الْآخِرَهِٔ مِن نَصِیبٍ خدا نسبت به بندگانش [پیوسته لطف دارد؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) روزی می‌دهد؛ و او نیرومنـد [و] شـکست‌ناپذیر اسـت. هر کس کشـت آخرت را بخواهـد، برای او در کشـتش می‌افزاییـم؛ و هر کس کشـت دنیـا را بخواهـد، [برخی از آن، بـدو می‌دهیم و برای او در آخرت هیـچ بهره‌ای نیست. تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۲۷۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات به چهـار صـفت الهی اشـاره شـده است: الـف) خـدا «لطیف» است؛ این واژه به دو معنـاست: یـا به معنـای صـاحب لطف و مرحمت و یـا به معنـای آگاه بودن از لطایف و دقایق پنهانی امور، و مانعی نـدارد که هر دو معنا در این جا مقصود باشـد؛ یعنی خـدا نسبت به بنـدگانش صـاحب لطف است و از دقـایق امور آنهـا نیز آگـاه است. ب) خـدا روزی‌دهنـده است؛ یعنی روزی‌های مادی و معنوی را به هر کس شایسـته باشـد و صـلاح بدانـد می‌دهد و بدان می‌افزاید. ج) خدا نیرومند و قادر بر انجام هر کاری است. د) خدا شـکست‌ناپذیر است و اگر وعده‌ای داد حتماً انجام می‌دهد. ۲. در این آیات با یک تشبیه زیبا مردم به دو دسـته تقسـیم شده‌اند: الف) دنیا طلبان که فقط دنیا را هدف خویش قرار داده‌اند، که خدا آنان را محروم نمی‌سازد و سهم کوچکی از دنیا به آنان می‌دهـد. ب) آخرت طلبان که برای آخرت و کسب نعمت‌های بهشتی می کوشـند؛ یعنی هـدف آنان خدایی است؛ این افراد بر نتایـج کارهایشـان افزوده می‌شود و پاداش‌هـای زیـادتری از فضـل الهی دریـافت می کننـد (ولی در همان حال از سـهم دنیوی نیز بی‌بهره نمی‌شونـد). «۱» ۳. ایـن آیـه در مـورد آخرت‌طلبـان می گویـد به نتایـج کـار آنـان افزوده می‌شـود نه این که از دنیـا بی‌بهره می‌شونـد؛ آنان هم از سـهم دنیوی خود بهره می‌برنـد و هم پاداش اخروی دارند. و از این روست که قرآن کریم می‌فرماید: رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَهًٔ وَفِی الْآخِرَهِٔ حَسَنَهًٔ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ «۲» ای پروردگار ما در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی عطا فرما و

ما را از عـذاب آتش نگه‌دار. تفسیر قرآن مهر جلـد هجدهم، ص: ۲۸۰ ۴. محبت دنیـا عامـل انحراف: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسـند: تمام مفاسد روحانی و اخلاقی و اعمالی، از حبّ به دنیا و غفلت از حق تعالی و آخرت است و حبّ به دنیا سرمنشأ هر خطیئه (: خطا کاری) است، چنانچه تمام اصـلاحات نفسانی و اخلاقی و اعمالی از توجّه به حق و دار کرامت آن و از بی‌علاقگی به دنیـا و عـدم رُكُون (: متمایل نشـدن به آن) و اعتماد به زخارف (: زر و زیور) آن است. «۱» ۵. در این آیه دنیـا به مزرعه‌ای تشبیه شـده و اعمال و افکار انسان به بـذری که در آن افشانـده می‌شونـد، ولی هـدف این بـذرافشانی می‌توانـد محـدود به دنیای فانی و یا هـدفی درازمدت و جاویدان باشد؛ یعنی می‌تواند مادی یا الهی باشد. و محصول این بذرافشانی و کار و عقاید انسان بر اساس هدف آن شکل می‌گیرد، وگرنه دنیا مزرعه‌ای بیش نیست. ۶. در حدیثی از امام علی علیه السـلام روایت شده که ثروت و فرزندان، کشت دنیـا هسـتند و کار شایسـته کشت آخرت است و گاهی خـدا هر دو را برای گروهی جمع می‌کنـد. «۲» ۷. در برخی احـادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از رزق، ولایت امام علی علیه السلام، و مقصود از کشت آخرت نیز معرفت امام علی علیه السلام است. «۳» البته روشن است که این‌گونه احـادیث مصـادیق رزق و کشت معنوی را بیـان می‌کنـد و موجب انحصار معنای آیه نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۸۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رزق شما به دست خدایی با لطف، نیرومند و شکست‌ناپذیر است (پس به سـراغ غیر او نرویـد). ۲. اگر هـدف شـما دنیا باشـد از آن محروم نمی‌شویـد، ولی از آخرت محروم می‌شویـد. ۳. اگر هدف شما (الهی و) آخرتی باشد، هم پاداشتان افزون می‌شود، و هم از دنیا محروم نمی‌شوید. ۴. نه دنیاطلبان به هر آنچه می‌خواهند می‌رسـند و نه آخرت‌طلبان از دنیا محروم می‌شوند (پس آخرت‌طلب باشید). *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی شوری به قـانون گـذاران غیر الهی هشـدار می‌دهـد و به فرجـام عـذاب‌آلود آنان و فرجام نیک مؤمنان شایسـته کردار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُم مِنَ الـدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَن بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ* تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُم مَا يَشَاءُونَ عِنـدَ رَبِّهِمْ ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ بلکه آیا شـریکانی (معبود گونه) برای آنان است که چیزی از دین را که خدا بدان رخصت نداده است، برایشان مقرر کردند. و اگر سـخن فیصله‌بخش (در مورد مهلت دادن به مخالفان) نبود، حتماً در میان آنان داوری می‌شد و در حقیقت، سـتمکاران، برایشـان عـذابی دردنـاک است! (در رسـتاخیز) سـتمکاران را می‌بینی، در حالی که از آنچه به دست آورده‌اند بیمناک‌انـد، و حـال آن‌که آن (عـذاب) بر آنـان واقـع می‌شود؛ و کسـانی که ایمـان آورده و (کارهـای) شایسـته انجـام داده‌انـد، در بوسـتان‌های بهشت‌اند، تنها برای آنان آنچه را که بخواهند، نزد پروردگارشان (آماده) هست؛ این فقط فضـیلت بزرگ است. تفسـیر قرآن مهر جلـد هجدهم، ص: ۲۸۲ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی سـیزدهم سوره‌ی شوری سـخن از قانون گذاری خدا به وسـیله‌ی پیامبران بود و اینک در این آیات به قانون‌گذاری غیرالهی اشاره می‌کند و به مشـرکان هشدار می‌دهد که چه کسـی بدون رخصـت الهی حق دارد قـوانین دینی را مقرّر کنـد. آیـا شـریکی برای خـدا وجـود دارد کـه چنیـن کـاری بکنـد، یـا شـما قـوانین را از خـود می‌سازید؟! ۲. در این آیات بیان شـده که خـدا سـخنی قاطع داشـته است که به کافران مهلت می‌دهـد تا آزمایش شونـد و حجّت بر آنان تمام شود و اگر این فصل الخطاب الهی نبود، زود به حساب این مشـرکان رسـیدگی می‌شـد و گرفتار مجازات می‌شدند. ۳. در این آیات از مشـرکانی که قانون‌های غیر الهی را باور داشـته‌اند، با عنوان «ظالم» یاد شده است؛ چرا که آنان کار را در غیر مورد آن قرار داده و قوانین دینی را از غیر خدا گرفته‌اند و بدین وسیله به خود و جامعه سـتم کرده و همگان را گرفتار مشـکلات و انحرافات نموده‌اند. ۴. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه است؛ یعنی سـرنوشت مشـرکان سـتمکار را در برابر مؤمنان شایسته‌کار به تصویر می‌کشـد تـا مردم با مقایسه‌ی این دو سـرنوشت، راه صـحیح را انتخاب کننـد. ۵. «رُوضـات» به معنـای محلی است که آب و درخت فراوان دارد از این رو به باغ‌های سـرسبز و خرّم گفته می‌شود. از این تعبیر اسـتفاده می‌شود که بوستان‌های بهشتی متفاوت‌اند و مؤمنان شایسته‌کار در بهترین بوسـتان‌های بهشتی جای می‌گیرند. و گناهکارانی که مشـمول عفو می‌شوند در بوستان‌های دیگر به

سر می‌برنـد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۲۸۳ ۶. در بوسـتان‌های بهشتی خوردنی‌هـا و نوشـیدنی‌ها و لـذّت‌های فراوان موجود است اما مؤمنان شایسته‌کار اگر چیزی غیر از این‌ها بخواهنـد نزد پروردگارشان آماده است و هیـچ محدودیتی برای پذیرش درخواست‌ها و سفارش‌های آنان نیست. ۷. پاداش‌هـا و سـفارش‌های مؤمنـان شایسته‌کار نزد پروردگارشان است و این خود نعمتی والاست که آنان به مقام قرب الهی نزدیک‌انـد و از آن بهره می‌برند. این نعمت آن‌قدر بزرگ است که خدای بزرگ آن را لطف و فضلی بزرگ شمرده است. ۸. نعمت‌های بهشتی فضل و بخشش بزرگ خدا هستند؛ چرا که اعمال انسان اندک است و شایستگی این پاداش‌های نامحـدود و فراوان را نـدارد؛ پس این لطف خـداست که هر چه انسان بخواهـد به او می‌دهد و به ناچیز بودن عمل او توجه نمی‌کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قانون‌گذاری غیر الهی، ستمکاری است و فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۲. قانون‌گذاری شما در چهارچوب دستورات الهی باشد. ۳. سـنت خـدا آن است که داوری (وعـذابِ) مخالفان را به تأخیر اندازد وگرنه آنان زود مجازات می‌شدند. ۴. در رستاخیز، پشیمانی و ترسِ بـدعت‌گزاران در دیـن، بی‌فایـده است. ۵. فرجـام مؤمنان شایسـته‌کردار، بهشتی خرّم و نعمت‌هـای دل خـواه و بخشـش بزرگ اسـت (پس در ایـن راه تلاـش کنیـد). ۶. اگر فرجام بهشتی می‌خواهیـد، سـتمگری نکنیـد و مؤمنانی تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۸۴ شایسته‌کردار باشید. ***

دوستی خویشاوندان پیامبر، پاداش رسالت ایشان

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی شوری دوستیِ خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله را مزد رسالت ایشان معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۲۳. ذلِکَ الَّذِی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُل لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی وَمَن یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ این (همان) چیزی است که خدا بندگانش را که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌انـد، (بـدان) مژده می‌دهـد. بگو: «از شـما هیـچ پاداشـی بر این (رسـالت) نمی‌طلبم، جز دوستی در (مورد) نزدیکان.» و هر کس نیکی را بـه دسـت آورد، برای او در آن نیکی می‌افزاییـم. به راسـتی که خـدا بسـیار آمرزنـده [و] بسـی سپاس‌گزار است. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در مورد این آیه چهار تفسـیر درباره‌ی «القُربی» ارائه شده است: الف) مقصود نزدیکان پیامبر صـلی الله علیه و آله، یعنی اهل‌بیت علیهم السلام هستند، که محبت آنها مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و وسیله‌ای برای قبول امامت آنهاست که استمرار نبوت است. ب) مقصود چیزهـایی است که انسان را به خـدا نزدیک می‌سازد. «۱» ج) مقصود آن است که خویشاونـدان خودتان را دوست داشـته باشـید و صله‌ی رحم کنید. د) مقصود حفظ حرمت خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله توسط قبایل عرب است که پیامبر از طریق نسبی یا سـببی با آنها خویشاونـد بود. البته تفسـیر سوم و چهارم با مزد رسالت تناسبی نـدارد و تفسـیر دوم نیز مناسـب نیست؛ چرا که مسـلمانان همگی نزدیک شـدن به خدا را دوست تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۸۵ دارند و نیازی نبود که بر آن تأکیـد شود و مزد رسـالت قرار گیرد و دوستی اموری که انسـان را به خـدا نزدیک می‌کنـد کافی نیست، بلکه دسـتور به اطاعت خـدا لازم بود که در آیه نیامـده است. بنابراین تفسـیر اول مناسب‌ترین تفسـیر است که مورد قبول جمعی از مفسـران قـدیمی و تمام مفسران شیعه است و روایات زیادی آن را تأیید می‌کند. «۱» و در قرآن در پانزده مورد دیگر که واژه‌ی «القربی به کار رفته است، به معنای خویشاوندان نزدیک است. ۲. در آیات متعدد قرآن به پیامبر دسـتور داده شده که بگوید: من مزدی برای رسالت خود از شما نمی‌خواهم «۲» و اگر پاداشی از شما بخواهم برای خود شماست؛ «۳» آن هم برای کسانی که بخواهند راهی به سوی خدا برگزینند. «۴» و در نهـایت در آیه‌ی فوق، مزد رسـالت را دوستی اهل بیت علیهم السـلام معرفی کرده است که ادامه‌ی رسالت پیامبر صـلی الله علیه و آله و مـوجب هـدایت مردم به سوی خـداست؛ یعنی سود آن به کسـانی می‌رسـد که این محبت را داشـته باشـند. ۳. در منابع حدیث شیعه و اهل سـنت به طور مکرر حکایت شده که این آیه در مورد خویشاوندان پیامبر صـلی الله علیه و آله است؛ از جمله در منابع حـدیثی اهل سـنت آمـده است که: وقتی این آیه فرود آمد، مردم گفتند: ای رسول خدا! مقصود از خویشاوندان تو کیست که

دوستی آنان بر ما واجب شده است؟ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۸۶ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: علی و فاطمه و فرزندان آنها، (و پیامبر این مطلب را سه بار تکرار کرد.) «۱» ۴. با توجه به این که سوره‌ی شوری، در مکه نازل شده است، نزول این آیه در مورد محبت آل محمد صلی الله علیه و آله اهمیت دو چندان پیدا می‌کند؛ چرا که روشن می‌شود دوستی اهل بیت علیهم السلام از اوایل اسلام و در زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند مورد عنایت الهی بوده و بر آن تأکید شده و آن را مزد رسالت قرار داده‌اند و این در حالی است که در مکه شیعه و اهل سنت به معانی امروز وجود نداشت. ۵. از این آیه مقام معنوی اهل بیت و خویشاوندان و آل محمد علیهم السلام به خوبی استفاده می‌شود و مفسران اهل سنت در این مورد حدیثی را از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت کرده‌اند که فرمود: هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود شهید، آمرزیده، توبه‌کار، با ایمان کامل و با مژده به بهشت مرده است. و هر کس با دشمنی آل محمد از دنیا برود، مأیوس از رحمت الهی و کافر از دنیا رفته که بوی بهشت را نمی‌شود. «۲» ۶. جالب آن است که در این آیه نفرمود پاداش رسالت پیامبر محبت یا عشق به اهل‌بیت علیهم السلام است، بلکه فرمود: «پاداش رسالت پیامبر مودّت اهل‌بیت علیهم السلام است.» و مودّت کم‌ترین مرحله‌ی محبت است. «۳» یعنی وظیفه‌ی امت اسلام را آسان کرد، و مراحل عالی محبت و عشق به تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۸۷ اهل بیت را بر مردم واجب نکرد بلکه اشاره کرد که اگر کسی کوچک‌ترین دوستی و محبتی به اهل بیت علیهم السلام داشته باشد، پاداش رسالت را به انجام رسانده است، یعنی پایین‌ترین مرحله‌ی محبت اهل بیت علیهم السلام که همان مودّت است موجب نجات و سعادت می‌شود تا چه رسد به مراحل عالی دوستی، محبت و عشق به آنان که انسان را به پیروی از آنان و الگو قرار دادن آنها و مراحل عالی کمال می‌رساند. ۷. در این آیه به این قانون کلی در مورد کسب نیکی‌ها و حسنات اشاره شده است که هر کس نیکی به دست آورد، خدا بر آن می‌افزاید و بدان برکت می‌دهد و نیکی کارش را افزون می‌سازد و پاداش زیادتر به او می‌دهد. ۸. در برخی احادیث از امام حسن علیه السلام و ابن عباس و دیگران حکایت شده که مقصود از «حسنه» در این آیه دوستی اهل بیت علیهم السلام است. «۱» البته روشن است که دوستی اهل‌بیت علیهم السلام یکی از مصادیق کامل قانون کلی آیه‌ی فوق است ولی معنای آیه وسیع است و شامل هر گونه کار نیک می‌شود. ۹. در این آیه خدا بسیار آمرزنده و بسیار سپاس‌گزار معرفی شده است، و در آیاتی دیگر، خدا بندگان شکور و بسیار سپاس‌گزار را می‌ستاید؛ «۲» بنابراین او دوست دارد که ما نیز جلوه‌ای از صفاتش را در وجود خود پیاده کنیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهشت و نعمت‌های دلخواه آن، مژدگانی مؤمنان شایسته‌کردار است. ۲. پاداش زحمات پیامبر صلی الله علیه و آله را با دوستی آل‌محمد علیهم السلام ادا کنید. ۳. خدا بر نیکی‌های شما می‌افزاید (پس حرکت از شما و برکت از خدا). ۴. خدا با گذشت و بسیار سپاس‌گزار است (شما نیز جلوه‌ای از صفات الهی را در خود پیاده کنید و این‌گونه باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۸۸ قرآن کریم در آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی شوری با هشدار به مخالفان پیامبر صلی الله علیه و آله، راه توبه را برای آنان باز می‌گذارد و می‌فرماید: ۲۴ و ۲۵. أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِباً فَإِن يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ* وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ بلکه می‌گویند: «بر خدا دروغ بسته است؟!» و اگر خدا بخواهد، بر دل تو مُهر می‌نهد، و خدا باطل را نابود می‌کند و حق را با کلماتش تثبیت می‌کند؛ [چرا] که او به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. و او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. شأن نزول: حکایت شده که پس از نزول آیه‌ی قبل در مورد دوستی اهل بیت علیهم السلام که پاداش رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، گروهی از منافقان گفتند: محمد این سخنان را بر خدا دروغ بسته و هدفش آن است که ما را پس از خود، ذلیل خویشاوندانش سازد. در این جا بود که آیه‌ی بیست و یکم نازل شد و به آنان هشدار داد، سپس برخی از آنان پشیمان شدند و گریستند و از این رو آیه‌ی بیست و دوم فرود آمد و راه توبه را به روی آنان گشود و پیامبر خبر قبولی توبه‌ی آنان را به اطلاعشان رساند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی بیست و چهارم اشاره به استدلال منطقی است که اگر

کسی ادعای نبوّت کند و آیات و معجزات بیاورد و بخواهد مردم را بفریبد، بر خدا تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۸۹ لازم است که او را رسوا و معجزات او را باطل سازد تا مردم راه حق را پیدا کنند؛ و این از لطف خداست. از این رو به مخالفان گوش‌زد می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌تواند از خود آیاتی را بسازد و آیه‌ی مودّت بربافته نیست. ۲. «ذات الصدور» به معنای صاحب سینه‌ها و درون روح و ذهن انسان است، یعنی خدا از افکار و عقایدی که بر دل و ذهن انسان حاکم است و گویی مالک آنها شده باخبر است و این اشاره‌ای لطیف است به حاکمیت افکار بر دل و روح انسان. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا در مورد دروغ‌سازان در دین کوتاه نمی‌آید و هر کس خطا کند با او برخورد می‌کند. ۲. سنّت خدا، تحقّق حق و نابودی باطل است. ۳. راه توبه و بازگشت برای بندگان خدا باز است. ۴. خدا آگاه، توبه‌پذیر و بخشنده است. ۵. خدا از درون و برون شما آگاه است (پس مراقب اعمال خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره شوری به پذیرش دعای مؤمنان و فرجام کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِن فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ و (دعای) کسانی را که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند، می‌پذیرد و از بخشش خود بر آنان می‌افزاید؛ و کافران برایشان عذابی شدید است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا درخواست مؤمنان را می‌پذیرد؛ یعنی دعای آنان را درباره‌ی یک‌دیگر مستجاب می‌کند و عبادات و اعمال آنان و شفاعتشان را در مورد برادرانشان قبول می‌کند، بلکه بر اساس لطف خود، هر گونه درخواست و دعای مؤمنان را (طبق مصلحت) می‌پذیرد. ۲. خدا نه تنها دعای مؤمنان را می‌پذیرد، بلکه از بخشش خود چیزی به آنان می‌افزاید. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از این اضافه، همان شفاعت در مورد کسانی است که در دنیا به آنها نیکی کرده‌اند، اما (بر اثر اعمال بدشان) مستحق آتش دوزخ شده‌اند. «۱» البته روشن است که شفاعت یکی از مصادیق چیزهای اضافه است که خدا می‌دهد. ۳. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که سرنوشت دو گروه مؤمن و کافر را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا مردم بتوانند راه صحیح را آگاهانه انتخاب کنند. در این آیه نیز پذیرش دعای مؤمنان و فرجام عذاب‌آلود کافران با هم بیان شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دعای مؤمنان شایسته‌کردار مستجاب است. ۲. خدا آن‌قدر به مؤمنان شایسته کردار لطف دارد که برخی مطالب درخواست نکرده را به آنان عطا می‌کند. ۳. فرجام کافرورزی عذاب شدید است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹۱ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی شوری به رابطه‌ی سرمایه داری با طغیان‌گری و به تقدیر روزی مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ و اگر (برفرض) خدا روزی را بر بندگانش گسترده می‌ساخت، حتماً، در زمین ستم می‌کردند؛ ولیکن به اندازه‌ی معینی که می‌خواهد فرو می‌فرستد؛ [چرا] که او به بندگانش آگاه و بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «بغی» به معنای ظلم و سرکشی است؛ یعنی اگر ثروت مردم زیاد شود، سرکشی و ستم می‌کنند، ولی برخی مفسران از ابن عباس روایت کرده‌اند که «بغی» در این جا به معنای «طلب» است؛ بنابراین معنای آیه این‌گونه می‌شود: اگر خدا روزی بندگانش را گسترده سازد، باز هم طلب می‌کنند و به دنبال ثروت‌اندوزی بیش‌تر می‌روند. البته معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است. «۱» ۲. در این آیه به رابطه‌ی ثروت‌اندوزی با طغیان‌گری اشاره شده است که یک قانون اجتماعی است؛ یعنی: ثروت زیاد فسادآور است و اگر انسان‌ها غرق در نعمت شوند و خود را بی‌نیاز ببینند، سرمست و سرکش و از اطاعت خدا خارج می‌شوند و به ظلم و فساد می‌پردازند. «۲» آن کس که توانگرت نمی‌گرداند او مصلحت تو به ز تو می‌داند (سعدی) ۳. در این آیه بیان شده که خدا روزی بندگانش را گسترده نمی‌سازد، تا تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹۲ گرفتار سرکشی و ستم نشوند، اما ما در دنیای فعلی می‌بینیم که بسیاری از کافران سرکش و ستمکار سرمایه‌داران هستند، پس چرا خدا به آنان ثروت زیاد داد تا سرکشی کنند؟! پاسخ: اولًا، کافران و ستمکاران از حوزه‌ی بندگان واقعی خدا خارج و بنابراین به حال خود وا گذاشته شده‌اند تا بیش‌تر ستم کنند و مستحق عذاب شدیدتری شوند؛ یعنی گاهی ثروتِ زیاد نوعی مجازات الهی است. ثانیاً، همه‌ی انسان‌ها آزمایش می‌شوند، اما گروهی با فقر و

گروهی بـا ثروت زیـاد. ثالثاً، سـرنوشت سـرمایه‌داران سـرکش، درس عبرتی برای دیگران است که بداننـد ثروتِ تنها خوشـبختی و سعـادت نمی‌آورد و انواع آلودگی‌ها را به دنبال دارد. ۴. مفهوم آیه آن نیست که انسـان برای بهبود وضع مادی خویش تلاش نکند و در فقر به سـر برد، بلکه اگر انسان سستی کند و گرفتار کمبود شود خود مسئول است و فقرش نتیجه‌ی کردار اوست. اما اگر انسان همه‌ی تلاش خود را کرد ولی باز هم روزی حلال او محدود بود، نباید مأیوس و ناراحت شود؛ چرا که ممکن است مصلحت او در ادامه‌ی این حـالت باشـد و اگر ثروت زیادی به او برسـد، چه بسا ظرفیت لازم را نداشـته باشـد و راه سرکشـی و سـتمکاری در پیش گیرد. ۵. در حدیث قدسـی روایت شده که خدا فرمود: برخی بندگانم به وسیله‌ی بی‌نیازی در ثروت اصلاح می‌شوند و فقر آنان را فاسـد می‌کنـد و برخی بنـدگانم به وسـیله‌ی فقر اصـلاح می‌شونـد و اگر ثروتمنـد شونـد فاسد می‌گردند. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹۳ ۶. در برخی روایـات تاریخی حکایت شـده که آیه‌ی فوق در مورد اصـحاب «صـفه»، یعنی یاران فقیر پیامبر علیه السـلام نازل شده است که آرزوی ثروتمند شدن داشتند و گاهی برخی صحابه چشم به اموال یهود دوخته بودند و آرزوی مثل آنها را داشتند. «۱» ولی بـا توجه به مکّی بودن سوره‌ی شوری این مطلب بعیـد است. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. ثروت زیاد عامل سرکشـی و ستمکاری است. ۲. تقـدیر روزی مردم به دست خـدای آگاه است (و او از وضع همگان اطلاع دارد). ۳. برای روزی خویش تلاش کنید، اما تسـلیم مقدّرات الهی باشید، (شاید ثروتمند شدن مصلحت شما نباشد). *** قرآن کریم در آیات بیست و هشتم و بیست و نهـم سوره‌ی شـوری بـه نشانه‌هـای خـدا در بـارش بـاران و آفرینش جهـان و نیز به موجـودات زنـده در آسـمان‌ها اشـاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۲۸ و ۲۹. وَهُوَ الَّذِی یُنَزِّلُ الْغَیْثَ مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَیَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ* وَمِنْ آیَاتِهِ خَلْقُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِیهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَی جَمْعِهِمْ إِذَا یَشَاءُ قَدِیرٌ و او کسـی است که بـاران را، پس از آن‌که (از آمـدنش) ناامیـد شدنـد، فرو می‌فرسـتد و رحمتش را می‌گستراند؛ و او سـرپرستی سـتوده است. و از نشانه‌هـای اوسـت آفرینش آسـمان‌ها و زمیـن و آنچـه از جنبندگان در آن دو پراکنده کرده است؛ و او هر گاه بخواهد بر جمع‌آوری آنها تواناست. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «غیث» به معنای باران سودمنـد و یا به معنای فریادرسـی است. «۱» آری؛ خـدا به فریاد انسان‌ها می‌رسد و باران رحمت خویش را بر تشـنگان می‌بارانـد و نور امیـد را در زنـدگی انسان می‌تاباند. ۲. بـارش باران از لطف و رحمت خـداست و در همان حال نشانه‌ی خدایی حکیم و سرپرستی شایسته‌ی ستایش است، که چرخه‌ی گردش آب را در طبیعت طوری تنظیم کرده است که بخارهای دریاها به صورت ابری پراکنده شود و بارانش همگان را سیراب سازد. ۳. یکی از نشانه‌های خدا آفرینش جهان هستی است؛ جهـان با سـتارگان و سیارات و منظومه‌ها و کهکشان‌ها که با نظمی دقیق در حرکت است و موجودات زیبا و گوناگون را در خود جای داده است. ۴. در این آیات به وجود جنبنـدگان و موجودات زنده در زمین و آسـمان‌ها اشاره شده است؛ یعنی از این آیه می‌تـوان اسـتفاده کرد کـه آسـمان‌ها هم‌چون زمین ساکنـانی زنـده دارنـد. البته واژه‌ی «دابّهٔ» از موجـودات ذره بینی تـا موجـودات غول‌پیکر و انسان را شامل می‌شود. واژه‌ی «آسـمان» نیز در قرآن به معنای محلّ سـتارگان و سیارات و جوّ زمین می‌آیـد؛ بنا بر این، ممکن است مقصود آیه موجودات ذرّه‌بینی معلّق در جوّ زمین یا موجودات زنده در کرات آسمانی باشد، یا هر دو باشد که برخی از احادیث نیز مؤید آن‌اند «۲» براساس دو معنای اخیر، آیه بیان حقیقت علمی است که هنوز برای بشر اثبات نشده است؛ «۳» به عبارت دیگر ایـن آیـه تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۲۹۵ نظریـه‌پردازی علمی قرآن در حـوزه‌ی کیهان‌شناسـی اسـت، که می‌تـواند موضوع تحقیقات کیهان‌شناسان قرار گیرد و در صورت اثبات، یکی از اعجازهای علمی قرآن خواهد بود. ۵. در حدیثی از امام علی علیه السـلام روایت شده که کراتی که در آسـمان است، شهرهایی هم‌چون شهرهای زمین دارد، که هر شهر با شهر دیگر (یا هر کره با کره‌ی دیگر) به وسـیله‌ی ستونی از نور ارتباط دارند. «۱» ۶. مقصود از جمع جنبندگان، یا جمع کردن آنها در روز رسـتاخیز برای حساب است که بنابراین ممکن است حیوانات نیز همانند انسان دارای رسـتاخیز باشند، چرا که آنان امت‌هایی هم‌چون ما هستند. «۲» و یـا مقصـود جمع کردن و منقرض سـاختن جنبنـدگان است، همـان طـور که برخی حیوانـات در طول تاریـخ منقرض شده‌انـد. «۳»

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را با مطالعه در نظام بارش باران بشناسید. ۲. خدا برطرف کننده‌ی ناامیدی‌ها و گسترش دهنده‌ی رحمت است (پس نا امید نباشید). ۳. خدا را با مطالعه در آفرینش جهان بشناسید. ۴. موجودات زنده در آسمان نیز هستند (پس در مورد آنها پژوهش کنید). ۵. قدرت خدا را در انتشار و جمع‌آوری موجودات ببینید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹۶ قرآن کریم در آیات سی ام و سی و یکم سوره‌ی شوری به رابطه‌ی مشکلات بشر با کردار او و قانون مکافات عمل و ناتوانی انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰ و ۳۱. وَمَا أَصَابَكُم مِن مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ* وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ و هر مصیبتی به شما رسد پس به خاطر دستاورد شماست؛ و بسیاری (از خطاهای شما) را می‌بخشد. و شما عاجز کننده (ی خدا) بر زمین نیستید؛ و جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مصیبت‌ها و مشکلات زندگی انسان چند گونه‌اند: اول، مصیبت‌هایی که در اثر اعمال خود انسان گریبان‌گیر او می‌شوند و پیامد گناهان و خطاهای او و نوعی مجازات در مورد سهل انگاری‌ها و گناهان او هستند و موجب بیداری انسان و دفع غفلت‌ها می‌شوند. دوم، مصیبت‌هایی که برای آزمایش انسان‌ها هستند که اگر انسان در برابر آنها استقامت و صبر و شکر کند، به تکامل روحی و شکوفایی استعدادها و مقامات معنوی نایل می‌شود؛ «۱» مثل مصیبت‌هایی که به پیامبران و اولیای الهی می‌رسد. ۲. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: بلا برای ستمکار تأدیب و برای مؤمن امتحان و برای پیامبران درجه و برای دوستان خدا کرامت است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹۷ ۳. رابطه‌ی بین اعمال انسان با بروز مشکلات و مصیبت‌ها، رابطه‌ای قراردادی و اعتباری نیست، بلکه رابطه‌ای تکوینی و حقیقی است؛ یعنی کیفرها و مصیبت‌ها بازتاب طبیعی و تکوینی اعمال انسان‌اند. از دست دیگران چه شکایت کند کسی سیلی به دست خویش زند بر قفای خویش دزد از جفای شحنه چه فریاد می‌کند گو گردنت نمی‌زند الّا جفای خویش چندین چراغ دارد و بیراهه می‌رود بگذار تا بیفتد و بیند سزای خویش (سعدی) ۴. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشد مگر به واسطه‌ی گناهانی که انجام دادند؛ زیرا خدا به بندگانش ستم روا نمی‌دارد و اگر مردم در موقع نزول بلاها و سلب نعمت‌ها با صدق نیت به پیشگاه خدا تضرع کنند و بادل‌های پراشتیاق و آکنده از مهر خدا، از او در خواست جبران کنند، مسلماً آنچه از دست آنان رفته است را بازمی‌گرداند و هرگونه مفسده‌ای را برای آنان اصلاح می‌کند. «۱» ۵. در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: آیه‌ی (فوق) بهترین آیه در قرآن است. ای علی! هر خراشی که از چوبی برتن انسان وارد می‌شود و هر لغزش قدمی بر اثر گناهی است که از او سر زده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹۸ ۶. هیچ کسی نمی‌تواند از قانون حتمی مکافات اعمال خویش بگریزد و خدا را عاجز سازد، بلکه انسان‌ها هیچ سرپرستی برای به دست آوردن منافع و هیچ‌یاوری برای دفع زیان ندارند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر چه می‌کشید از دست خود می‌کشید. ۲. مشکلات شما پیامد کردار شماست (پس در اعمال خود تجدید نظر کنید). ۳. اگر خدا بسیاری از کارهای بد شما را عفو نمی‌کرد، مشکلات شما بیش‌تر بود. ۴. راه گریزی از قانون مکافات عمل نیست. ۵. دل به غیر خدا نبندید که غیر او یاوری نخواهید یافت. *** قرآن کریم در آیات سی و دوم تا سی و پنجم سوره‌ی شوری به نشانه‌های خدا در دریا نوردی و قدرت‌نمایی خدا در آن صحنه و قانون مکافات عمل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲- ۳۵. وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ* إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ* أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ* وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُم مِن مَحِيصٍ از نشانه‌های او (کشتی‌های) روان در دریا هم‌چون کوه‌هاست؛ اگر (خدا) بخواهد، باد را آرام می‌سازد و (کشتی‌ها) بر روی آن راکد می‌شوند؛ قطعاً، در این (امور) نشانه‌هایی برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاس گزار است. یا آنها را به خاطر دستاوردشان هلاک می‌کند (و غرق می‌سازد)؛ و بسیاری (از خطاهای تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۲۹۹ شما) را می‌بخشد. و [تا این که کسانی که درباره‌ی آیات ما مجادله می‌کنند، بدانند که هیچ راه فراری برای آنان نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حرکت کشتی‌ها بر آب اقیانوس‌ها، بر اثر اختلاف وزن

حجمی آنها و وزش باد است که همگی نشانه‌ای از نظم جهان و ناظمی حکیم و داناست. «۱» ۲. در این آیات به افراد صبور و بسیار سپاس‌گزار اشاره شده است، افرادی که در برابر سختی‌های دریا شکیبا هستند و در مورد نعمت کشتی‌ها و حرکت بر آب و نجات از مشکلات سپاس‌گزاری می‌کنند. ۳. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که ایمان دو نیمه است: نیمی از آن شکیبایی و نیم دیگر شکر است. «۲» ۴. در این آیه نیز همچون آیه‌ی قبل به قانون مکافات عمل اشاره شده است که اگر کسی مجازات می‌شود، به خاطر دست‌آورد خود اوست، ولی خدا بسیاری از گناهان و خطاهای انسان را می‌بخشد و به خاطر آن افراد را مجازات نمی‌کند و گرنه بر صحنه‌ی زمین کسی باقی نمی‌ماند. «۳» ۵. خدا می‌تواند کشتی‌ها را از حرکت بیندازد یا اهل کشتی را به خاطر اعمالشان هلاک سازد و کشتی را غرق کند تا کسانی که در مورد آیات خدا مجادله می‌کنند بدانند که هیچ راه گریز و پناهگاهی ندارند، ولی خدا به آنان مهلت می‌دهد و بسیاری از گناهانشان را می‌بخشد تا شاید بیدار شوند و به سوی خدا بازگردند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در حرکت کشتی‌ها خداشناس شوید. ۲. نشانه‌های قدرت خدا را در حرکت کشتی‌ها و توقف آنها ببینید. ۳. افراد صبور و سپاس‌گزار، نشانه‌های خدا را در دریانوردی بهتر درک می‌کنند. ۴. مجازات افراد، مکافات عمل خود آنهاست (پس در اعمال خود تجدید نظر کنند). ۵. خدا به لطف خود از بسیاری از گناهان شما می‌گذرد و مجازاتتان نمی‌کند. ۶. برخی مجازات‌ها و مشکلات برای آن است که مجادله‌گران بیدار شوند. *** قرآن کریم در آیات سی و ششم تا سی و نهم سوره‌ی شوری با بیان ویژگی‌های مؤمنان متوکّل، به برتری مواهب الهی بر دنیا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶- ۳۹. فَمَا أُوتِيتُم مِن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ* وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ* وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ* وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنتَصِرُونَ و هر چیزی به شما داده شده، پس کالای زندگی دنیا است؛ و آنچه نزد خداست، برای کسانی که ایمان آورده و تنها بر پروردگارشان توکّل می‌کنند، بهتر و پایدارتر است. و (همان) کسانی که از گناهان بزرگ و [کارهای زشت پرهیز می‌کنند، و هنگامی که خشمگین شوند، آنان می‌آمرزند. و (همان) کسانی که (دعوت) پروردگارشان را پذیرفتند و نماز را بر پا داشتند و کارشان با مشورت میان (خود) شان است و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم (در راه خدا) هزینه می‌کنند؛ و (همان) کسانی که هرگاه ستمی به آنان برسد، ایشان (از همدیگر) یاری می‌جویند (و ستم را دفع می‌کنند). تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات امور دنیوی با امور معنوی که نزد خداست مقایسه شده است. امور دنیوی بسیار زودگذر و ناچیز و پست‌اند، اما مواهب الهی، جاویدان و ارزشمندند؛ پس کسی در بازار دنیا سود برده است که به وسیله‌ی این کالای زودگذر به آن مواهب جاویدان دست یابد و این دو را با همدیگر مبادله کند. ۲. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: به خدا سوگند! دنیا در برابر آخرت مثل این است که یکی از شما انگشت خود را به دریا زند و سپس بیرون آورد؛ باید ببیند که چه مقدار آب دریا را با آن انگشت برداشته است؟! «۱» ۳. «کبائر» به معنای بزرگ است و مقصود گناهانی است که وعده‌ی عذاب و آتش بر آنها داده شده باشد؛ «۲» همچون شرک، ظلم، زنا و ... «۳» ۴. مقصود از «فواحش» کارهای بسیار زشت، همچون اعمال منافی عفت است که مؤمنان از آنها دوری می‌کنند و خود را آلوده نمی‌سازند. ۵. در این آیات یکی از ویژگی‌های مؤمنان را عفو در هنگام خشم معرفی کرده است. جالب آن است که آیه نمی‌فرماید مؤمنان خشم نمی‌کنند، چرا که خشم امری طبیعی و غریزی است، ولی می‌فرماید هرگاه خشم کردند خود را کنترل می‌کنند و از حد و مرز الهی و انسانی و اخلاقی خارج نمی‌شوند و دشمن خود را می‌بخشند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۲ ۶. در حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده: کسی که به هنگام میل به چیزی و به هنگام ترس و به هنگام خشم، مالک نفس خود باشد (و خود را کنترل کند) خدا بدن او را بر آتش حرام می‌کند. «۱» ۷. این آیات، یکی از ویژگی‌های مؤمنان را مشورت معرفی کرده است. اصل شورا در اسلام و زندگی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین پایه‌هاست که فواید زیادی دارد، از جمله این که: - به وسیله‌ی مشورت، اشکالات ونواقص

کارها بر طرف می‌شود؛ - انسان به وسیله‌ی مشورت، از فکرها و طرح‌ها و تجارب دیگران استفاده می‌کند؛ - انسان، بعد از مشورت، یاران هم‌فکر پیدا می‌کند که او را حمایت می‌کنند؛ «۲» - انسان به وسیله‌ی مشورت به سوی رشد و هدایت می‌رود و از لغزش‌ها دور می‌شود. «۳» ز آن که با عقلی چو عقلی جفت شد مانع بد فعلی و بد گفت شد ... عقل را با عقلِ یاری یار کن امر هم شوری بخوان و کار کن ... این خردها چون مصابیح انور است بیست مصباح از یکی روشن‌تر است (مولوی) ۸. مشورت بین مؤمنان کاری زودگذر نیست، بلکه برنامه‌ی ثابت آنهاست «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۳ و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله با این که با وحی در ارتباط بود، ولی در کارها و حتی جنگ‌ها با مردم مشورت می‌کرد و گاهی نظرهای آنان را ترجیح می‌داد. «۱» البته مشورت درباره‌ی موضوعات و امور اجرایی است، اما در احکام الهی که از طرف خدا معین می‌شوند مشورت جایی ندارد. ۹. یکی از ویژگی‌های مؤمنان ستم‌ناپذیری آنان است؛ یعنی هنگامی که مظلوم واقع می‌شوند مقاومت می‌کنند و از دیگران کمک می‌طلبند و در برابر ستمکار می‌ایستند و مؤمنان دیگر نیز آنان را یاری می‌کنند؛ «۲» یعنی تنها بودن مظلوم دلیل بر سکوت او نمی‌شود. ۱۰. در این آیات هشت ویژگی مؤمنان بر شمرده شده است که عبارت‌اند از: توکّل، دوری از گناهان کبیره و کارهای زشت، عفو در هنگام خشم، پاسخ مثبت به دستورات الهی، نماز، مشورت، انفاق و ظلم‌ستیزی. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مواهب الهی را پایدارتر و بهتر از دنیا بدانید. ۲. دنیا کالایی پست و کم ارزش است پس (بدان دل نبندید بلکه) به خدا دل ببندید. ۳. در هنگام خشم و گناه، خود را کنترل کنید. ۴. نماز، اطاعت از خدا، انفاق و مشورت از نشانه‌های مؤمنان است. ۵. مؤمنان ظلم‌پذیر نیستند، حتی در تنهایی. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۴

شورا در اسلام

الف) مشورت در قرآن: ۱. رهبر مسلمانان با مردم مشورت کند (آل‌عمران، ۱۵۹)؛ ۲. مؤمنان در کارها با یکدیگر مشورت می‌کنند (شوری، ۳۸)؛ ۳. پدر و مادر در مورد کارهای کودک با یکدیگر مشورت کنند (بقره، ۲۳۳). ب) مشورت در احادیث: ۱. «هیچ کس با کسی مشورت نکند مگر آن که به راه هدایت (و درست) ره‌نمون شود.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله)؛ «۱» ۲. «هر کس با خردمندان مشورت کند، از پرتوهای خردها روشنایی گیرد.» (امیرالمؤمنین علیه السلام)؛ «۲» ۳. «هیچ پشتیبانی هم‌چون مشورت نیست.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۳»؛ ج) با چه کسی مشورت کنیم؟ ۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: «ای علی! با ترسو مشورت مکن؛ زیرا او راه حل مشکل را بر تو تنگ می‌کند. و با بخیل مشورت مکن، زیرا او تو را از هدفت باز می‌دارد و با آدم حریص مشورت مکن، زیرا او آزمندی را در نظرت نیکو جلوه می‌دهد» «۴»؛ ۲. از امام صادق علیه السلام حکایت شده: «با احمق مشورت مکن» «۵»؛ ۳. با این افراد مشورت کن: «با عاقل مشورت کن.» (رسول اللّه صلی الله علیه و آله) «۶»؛ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۵ «کسانی که از خدا می‌ترسند مشورت کن.» (امام علی علیه السلام) «۱»؛ «بهترین کسان برای مشورت تو، افراد با تجربه هستند.» (امام علی علیه السلام) «۲»؛ «با دشمنانت مشورت کن، تا از نظر آنها مقدار دشمنی آنها را متوجه شوی و به هدفشان پی‌ببری.» (امام علی علیه السلام) «۳». تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۶ قرآن کریم در آیات چهلم تا چهل و سوم سوره‌ی شوری قانون مقابله‌ی به مثل را تأیید و ستم‌کاران را نکوهش و عفو را تشویق می‌کند و می‌فرماید: ۴۰- ۴۳. وَجَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ* وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولئِكَ مَا عَلَيْهِم مِن سَبِيلٍ* إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ* وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ و کیفر بدی، (مجازات) بدی همانند آن است؛ و هر کس ببخشد و اصلاح نماید، پس پاداش او بر خداست؛ [چرا] که او ستمکاران را دوست ندارد. و هرکس که بعد از ستم (دیدگی) اش یاری جوید (تا آن را دفع کند)، پس آنان هیچ راهی (برای ایراد) بر ایشان نیست؛ راه سرزنش فقط بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق (تجاوز به حقوق، و) ستم می‌کنند؛ آنان برایشان عذابی

دردناک است. و هر کس شکیبایی کند و بیامرزد (دارای اراده‌ی استوار است؛ چرا) که این [حاکی از تصمیم استوار (او در) کارهاست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم همان طور که با ظلم به سختی مبارزه می‌کند، ظلم‌پذیری را نیز رد می‌کند و به مظلومان اجازه می‌دهد که از دیگران یاری بخواهند و با ستمکاران مقابله کنند. ۲. قرآن کریم قانون مقابله به مثل را می‌پذیرد و بارها آن را تأیید کرده است، یعنی اگر کسی به انسانی ستم کرد و یا کار بدی انجام داد، طرف مقابل می‌تواند به همان اندازه او را مجازات کند. «۱» ای زورمند، روز ضعیفان سیه مکن خونابه می‌چکد همی از دست انتقام (پروین) تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۷ ۳. قرآن کریم به خاطر آن که جامعه‌ی انسانی به سوی محبت و انسجام و آرامش پیش برود و کینه‌ها پابرجا نشود، بارها تأکید کرده است که بهتر است از خطاهای دیگران درگذرید و با عفو و گذشت کارها را اصلاح کنید و این عفو را کار پرارزش و نشانه‌ی عزم راسخ افراد معرفی می‌کند. البته عفو بدکاران در صورتی است که از موضع قدرت باشد و به اصلاح منتهی شود و ستمکاران از آن سوء استفاده نکنند. ۴. در این آیه، کار ستمکاران را «بد» و مجازات آنان را نیز «کاربد» معرفی کرده است، در حالی که مجازات ستمکاران مسلماً بد نیست. پس بدی مجازات یا به خاطر آن است که در هر مجازاتی نوعی آزار دیگران است و یا به خاطر قرینه‌ی مقابله و مقدمه‌ی بیان عفو است. «۱» ۵. عبارت «خدا ستمکاران را دوست ندارد»، هشداری است به کسانی که مقابله‌ی به مثل می‌کنند، تا از حد اعتدال خارج نشوند و نیز اشاره به آن است که عفو بدکاران به معنای دوست داشتن ستمکاران و حمایت از آنان نیست. و نیز اشاره‌ای به ستمکاران است که دست از کارهای بد خود بردارند و فکر نکنند همیشه با عفو مواجه می‌شوند. ۶. در این آیات بیان شده که اگر کسی از دیگران در برابر ستمکاران تقاضای کمک کند، مستحق سرزنش نیست، بلکه این ستمکاران به مردم و سرکشان متکبر و متجاوزان به حقوق مردم هستند که مستحقّ سرزنش‌اند و فرجام عذاب‌آلودی دارند. ۷. «ظلم» در این جا به معنای ستم به مردم، «بغی» به معنای کوشش برای تجاوز به حقوق مردم و حدود الهی است که شامل ستم نیز می‌شود و تعبیر «بغیر الحق» تأکید بر آن است. «۲» ۸. «عزم» به معنای تصمیم بر انجام کار و اراده‌ی محکم است؛ یعنی صبر و عفو از کارهایی است که خدا به آن فرمان داده و قابل تغییر نیست و یا از تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۸ کارهایی است که انسان باید عزم راسخ در انجام آن داشته باشد. ۹. در برخی احادیث، آیات فوق به قیام امام مهدی (عجل‌اللّه تعالی فرجه الشریف) و انتقام از ستمکاران و فسادگران در زمین تفسیر شده است. «۱» البته این‌گونه احادیث مصداق روشن آیه را بیان می‌کنند و دلیل بر انحصار نیستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شما می‌توانید از قانون مقابله به مثل در برابر ستمکاران استفاده کنید. ۲. عفو (از موضع قدرت) و اصلاح بین مردم بهتر از انتقام است و پاداش بزرگی دارد. ۳. ستمکاری، انسان را از محبت خدا دور می‌سازد. ۴. ظلم‌پذیر نباشید و مقابله‌گران با ظلم را سرزنش نکنید. ۵. فرجام ستمکاران و سرکشان عذاب‌آلود است. ۶. صبر و عفو (از موضع قدرت) نشانه‌ی ضعف نیست، بلکه نشانه‌ی عزم راسخ شماست. *** قرآن کریم در آیات چهل و چهارم تا چهل و ششم سوره‌ی شوری به عذاب رستاخیز و گفتار ستمکاران گمراه و مؤمنان در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۴- ۴۶. وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن وَلِيٍّ مِن بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِن سَبِيلٍ* وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ* وَمَا كَانَ لَهُم مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنصُرُونَهُم مِن دُونِ اللَّهِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن سَبِيلٍ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۰۹ و هر کسی را خدا (به خاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس بعد از او هیچ سرپرستی برای او نیست، و ستمکاران را می‌بینی هنگامی که عذاب را می‌بینند، می‌گویند: «آیا راهی به سوی بازگشت وجود دارد؟!» و آنان را می‌بینی که بر آن (آتش) عرضه می‌شوند، در حالی که از خواری فروتن‌اند، و (زیر) چشمی، پنهان (بدان) می‌نگرند؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌گویند: «در واقع زیانکاران کسانی هستند که به خودشان و خانواده‌هایشان در روز رستاخیز زیان رسانده‌اند؛ آگاه باشید که ستمکاران در عذابی پایدار هستند!» و برای آنان جز خدا، یاوران (و سرپرستان) ی نیستند که یاری‌شان کنند؛ و هر کسی را خدا (به خاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس هیچ راه (نجات) ی برای او

نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به قانون گمراه شدن افراد اشاره شده است که ممکن است خدا در اثر کردار، سخنان و عقاید انحرافی، برخی افراد را در گمراهی وانهد و توفیق هدایت را از آنان سلب کند. البته هدایت و گمراهی جنبه‌ی اجباری ندارد، بلکه نتیجه‌ی اعمال و عقاید خود انسان‌هاست و قرآن نیز بارها به این نکته اشاره کرده است. «۱» ۲. در آیات متعددی از قرآن بیان شده است که ستمکاران و گناهکاران دوزخی در روز رستاخیز تقاضای بازگشت به دنیا می‌کنند، تا گذشته‌ی خود را جبران کنند، ولی به تقاضای آنان پاسخ منفی داده می‌شود؛ چرا که بازگشت به دنیا امکان‌پذیر نیست، همان طور که بازگشت طفل به دوران جنینی امکان‌پذیر نیست و این سنت الهی است؛ و علاوه بر آن این‌گونه افراد در دنیا نشان دادند که قابل اصلاح نیستند و اگر بازگردند باز هم به روش قبل خود ادامه می‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱۰ ۳. در این آیات به دو حالت ستمکاران گمراه در رستاخیز اشاره شده است: الف) حالت پشیمانی و تقاضای بازگشت به دنیا؛ ب) حالت ذلّت و فروتنی در برابر آتش که زیرچشمی یا با چشمی نیمه‌باز به آن می‌نگرند. «۱» ۴. در این آیات به نتیجه‌ی اعمال ستمکاران اشاره شده است: الف) زیانکاری آنان در رستاخیز که عمر و جان و خانواده‌ی خویش را داده ولی چیزی در برابر آن به دست نیاورده‌اند؛ ب) عذاب دایم الهی که گرفتار آن شده‌اند؛ ج) تنهایی و بی‌یاوری آنان در رستاخیز. ۵. این آیه به مؤمنانی اشاره می‌کند که در رستاخیز به سخن می‌آیند و با بیان زیانکاری ستمکاران، آنها را سرزنش می‌کنند. این مؤمنان همان مظلومانی هستند که در طول تاریخ از دست ستمکاران عذاب کشیده و اینک در قیامت با ستمکاران روبه‌رو شده‌اند و زیانکاری آنان را می‌بینند. مظلومانی همچون پیروان امام علی علیه السلام و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام که راه مظلومیت آنان را همچنان ادامه می‌دهند. «۲» ۶. زیانکار واقعی کسی است که سرمایه‌های اساسی همچون عمر و استعداد و خانواده‌ی خویش را از دست بدهد و در برابر آن پاداش الهی کسب نکند و در رستاخیز با دست خالی و تنها وارد شود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گمراهی انسان عامل محرومیت او از یاری خدا و دیگران است. ۲. ستمکاری عامل پشیمانی در رستاخیز است. ۳. ستمکاران گردن‌کش در برابر عذاب رستاخیز ذلیل و فروتن می‌شوند. ۴. معیار زیانکاری، زیان خود و خانواده در رستاخیز است. ۵. ستمکاری عامل عذاب دایمی و تنهایی و بی‌یاوری در رستاخیز است. ۶. گمراهی هرگونه راه نجاتی را بر روی انسان می‌بندد. ۷. اگر سعادت اخروی می‌طلبید، ستمگری نکنید. ۸. به (سرمایه‌ی عمر و استعداد) خویش و خانواده (و سعادت آنها) بیندیشید تا زیانکار نشوید. *** قرآن کریم در آیات چهل و هفتم و چهل و هشتم سوره‌ی شوری با فراخواندن مردم به سوی خدا به آنان هشدار داده و با دلداری به پیامبر صلی الله علیه و آله به حالات مختلف انسان در برابر نعمت و مصیبت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷ و ۴۸. اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُم مِن قَبْلِ أن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَالَكُم مِن مَلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُم مِن نَكِيرٍ* فَإِن أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنسَانَ كَفُورٌ (دعوت) پروردگارتان را بپذیرید، پیش از آن‌که روزی فرا رسد که از [جانب خدا هیچ بازگشتی برای آن نیست؛ در آن روز هیچ پناهگاهی برای شما نیست و هیچ (مجال) انکاری برای شما نیست. و اگر روی‌گردان شوند، پس تو را (به عنوان) نگهبان [مستمر] بر آنان نفرستادیم، بر تو (وظیفه‌ای) جز رساندن [پیام نیست. و در حقیقت، هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم، بدان شادمان گردد، و اگر به خاطر دستاورد پیشین‌شان بدی به آنان برسد، پس (ناسپاسی می‌کنند؛ چرا) که انسان بسیار ناسپاس است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. روز رستاخیز، روزی است که خدا فرمان داده که هیچ کس نمی‌تواند بازگردد؛ از این رو کسی نمی‌تواند در برابر فرمان خدا مقاومت کند و بازگردد «۱» و تمام راه‌ها بسته است و انسان هیچ پناهگاه و مدافعی نخواهد داشت و در آن روز نمی‌تواند گناهان خود را انکار کند چرا که همه چیز و همه‌ی گواهان حاضرند. «۲» ۲. در این آیه بیان شد که تنها وظیفه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ابلاغ پیام الهی است و او نگهبان مردم و مسئول اعمال آنها نیست. البته این انحصار وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله، حصر اضافی است، یعنی تو نسبت به این افراد لجوج در محیط مکه وظیفه‌ای جز ابلاغ پیام

نـداری؛ وگرنه پیامبر در شـرایط دیگر و در برابر افراد دیگر وظایف دیگری نیز داشت که گاهی به جهاد و جنگ منتهی می‌شـد. ۳. در این آیات به حالات انسان‌های تربیت نایافته در پرتو وحی اشاره شـده است، انسان‌هایی کم ظرفیت که در برابر نعمت‌های اندک «۳» خوشحال و سرمست و غافل می‌شوند و خدا را از یاد می‌برند و در برابر مشکلاتی که پیامد اعمال خود آنهاست ناامید و ناسپاس می‌شوند، در حالی که مردان خدا پرظرفیت‌اند و در حال نعمت و سختی خدا را فراموش نمی‌کنند و سپاس‌گزار او هستند. ۴. در این آیـات خـدا نعمت‌هـا را بـه خـود نسبت می‌دهـد، چرا کـه مقتضـای رحمـت اوست، ولی اشـاره می‌کنـد که بخشـی از مشـکلات و مصیبت‌هایی که به انسان می‌رسد در اثر اعمال خود اوست، چرا که پیامد کارهای اوست. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیونـد خود را با خدا برقرار سازید که رسـتاخیز برای این کار دیر است. ۲. رستاخیز روز بی‌پناهی، بی‌دفاعی و روزی بی‌بازگشت است. ۳. وظیفه‌ی رهبران الهی و مبلغـان دینی، فقـط رسانـدن پیام به مردم است (و لازم نیست آنها را بر هـدایت اجبار کنند). ۴. انسـان کم ظرفیت است و زود شـاد یـا (غمگین و) ناسـپاس می‌شود. ۵. ریشه‌ی مشـکلات و مصیبت‌ها را در اعمال خودتان جست‌وجو کنید. *** قرآن کریم در آیات چهل و نهم و پنجاهم سوره‌ی شوری به فرمانروایی خدا و قدرت او در زایایی و نازایی انسانها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۹ و ۵۰. لِلَّهِ مُلْكُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثاً وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الـذُّكُورَ* أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَاناً وَإِنَاثاً وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيماً إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ فرمان‌روایی آسـمان‌ها و زمین فقط از آنِ خداست؛ هر چه را بخواهـد می‌آفرینـد؛ به هر کس بخواهـد، دختر می‌بخشـد و به هر کس بخواهـد پسر می‌بخشـد؛ یـا آنـان را پسـران و دخترانِ جفت می‌دهـد؛ و هر کس را بخواهـد نـازا قرار می‌دهـد؛ [چرا] که او دانـای توانـاست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات به چهار صـفت اساسـی خـدا اشاره شـده است که عبارت‌انـد از: الف) مالکیت و حکومت مطلق جهان؛ ب) آفرید‌گاری او که نمونه‌ای از آن را در ایجاد فرزنـدان می‌بینیم؛ ج) قـدرت خـدا بر انجـام کارهـا یا جلوگیری از آنها؛ د) علم بی پایان الهی. ۲. مالکیت و فرمانروایی خـدا هم‌چون حکومت و مالکیت انسان‌ها تفسیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۳۱۴ اعتبـاری و قراردادی نیست، بلکه حقیقی و تکـوینی است، یعنی همه‌ی هستی تحت فرمان او و وابسته به اوست و از این روست که هرچه اراده کند می‌آفریند یا از آن جلوگیری می‌کند و به هر کس بخواهـد پسـر یـا دختر می‌دهـد و همه‌ی این‌هـا مظهر مـالکیت و حکومت مطلق اوست. البته اراده‌ی الهی تـابع حکمت اوست، پس مصـلحت افراد و زمینه‌ها و ... را رعایت می‌کند. ۳. در این آیات مردم به چهار گروه تقسیم شده‌اند: الف) گروهی که تنها دارای دختر می‌شونـد و آرزوی پسـر دارند. ب) گروهی که تنها دارای پسر می‌شوند و آرزوی دختر دارند. ج) گروهی که هم پسـر و هم دختر دارنـد. د) گروهی که عقیم هسـتند و فرزندی ندارند. آری؛ همه این امور به دست خداست که بر اساس حکمت و مصـلحت افراد را به صورت‌های مختلف قرار می‌دهد تا در پرتو این تفاوت‌ها راه رشد و تکامل و سعادت را بپویند. ۴. در این آیات بیان شـده که فرزنـددار شدن و جنس پسـر و دختر به دست خداست؛ البته در عصـر ما تأثیر برخی داروها و غذاها در این امور ثابت شده است اما این‌ها احتمال را افزایش می‌دهد و قطعی نیست. البته این بدان معنا نیست که اسـباب و عوامل مؤثر نیست و انسان برای به دست آوردن فرزنـد دل خواه تلاش نکنـد، بلکه این آیه اشاره به آن است که علت و سـبب اصـلی فرزنددار شدن و جنس آن به دست خداست و همه چیز در این راسـتا معنا پیدا می‌کند؛ پس اگر فرزنددار شدید او داده است و اگر نه، او صلاح ندانسته است. ۵. در این آیات، دختر قبل از پسـر ذکر شـده و هر دو هـدیه‌ی الهی معرفی شده‌انـد. این نوعی احیای شخصـیت زن و مبارزه با افکار و خرافات جاهلی در مورد کراهت از دختر است که اسـلام پیش‌تاز این مبارزه بوده است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱۵ ۶. در حدیثی روایت شده که پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمود: از خجسـته بودن زن آن است که نخست دختر آورد، سـپس پسر آورد. آنگاه حضـرت به آیه‌ی فوق استشـهاد کردند که دختر را قبل از پسر آورد. «۱» ۷. مقصود از «زوج» در این آیه همراه شـدن دختر و پسـر در یک خانواده است، نه به معنای ازدواج. برخی مفسـران هم این تعبیر را اشاره به فرزندان دو قلو یا تولد فرزندان پسـر و دختر پشت سرهم دانسته‌اند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حاکمیت، قدرت و علم خدا را با مطالعه در تولد فرزندان دختر و پسر بشناسـید. ۲.

دختر و پسر هر دو بخششی الهی هستند. ۳. زایایی و نازایی انسان‌ها به دست خداست. ***

اقسام وحی

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی شوری به اقسام وحی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْياً أَوْ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ و برای هیچ بشری (شایسته) نیست که خدا با او سخن بگوید، جز به وحی (مستقیم) یا از پشت مانعی یا فرستاده‌ای (از فرشتگان) می‌فرستد، و با رخصت او آنچه را بخواهد وحی می‌کند؛ [چرا] که او بلند مرتبه‌ای فرزانه است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که گروهی از یهودیان خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: اگر تو پیامبری، پس همچون موسی با خدا سخن بگو و به او نگاه کن تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱۶ تا به تو ایمان آوریم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: موسی نیز هرگز خدا را ندید. و بدین مناسبت آیه‌ی فوق فرود آمد و چگونگی ارتباط پیامبران با خدا را بیان کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از سه طریقِ ارتباط خدا با بشر سخن گفته شده است: الف) وحی مستقیم به پیامبر که از طریق القای به قلب صورت می‌گیرد. ب) سخن گفتن خدا با پیامبر که از پشت مانع و حجات است، کنایه از این که مانند کسی است که از پشت پرده سخن می‌گوید که صدای او را می‌شنوند ولی خود او را نمی‌بینند. همان طور که خدا در کوه طور «۲» با موسی سخن گفت و در خواب صادق برخی مطالب را به ابراهیم وحی کرد. «۳» ج) از طریق فرستادن فرشته‌ی وحی، جبرئیل. شاید این سه طریق به ترتیب اهمیت و شرافت باشد که هر کدام برای برخی پیامبران تحقق یافته است. ۲. از هر سه طریقِ وحی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده است؛ یعنی: «۴» گاهی جبرئیل برای پیامبر وحی را می‌آورد «۵» و گاهی خدا مستقیم با پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گفت مثل معراج. و گاهی از پس پرده مطالب به پیامبر صلی الله علیه و آله القا می‌شد، همچون خوابی که در مورد فتح مکه دیدند «۶» یا مطالبی که در معراج شنیدند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱۷ ۳. وحی از طریق جبرئیل به چند صورت انجام شد: الف) فرشته‌ی وحی به صورت انسانی خوش‌چهره به حضور ایشان می‌رسید و مطالب را می‌گفت. «۱» ب) جبرئیل به صورت اصلی بر پیامبر صلی الله علیه و آله ظاهر می‌شد، که این کار تنها دو بار انجام شد. «۲» ۴. «وحی» در اصل به معنای اشاره‌ی سریع است که به صورت کلام رمزی یا صدا یا اشاره با اعضا و یا نوشتن صورت می‌گیرد و در قرآن کریم در معانی مختلفی استعمال شده است؛ از جمله: الف) به معنای اشاره که در مورد حضرت زکریا آمده است. «۳» ب) به معنای الهام غریزی که در مورد زنبور عسل آمده است. «۴» ج) به معنای الهام به جمادات که در مورد زمین آمده است. «۵» د) به معنای الهام به انسان که در مورد مادر موسی آمده است. «۶» ه) به معنای تدبیر و تقدیر تکوینی نظام هستی که در مورد آسمان‌ها آمده است. «۷» و) به معنای امر و دستور که در مورد حواریین آمده است. «۸» ز) به معنای وسوسه و دروغ‌پردازی که در مورد شیطان‌ها آمده است. «۹» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱۸ ح) به معنای خبر دادن یا وحی تسدیدی که در مورد پیشوایان دین آمده است. «۱» البته ممکن است برخی از این اقسام با برخی دیگر قابل ادغام باشند. ۵. حقیقت وحی بر ما پوشیده است ولی می‌دانیم که پیامبران شعوری مرموز داشته‌اند که می‌توانسته‌اند پیام‌های الهی را دریافت کنند و بقیه‌ی انسان‌ها از آن محروم بودند. آنان همچون بینایان در شهر نابینایان و مانند کسانی بودند که دستگاه گیرنده‌ای قوی در اختیار داشتند که حقایق الهی و قرآنی را شهود می‌کردند و می‌گرفتند و برای مردم حکایت می‌نمودند. ۶. در این آیه به دو صفت بلندمرتبه و حکیم بودن خدا اشاره شده است و این اشاره دارد که وحی الهی با حکمت خدا و مقام بلند او ارتباط دارد و پرتوی از آنهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از سه طریق با بشر تماس می‌گیرد؛ گاهی مستقیم و گاهی از پس پرده و گاهی به وسیله‌ی فرشته. ۲. فرشتگان وحی بدون خواست و رخصت الهی چیزی نمی‌گویند (پس وحی در کنترل و حفاظت الهی است). ۳. وحی، پرتوی از حکمت خدای بلندمرتبه است. ۴. وحی‌شناس شوید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و دوم و پنجاه و سوم سوره‌ی شوری به چگونگی نزول وحی

بر پیامبر صلی الله علیه و آله و نور قرآن و راه مستقم خدا اشاره می کند و می‌فرماید: ۵۲ و ۵۳. وَكَذٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنتَ تَدْرِى مَا الْكِتَبُ وَلَا تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۱۹ الْإِيمَانُ وَلكِن جَعَلْنَاهُ نُوراً نَهْدِى بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِى إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ* صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِى لَهُ مَا فِى السَّماوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ و این گونه، از فرمان خویش به سوی تو (قرآنِ) روح بخش را وحی کردیم، در حالی که نمی‌دانستی کتاب (: قرآن) و ایمان (به محتوای آن) چیست؛ ولیکن آن را نوری قرار دادیم که به وسیله‌ی آن هر کس از بندگانمان را که بخواهیم (و شایسته بدانیم)، راه‌نمایی می کنیم؛ و قطعاً، تو به سوی راه راست راه‌نمایی می کنی. (همان) راه خدایی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آنِ اوست؛ آگاه باشید که همه‌ی کارها تنها به سوی خدا بازمی گردد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از تعبیر «کذلک» استفاده می‌شود که هر سه قسم وحی که در آیه‌ی قبل بیان شده در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تحقق یافته است؛ یعنی وحی مستقیم و وحی از پشت پرده و وحی از طریق فرشته. «۱» ۲. مقصود از «روح» در آیات فوق چیست؟ اکثر مفسرن برآن‌اند که مقصود همان قرآن است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله وحی شده است؛ قرآنی که مایه‌ی حیات دل و زندگی انسان است؛ و قراین موجود در آیه این دیدگاه را تقویت می کند. «۲» اما برخی از مفسران احتمال داده‌اند که مقصود از «روح» همان روح القدس باشد؛ یعنی فرشته‌ای که از جبرئیل و میکائیل برتر و همیشه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. در برخی احادیث «۳» نیز به این مطلب اشاره شده است. «۴» البته مانعی ندارد که هر دو تفسیر مقصود آیه باشد و خدا روح القدس و قرآن را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاده باشد. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۲۰ ۳. مقصود از «کتاب» در این آیه قرآن است که قبلًا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نشده بود و او از محتوا و جزئیات آن خبر نداشت و به طور طبیعی به آن جزئیات نیز ایمان نداش

بخش پنجم: سوره‌ی زخرف

اشاره

اثبات توحید و نفی فرشته‌پرستی اهمیت نبوت و بیان سرگذشت ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام معادگرایی اهمیت قرآن و خردورزی در مورد آن تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۲۳

اول: سیمای سوره‌ی زخرف

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

کلیات

سوره‌ی زخرف در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمد و دارای ۸۹ آیه، ۸۳۳ کلمه و ۳۴۰۰ حرف است. این سوره شصت و دومین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی «شوری و قبل از سوره‌ی «دخان») و در اواخر اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه فرود آمد، اما در چینش کنونی قرآن، چهل و سومین سوره به شمار می‌آید. تنها نام این سوره «زخرف» به معنای زینت و زیور است و سبب نام‌گذاری آن آیه‌ی ۳۵ این سوره است که از زینت‌ها و جلوه‌های مادی و فریبنده‌ی دنیا سخن می گوید. در مورد فضیلت تلاوت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی زخرف را قرائت کند، از کسانی است که در روز قیامت به این خطاب، مخاطب می‌شود: ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه غمی «۱» و ... تذکر:

این آثار سوره‌ها برای کسانی است که مفاهیم و خطاب‌های سوره را بخوانند و در آن تدبّر و سپس طبق آن عمل کنند؛ در این صورت است که آنان واقعاً مخاطب این نداها و این سوره هستند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۲۴

ویژگی ها

از سوره‌های «حم» دار است.

اهداف

هدف‌های اساسی سوره‌ی زخرف عبارت‌اند از: ۱. اثبات توحید؛ ۲. اشاره‌ای به معاد؛ ۳. بیان اهمیت قرآن و نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که در سوره‌ی زخرف مطرح شده‌اند عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان دلایل توحید (در آیات ۱۰- ۱۲)؛ ۲. مبارزه با شرک و دختر خدا نامیدن ملائکه (در آیات ۱۶ و ۱۹)؛ ۳. بیان مسأله‌ی معاد و پاداش مؤمنان و سرنوشت شوم کافران (در آیات ۳۸- ۴۱)؛ ۴. تأکید بر اهمیت قرآن و حفظ آن (در آیات ۲- ۴ و ۴۳)؛ ۵. اشاراتی به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۲۳ و ...) ب) اخلاق: اندرزها و پندهای کلی. ج) داستان‌ها: ۱. بیان سرگذشت ابراهیم علیه السلام (در آیات ۲۶- ۲۸)؛ ۲. بیان سرگذشت موسی علیه السلام (در آیات ۴۶- ۵۶)؛ ۳. اشاره‌ای به سرگذشت عیسی و بشر بودن او علیه السلام (در آیات ۵۷- ۶۵). د) مطالب فرعی: ۱. سرزنش تقلید کورکورانه از پدران (در آیات ۲۲- ۲۴)؛ ۲. بیان برخورد نامطلوب جاهلان با قرآن (در آیه‌ی ۳۱)؛ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۲۵ ۳. مبارزه با خرافاتی هم‌چون تنفّر از دختران (در آیه‌ی ۱۷)؛ ۴. در هم کوبیدن ارزش‌های باطل که بر جامعه بی ایمانی حاکم بود و بیان ارزش‌های والای انسانی و اسلامی (در آیات ۱۶- ۲۲ و ...)؛ ۵. تهدید مجرمان (در آیات ۷۴- ۷۶)؛ ۶. گزارش تقسیم ارزاق (در آیه‌ی ۳۲)؛ ۷. قرآن کریم را عربی قرار داد تا تفکّر کنید (در آیه‌ی ۳)؛ ۸. زمین هم‌چون بستری آرام است (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۹. هشدار در مورد شیطان (در آیات ۲۶ و ۳۶)؛ ۱۰. زیور دوستی، صفت غالب زنان (در آیه‌ی ۱۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۲۷

دوم: محتوای سوره‌ی زخرف

خردورزی از اهداف قرآن

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره‌ی زخرف به روشنگری، محل والا- و عربی بودن قرآن و لزوم خردورزی در آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱- ۴. حم* وَالْكِتَبِ الْمُبِينِ* إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآناً عَرَبِيّاً لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ* وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَبِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ حا، میم. سوگند به کتاب روشنگر! که ما آن را خواندنی عربی (: واضح) قرار دادیم، تا شاید شما خردورزی کنید. و قطعاً، در نوشته‌ی اصلی (: علم الهی) نزد ما بلندمرتبه‌ای حکمت‌آمیز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد حروف مقطعه‌ی قرآن کریم در آغاز سوره‌های بقره و آل عمران مطالبی بیان شده. این حروف یا اسراری بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و یا نشان دهنده‌ی آن است که قرآن با تمام عظمت و اعجازش از همین حروف معمولی ساخته شده و شاید از همین روست که بلافاصله پس از این حروف به عظمت قرآن اشاره شده است. «۱» ۲. «تلک» برای اشاره به دور است. این تعبیر اشاره به عظمت قرآن است؛ یعنی قرآن آن‌چنان والا و بلند

است که گویی در اوج آسمان‌هاست و بایـد برای رسـیدن به آن تلاش وسـیعی انجام گیرد. ۳. تعبیر «مبین» در اصل به معنای جـدا کردن دو چیز است و در این جا می‌تواند به معنای روشن و «روشنگر» باشد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۲۸ قرآن کریم هم آیات روشـنی دارد که همه‌ی انسان‌ها می‌توانند با تفکّر و تدبّر آنها را درک کنند و هم آیات روشـنگری دارد که حقایق هستی و قوانین زنـدگی بشـر را بیان می‌کنـد. ۴. «آیـه» در اصـل به معنـای نشـانه است و در اصـطلاح به قسـمت‌های کوچـک و بزرگ از سوره‌هـای قرآن گفته می‌شود و از آن رو به آنهـا آیه گفته می‌شود که نشانه‌های فرسـتنده‌ی قرآن یعنی پروردگار جهانیان است. ۵. «عربی» در اصل به معنای سـخن روشن، واضـح و فصیح است و در این جا ممکن است به همین معنا و یا به معنای لغت عربی باشد. «۱» ۶. در این آیه به یکی از حکمت‌های عربی بودن قرآن اشاره شـده است، اما در مجموع می‌توان دلایل زیر را برای نزول قرآن به زبـان عربی یـادآور شـد: الـف) زبـان عربی، دارای گسـتره‌ی لغـات و عمق زیـادی است، به طوری که به خوبی می‌توانـد مفـاهیم و ریزه‌کاری‌های اعجازآمیز وحی الهی را بنمایاند. زبان‌های دیگر به خوبی از عهده‌ی این رسالت برنمی‌آمدند. ب) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جزیرهٔ العرب به رسـالت برانگیخته شـد و مردم آن سامان عرب زبان بودنـد و پیامبر هر قوم وقتی به خوبی می‌تواند مردم را به آیین خود جذب کند که به زبان همان مردم سخن بگوید؛ پس لازم بود که وحی الهی به زبان عربی فرود آید تا هسته‌ی اصـلی آیین اسـلام را گرد پیامبر صـلی الله علیه و آله جمع کند و زمینه‌ی نفوذ آن را به سایر کشورها آماده سازد. ج) عربی بودن با آن همه ظرفیت زبـان و ریزه کاری‌هـا و زیبایی‌هـای رسـای قرآن زمینه‌سـاز تفکّر و تعقّل در قرآن است. «۲» هر چه در الفـاظ آیات قرآن بیش‌تر تفکر کنیم، مطـالب تـازه‌ای به دست می‌آیـد و هر چه تفسـیرهای جدیـدی از قرآن نوشـته شود باز هم تفسیر جدیـدی می‌طلبد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۲۹ ۷. از امام رضا علیه السـلام روایت شده که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسـید: چرا هر چه قرآن درس داده می‌شود و نشر می‌یابد، باز هم تازه است؟ حضرت فرمودند: چرا که خدای تبارک و تعالی قرآن را برای یـک زمـان خـاص و مردم یک عصـر قرار نـداده است، بلکه آن تا روز رسـتاخیز در هر زمانی جدیـد و نزد هر گروهی تازه است. «۱» ۸. قرآن به زبان عربی است و خـدا از ما خواسـته است که در آیات آن تدبّر و تفکر کنیم؛ از این رو بر هر مسـلمانی لازم است که عربی را بیـاموزد و کلیـد فهم وحی و حقایق قرآن را به دست آورد. ۹. در قرآن کریم ده بار بر عربی بودن آن تأکیـد شده است و این پاسخی است به کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله را متهم می‌کردند که قرآن را از یک فرد غیرعرب یاد گرفته است. ۱۰. آیه‌ی فوق به این مطلب مهم اشاره دارد که هدف نزول قرآن تنها روخوانی و قرائت و حفظ آیات آن نیست، بلکه همه‌ی این‌ها مقـدمات هـدفی والاتر است؛ یعنی هـدف نهایی، تعقّل و درک آیات قرآن است، درکی نیرومند که انسان را با تمام وجود به سوی عمل فرا می‌خواند. ۱۱. «امّ الکتـاب» به معنـای مـادر و اسـاس کتاب است که در این جا مقصود لوح محفوظ یا علم الهی است و به خاطر آن بدین اسم نام‌گذاری شده است که علم الهی، اصل کتاب‌های آسمانی است که همگی از آنچه نسخه برداری می‌شود. «۲» ۱۲. در این آیات سه صـفت نزد خـدا بودن، بلندمرتبه بودن و حکیم بودن برای قرآن آورده شده است؛ یعنی قرآن منزلتی بلند دارد که عقل‌های تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۰ انسانی در علم الهی بـدان دست نمی‌یابـد، ولی خدا آن را به زبان عربی نازل کرد تا در دست‌رس عقل بشـر قرار گیرد و اکنون که نازل شـده است اگر در آن تفکّر کنید، به مطالب عالی آن دست می‌یابید. «۱» ۱۳. مقصـود از «حکیـم» بـودن قرآن، یـا آن اسـت که اسـتوار و محکم و غیر مجزاست، یعنی قرآن در علم الهی به صـورت آیـات و سوره‌هـای مجزا نبوده است. و یـا منظور آن است که قرآن کتـابی حکمت‌آمیز و آیـات آن حکیمـانه است «۲» و انسـان را از برخی کارها و گفتارهای ناپسـند منع می‌کنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتـابی بـا عظمت است که آیات آن روشن و روشـنگر است. ۲. قرآن کتابی خواندنی، بلندمرتبه و حکیمانه است که راه زندگی بشـر را روشن می‌کند. ۳. قرآن عربی را بخوانید و خردورزی کنید (تا به مطالب عالی آن پی ببریـد). ۴. هـدف نزول قرآن خردورزی انسان است. ۵. این قرآن، عکسـی از نسخه‌ی اصلی است که در علم الهی جایگاهی بلند و اسـتوار دارد. *** قرآن کریم در آیات پنجم تا هشـتم سوره‌ی زخرف به روش همگون مخالفان در طول

تاریخ در ریشخند پیامبران، و هلاکت آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۵- ۸. أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحاً أَن كُنتُمْ قَوْماً مُّسْرِفِينَ* وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ* وَمَا يَأْتِيهِم مِن نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ* فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشاً وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۱ و آیا (قرآنِ) یادآور را از شما کاملًا بازگیریم، به خاطر این‌که گروهی اسرافکارید؟! و چه بسیار پیامبرانی در [میان پیشینیان فرستادیم؛ و هیچ پیامبری به سراغ آنان نیامد، مگر این‌که او را ریشخند می کردند. و کسانی را که از این (مشرک) ها سخت‌تر بودند هلاک کردیم؛ و مثال پیشینیان گذشت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سنت خدا آن است که حتی اسرافکاران را از هدایت قرآن محروم نمی‌سازد، بلکه قرآن را در اختیاز همگان می گذارد تا هر کس خواست از نور آن استفاده کند و به راه سعادت گام نهد و هر کس نخواست آگاهانه گمراهی را پیشه سازد تا حجّت بر او تمام شود. ۲. مقصود از اسراف در این آیه، هرگونه زیاده‌روی و تجاوز از حدود و قوانین الهی است، که شرک و مخالفت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از نمونه‌های این اسرافکاری است؛ یعنی ما از فرستادن قرآن به خاطر اسرافکاری و مخالفت شما دست برنمی‌داریم. ۳. اقوام پیشین نیز با پیامبرانشان مخالفت و آنها را ریشخند می کردند، ولی باز هم سنت خدا آن بود که آنان را از هدایت خویش محروم نمی‌ساخت. ۴. فرجام ریشخند رهبران الهی هلاکت است و برخی از اقوام پیشین به همین علت عذاب شدند. ۵. مخالفان اسلام به سرنوشت اقوام پیشین بنگرند که چگونه در اثر مخالفت با پیامبران نابود شدند؛ اقوامی هم‌چون قوم فرعون، عاد و ثمود که از مشرکان مکه قوی‌تر بودند. آری؛ این‌ها داستان‌های واقعی اقوام پیشین است حال نوبت مخالفان اسلام است که راه خود را انتخاب کنند و اگر به مخالفت ادامه دهند مسلماً به سرنوشت اقوام هلاک شده‌ی پیشین گرفتار می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا (آن‌قدر به بندگانش لطف دارد که) هدایت خویش را از اسرافکاران و مخالفان پیامبران نیز دریغ نمی‌دارد. ۲. روش مخالفان پیامبران در طول تاریخ همسان بود و همگی به ریشخند پیامبران می‌پرداختند. ۳. از فرجام هلاکت‌بار ریشخندکنندگان رهبران الهی عبرت بگیرید. ۴. رهبران و مبلغان دینی منتظر ریشخند مخالفان باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی زخرف به آفرینشگری خدا و اعتراف مخالفان بدان اشاره می کند و می‌فرماید: ۹. وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ و اگر از آن [مشرک ها بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟» حتماً می گویند: « (خدای) شکست‌ناپذیر دانا آنها را آفرید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات ۲۵ سوره‌ی لقمان و ۳۸ سوره‌ی زمر و ۶۱ سوره‌ی عنکبوت مشابه این آیه‌اند که معمولًا در مورد مشرکان است که شرک در عبادت داشتند؛ یعنی خدا را به عنوان خالق جهان می‌شناختند و توحید در خالقیت را قبول داشتند، ولی بت‌ها را می‌پرستیدند و آنان را مایه‌ی نزدیکی به خدا و شفاعتگر خود می‌دانستند. ۲. کافران و مشرکان نیز بر اساس فطرت توحیدی خود، خدا را به عنوان خالق جهان می‌شناسند و می‌دانند که این جهان با عظمت نمی‌تواند خود به خود به وجود آمده باشد، ولی باز هم لجاجت می کنند و به سراغ پرستش غیر خدا می‌روند. ۳. خلقت آسمان‌ها و زمین، پرتوی از توانایی شکست‌ناپذیر و علم بی کران الهی است که بدون آن دو نمی‌توان جهانی با این عظمت آفرید. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان، خدا را می‌شناسند (ولی لجاجت می کنند). ۲. در آفرینش آسمان‌ها و زمین مطالعه کنید تا به توانایی و علم خدا پی ببرید. *** قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی زخرف به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی زمین و آسمان و نمونه‌ی معاد اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْداً وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ* وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (همان) کسی که زمین را برای شما بستری (برای استراحت) قرار داد و برای شما راه‌هایی در آن قرار داد، تا شاید شما راه‌نمایی شوید. و (همان) کسی که از آسمان آبی به اندازه فرو فرستاد و به وسیله‌ی آن سرزمین مرده را زنده کردیم؛ این چنین (از گورها) بیرون آورده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «مهد» (گهواره) اشاره دارد که زمین با حرکت‌های وضعی و انتقالی سرسام‌آور خود، باز هم آرام و محل استراحت شماست «۱» و این امنیت و آرامش یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خداست. ۲. در این آیات به نعمت راه‌های خشکی و دریا و چین‌خوردگی‌های طبیعی آنها اشاره شده است که انسان می‌تواند راه خود را از

میان کوه‌ها و تپه‌ها و بیابان‌ها و دریاها بیابد و از کوه‌های سربه فلک کشیده عبور کند و به مقصد برسد. ۳. «هدایت» در این آیه یا به معنای راه‌یابی در خشکی و دریاست و یا به معنای خداشناسی و هدایت یافتن به وسیله‌ی دیدن نشانه‌های خدا در صحنه‌ی طبیعت. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۴ ۴. در این آیات به نزول باران از جوّ زمین «۱» و حیات‌بخشی آن اشاره شده است؛ یعنی زمین‌های مرده به وسیله‌ی نزول باران زنده و سرسبز می‌شوند. ۵. «قدر» به معنای اندازه‌ی معین است؛ یعنی نظام خاصی بر بارش باران حاکم است و کم و زیاد شدن آن بر اساس علم و حکمت است و اگر در جایی کم می‌بارد یا سیلاب به راه می‌افتد برای آزمایش انسان‌ها و بر اساس مصلحت و حکمت است. هر چند خدا به انسان عقل و هوشی داده که می‌تواند با پیش‌بینی‌های لازم از زیان‌های باران جلوگیری کند. ۶. در این آیه زنده شدن گیاهان به وسیله‌ی باران را نمونه‌ای از رستاخیز مردگان معرفی می‌کند، یعنی نفخه‌ی صور و بانگ شیپور قیامت هم‌چون بارانی است که به اجسام مرده‌ی انسان‌ها می‌خورد و همه را به جنب و جوش می‌آورد و زنده می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در چین‌خوردگی‌ها و آرامش زمین مطالعه کنید و خداشناس شوید. ۲. با مطالعه در نزول نظام‌مند باران خداشناس شوید. ۳. با مطالعه در باران حیات‌بخش، نمونه‌ای از معاد را ببینید. ۴. مطالعه در طبیعت، انسان را به خداشناسی و معادشناسی رهنمون می‌شود. *** قرآن کریم در آیات دوازدهم تا چهاردهم سوره‌ی زخرف با بیان نشانه‌های خدا در زوجیت، دریانوردی و سوارکاری، به وظیفه‌ی انسان در مورد این نعمت‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۵ ۱۲- ۱۴. وَالَّذِی خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ* لِتَسْتَوُوا عَلَی ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ* وَإِنَّا إِلَی رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ و (همان) کسی که همه‌ی آن زوج‌ها را آفرید و برای شما از کشتی‌ها و دام‌ها، آنچه سوار می‌شوید قرار داد. تا بر پشت آن (ها) قرار گیرید؛ سپس هنگامی که بر آن قرار گرفتید، نعمت پروردگارتان را به یاد آورید و بگویید: «منزّه است کسی که این را برای ما رام ساخت! و [ما] برای (رام ساختن و نگه‌داری) آن توانا نبودیم؛ و قطعاً، ما فقط به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به نشانه‌های خدا در آفرینش گیاهان و حیوانات گوناگون و جفت‌های زیبای آنان و نیز دریانوردی و سوارکاری اشاره شده است که همه‌ی این‌ها از نعمت‌ها ونشانه‌های خداست که سپاس او را می‌طلبد. ۲. «ازواج» به معنای جفت‌ها و نیز به معنای اصناف و انواع می‌آید که در این جا مقصود انواع حیوانات «۱» و یا تمام موجودات گوناگون هستند که قانون زوجیت بر آنها حاکم است. ۳. کشتی‌ها و حیوانات باربر از نعمت‌های بزرگ خدا هستند که در اختیار بشر گذاشته شده‌اند که در گسترش زندگی و سرعت در رفت و آمد و حمل بارهای سنگین بسیار مفیدند و اصولًا بشر در طراحی اتومبیل‌ها و وسایل نقلیه‌ی امروزی نیز از همین حیوانات الهام گرفته است. ۴. هدف آفرینش این مرکب‌ها یادآوری نعمت خداست تا انسان به یاد پاکی و بی‌عیب و نقص بودن خدا بیفتد و متوجه شود که خودش چقدر ناتوان است که اگر خدا این حیوانات را رام او نسازد و باد و آب دریا را آرام نکند؛ انسان نمی‌تواند بر آنها سوار شود و آنها را حفظ و نگه‌داری کند. «۲» ۵. در هنگام سوارکاری به یاد داشته باشید که شما ناتوان در حفظ و آرام کردن آن هستید. شاید بتوان از این مطلب استفاده کرد که در رانندگی احتیاط کنید و به یاد خدا باشید. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۶ یعنی هنگام سوار شدن برمرکب‌ها به یاد خدا و نعمت‌های او باشید و مغرور و غافل نشوید و در زرق و برق دنیا فرو نروید و وسیله‌ی نقلیه‌ی خود را وسیله‌ی فخرفروشی و سرکشی و غفلت از خدا و معاد قرار ندهید و هنگام انتقال از مکانی به مکان دیگر به یاد انتقال از دنیا به آخرت باشید. ۷. در حالات پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که ایشان هرگاه پای خود را در رکاب مرکب می‌گذاشتند می‌فرمودند: «بسم اللّه» و هرگاه بر مرکب استقرار می‌یافتند می‌فرمود: «الحمد لله علی کل حال، سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ* وَإِنَّا إِلَی رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ». «۱» و در برخی احادیث روایت شده که هر کس در هنگام سوار شدن بر مرکب این قسمت از آیه را بخواند به خواست خدا آسیبی به او نخواهد رسید. «۲» البته روشن است که این محافظت الهی مشروط به هوشیاری و تدبیر و شرایط و مقدمات لازم دیگری است که خود انسان باید رعایت کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با

مطالعه در زوجیّت موجودات و دریانوردی و سوارکاری، خداشناس شوید. ۲. در هنگام دریانوردی و سوارکاری، به یاد خدا و نعمت‌های او باشید. ۳. در هنگام سواری، به یاد خدای بی‌عیب و ناتوانی خودتان باشید (و احتیاط کنید). ۴. هدفِ سوارکاران، الهی باشد. ۵. در هنگام استفاده از وسایل نقلیه، به یاد نقل مکان به آخرت باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۷

دختر ستیزی جاهلان

قرآن کریم در آیات پانزدهم تا هجدهم سوره‌ی زخرف به بطلان عقاید خرافی و شرک‌آمیز مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵– ۱۸. وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءاً إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ* أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ* وَإِذا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدّاً وَهُوَ كَظِيمٌ* أَوَ مَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ و (مشرکان) برای او از بندگانش جزئی قرار می‌دهند، مسلماً انسان بسیار ناسپاسی آشکار است. آیا از آنچه می‌آفریند، دختران را (برای خود) برگرفت وشما را به (داشتن) پسران ویژه ساخت؟! و هنگامی که یکی از آن (مشرک) ها به چیزی مژده داده شود که برای (خدای) گسترده‌مهر مثل می‌زنند، چهره‌اش سیاه گردد؛ در حالی که او خشم شدید (خود) را فرو برد. و آیا کسی را که در زیور پدید آمده (و پرورش یافته،) و او در کشمکش (ها، بیان) روشنگر ندارد (فرزند خدا می‌خوانید)؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به عقاید خرافی مشرکان و بطلان آنها اشاره شده است؛ یعنی عقاید آنان را طوری بیان کرده که خرافه بودن و غیر قابل پذیرش بودن آنها روشن شده است. ۲. تعبیر «جزء» بیانگر آن است که مشرکان فرشتگان را فرزندان خدا می‌شمردند، فرزندی که جزئی از وجود پدر است. ونیز مشرکان، فرشتگان را جزئی از معبودان خود می‌دانستند و آنها را می‌پرستیدند. تعبیر «جزء» خود گویای بطلان این عقاید شرک‌آمیز است؛ «۱» چرا که روشن است که خدا جزء ندارد؛ جزء داشتن، مستلزم ترکیب در ذات اوست و این ترکیب مستلزم نقص و نیاز و محدودیت است که همه‌ی این‌ها از ساحت خدا به دور است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۸ ۳. در این آیات به ناسپاسی انسان در برابر نشانه‌ها و نعمت‌های الهی اشاره شده است. روشن است که مقصود از انسان در این‌گونه آیات، همان انسان‌های تربیت نایافته در پرتو وحی‌اند که با این همه نعمت و نشانه، باز هم به سراغ پرستش غیر خدا می‌روند. ۴. مشرکان در مورد فرشتگان و دختران عقاید خرافی داشتند. آنها جنس دختر را فروتر از جنس پسر می‌دانستند و از این رو هرگاه به یکی از آنان خبر می‌رسید که صاحب فرزند دختر شده است از ناراحتی و خشم صورتش سیاه می‌شد، ولی در همان حال فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند. «۱» قرآن کریم با مشرکان بر اساس عقاید خرافی خودشان سخن می‌گوید تا تأثیر بیش‌تری بر مخاطب بگذارد و اشاره می‌کند که اگر دختران به پندار شما فروترند، چرا آنها را به خدا نسبت می‌دهید و پسران را که به پندار شما برترند به خودتان نسبت می‌دهید؟! البته روشن است که جنسیت از عوارض جسمانی بشر است و ملاک برتری انسان‌ها بر هم‌دیگر نیست بلکه معیار برتری از منظر قرآن ارزش‌های والایی هم‌چون علم و تقواست و در این ارزش‌ها زن و مرد یکسان‌اند. «۲» ۵. در این آیات به دو صفت غالب زنان اشاره شده است: اول آن که جنبه‌ی عاطفی و حیای زن قوی است و در مقام بحث و جدل، به خوبی وارد نمی‌شود و روشنگری نمی‌نماید و مطلب خود را اثبات نمی‌کند. دوم آن که زنان به زیورآلات علاقه‌ی زیاد دارند به طوری که در زیور رشد می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۳۹ البته روشن ا ست که این صفات غالب زنان است، اما برخی از زنان نیز دارای منطقی قوی و معتدل هستند و به خوبی سخن حقّ خود را می‌گویند و میل آنان نسبت به زیورها افراطی نیست. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی اقسام شرک نوعی جزء قائل شده برای خداست (که بطلان آن روشن است). ۲. راه شرک را نپویید که ناسپاسی روشن است. ۳. چیزی را که برخود نمی‌پسندید به خدا نسبت ندهید. ۴. جنس دختر را از پسر فروتر ندانید که پندار خرافی جاهلیت است. ۵. دوست داشتن زیور از ویژگی‌های بارز (غالب) زنان است. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم تا بیست و یکم سوره‌ی زخرف به عقاید خرافی و بدون دلیل مشرکان در مورد دختر دانستن فرشتگان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹– ۲۱. وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمنِ إِنَاثاً

أَشَهِدُوْا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ* وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَا لَهُم بِذلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ* أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَاباً مِن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ و فرشتگان را که ايشان بندگان (خاص خداى) گسترده‌مهر هستند، دختران خدا قرار دادند؛ آيا آفرينش آنها را مشاهده کرده‌اند؟! به زودى گواهى آنان نوشته مى‌شود و بازپرسى خواهند شد. و گفتند: «اگر (برفرض خداى) گسترده‌مهر مى‌خواست، ما آنها را پرستش نمى‌کرديم.» براى آنان بدان (ادعا) هيچ علمى نيست؛ جز اين نيست که آنان حدس مى‌زنند (و دروغ مى‌بافند). يا پيش از اين کتابى به آنان داده‌ايم و آنان بدان تمسّک مى‌جويند؟! تفسير قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اين آيات به عقايد خرافى مشرکان در مورد فرشتگان اشاره شده است که آنها را از جنس زنان مى‌دانستند، «۱» در حالى که فرشتگان مجرد هستند و اصلًا زن و مرد بودن از عوارض جسمانى است و در مورد آنها صادق نيست و کسى نيز شاهد خلقت فرشتگان نبوده تا بر زن بودن آنها گواهى دهد. البته اين افکار خرافى هنوز هم در بين برخى مردم پيدا مى‌شود که فرشتگان را به صورت دخترانى زيبا ترسيم مى‌کنند يا مجسمه‌ى فرشته‌ى آزادى مى‌سازند و يا اين که زنان زيبا را به فرشتگان تشبيه مى‌کنند و فرشته مى‌نامند. ۲. در اين آيات از فرشتگان با عنوان بندگان (خداى) رحمان ياد شده است. اين تعبير جايگاه بلند آنان و مقام بندگى و تسليم آنها و لطف خدا را نسبت به آنان نشان مى‌دهد. فرشتگان مجريان رحمت الهى و تدبير کنندگان امور جهان به فرمان خدا هستند. ۳. مشرکان براى عقيده‌ى شرک‌آميز خود در مورد فرشته‌پرستى، بهانه تراشى کردند و گفتند: اگر خدا مخالف فرشته‌پرستى ما بود، چرا به اجبار جلوى ما را نگرفت و يا چرا ما را از اين کار نهى و منع نکرد. «۲» ۴. اين آيات با دو دليل به ردّ فرشته‌پرستى و ادعاى مشرکان پرداخته است: الف) آنان دليل عقلى و علمى ندارند و جز حدس و دروغ چيزى نمى‌گويند و جبرگرايى نيز بهانه است، چرا که هر کس اختيار و آزادى انسان را با وجدان خود درمى‌يابد و خود مشرکان مى‌دانند که دروغ مى‌گويند. تفسير قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۱ ب) آنان دليل نقلى ندارند و قبل از اين، کتاب آسمانى به مشرکان نداده‌ايم تا بدان تمسک جويند و بگويند در آن کتاب دستور فرشته‌پرستى داده شده بود يا حداقل منعى از آن نشده بود. بنابراين، عقايد خرافى مشرکان در مورد فرشته‌پرستى، نه دليل عقلى دارد و نه دليل نقلى. آموزه‌ها و پيام‌ها: ۱. براى فرشتگان الهى جنس زن و مرد تعيين نکنيد. ۲. فرشتگان بندگان خاص خدا هستند (و تسليم اويند). ۳. مشرکان به چيزى گواهى مى‌دهند که علمى بدان ندارند. ۴. چيزى را که نديده‌ايد بدان گواهى ندهيد. ۵. عقايد و سخنان شما نوشته مى‌شود و مورد بازپرسى قرار مى‌گيريد. ۶. مشرکان براى توجيه شرک خود به جبرگرايى روى مى‌آورند و بهانه‌تراشى مى‌کنند، وگرنه دليلى ندارند. ۷. عقايد شما نيازمند دليل عقلى يا نقلى است؛ آنها را بدون دليل نپذيريد. *** قرآن کريم در آيات بيست و دوم تا بيست و پنجم سوره‌ى زخرف به پيروى کورکورانه‌ى مشرکان از نياکانشان و فرجام عذاب‌آلود و عبرت‌آموز آنان اشاره مى‌کند و مى‌فرمايد: ۲۲- ۲۵. بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُهْتَدُونَ* وَكَذلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِن نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُقْتَدُونَ* قَالَ أَوَ لَوْ جِئْتُكُم بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُّمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُم قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ* فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ تفسير قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۲ بلکه مى‌گويند: «در حقيقت، ما نياکانمان را بر آيينى يافتيم و مسلماً ما به دنبال آنان ره يافته‌ايم.» و همچنين، پيش از تو، در هيچ آبادى اى (پيامبر) هشدارگرى نفرستاديم، مگر اين‌که سردمداران ثروتمندش گفتند: «در حقيقت، ما نياکانمان را بر آيينى يافتيم، و مسلماً، ما به دنبال آنان پيرويم.» (پيامبرشان) گفت: «وآيا اگر (بر فرض آيينى) راه‌نماتر از آنچه نياکانتان را بر آن يافته‌ايد، براى شما بياورم (باز هم از آنان پيروى مى‌کنيد)؟!» گفتند: «در حقيقت، ما به آنچه بدان فرستاده شده‌ايد کافريم.» پس، از آنان انتقام گرفتيم؛ و بنگر که فرجام تکذيب کنندگان چگونه بوده است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کريم در آيات متعدد «۱» پيروى کورکورانه از نياکان را سرزنش و در اين آيه نيز بيان مى‌کند که يکى از بهانه‌هاى مشرکان مکه، بلکه بهانه‌ى اشراف و ثروتمندان مخالف پيامبران نيز همين پيروى از آيين نياکان بوده است. ۲. انسان نسبت به فرهنگ گذشته‌ى خويش مى‌تواند به سه صورت عمل کند: الف) همه‌ى عناصر فرهنگ گذشتگان را کنار بگذارد؛

ب) همه‌ی عناصر فرهنگ گذشتگان را بپذیرد و از آن‌ها تقلید کند؛ ج) عناصر مثبت، سازنده و مستدل آنها را بپذیرد و عناصر خرافی، بدون دلیل و ضد عقل و علم و مخالف دین را کنار بگذارد. راه صحیح همین شیوه‌ی سوم است و قرآن شیوه‌ی دوم را سرزنش می‌کند. اصولًا اگر انسان عقل و فکر خود را کاملًا در اختیار پیشینیان بگذارد نتیجه‌ای جز عقب‌گرد و ارتجاع نخواهد گرفت؛ چرا که معمولًا نسل‌های بعد از نسل‌های پیشین با تجربه‌تر و آگاه‌ترند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۳ اما مانعی ندارد که نسل‌های آینده آداب و سنت‌های گذشتگان را تحلیل و بررسی کنند و آنچه را که با عقل و منطق و دین سازگار است حفظ و آنچه را که خرافه و موهوم و بی دلیل است دور بریزند. ۳. تقلید از افراد می‌تواند به چند صورت باشد: الف) تقلید عالم از عالم؛ ب) تقلید عالم از جاهل؛ ج) تقلید جاهل از جاهل؛ د) تقلید افراد نا آگاه از دانشمندان، مثل پیروی از نظریات پزشک متخصص در امور درمانی، که فقط این نوع تقلید صحیح و مورد پذیرش همه‌ی عقلاست و در همین راستاست که ما تقلید در احکام فرعی دین از مراجع تقلید را می‌پذیریم. قرآن کریم در آیه‌ی فوق تقلید کورکورانه‌ی افراد از نیاکان جاهل را سرزنش می‌کند و در همین راستاست که ما تقلید در اصول دین را صحیح نمی‌دانیم. ۴. «امّت» در اصل به معنای گروهی از مردم است که به نوعی از نظر دین یا مکان یا زمان، باهم پیوند دارند؛ از این رو به آیین و مذهب هم امت گفته می‌شود. «۱» ۵. «مُترفُون» به معنای سرمایه‌داران بی درد و مغرور است؛ اشرافی که در اثر نعمت و ثروت فراوان غرق در شهوت و هوس می‌شوند و سرکشی می‌کنند، که مصداق کامل آنها پادشاهان و فرعون‌ها و اطرافیان آنها هستند. «۲» اشراف و سرمایه داران بی درد، با بهانه‌های مختلف به تحذیر و فریب مردم می‌پرداختند و آنها را به پیروی از آیین نیاکانشان تشویق می‌کردند چرا که منافع خود را در گمراهی و پیروی مردم می‌دیدند، ولی پیامبران الهی با این سرمایه‌داران مغرور برخورد می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۴ ۶. در این آیات بیان شده که پیامبران الهی با ادب به مخالفان خود می‌گفتند: اگر بر فرض ما آیینی هدایت‌یافته‌تر از پدران شما بیاوریم، باز هم از آنان پیروی می‌کنید؟! هر چند آیین نیاکان مشرکان، همان شرک و گمراهی بود و هدایتی در آن نبود، ولی پیامبران از تعبیر «هدایت‌یافته‌تر» استفاده می‌کردند تا احساسات آنان جریحه‌دار نشود؛ و این نوعی آموزشِ روش صحیحِ تبلیغ به مبلغان دینی است. ۷. مشرکان بدون دلیل کفر می‌ورزیدند و به طور غیر منطقی بر پیروی از نیاکان خود پافشاری می‌کردند و اگر آیین هدایت‌یافته‌تری به آنان عرضه می‌شد، باز هم آیین نیاکان خود را هدایت یافته و بر حق می‌دانستند و سرسختانه از آنان پیروی می‌کردند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان برای توجیه شرک خود، بهانه تراشی می‌کنند وگرنه دلیل منطقی ندارند. ۲. پیروی کورکورانه از نیاکان فرجامی عذاب‌آلود دارد. ۳. در طول تاریخ، سرمایه داران شهوت ران با پیامبران و راه و روش آنان مخالفت می‌کردند. ۴. اگر روشی بهتر و هدایت یافته‌تر از روش پدران خود یافتید، (تعصب نورزید و) از روش نو پیروی کنید. ۵. از فرجام عذاب‌آلود مشرکان تقلیدگر عبرت گیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۵ قرآن کریم در آیات بیست و ششم تا بیست و هشتم سوره‌ی زخرف به مبارزه‌ی توحیدی ابراهیم علیه السلام و فرجام نیکوی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶– ۲۸. وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ* إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ* وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ و (یادکن) هنگامی را که ابراهیم به پدر (مادرش یا عموی) ش و قومش گفت: «در حقیقت، من نسبت به آنچه (شما) می‌پرستید غیر متعهدم. جز کسی که مرا آفریده، والبته او به زودی [مرا] ره‌نمون شود.» و آن (توحید) را بعد از خود (و فرزندانش) سخنی ماندگار قرار داد؛ باشد که آنان (به سوی خدا) بازگردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام یکی از بزرگ‌ترین پیامبران الهی و نیای اعراب است. او می‌تواند الگوی خوبی برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مسلمانان و اعراب باشد؛ چرا که: اولًا، در برابر او کسانی بودند که بر تقلید از پدرانشان تأکید می‌کردند. ثانیاً، او با تقلید از پدران و شرک و بت‌پرستی مبارزه کرد. ثالثاً، او می‌توانست الگویی مناسب برای اعرابی باشد که می‌خواستند از پدران خود پیروی کنند. و رابعاً، سرگذشت او نوعی دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که چگونه او با شرک و تقلید مبارزه کرد و پیروز شد. ۲. ابراهیم صلی الله علیه و آله پرستش خدا را پذیرفت؛ «۱»

چرا که: اولًا، او آفریدگار ابراهیم علیه السلام بود. ثانیاً، او هدایتگر ابراهیم علیه السلام بود و با هدایت تکوینی و تشریعی خود او را حمایت می‌کرد. به خلاف بت‌ها و معبودان دروغین که کاری از آنان ساخته نبود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۶ ۳. مقصود از باقی گذاشتن کلمه در نسل ابراهیم چیست؟ مفسران در مورد این آیه چند تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود باقی گذاردن کلمه‌ی توحید توسط ابراهیم علیه السلام در نسل خود است. ب) مقصود باقی گذاردن کلمه‌ی توحید توسط خدا در نسل ابراهیم است. همان طور که می‌بینیم، پیامبران بزرگی هم‌چون موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله از نسل او به وجود آمدند. ولی مانعی ندارد که هر دو معنا مراد آیه باشد؛ چون کار خدا و ابراهیم برای باقی گذاردن کلمه‌ی توحید در طول هم است و منافاتی با هم‌دیگر ندارد. ۴. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود آیه باقی گذاردن امامت در نسل ابراهیم علیه السلام است. این مطلب به خاطر آن است که امامت ادامه‌ی نبوّت است و هر دو شعاعی از هدایت الهی‌اند که به ابراهیم علیه السلام عطا شده‌اند و یا به خاطر آن است که امامت در توحید مندرج است؛ چرا که توحید در حاکمیت و ولایت و امامت از شاخه‌های توحید است. ۵. مقصود از «دنباله» ی ابراهیم علیه السلام، که توحید در آنها پایدار شد، همان امت یا دودمان وی است که آل محمد صلی الله علیه و آله از مصادیق بارز آن هستند. ۶. مقصود از «پدر ابراهیم» همان پدرِ مادر یا عموی اوست، وگرنه ابراهیم علیه السلام از نسل افراد مشرک نبود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. درس مبارزات توحیدی و تقلیدستیزی را از ابراهیم علیه السلام بیاموزید. ۲. نتایج مبارزه‌ی انسان در راه خدا، به نسل او نیز می‌رسد. ۳. توحید از طریق نسل ابراهیم علیه السلام، پایدار می‌ماند. ۴. آفریدگار هدایتگر را بپرستید، نه معبودان دروغین را. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۷ قرآن کریم در آیات بیست و نهم تا سی و دوم سوره‌ی زخرف به بهانه‌جویی‌ها و تهمت‌های مشرکان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و پاسخ آنان اشاره می‌کند و با اشاره به فلسفه‌ی تفاوت‌های افراد و روزی آنها می‌فرماید: ۲۹- ۳۲. بَلْ مَتَّعْتُ هؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُبِينٌ* وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ* وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ* أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضاً سُخْرِيّاً وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ بلکه اینان و پدرانشان را (از دنیا) برخوردار کردم، تا این‌که (قرآن) حق و فرستاده‌ی روشنگر به سراغشان آمد؛ و هنگامی که (قرآن) حق به سراغشان آمد، گفتند: «این سحری است و در واقع، ما بدان کافریم.» و گفتند: «چرا این قرآن بر مردی بزرگ از دو آبادی (مکه و طائف) فرو فرستاده نشده است؟!» آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما وسایل زندگی آنان را در زندگی دنیا بین آنان تقسیم کردیم و رتبه‌های برخی از آنان را بر برخی [دیگر] برتری دادیم، تا برخی از آنان برخی [دیگر] را به خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قانون و سنت الهی این است که خدا به مشرکان مهلت می‌دهد تا حق را برای آنان بگویند و حجّت بر آنان تمام شود (سپس آنان را گرفتار عذاب می‌کند). ۲. عرب‌های جزیرهٔ العرب خود را از دودمان ابراهیم صلی الله علیه و آله می‌دانستند، ولی از راه توحیدی او جدا شدند و اینک که یکی از فرزندان ابراهیم، یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سراغ آنان آمد، باز هم به سوی خدا بازنگشتند و به مخالفت پرداختند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۸ ۳. مشرکان به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند و قرآن را که معجزه‌ای جاوید بود، سحر می‌خواندند و به آن کفر می‌ورزیدند، در حالی که تفاوت‌های سحر و معجزه روشن بود که سحر ابطال‌پذیر است اما معجزه ابطال‌پذیر نیست؛ همان طور که قرآن مردم را به مبارزه و آوردن مثل خود فراخواند و کسی نتوانست مثل آن را بیاورد. علاوه بر آن، آورندگان سحر افرادی سود جو و منحرف هستند، در حالی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فردی امین و درستکار بود. ۴. مشرکان هنگامی که در برابر اعجاز قرآن قرار می‌گرفتند، بهانه‌تراشی می‌کردند و می‌گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ از دو شهر مکه و طائف فرود نیامد. «۱» عامل انحراف مشرکان همان نظام ارزشی آنان بود و ثروت و رییس قبیله بودن را معیار ارزش می‌دانستند و از آن جا که پیامبر اسلام فقیر بود که رییس هیچ قبیله‌ای نبود، بهانه می‌آوردند و قرآن را از او

نمی‌پذیرفتند. در حالی که معیار بزرگی و برتری همان ایمان قوی، تقوا و علم بود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این گونه بود. او فردی شجاع، با اراده، عادل، درد آشنا و با ایمان و پارسا بود و لیاقت رسالت الهی را داشت. ۵. قرآن کریم به بهانه‌ی مشرکان در مورد فقر پیامبر صلی الله علیه و آله سه پاسخ می‌دهد که دو پاسخ آن در آیه‌ی سی دوم و یک پاسخ آن در آیات بعد است و در این جا اشاره می کند که اولًا، تقسیم رحمت خدا و نبوّت به دست مشرکان نیست که آنان را به هر کس بخواهند بدهند. ثانیاً، معیار ارزش، ثروت افراد نیست، بلکه خدا روزی و استعداد افراد را متفاوت کرد تا مردم از هم‌دیگر استفاده کنند و زندگی اجتماعی آنان اداره شود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۴۹ ۶. سطح زندگی و استعدادهای انسان‌ها متفاوت قرار داده شده تا مردم بتوانند هم‌دیگر را به استخدام درآورند و زندگی اجتماعی خود را بر پایه‌ی تعاون و خدمت به یک‌دیگر پایه‌گذاری کنند. البته این مطلب به معنای جواز بهره‌کشی ظالمانه‌ی یک گروه از گروه دیگر نیست؛ همان طور که به معنای جبر نیست؛ انسان‌ها بر اساس استعداد و تلاش خود هر کدام در جهتی توانمند می‌شوند و در آن مورد به دیگران کمک می‌رسانند، همان طور که از جهات دیگر از دیگران کمک می گیرند؛ مانند سلول‌های متفاوت بدن انسان که هر کدام کار خود را می کند و به دیگران کمک می‌رساند و نیز از دیگران امداد می گیرد. ۷. مقصود از رحمت در این آیات همان نبوت و یا رحمت عام خداست که شامل نبوت و هرگونه خیری می‌شود که این رحمت الهی از مال و مقام دنیویِ دور از خدا بهتر است؛ چون رحمت الهی سعادت دنیوی و اخروی می آورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به مخالفان خود نیز فرصت می‌دهد تا حجّت بر آنان تمام شود. ۲. مخالفان اسلام بهانه‌جو هستند و تهمت می‌زنند. ۳. رهبران الهی آمادگی تهمت‌ها و بهانه‌جویی‌های مخالفان را داشته باشند. ۴. محور حمله‌ی مخالفان اسلام، قرآن است. ۵. رحمت (و نبوّت) به دل‌خواه مردم نیست. ۶. تفاوت‌های افراد در ثروت و قدرت، برای گردش کار زندگی اجتماعی لازم است. ۷. هدف تفاوت‌های شما خدمت به هم‌دیگر است (نه فخرفروشی و ستمکاری). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۰

دنیای بی ارزش برای کافران باد

قرآن کریم در آیات سی و سوم تا سی و پنجم سوره‌ی زخرف به رابطه‌ی کفر و ایمان با ثروت‌های بی‌ارزش دنیوی و فرجام نیکوی پارسایان اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۳- ۳۵. وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفاً مِن فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ* وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَاباً وَسُرراً عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ* وَزُخْرُفاً وَإِن كُلُّ ذلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ و اگر نبود که مردم امت یگانه‌ای (در کفر) می‌شدند، حتماً برای کسانی که به (خدای) گسترده‌مهر کفر می‌ورزند، برای خانه‌هایشان سقف‌هایی از نقره و نردبان‌هایی که بر آنها بالا می‌روند، قرار می‌دادیم؛ و (نیز) برای خانه‌هایشان درها و تخت‌هایی که بر آنها تکیه زنند؛ و زر و زیور (قرار می‌دادیم)؛ و همه‌ی این‌ها جز کالای زندگی دنیا نیست؛ و نزد پروردگارت، آخرت برای خود نگه‌داران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین بیان شد که در نظام ارزشی مشرکان، ثروت و مقام معیار برتری است و اینک در این آیه به آنها پاسخ می‌دهد که در نظام ارزشی الهی، معیار برتری تقواست، نه ثروت‌های ظاهری دنیوی. ۲. ثروت‌ها و قصرها و تخت‌ها و طلا و نقره آن‌قدر در نزد خدا بی ارزش‌اند که اگر مفسده‌ای نداشت، زندگی کافران را غرق در آنها می‌ساخت تا از مواهب دنیوی به خوبی بهره ببرند و بر غفلت و غرور و گناه و عوامل عذاب آنان افزوده شود. ۳. اگر خدا ثروت زیادتری به کافران می‌داد، آن گاه مردم ساده‌لوح به کفر متمایل می‌شدند و یک پارچه کافر می گشتند؛ چرا که بسیاری از مردم ارزش را در همین زیورهای ظاهری و فریبنده‌ی دنیوی می‌بینند. ۴. «زخرف» در اصل به معنای هرگونه زیور همراه با نقش و نگار است و از تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۱ آن جا که طلا هم زیور است به آن زخرف می گویند «۱» و نام سوره‌ی زخرف نیز از همین آیه (پنجاه و ششم) گرفته شده است. ۴. این آیات دنیا و آخرت را مقایسه کرده، طلا و نقره و قصرها را زندگی پست دنیوی می‌خواند که بسیار بی‌ارزش و لایق کافران است، اما آخرت را که نزد پروردگار و باارزش است، برای پارسایان قرار داده است؛ یعنی نه

ثروتمندی کافران به معنای بزرگی شخصیت آنان است و نه فقر مؤمنان دلیل بر کمبود شخصیت آنها. اوفتاده است در جهان بسیار بی‌تمیز ارجمند و عاقل خوار (سعدی) ۵. این‌گونه آیات بدان معنا نیست که مؤمنان از مواهب دنیوی استفاده نکنند، بلکه مقصود آن است که دنیا تنها هدف شما و تنها ارزش در نزد شما نباشد، تا شما را از خدا و معنویت جدا سازد بلکه دنیا را ابزار و مقدمه‌ی رسیدن به اهداف عالی انسانی و الهی بدانید و ارزش‌های دروغین را از ارزش‌های اصیل جدا سازید. ۶. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که اگر دنیا به اندازه‌ی بال مگسی وزن (و ارزش) داشت، خدا حتی شربت آبی از آن را به کافران نمی‌نوشاند. «۲» ۷. اگر محرومیت مردم از ثروت موجب انحراف عقیدتی آنان می‌شود، باید از آن جلوگیری کرد و آن‌قدر به آنان امداد رساند که چشم به ثروت کافران ندوزند و به خاطر نیاز مادی به طرف کفر نروند. هر چند این آیه روش خدا را برای تقسیم روزی میان بندگان بیان می‌کند، ولی این شیوه می‌تواند سرمشق سرپرستان بیت المال و حاکمان الهی نیز باشد، که در توزیع عادلانه‌ی ثروت بکوشند و نخواهند که همه چیز را با اندرز حلّ کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۲ به عبارت دیگر، محرومیت و بهره‌مندی از ثروت دنیوی در کفر و ایمان مردم تأثیر دارد؛ فقر زمینه‌ساز کفر است، همان‌طور که برخورداری از امکانات مالی فرصت اندیشیدن به سخنان حق را می‌دهد و موانع ایمان را برطرف می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ثروت زیاد، دلیل ارزشمندی کافران، و محرومیت دلیل بی‌ارزشی مؤمنان نیست. ۲. تقوا و پارسایی، زمینه‌ساز سعادت اخروی است. ۳. فقر، زمینه‌ساز کفر است. ۴. مبارزه با فقر (و برقراری عدالت اقتصادی) زمینه‌ساز ایمان آوردن مردم است (پس در این راه تلاش کنید). *** قرآن کریم در آیات سی و ششم تا سی و نهم سوره‌ی زخرف به پیامدهای روی گردانی از یاد خدا، هم‌چون تسلّط شیطان و فرجام عذاب‌آلود اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶- ۳۹. وَمَن یَعْشُ عَن ذِکْرِ الرَّحْمنِ نُقَیِّضْ لَهُ شَیْطَاناً فَهُوَ لَهُ قَرِینٌ* وَإِنَّهُمْ لَیَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِیلِ وَیَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُهْتَدُونَ* حَتَّی إِذَا جَاءَنَا قَالَ یَالَیْتَ بَیْنِی وَبَیْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَیْنِ فَبِئْسَ الْقَرِینُ* وَلَن یَنفَعَکُمُ الْیَوْمَ إِذ ظَلَمْتُمْ أَنَّکُمْ فِی الْعَذَابِ مُشْتَرِکُونَ و هر کس از یاد (خدای) گسترده‌مهر روی‌گردان شود، شیطانی بر او می‌انگیزیم، و او برایش هم‌نشین می‌شود. و قطعاً آن (شیطان) ها آنان را از راه (خدا) بازمی‌دارند و می‌پندارند که آنان ره یافتگان‌اند. تا هنگامی که نزد ما آید، گوید: «ای کاش بین من و بین تو دوری خاور و باختر بود، پس چه بد هم‌نشینی بودی!». و (به آنان می‌گوییم: این سخنان) امروز برای شما سودی ندارد؛ چون ستم کردید؛ که (در نتیجه) شما در عذاب شریکید! تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به پیامدهای غفلت از یاد خدا و روی برتافتن از او اشاره شده است که عبارت‌اند از: الف) مسلّط شدن شیطان بر انسان؛ ب) جدا شدن از راه خدا؛ ج) تصویر غلط از خود داشتن و گمراهی خویش را هدایت پنداشتن؛ د) پشیمانی در رستاخیز؛ ه) فرجام عذاب‌آلود مشترک با شیطان. ۲. یکی از عوامل غفلت از یاد خدا و روی برتافتن از او، همان دنیاپرستی و دل‌باختگی در برابر زرق و برق دنیاست که شیطان از این فرصت استفاده کرده و کارهای بد را در نظر انسان جلوه می‌دهد و او را به دنبال خود می‌برد. ۳. سعدی شیرین سخن گوید: پادشاهی پارسایی را دید، گفت: هیچت از ما یاد آید؟ گفت: بلی؛ وقتی که خدا را فراموش می‌کنم. ۴. مسلّط کردن شیطان بر انسان، به صورت جبری نیست، بلکه دنیاپرستی و اعمال خود انسان و گناهان او زمینه‌ساز این تسلّط است، وگرنه هر کس آزاد است که پیرو شیطان باشد یا نباشد، چون تسلّط شیطان نیز به معنای وسوسه و زیبا جلوه دادن کارهاست. ۵. در این آیات بیان شده که شیطان همراه و هم‌نشین بد انسان می‌شود و حتی تا رستاخیز او را رها نمی‌سازد، به طوری که انسان آرزو می‌کند تا فاصله‌ی زیادی با او داشته باشد، ولی نمی‌تواند از دست او بگریزد و حتی او در عذاب با شیطان مشترک و هم‌نشین است تا گذشته‌ی خویش را به یاد آورد و عذابش بیش‌تر شود. ۶. تعبیر «رحمان» در مورد خدا، اشاره به آن است که اگر کسی از خدایی که رحمتش فراگیر است غافل شود، به دامن شیطان‌ها می‌افتد و به عذاب نزدیک می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۴ ۷. مقصود از «ذکر» همان یاد خداست که مصادیق متعددی مثل یادآوری نام و صفات خدا دارد و قرآن نیز یکی از مصادیق ذکر است، و یکی از نام‌های قرآن نیز ذکر است. ۸. مقصود از «شیطان» هر موجود

شرور از جن یا انسان است که ابلیس یکی از مصادیق آن است؛ یعنی اگر کسی از یاد خدا روی برتابد، ابلیس و سردمداران گمراهی بر او مسلّط می‌شوند. «۱» ۹. شیطان و شیطان‌صفتان با تبلیغات و وسوسه‌های خود کارهای بد انسان را در نظرش نیکو جلوه می‌دهند، «۲» به طوری که گمراهی خویش را هدایت می‌پندارد. ۱۰. مقصود از «مَشرقَین» همان مشرق و مغرب است «۳» که فاصله زیادی از هم دارند. این تعبیر کنایه از فاصله‌ای است که در تصور نمی‌گنجد و غافلان پس از بیداری آرزو می‌کنند که با شیطان این‌گونه فاصله داشتند تا از دست او خلاص می‌شدند. ۱۱. مقصود از عبارت: «سودی به حال شما ندارد» چیست؟ مقصود آن است که سخنان و آرزوهای غافلان در مورد دوری شیطان سودی به حالشان ندارد، چون هر دو ستمکار و در عذاب مشترک و هم‌نشین هستند. «۴» و یا آن که عذاب مشترک غافلان و شیطان، موجب کاهش دردهای غافلان و یا تسلّی خاطر آنان نمی‌شود. «۵» البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یاد خدا، شیطان را از انسان دور می‌سازد. ۲. اگر از خدای رحمان دور شوید به شیطان و شیطان صفتان نزدیک می‌شوید. ۳. انحراف و از خود بیگانگی از آثار هم‌نشینی با شیطان است. ۴. قبل از آن که در رستاخیز بیدار شده و از هم‌نشینی با بدان پشیمان و بیزار شوید، از خواب غفلت بیدار گردید. ۵. عذاب شیطان و پیروان او همسان است. ۶. راه نجات از عذاب، ترک ستمکاری است. ۷. در رستاخیز پشیمانی و آرزو برای ستمکاران سودی ندارد. *** قرآن کریم در آیات چهلم تا چهل و دوم سوره‌ی زخرف با تسلّی دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله به فرجام مخالفان اسلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰- ۴۲. أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِی الْعُمْیَ وَمَن کَانَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ* فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ* أَوْنُرِیَنَّکَ الَّذِی وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَیْهِم مُّقْتَدِرُونَ و آیا تو (می‌توانی سخن خود را) به گوش ناشنوایان برسانی، یا کور (دل) ها و کسی را که در گمراهی آشکار است راه‌نمایی کنی؟! و اگر تو را (از میان مردم) ببریم، پس مسلماً، ما از آنان انتقام گیرنده‌ایم. یا (اگر زنده بمانی،) آنچه (از عذاب) به آنان وعده داده‌ایم، به تو می‌نمایانیم؛ پس مسلماً، ما بر آنان توانا هستیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در موارد متعدد گمراهان لجوج را که در اثر گناه و جهل و تعصّب، هدایت‌ناپذیر شده‌اند، به کوران و کرانی تشبیه می‌کند «۱» که هیچ سخنی را نمی‌شنوند و هیچ برنامه‌ی هدایتی را نمی‌بینند. ۲. قرآن برای انسان دو نوع گوش و چشم و حیات قایل است: یکی گوش تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۶ و چشم و حیات ظاهری و دیگری گوش و چشم و حیات باطنی که هرگاه از کار بیفتد پند و اندرز و هشدار پیامبران در او اثر نمی‌کند. یعنی ممکن است انسان چشم و گوش طبیعی داشته و همچون دیگران زندگی کند، اما در حقیقت مرده‌ای متحرک باشد که حقایق را نمی‌شنود و نمی‌بیند. ۳. مقصود از بردن پیامبر صلی الله علیه و آله در این آیه، یا فوت پیامبر صلی الله علیه و آله است و یا هجرت او از مکه به مدینه که در هر صورت وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم نباشد و آنان به گمراهی و سرکشی خود ادامه دهند، عذاب الهی نازل می‌شود. ۴. مقصود از وعده‌هایی که به مخالفان اسلام داده شده است، همان عذاب دنیوی یا شکست آنان در جنگ بدر و مانند آن است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله برخی از آنان تحقق یافت. «۱» ۵. مقصود از انتقام الهی، همان مجازات کافران است وگرنه خدا مانند انسان‌ها برای تشفی قلب و تسکین ناراحتی کسی را نمی‌آزارد. ۶. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم نباشد، خدا از گمراهان لجوج انتقام می‌گیرد و آنان را به کیفر سختی می‌رساند، ولی اگر پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مردم باشد، فقط وعده‌های عذاب تحقق می‌یابد و در برخی آیات آمده است که فقط برخی عذاب‌ها تحقق می‌یابد «۲» و در مجموع، وجود رهبر الهی موجب کاهش عذاب است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان الهی بدانند که در هر حال هدایت‌گری آنان در گروهی از مردم تأثیر ندارد (پس غمگین نشوند). ۲. چشم و گوش حقیقت‌بین داشته باشید، تا از نور هدایت پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده کنید. ۳. اگر رهبری الهی در میان مردم نباشد، خدا از کافران لجوج انتقام می‌گیرد. ۴. وجود رهبر الهی در میان مردم موجب کاهش مجازات آنان است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۷ قرآن کریم در آیات چهل و سوم تا چهل و پنجم سوره‌ی زخرف به لزوم تمسّک به قرآن و بازپرسی از آن و سابقه‌ی تاریخی توحید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۳- ۴۵.

فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَیْکَ إِنَّکَ عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ* وَإِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَلِقَوْمِکَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ* وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ مِن رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمنِ آلِهَةً یُعْبَدُونَ پس به آنچه به سوی تو وحی شده است تمسّک جوی، [چرا] که تو بر راهی راست هستی. و قطعاً، آن (قرآن) یاد آوری ای برای تو و قوم توست و در آینده بازپرسی خواهید شد. و از کسانی از فرستادگان که پیش از تو فرستادیم، بپرس آیا غیر از (خدای) گسترده‌مهر معبودانی قرار دادیم که پرستیده شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یکی از مراحل استفاده از قرآن را بیان می‌کند که همان تمسّک به قرآن است؛ یعنی استفاده از قرآن مراحلی دارد؛ از جمله: نگاه به آن، روخوانی، تلاوت، ترتیل، ترجمه و تفسیر و تمسّک به قرآن. ۲. مقصود از تمسّک به قرآن، همان چنگ زدن به محتوا و عمل به دستورات آن است که با حمایت از برنامه‌های الهی قرآن و جدا نشدن از آن همراه است. این تمّسک نه تنها وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله، بلکه وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان است و از این روست که مورد بازپرسی قرار می‌گیرند. ۳. «ذِکر» به معنای یاد خدا و آشنایی با وظایف دینی است؛ یعنی قرآن یادمان و یادآور وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان است و از این روست که یکی از نام‌های قرآن نیز «ذکر» است. «۱» البته برخی مفسران نیز گفته‌اند که مقصود از ذکر در آیه‌ی فوق آن است تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۸ که قرآن مایه‌ی شرف و آبرو و ذکر خیر برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان است. «۱» ۴. مقصود از «قوم پیامبر» که در آیه‌ی فوق بدانها اشاره شده است، مجموع امت اسلامی یا قوم عرب و یا قبیله‌ی قریش هستند و در احادیث اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مقصود از قوم، خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. «۲» البته به نظر می‌رسد که مقصود از قوم، معنای وسیع آن است که شامل همه‌ی مسلمانان می‌شود، و بقیه‌ی موارد از مصادیق آن و یا مصداق واضح آن هستند. ۵. در این آیات بیان شده که مردم در مورد قرآن مورد بازپرسی قرار می‌گیرند که آیا بدان تمسّک جستند و به آیات و برنامه‌های آن عمل کردند یا نه. این مطلب مهمی است که وظایف مسلمانان را در برابر قرآن سنگین‌تر می‌کند. ۶. همه‌ی پیامبران مردم را به سوی توحید فرا می‌خواندند و هیچ گاه ادعا نکردند که غیر از خدای رحمان معبودان دیگری وجود دارند تا مردم شرک بورزند و این مطلب به صورت خبر یقینی است که همه‌ی پیامبران به آن گواهی می‌دهند. پس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز راه پیامبران پیشین را ادامه می‌دهد و این مشرکان هستند که مخالف راه پیامبران حرکت می‌کنند. ۷. در مورد پرسش پیامبر صلی الله علیه و آله چند احتمال وجود دارد: الف) مقصود آن است که همه‌ی مردم و مخالفان از پیروان پیامبران پیشین بپرسند که آیا غیر از خدای رحمان معبود دیگری نیز هست. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۵۹ ب) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از روح پیامبران پیشین بپرسد و یا در معراج از آنان بپرسد. «۱» ج) این پرسش تحقّق نیافته بلکه به عنوان شاهد صدق و برای ردّ ادعای مشرکان آورده شده است؛ یعنی اگر از پیامبران پیشین هم بپرسی، خواهند گفت که هیچ معبودی غیر از خدای رحمان برای پرستش مردم قرار داده نشده است. البته به نظر می‌رسد که تفسیر سوم مناسب‌تر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید به راه راست بروید، به قرآن چنگ زنید و راه پیامبر صلی الله علیه و آله را ادامه دهید. ۲. تمسّک به قرآن یکی از مراحل استفاده از این کتاب آسمانی است. ۳. قرآن یادمان پیامبر و مسلمانان است (و حقایق را به یاد آنان می‌آورد). ۴. مسلمانان در مورد قرآن بازپرسی و بازخواست می‌شوند. ۵. شرک در آیین هیچ پیامبری راه نداشته است. ۶. توحید و نبوّت همراهان تاریخی هستند. *** قرآن کریم در آیات چهل و ششم تا چهل و هشتم سوره‌ی زخرف به برخورد موسی با فرعونیان و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶– ۴۸. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَی بِآیَاتِنَا إِلَی فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّی رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِینَ* فَلَمَّا جَاءَهُم بِآیَاتِنَا إِذَا هُم مِنْهَا یَضْحَکُونَ* وَمَا نُرِیهِم مِنْ آیَةٍ إِلَّا هِیَ أَکْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ و یقیناً، موسی را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم، و گفت: «در حقیقت، من فرستاده‌ی پروردگار جهانیانم.» و هنگامی که با نشانه‌های (معجزه آسای) ما به سراغ آنان آمد، به ناگاه آنان بدان (معجزات) می‌خندیدند! و هیچ نشانه (: معجزه) ای به آنان نمی‌نمایاندیم، جز این‌که آن تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۰ بزرگ‌تر از همانندش بود، و آنان را به عذاب گرفتار کردیم، تا شاید آنان (به سوی خدا) بازگردند. نکته‌ها و

اشاره‌ها: ۱. سـرگذشت موسـی علیـه السـلام و فرعـون در سوره‌هـای متعـدد قرآن آمـده و در هر سـوره از زاویـه‌ای خـاص بـه این سرگذشت عبرت‌آموز نگریسته و بخشی از این ماجرا بیان شده است تا فواید تربیتی خاصی از آن گرفته شود. «۱» ۲. موسی صلی الله علیه و آله پس از سال‌ها زندگی نزد شعیب پیامبر صلی الله علیه و آله، مأموریت یافت که به نزد فرعون برود و او را به سوی خدا فرا خواند. موسی به همراه نشانه‌های معجزه‌آسا (هم‌چون عصا و دست سفید) راهی کاخ فرعون شد و اعلام کرد که من فرستاده‌ی پروردگار جهانیان هستم. فرعون که خود را پروردگار بزرگ مردم می‌خوانـد، چوپانی را در حدّ یکی از بنـدگانش در برابر خود دیـد که سخنان تهدیـدآمیز می‌گوید؛ از این رو او را به باد ریشخند گرفتند و به او خندیدند. ۳. مقصود از «آیـات» همان معجزات موسی علیه السلام است که نشانه‌ی درستی و راستی دعوت او بود؛ هم‌چون عصا، که در برابر فرعون و ساحران به کار آمـد. البته موسی علیه السلام معجزات دیگری هم‌چون دست سفید و بلاهای طبیعی نیز ظاهر کرد که هر کدام از دیگری بزرگ‌تر بود. ۴. خدا فرعونیان را در دنیا گرفتار بلاها و مصیبت‌هایی هم‌چون خشک‌سالی و قحطی و کمبود کرد، تا شاید بیدار شده، توبه نمایند و دست از ستمکاری و سرکشی بردارند و به سوی خدا آیند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغـان الهی نخست با دلیل و معجزه به مصاف دشمن بروند و به طور شفاف مواضع خود را بیان کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۱ ۲. طبقه‌ی سرمایه‌داران طاغوتی از مخالفان رهبری الهی هستند. ۳. رهبران و مبلغـان الهی آماده‌ی ریشـخند دیگران باشـند. ۴. برخی از مشکلات بشر برای بیداری و بـازگشت او (به سوی خـدا) ست. ۵. ریشـخند آیـات خـدا، مجـازات الهی را در پی دارد. *** قرآن کریم در آیـات چهل و نهم و پنجـاهم سوره‌ی زخرف به درخواست فرعونیـان برای برطرف شـدن مجازات‌های دنیوی آنان و نیز عهدشـکنی‌شان اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۴۹ و ۵۰. وَقَالُوا يَاأَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ* فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ و گفتنـد: «ای سـاحر! از پروردگارت، به عهـدی که نزد تو دارد، برای ما بخواه، که مسـلماً، ما ره یافته‌ایم.» و هنگامی که عـذاب را از آنان برطرف ساختیم، ناگهان آنان پیمان می‌شکستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وقتی فرعونیان با موسی علیه السلام مخالفت کردند، در مرحله‌ی اول گرفتار عـذاب‌های دنیوی، یعنی مصیبت و خشک‌سالی و کمبود شدند، تا شاید به سوی خدا بازگردند. این مشـکلات باعث شد که فرعونیان نزد موسـی علیه السـلام آمدند و از او تقاضا کردند که از پروردگارش بخواهد که مصیبت‌های آنان برطرف شود و آنان تعهد کردند که هدایت الهی را بپذیرند. ولی هنگامی که موسی علیه السلام دعا کرد و مشکلات آنان برطرف شد، باز هم عهد شکنی کردند و به راه کفر و شـرک و سرکشـی ادامه دادند. ۲. فرعونیان، موسـی را «ساحر» خواندنـد. این به خاطر غرور و سرکشـی فرعونیان بود که از طرفی لجاجت می‌کردند و او را ساحر می‌خواندند و از تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۲ طرف دیگر به خاطر نیازی که داشـتند دست به دامن موسی علیه السـلام می‌زدند که دعا کند تا مشکلاتشان برطرف شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سـردم‌داران کفر عهدشـکن هستند (پس به سخنان آنان اعتماد نکنید). ۲. رهبران و مبلغـان دینی بداننـد که مخالفان آنان افرادی گستاخ‌اند پس منتظر تهمت‌های آنان باشند. ۳. عـذاب‌های دنیوی ممکن است با دعای مردان الهی برطرف شود. *** قرآن کریم در آیـات پنجـاه و یکم تـا پنجـاه و چهارم سوره‌ی زخرف به سـخنان فریبنـده‌ی فرعون و پیروی فاسـقان از او اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۵۱- ۵۴. وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ* أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هـذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ* فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِن ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ* فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْماً فَاسِقِينَ و فرعون در (میان) قومش ندا داد، گفت: «ای قوم [من ! آیا فرمان‌روایی (کشور) مصر برای من نیست، در حالی که این نهرها تحت (فرمان) من روان است؟! پس آیا (حقایق را) نمی‌بینیـد. آیا من بهتر از این نیسـتم که او پست است، و نزدیک نیست که (سخن را) روشن سازد؟! پس چرا بر او دستبندهایی از طلا افکنده نشده، یا با او فرشتگان دوشادوش نیامده‌اند؟!» (فرعون) قومش را سبک (سر) ساخت، پس او را اطاعت کردند؛ [چرا] که آنان گروهی نافرمان بودند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وقتی موسـی علیه السـلام معجزات خود را آشـکار کرد و بـا دعای خویش مردم را از مشـکلات و مصائب نجات داد،

توده‌ی مردم متوجه او شدند؛ از این رو فرعون که فردی زیرک و فریبکار بود، با تبلیغات و سخنان فریبنده، بار دیگر مردم را فریب داد. ۲. فرعون دو ویژگی و ملاک برتری برای خود بیان کرد: الف) او فرمان‌روای مصر است؛ ب) نهرهایی مثل رودخانه‌ی نیل در اختیار اوست. از این سخنان روشن می‌شود که معیار برتری و فضیلت در نزد فرعون همان قدرت و ثروت بود و از این روست که آنها را به رخ مردم می‌کشید. ۳. تعبیر «نادی نشان می‌دهد که فرعون مجلس بزرگی از سردمداران کشور و مردم تشکیل داد و با صدای رسا مطالب خود را بیان کرد، یا این که با بخش‌نامه‌ای، توسط مأموران، مطالب خود را به گوش مردم رساند. ۴. مقصود از «انهار» همان نهرهای فرعی رودخانه‌ی نیل است که تقسیم آنها تحت فرمان فرعون و آبادانی و ثروت سرزمین مصر وابسته به آنها بود «۱» و شاید برخی شاخه‌های آن از زیر قصر فرعون نیز می‌گذشت که بدان اشاره کرد. ۵. فرعون در تبلیغ علیه موسی علیه السلام، دو نقطه‌ی ضعف برای او بیان کرد: الف) او از طبقه‌ی پایین و نژاد پست و فقیر است. ب) او نمی‌تواند واضح سخن بگوید و لکنت زبان دارد. در حالی که موسی دعا کرده بود و سنگینی زبانش برطرف شده بود. «۲» ۶. از این بیان فرعون روشن می‌شود که او معیار پستی افراد را در طبقات تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۴ اجتماعی و فقر و نژاد می‌دانست؛ چون موسی شبانی فقیر و از بنی‌اسرائیل بود و اشراف و فرعونیان نژاد خود را برتر و سرور آنان می‌دانستند. در حالی که هیچ کدام از این امور معیار پستی و برتری افراد نیست، بلکه معیارهای واقعی از منظر قرآن، ایمان، علم، تقوا و جهاد در راه خداست. ۷. فرعون دو بهانه علیه موسی علیه السلام آورد: الف) چرا موسی دست‌بندهای طلا ندارد؟ چون فرعونیان عقیده داشتند که سران قوم باید دست‌بند و گردن‌بند طلا داشته باشند، در حالی که موسی علیه السلام لباسی پشمینه و بدون زینت داشت. ب) اگر موسی علیه السلام فرستاده‌ی خداست، چرا فرشته‌ای همراه او نازل نشده است تا او را تأیید کند. آری؛ فرعون نیز هم‌چون دیگر مشرکان طول تاریخ، در برابر پیامبر خدا بهانه تراشی می‌کرد، وگرنه روشن است که پیامبران باید از جنس بشر باشند تا الگوی مردم شوند و فرشتگان نیز بر پیامبران نازل می‌شدند اما مجرد بودند و هر چشمی نمی‌توانست آنان را ببیند و لازم هم نبود، چرا که پیامبران به اندازه‌ی کافی معجزات روشن آورده بودند. ۸. فرعون برای سرکوبی مردم و تسلّط بر آنان، شخصیت آنها را خوار و سبک می‌خواست؛ از این رو از پیش‌رفت علمی و فکری آنان جلوگیری و آنان را در فقر فرهنگی نگه می‌داشت و با تبلیغات فریبنده شست‌وشوی مغزی می‌داد. این شیوه‌ی استعمارگران و مستکبران در طول تاریخ است، همان گونه که در عصر ما ملت‌های جهان سوم را با وسایل ارتباط جمعی پیش‌رفته می‌فریبند و با تحمیق آنان به استعمار و استثمارشان می‌پردازند. ۹. فسق و نافرمانی فرعونیان باعث شد که تحت سلطه‌ی فرعون در آیند و فریب تبلیغات او را بخورند. آری؛ اگر آنان فرمان‌بردار خدا بودند، سر تسلیم در برابر طاغوت‌ها و مستکبران فرود نمی‌آوردند. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نظام ارزشی طاغوتیان بر اساس قدرت و ثروت و چرب زبانی استوار است. ۲. مستکبران طبقه‌ی فقرا را نژادی پست می‌دانند. ۳. مستکبران در برابر پیامبران بهانه‌جویی می‌کنند و از آنان طلا و فرشته می‌خواهند. ۴. مستکبران شخصیت مردم را سبک می‌خواهند تا از آنان اطاعت کنند. ۵. فسق و فقر زمینه‌ساز تسلّط طاغوت‌هاست. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و پنجم و پنجاه و ششم سوره‌ی زخرف به فرجام عذاب‌آلود فرعونیان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵ و ۵۶. فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ* فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفاً وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ. و هنگامی که ما را خشمگین و اندوهناک ساختند، از آنان انتقام گرفتیم و همه‌ی آنان را غرق کردیم. و آنان را پیشگامان (در عذاب) و نمونه‌ای (عبرت‌آمیز) برای (ملت‌های) پسین قرار دادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وقتی اندرزهای موسی و مصیبت‌ها باعث بیداری فرعونیان نشد و خدا را به خشم آوردند، خدا از آنها انتقام گرفت و غرقشان کرد. آری؛ رود نیل که مایه‌ی فخر و مباهات فرعون بود، مایه‌ی هلاکت او شد. ۲. «اسَف» به معنای اندوه و خشم است، ولی از آن جا که این امور هیجان‌های درونی است و ساحت خدا از این تغییر حالات منزّه است، پس تأسف و خشم و اندوه خدا به معنای اراده‌ی مجازات، یعنی پدیدار شدن نتایج خشم و اندوه است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۶ ۳. «سَلَف» به معنای هر چیز مقدم و پیش‌گام و «مَثَل» به معنای سخن عبرت آموز است و از آن جا که

سرگذشت فرعونیان مایه‌ی عبرت دیگران و ضرب المثل است، به آن مثل گفته می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام مستکبران و پیروان آنها، عذاب‌آلود است. ۲. از سرنوشت فرعونیان درس عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم تا پنجاه و نهم سوره‌ی زخرف به برخورد مشرکان با مسیح علیه السلام و جایگاه واقعی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷- ۵۹. وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ* وَقَالُوا ءَآلِهَتِنا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ* إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ و هنگامی که به پسر مریم مثل زده شد، ناگهان، قوم تو از آن (مثل) می‌خندیدند. و گفتند: آیا معبودان ما بهترند یا او؟! آن را جز (از راه) مجادله‌پردازی برای تو (مثل) نزدند؛ بلکه آنان گروهی کشمکش‌گرند. او (: عیسی) جز بنده‌ای که به او نعمت دادیم نیست؛ و او را نمونه‌ای برای بنی اسرائیل (: فرزندان یعقوب) قرار دادیم. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که بین پیامبر صلی الله علیه و آله و مشرکان مکه در مورد معبودان دروغین بحثی در گرفت و پیامبر صلی الله علیه و آله با استناد به آیات قرآن به جایگاه مشرکان و معبودانشان در دوزخ اشاره کرد و یکی از آنان گفت: ما فرشتگان را تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۷ می‌پرستیم و یهود عزیر را و مسیحیان عیسی را می‌پرستند (و اگر با آنها در دوزخ باشیم اشکالی ندارد)، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان پاسخ دادند که اگر کسی واقعاً دوست داشته باشد که معبود شود، او هم در دوزخ است، ولی مشرکان در حقیقت شیطان را می‌پرستند و هر چه را که شیطان به آنان دستور داده است. در این هنگام آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی زخرف نازل شد و به برخورد مشرکان با مسیح علیه السلام اشاره کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان مکه مثالی در مورد عیسی علیه السلام زده و به دنبال آن خندیده و سر و صدا به راه انداخته بودند. «۲» چون فکر می‌کردند که با این مثال بر پیامبر صلی الله علیه و آله جدال و ستیز و بحث می‌کنند و او را شکست می‌دهند. ۲. مقصود مشرکان از مثال این بود که عیسی را پیروانش می‌پرستند و طبق سخن پیامبر صلی الله علیه و آله باید او با پیروانش در جهنّم باشد، در حالی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عیسی را فردی دوزخی نمی‌داند. و از طرف دیگر، معبودان مشرکان، که فرشتگان هستند، از عیسی برترند، پس آنان هم در دوزخ نخواهند بود. و یا این که می‌خواستند بگویند: اگر عیسی در دوزخ باشد، معبودان ما که از او برتر نیستند؛ پس اشکالی ندارد که ما با امثال عیسی و فرشتگان در یک مکان باشیم. «۳» ۳. قرآن کریم اشاره کرده که این مشرکان افرادی پرخاشگر و کشمکش‌گرند که برای مجادله این مثال را زدند، وگرنه می‌دانند که عیسی با معبودان دروغین قابل مقایسه نیست و خود عیسی علیه السلام راضی نیست که تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۸ کسی او را بپرستد، پس او دوزخی نخواهد بود. ۴. در این آیات به جایگاه واقعی عیسی اشاره شده است که او بنده‌ی خدا و الگو و نمونه‌ای برای بنی اسرائیل بود. عیسی یکی از نشانه‌های خدا بود که با تولدی اعجازآمیز آمد و خدا به او مقام نبوّت عطا کرد و در تمام عمر به پرستش خدا پرداخت و از این رو الگوی تمام خداپرستان بنی‌اسرائیل بود. ۵. برخی مفسران و دانشمندان شیعه و اهل سنت در ذیل آیه‌ی فوق روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمودند: در تو نشانه‌ای از عیسی است، گروهی به او عشق ورزیدند تا هلاک شدند (چون او را خدا دانستند) و گروهی با او دشمنی کردند و آنان (نیز) هلاک شدند. وقتی منافقان این سخن را شنیدند (از روی ریشخند) گفتند: آیا شبیه دیگری جز عیسی برای او پیدا نکردند. و در این هنگام آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی زخرف (خوانده و) نازل شد. «۱» البته مقصود از نزول در این حدیث همان تطبیق بر مصداق است، وگرنه اصل آیه در مورد مشرکان است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام افرادی مجادله‌گرند که حتی پیامبران را به ریشخند می‌گیرند. ۲. عیسی بنده‌ی خدا و الگوی مردمش بود (نه معبود مردم). ۳. هدف شما از مثال زدن، جدال و ریشخند نباشد. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۶۹ قرآن کریم در آیات شصتم تا شصت و دوم سوره‌ی زخرف با هشدار به مخالفان اسلام از عیسی به عنوان نشانه‌ی رستاخیز یاد می‌کند و می‌فرماید: ۶۰- ۶۲. وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ* وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ* وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ و اگر (برفرض) بخواهیم، حتماً به جای شما فرشتگانی قرار می‌دهیم که در زمین جانشین (شما) گردند. و قطعاً، او نشانه‌ای

برای ساعت (: رستاخیز) است؛ پس هرگز در آن تردید نکنید و [از من پیروی کنید که این راهی راست است. و شیطان، شما را (از راه خدا) باز ندارد؛ [چرا] که او دشمن آشکاری برای شماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از جانشینی فرشتگان به جای مشرکان آن است که خدا مشرکان را هلاک سازد و فرشتگان را به زمین نازل کند، یا از نسل مشرکان فرشتگانی به وجود آورد یا فرزندان آنها را فرشته‌صفت گرداند تا به عبادت خدا و اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله بپردازند. «۱» ۲. خدا به جای انسان‌ها فرشته قرار نمی‌دهد؛ «۲» چرا که این مطلب با هدف خلقت که تکامل انسان و آزمایش اوست ناسازگار است. ۳. در این آیات اشاره شده که عیسی علیه السلام نشانه‌ی برپایی رستاخیز است. و این مطلب یا بدان جهت است که عیسی علیه السلام در آخر الزمان بازمی‌گردد و به رهبر مسلمانان (امام مهدی عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف) اقتدا می‌کند و این یکی از نشانه‌های رستاخیز است که در احادیث نیز بدان اشاره شده است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۰ و یا بدان جهت که تولد عیسی بدون پدر، دلیل بر قدرت خدا در مورد زنده کردن افراد در رستاخیز و نشانه‌ی آن است. «۱» ۴. شیطان دشمن انسان است. او این دشمنی را با آدم علیه السلام آشکار کرد و در طول زندگی انسان‌ها نیز بر سر راه آنها کمین و با وسوسه‌های خود آنها را منحرف می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا می‌تواند فرشتگان را جانشین شما سازد (اما می‌خواهد شما را بیازماید). ۲. نزول عیسی نشانه‌ی نزدیکی رستاخیز است. ۳. در وقوع رستاخیز تردید نکنید. ۴. اگر می‌خواهید به راه راست گام نهید، به راه خدا بروید. ۵. شیطان انسان را از راه راست بازمی‌دارد (پس مراقب باشید). ۶. مراقب دشمن آشکار خود باشید و فریب شیطان را نخورید. *** قرآن کریم در آیات شصت و سوم تا شصت و پنجم سوره‌ی زخرف به معجزات و ره‌نمودهای عیسی علیه السلام و اختلاف پیروان او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳- ۶۵. وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ الَّذِى تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ* إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ* فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۱ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ و هنگامی که عیسی با دلایل روشن (معجزه آسا) آمد، گفت: «به یقین، من برای شما حکمت آوردم و (آمده‌ام) تا برخی از آنچه در مورد آن اختلاف می‌کنید را برای شما بیان کنم؛ پس خودتان را از [عذاب خدا نگه دارید و [مرا] اطاعت کنید. در حقیقت، فقط خدا پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را بپرستید؛ که این راهی راست است. و [لی احزابی از میان آن (مسیحی) ها اختلاف کردند؛ پس وای به حال کسانی که ستم کردند، از عذاب روز دردناک (: رستاخیز)! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «بیّنات» به معنای دلیل‌های روشن و در این جا مقصود معجزات عیسی علیه السلام هم‌چون شفا دادن بیماران و زنده کردن مردگان است که حقانیّت نبوّت او را اثبات می‌کرد. ۲. «حکمت» در اصل به معنای «جلوگیری کردن از چیزی، به منظور اصلاح آن است». و به عقاید حق و برنامه‌های صحیح زندگی که انسان را از هرگونه انحراف بازمی‌دارد و او را به تهذیب نفس و اخلاق سوق می‌دهد حکمت گفته می‌شود و آوردن این حکمت یکی از اهداف عیسی علیه السلام بود. ۳. چرا عیسی علیه السلام یکی از اهداف خود را برطرف کردن برخی از اختلافات مردم معرفی کرد و برطرف کردن تمام اختلافات را هدف خود قرار نداد؟ مفسران قرآن به این پرسش چند گونه پاسخ داده‌اند: الف) بخشی از اختلافات عقیدتی و علمی مردم سرنوشت‌ساز است و پیامبران در صدد رفع آنها برمی‌آیند، اما برخی از اختلافات جزئی در علوم و سلیقه‌هاست که سرنوشت‌ساز نیست و از حوزه‌ی مأموریت پیامبران خارج است. ب) حل کردن همه‌ی اختلافات مردم عملاً امکان‌پذیر نیست، مگر در رستاخیز؛ از این رو عیسی علیه السلام وعده‌ی حل برخی اختلافات را می‌دهد. «۱» البته مانعی ندارد که هر دو پاسخ صحیح باشد چون منافاتی با یک‌دیگر ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۲ ۴. عیسی علیه السلام دو بار بر ربوبیّت خدا تأکید می‌کند و او را پروردگار خود و مردم می‌خواند، تا روشن سازد که عیسی خدا نیست و پروردگار جهانیان خداست که مردم باید او را بپرستند که این راه راست است. ۵. سخنان عیسی علیه السلام هرگونه بهانه‌ای را از دست منحرفان گرفت اما باز هم گروه‌هایی از مردم در مورد آن حضرت اختلاف کردند و برخی او را خدا خواندند، برخی دیگر او را پسر خدا خواندند و برخی دیگر او را بنده و پیامبر خدا خواندند. همان طور که یهودیان نیز در

مورد او اختلاف کردنـد و برخی از آنان به عیسـی و مادر پاک‌دامنش تهمت‌ها زدنـد و به او سـتم کردند که در رسـتاخیز به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دلیل‌های روشن و حکمت ارمغان رهبران الهی‌است. ۲. رهبران الهی وحدت‌طلب هسـتند و در پی رفع اختلافـات مردم‌انـد. ۳. پیـام عیسـی، اطـاعت از او در راسـتای تقوای الهی است. ۴. راه مسـتقیم، همان پرسـتش پروردگار جهانیان است (نه پرسـتش بندگان او). ۵. مسـیح بنـده‌ی خدا بود و به خداپرستی دعوت می‌کرد. ۶. اختلافات حزبی (در مورد اصل نبوت) نوعی ستمکاری است که عذاب دردناکی در پی دارد. *** قرآن کریم در آیات شصت و ششم و شصت و هفتم سوره‌ی زخرف به ناگهانی بودن رسـتاخیز و فرجام دوستی‌ها در آن روز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۶ و ۶۷. هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ* الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ آیا انتظاری غیر از این دارند که ساعت (: رسـتاخیز) ناگهان به سراغ آنان آید؛ در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند؟! دوسـتان، در آن روز، برخی از آنان دشمن برخی [دیگر] هسـتند، جز خودنگه‌داران. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «ساعت» همان رستاخیز است و از آن جهت به آن ساعت می‌گوینـد که حوادث آن به سـرعت و گویی در ساعتی اتفاقی می‌افتد. ۲. ساعت رستاخیز به طور ناگهانی فرا می‌رسد و مردم متوجه آمدنش نمی‌شوند و همه را غافل‌گیر می‌سازد و از این رو کسـی برای مقابله با مشکلات آن روز آماده نمی‌شود. ۳. دوستی‌هـا دوگونه است: الف) دوستی‌هـای غیر الهی و منفعت‌طلبانه که در رسـتاخیز از هم می‌گسـلد و این‌گونه دوسـتان دشـمن هم می‌گردنـد و از یـک‌دیگر طلبکـار می‌شونـد که چرا مرا منحرف کردی. عشق‌هـایی کز پی رنگی بود عشق نبود عـاقبت ننگی بود (مولوی) ب) دوستی‌هـای پارسایـان و افراد بـاتقوا که دوستی آنان الهی است و بر محور ارزش‌های جاویـدان دور می‌زنـد و نتایـج آن در رسـتاخیز آشـکارتر می‌شود و پابرجاست. دوست مشـمار آن که در نعمت زنـد لاف یاری و برادرخواندگی دوست آن دانم که گیرد دست دوست در پریشان‌حالی و درماندگی (سـعدی) ۴. در حدیثی از امام صادق علیه السـلام روایت شده که فرمودنـد: بدانیـد هر دوستی‌ای که در دنیا به خاطر خـدا نباشد، در رسـتاخیز به دشـمنی تبدیل می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۴ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. رسـتاخیز غافل‌گیر کننده می‌آید. ۲. دوستی‌هایی که بر اساس تقوا نباشـد، در رسـتاخیز به دشمنی تبدیل می‌شود. ۳. دوستی‌های خود را بر اساس تقوا بنا کنیـد که تا قیامت پابرجا بماند. *** قرآن کریم در آیات شـصت و هشـتم تا هفتاد و سوم سوره‌ی زخرف به امنیت بنـدگان مؤمن در رسـتاخیز و نعمت‌های بهشتی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۸-۷۳. يَا عِبَادِ لَاخَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ* الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ* ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ* يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ* وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ* لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ای بندگان [من ! امروز نه هیچ ترسـی بر شماست، و نه شما اندوهگین می‌شوید. (همان) کسـانی که به آیات ما ایمان آوردنـد و تسـلیم بودنـد. (به آنان گفته می‌شود:) داخل بهشت شویـد، در حالی که شـما و همسـرانتان سرخوشـید! ظرف‌هایی از طلا و سبوهایی بر گردشان چرخانده می‌شود؛ هر چه را خودشان بدان میل کنند و چشم‌ها لذت ببرند، در آن (بهشت موجود) است؛ در حـالی که شـما در آن‌جا ماندگاریـد. و این بهشت (همان) چیزی است که آن را به سـبب آنچه انجام می‌دادید، ارث بردید. در آن‌جا برای شـما میوه‌های فراوان است که فقط از آنها می‌خورید. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۵ ۱. در این آیات به چند صـفت افراد بهشتی اشاره شده است: الف) آنان افرادی با ایمان هسـتند؛ ب) آنان تسـلیم (فرمان خـدا) هستند؛ ج) هیـچ ترس و انـدوهی بر آنان نخواهـد بود؛ د) نعمت‌های بهشتی برای آنان آماده شده است. ۲. مقصود از «ازواجی» که همراه بهشتیـان وارد می‌شونـد، همان همسـران یا دوسـتان هم‌ردیف آنها هسـتند. البته معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است و در هر صورت نشان دهنـده‌ی احترام به مؤمنان است که اجازه داده می‌شود همسـران مؤمن آنان به همراه ایشان وارد بهشـت شوند. ۳. مؤمنـان بـا چهره‌ای شادمـان وارد بهشت می‌شونـد و خـدمتکاران بـا ظرف‌هـای غـذا و جام‌هـای (شـراب) گرداگرد آنـان می‌چرخند. ۴. در بهشت هر چه دل بخواهـد یـا چشم انسـان از دیـدن آنهـا لـذت می‌برد آمـاده است. البته مؤمنـان غیر از لـذت‌های

مشروع نمی‌خواهند و اساساً روح سالم انسان بهشتی با لذت‌های حرام ناسازگار است. ۵. بهشت پاداش اعمال انسان‌هاست و نیز بهشت ارثی است که به انسان می‌رسد؛ یعنی هر چند اعمال انسان در به دست آوردن بهشت مؤثر است، اما در حقیقت اعمال انسان در برابر نعمت‌های فراوان بهشت ناچیز است و آن نعمت‌ها همچون ارثی است که بدون زحمت به انسان می‌رسد و خدا به انسان می‌بخشد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بندگی خدا، انسان را از ترس و اندوه رستاخیز نجات می‌دهد. ۲. اگر بهداشت روانی می‌خواهید، بنده‌ی خدا باشید. ۳. اگر بهشت می‌خواهید، ایمان بیاورید و تسلیم خدا باشید. ۴. مؤمنان هر چه بخواهند از انواع لذت‌ها و خوراکی‌ها در بهشت برایشان آماده است. ۵. همسران بهشتیان به برکت آنان وارد بهشت می‌شوند. ۶. بهشت را به بها می‌دهند، نه به بهانه. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و چهارم تا هفتاد و ششم سوره‌ی زخرف به عذاب مجرمان در اثر ستمکاریشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۴- ۷۶. إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ* لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ* وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلكِن كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ در واقع خلافکاران در عذاب جهنّم ماندگارند. (عذاب) از آنان کاسته نمی‌شود، و آنان در آن‌جا مأیوس‌اند! و (ما) به آنان ستم نکردیم، ولیکن آنان (خود) ستمکار بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مُجرم» در اصل از «جرم» به معنای قطع کردن است و مجرم کسی است که با انجام کارهای ناپسند از خدا و ارزش‌های انسان بریده است و در این جا مقصود مجرمانی هستند که راه کفر و سرکشی در پیش گرفته‌اند. ۲. عذاب مجرمان در طول زمان کم نخواهد شد و آنان در اندوهی همراه با ناراحتی و یأس هستند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۷ ۳. ریشه‌ی عذاب مجرمان همان ستمکاری آنان به خود و دیگران از طریق شرک و ظلم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خلافکاری و ستمکاری عامل عذاب جاویدان و اندوه یأس‌آور است. ۲. خدا به کسی ستم نمی‌کند و مجرمان نتیجه‌ی اعمال خود را می‌بینند. ۳. اگر می‌خواهید از عذاب و اندوه نجات یابید، دست از خلافکاری و ستمکاری بردارید. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و هفتم تا هشتادم سوره‌ی زخرف به گفتمان مجرمان با مأموران دوزخ و پاسخ‌های سرزنش‌آمیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۷- ۸۰. وَنَادَوْا يَامَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ* لَقَدْ جِئْنَاكُم بِالْحَقِّ وَلكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ* أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ* أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُم بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُون و ندا در دهند: «ای مالک (و مأمور دوزخ)، باید پروردگارت (عمر) ما را پایان دهد!» (در پاسخ) گوید: «در حقیقت، شما (در دوزخ) ماندگارید.» به یقین، حق را برای شما آوردیم؛ ولیکن بیش‌تر شما از حق ناخشنودید. بلکه (آنان) محکم‌کاری کردند؛ پس ما (نیز در مجازاتشان کاری) محکم می‌کنیم. بلکه می‌پندارند که ما راز آنان و رازگویی‌شان را نمی‌شنویم؟! آری؛ در حالی که فرستادگان ما نزد آنان (اعمالشان را) می‌نویسند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌ها معمولًا از مرگ می‌گریزند اما افرادی که تحت فشار شدید و عذاب قرار می‌گیرند تقاضای مرگ می‌کنند و از این روست که مجرمان در دوزخ تقاضای مرگ و تمام شدن عذاب را دارند ولی پاسخ منفی می‌شنوند، چرا که این عذاب‌ها نتیجه‌ی ستمکاری خود آنان است. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۸ ۲. مجرمان می‌دانند که در رستاخیز مرگی در کار نیست، اما آنان از شدّت یأس و بیچارگی دست به هر کاری می‌زنند تا شاید نجات یابند. آنان که در حجاب و مانع هستند و نمی‌توانند مستقیم با خدا سخن بگویند، «۱» از مأموران دوزخ و فرشتگان تقاضا می‌کنند که از پروردگار بخواهند که آنها را بمیرانند. ۳. در مورد آیه‌ی هفتاد و هشتم سوره‌ی زخرف مفسران دو دیدگاه دارند: برخی آن را ادامه‌ی سخنان فرشتگان مأمور دوزخ، و برخی سخن خدا می‌دانند که به مجرمان می‌گوید: آیا ما مطالب حق، مثل توحید، معاد و قرآن را به وسیله‌ی پیامبران برای شما نیاوردیم که شما نسبت به آنها اکراه داشتید و با آنها مخالفت می‌ورزیدید و قبول نمی‌کردید؟ ۴. مجرمان در دنیا تصمیم‌های محکم و توطئه‌آمیز می‌گرفتند، گاهی می‌خواستند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند یا از هر طریق ضربه‌ای به مسلمانان وارد کنند، ولی خدا توطئه‌های آنان را خنثی کرد و تصمیم تغییرناپذیری در مورد عذاب آنان گرفت. ۵. مجرمان خدا را ناظر و آگاه بر اسرار و سخنان در گوشی خود نمی‌دانستند و همین موجب شد که دست به خلافکاری بزنند، در حالی که فرشتگان الهی حاضر بودند و اعمال آنان را ثبت

می‌کردند و در رستاخیز به این امور رسیدگی می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از فرجام عذاب‌آلود و درماندگی مجرمان، پند بگیرید. ۲. عذاب دوزخ آن‌قدر سخت است که مجرمان در آن جا تقاضای مرگ می‌کنند. ۳. حق را در دنیا بپذیرید که در آخرت دیر است. ۴. کراهت از حق، زمینه‌ساز عذاب الهی است. ۵. سخنان و اسرار انسان‌ها ثبت می‌شود (پس مراقب گفتار و کردار خود باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۷۹ قرآن کریم در آیات هشتاد و یکم تا هشتاد و سوم سوره‌ی زخرف به فرزندانگاری برای خدا پاسخ می‌دهد و با هشدار به مشرکان می‌فرماید: ۸۱- ۸۳. قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ* سُبْحَانَ رَبِّ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ* فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِى يُوعَدُونَ بگو: «اگر برای (خدای) گسترده‌مهر فرزندی بود، پس من، (از) نخستین پرستندگان بودم.» پروردگار آسمان‌ها و زمین، پروردگار تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی)، منزّه است، از آنچه (او را) وصف می‌کنند. پس آنان را رها کن تا (در باطل) فرو روند و بازی کنند، تا این‌که روز (رستاخیز) شان را که وعده داده می‌شوند، ملاقات کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان عرب، فرشتگان را دختران خدا و یهودیان، عُزیر را و مسیحیان، عیسی را فرزند او می‌خواندند؛ از این رو خدا به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که از طریق خاصی به نفی این عقیده بپردازد. ۲. در این آیات با روش خاصّ برخورد با افراد لجوج، با مشرکان برخورد شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله برای مماشات با آنان می‌فرماید: اگر خدا فرزندی داشت اول من از او اطاعت می‌کردم، چون من از شما آگاه‌ترم، ولی چنین چیزی وجود ندارد. ۳. «عابدین» ممکن است به معنای پرستش‌کنندگان یا اطاعت کنندگان باشد. برخی از مفسران آن را در این جا به معنای دوم دانسته‌اند؛ چون اگر بر فرض خدا فرزندی داشت، دلیلی برای پرستش او نبود، اما باید مورد احترام و اطاعت قرار می‌گرفت. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۸۰ ۴. خدا از تهمت فرزند داشتن مبرّا و پاک است؛ چرا که فرزند داشتن نشانه‌ی نیازمندی و جسم بودن است، ولی خدایی که پروردگار همه‌ی جهانیان است به کمک و ادامه‌ی نسل نیاز ندارد تا فرزندی بخواهد. ۵. «عرش» به معنای تخت بلند و کنایه از پایتخت قدرت است و در این جا مقصود پایگاه قدرت خدا؛ یعنی مجموعه‌ی جهان هستی است که هم‌چون پایتخت حکومت الهی است. «۱» ۶. این آیات به مشرکان هشدار می‌دهد که شما مشغول بازی هستید، ولی به زودی با روز موعود رستاخیز ملاقات می‌کنید و گرفتار عذاب می‌شوید، پس تا دیر نشده بیدار شوید و از بازی و باطل‌گرایی دست بردارید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرزندانگاری برای خدا گمانه‌ای بی دلیل است. ۲. با مخالفان لجوج، بر اساس عقاید خودشان به بحث بپردازید. ۳. خدا پاک و منزّه است (پس برای او فرزندی قرار ندهید). ۴. مشرکان را با بازی‌های آنان واگذارید، تا رستاخیز فرا رسد (و گرفتار عذاب شوند). *** قرآن کریم در آیات هشتاد و چهارم و هشتاد و پنجم سوره‌ی زخرف با بیان صفات خدا به معرفی او می‌پردازد و می‌فرماید: ۸۴ و ۸۵. وَهُوَ الَّذِى فِى السَّماءِ إِلهٌ وَفِى الْأَرْضِ إِلهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ* وَتَبَارَكَ الَّذِى لَهُ مُلْكُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ و او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود است؛ و او فرزانه‌ی داناست. و خجسته (و پایدار) است کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۸۱ آنچه بین آن دو است، تنها از آنِ اوست؛ و علم به ساعت (قیامت) فقط نزد اوست؛ و تنها به سوی او بازگردانده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مشرکان برای زمین خدایی و برای آسمان خدای دیگری و برای دریا و صحرا هر کدام خدایی قایل بودند. آیه‌ی فوق با بیان این که خدای آسمان و زمین یکی است، خط بطلان بر پندارهای مشرکان کشید و دوگانه پرستی را نفی کرد. «۱» ۲. در این آیات به چند صفت خدا اشاره شده است: الف) توحید، یعنی خدای تمام جهان یکی است. ب) حکیم، یعنی کارهای خدا حکمت‌آمیز است. ج) علیم، یعنی خدا از همه چیز آگاه است و کارهایش بر اساس علم است. د) خدا فرمانروا و مالک آسمان‌ها و زمین و موجودات بین آن دو است، بر همگان حاکم است و مالک همه چیز است. ه) دانش رستاخیز مخصوص خداست و کس دیگری از ساعت وقوع قیامت اطلاعی ندارد. و) مرجع کلّ موجودات خداست و همگان در رستاخیز به سوی او بازگردانده می‌شوند و جهان به سوی او در حرکت است. ۳. «تبارک» به معنای خجسته و پربرکت است، یعنی

چیزی که دارای خیر فراوان یـا ثبـات و یـا هر دو است و خـدا هر دو ویژگی را دارد؛ یعنی هم موجودی جـاودانی و هم سرچشـمه‌ی خیرات است. ۴. علم به ساعت وقوع رسـتاخیز مخصوص خـداست و از دیگران پنهان است و این فواید تربیتی دارد، چرا که موجب می‌شود افراد همیشه منتظر رسـتاخیز باشـند و بـا انجام کارهای نیک و ترک کارهای بـد، خود را برای آن روز آماده سازنـد. تفسیر قرآن مهر جلـد هجدهم، ص: ۳۸۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با شـناخت صـفات خدا، خداشناسی خود را تکمیل کنید. ۲. معبود جهانیان در آسـمان و زمین یکی است. ۳. دانش رستاخیز مخصوص خداست. ۴. شـما به سوی فرمان‌روای جهان بازگردانده می‌شوید که از همه چیز اطلاع دارد (پس مراقب اعمال خود باشـید). *** قرآن کریم در آیات هشـتاد و شـشم و هشـتاد و هفتم سوره‌ی زخرف به اعتراف مشـرکان به آفرینشـگری خدا و بطلان شفاعتگری معبودانشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۶ و ۸۷. وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ* وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ و کسـانی که غیر از او را می‌خواننـد (و می‌پرسـتند) مالـک شـفاعت نیسـتند؛ مگر کسـانی که به حق گواهی دهنـد، در حـالی که آنان می‌داننـد. و اگر از آن (مشـرک) هـا بپرسـی: «چه کسـی آنان را آفریـد؟» قطعاً می‌گوینـد: «خـدا» پس چگونه (از حق) بازگردانـده می‌شونـد؟! شأن نزول: حکایت کرده‌اند که چند نفر از قریش گفتند: اگر محمد می‌گوید حق است، ما نیازی به شـفاعت او نداریم؛ ما فرشـتگان را دوست داریم و آنهـا به شـفاعت سـزاوارترند؛ از این رو آیه‌ی فوق نازل شـد و به آنان پاسـخ داد. «۱» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات از طرفی شـفاعت نفی شده است و از طرف دیگر با دو شـرط تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۸۳ اثبات شده است؛ یعنی شفاعت معبودان دروغین مشـرکان نفی شده، اما شـفاعت کسانی که گواهی به حق می‌دهند و آگاه هسـتند، اثبات شده است. ۲. شفاعت به معنای پارتی‌بازی نیست، بلکه شـفاعت به معنای پیمودن درجات کمال و جبران نقص‌ها با عنایت خدا و به واسطه‌ی شفیع است. «۱» ۳. مقصود از گواهی به حق، این است که شـفیع توحیـد را در تمـام مراحـل پـذیرفته و در برابر حق تسـلیم است و منظور از آگـاهی شفیـع آن است که او از حقیقت توحیـد آگـاه است و می‌دانـد خـدا در مـورد چه کسـانی به او اجـازه‌ی شـفاعت داده است. «۲» ۴. مشرکان عرب، بر اساس عقل و فطرت، خدا را خالق جهان می‌دانستند و بت‌ها را به عنوان واسطه‌ی شفاعت و یا سمبل وجود مقدس اولیـای الهی مورد پرسـتش قرار می‌دادنـد، در حالی که اگر خالق جهان خـداست، پس او شایسـته‌ی پرسـتش و عبادت است و نباید مشـرکان از او روی‌گردان و منحرف می‌شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از معبودان دروغین کاری برای شما ساخته نیست. ۲. آگاهی و گواهی به حق از شرایط شفاعتگران است. ۳. حتی مشرکان اعتراف به آفریدگاری اللّه دارند. ۴. خالق خویش را بشناسید و منحرف نشوید. ۵. روی‌گردانی و انحراف مشرکان آگاهانه است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۸۴ قرآن کریم در آیات هشتاد و هشتم و هشتاد و نهم سوره‌ی زخرف به شِکوه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله از افراد بی‌ایمان و فرمان گذشت و شکیبایی به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۸ و ۸۹. وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ* فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ و گفتارش (این بود) که «ای پروردگـار [من ! به راستی اینـان گروهی هسـتند که ایمان نمی‌آورنـد.» پس، از آنان درگـذر و بگو: «سـلام!»، و [لی در آینـده خواهند دانست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله با آن همه صبر و تحمّل و تلاش، از دست مشـرکان لجوج و بی‌منطق به ستوه آمـد و به خـدا شـکایت کرد که این قوم من آگاهانه راه انحراف را در پیش گرفته و ایمان نمی‌آورند و سـخنان و دلایل منطقی در دل آنان تأثیر نـدارد. ۲. در این آیات خدا به پیامبر صـلی الله علیه و آله دسـتور می‌دهد که اولًا، از مشـرکان جاهل درگذر و از آنان رو برتاب؛ و ثانیاً، هنگامی که این جاهلان با تو برخورد کردند یا بی ادبی نمودند، فقط به آنان سلام کن. سلامی که نشـان جـدایی و بیگـانگی و بی‌اعتنـایی همراه با بزرگواری است. ۳. «سـلام» گـاهی پیام دوستی و سـلامتی است و گاهی سـلام جدایی و نشانه‌ی بی‌اعتنایی همراه با بزرگواری. و در این جا سـلام از نوع دوم است که در برابر افراد جاهل و بی‌ادب گفته می‌شود. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلـد هجـدهم، ص: ۳۸۵ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. کاری نکنیـد که رهبر اسـلام شـکایت شـما را به خدا بکند. ۲. رهبران الهی، برای هـدایت و ایمـان مردم دل‌سوزنـد. ۳. بـا مخالفـان با گـذشت و بزرگواری رفتار کنیـد. ۴. رهـبران الهی، در برابر

لجاجت‌ها و مخالفت‌ها با تحمّل و باگذشت باشند. ۵. مخالفان اسلام بدانند که وضع به همین منوال نمی‌ماند و در آینده (از مجازات‌های الهی) آگاه می‌شوند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۸۷

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوهٔ، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۸۸ چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفهٔ حجج اللّه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر والمفسّرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۸۹ ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه

قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللَّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبیة (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللَّه، دار المعرفة، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفة السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللَّه، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبة الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسة الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹۰ ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیة اللَّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللَّه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹۱ ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللَّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبة الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی

تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللّٰه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّٰه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔاللّٰه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹۲ سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّٰه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللّٰه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹۳ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی،

قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می‌باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللّٰه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹۴ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّٰه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّٰه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرةالمعارف اسلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزههٔ النواظر المعروف (مجموعهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّٰه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹۵ ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبهٔ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسهٔ علوم القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت

عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللَّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللَّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللَّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللَّه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللَّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹۶ ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللَّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللَّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹۷ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی

برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت:، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیهٔ اللّٰه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر جلد هجدهم، ص: ۳۹۸ قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیهٔ اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرة، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل

الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام

یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹